



نشریه آینده پژوهانه

Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture

Ayandehnegar

آینده نگار



شماره بیست و چهارم

پهمن و اسفند ۱۳۹۲

صفحه ۷۶

ISSN: 2322-3316

پیش به سوی رشد اقتصادی

اقتصاد در سالی که گذشت

و چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳

با آثار و گفتاری از:

یحیی آل اسحاق | مسعود نیلی | نرسی قربان

محمد رضا نجفی منش | غلامحسین حسن تاش

محمد حسین برخوردار | فریال مستوفی | توفیق مجد پور

محمد مهدی رئیس زاده | سید حمید حسینی

علی نقیب | حمید میر معینی

محمود نوریان | احمد روستا | مرسل صدیق

امنیت و جزر و مدهای سرمایه گذاری خارجی

پرونده های درباره راهکارهای جذب سرمایه خارجی در اقتصاد ایران

با آثاری از:

محمد رضا بهرامن | حمید رضا فولادگر

محمد رضا پور ابراهیمی | حمید رضا صالحی | نادر فریدونی

حسین دهدشتی | هوشنگ امینی | غلامرضا تاجگردون

اسماعیل جلیلی | پرویز حسابی

و گفت و گو با ابوالفضل کوده ای، مدیر کل دفتر سرمایه گذاری های خارجی ایران

۱۰۰ توصیه برای مدیران کار آفرین



گزارش اوراسیا گروپ

۱۰ ریسک پیش روی جهان در سال جدید



فرا رسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۹۳ مبارک باد



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی
نشریه آینده پژوهانه

آینده نگار



شماره بیست و چهارم
بهمن و اسفند ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
مدیر مسئول: عبدالله کاشانی موحد

اعضای شورای سیاست گذاری: محمدرضا بهرامن، احمد ترک نژاد، سید محمود حسینی
محمود دودانگه، علی اکبر صابری، امیر مانیان، موسی غنی نژاد، محمدصادق مفتاح
علیرضا میر محمد صادقی، حسین نقره کار شیرازی

با نظارت: دکتر سید محمود حسینی
رئیس مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

امور اجرایی: سارا محمدی
آتلیه طراحی: امیر محمد لاجورد، رضا دولت زاده
نظارت فنی چاپ: حسن آقایی زاده
لیتوگرافی: نقش سبز
چاپ و صحافی: پروین

نشانی: خیابان خالداسلامبولی، کوچه بیست و یکم، شماره ۱۰ه
تلفن: ۸۸۱۰۷۸۷۵ داخلی ۳۳۰
نشانی الکترونیک: researchcenter@tccim.ir

مقالات مندرج در آینده نگار الزاما مطابق دیدگاه نشریه نیست
و بازتاب دهنده نظر نویسندگان آنها است.

Ayandehgar
Tehran Chamber
of Commerce, Industries
and Agriculture
No.24 March 2014

شرایط اقتصادی

پس از انتخابات با گذشته
متفاوت است
گفت و گو با
یحیی آل اسحاق
۱۲



راهی جز افزایش قیمت
حامل‌های انرژی نداریم
گفت و گو با
مسعود نیلی
۱۸

۱۴۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری
در ایران شناسایی شده
است
گفت و گو با
ابوالفضل کوده‌ای
۵۴



در داووس چه گذشت؟
سمت و سوی اقتصاد
جهان در سال ۲۰۱۴
۴۶

توسعه کشاورزی
و دخالت دولتی

پژوهشی از
سیدصفدر حسینی
۶۱



۱۰ ریسک پیش‌روی
جهان در سال جدید
گزارش اوراسیا گروپ
یان برمر
و دیوید گوردون
۴۳

گزارش راهبردی: گزارش اجلاس داووس

- ۴۶ در داووس چه گذشت؟ / کلاوس شوآب
- ۴۷ محورهای سخنان رئیس‌جمهور روحانی در داووس
- ۴۸ طلوع دوباره ژاپن
- ۴۹ سه درسی که در داووس آموختم
- ۴۹ داستان دو داووس

اقتصاد سیاسی: سرمایه‌گذاری خارجی

- ۵۰ در ضرورت ایمن‌سازی / محمدرضا بهرامن
- ۵۱ چرا اطمینان در داووس؟ / حمیدرضا فولادگر
- ۵۳ مضرات دولت دیوانسالار / نادر فریدونی
- ۵۳ سرمایه‌گذاری در انرژی مشکلات و راهکارها / حسین دهدشتی
- ۵۴ ۱۴۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری در ایران شناسایی شده است / گفت و گو با ابوالفضل کوده‌ای
- ۵۵ زدودن ذهنیت‌های منفی / اسماعیل جلیلی
- ۵۶ ذوق زده نشویم / پرویز حسینی
- ۵۸ استعداد داریم، امکانات نداریم / حمیدرضا صالحی
- ۵۸ بستر مناسب بودجه ۹۳ برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی / غلامرضا تاجگردون
- ۵۹ پوست‌اندازی به نام خصوصی‌سازی / هوشنگ امینی
- ۶۰ اول بازسازی داخلی، بعد جذب سرمایه خارجی / محمدرضا پورابراهیمی

پژوهش راهبردی: توسعه کشاورزی

- ۶۱ توسعه کشاورزی و دخالت دولتی / صفدر حسینی

کتابخانه: نگاهی به کتاب اقتصاد فقیر

- ۶۴ فقر اقتصاد / مهدی فیضی

راهنمای مدیران

- ۶۶ ۱۰۰ توصیه برای مدیران کارآفرین
- ۶۸ تنوع دویبعدی
- ۶۹ مار رئیس نداریم!
- ۷۰ آیا در اوقاتان همیشه باز است؟
- ۷۱ ثروت جهان در اوج است / گزارش ثروت ۲۰۱۳
- بنیاد کردیت سوئیس چه آمار و اطلاعاتی به ما می‌دهد؟
- ۷۲ سبقت هند و چین
- ۷۳ جایی که ثروتمندترین‌ها زندگی می‌کنند
- ۷۴ توصیه‌هایی برای ظاهر مدیران

دیباجه

- ۴ سال آینده و سرمایه‌گذاری خارجی

پرونده ویژه: چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۳۹۳

- ۶ پیش به سوی خصوصی‌سازی واقعی / محمد پارسا
- ۸ در آستانه تحقق سند چشم‌انداز / نرسی قربان
- ۹ سمت و سوی خودروسازی / محمدرضا نجفی‌منش
- ۱۰ ارتقاء انرژی را جدی بگیریم / غلامحسین حسن‌تاش
- ۱۰ دیپلماسی اقتصاد، تبلور حماسه اقتصادی / محمد حسین برخوردار
- ۱۲ شرایط اقتصادی پس از انتخابات با گذشته متفاوت است / گفت و گو با یحیی آل اسحاق
- ۱۶ سرمایه‌گذاری: نیازمند تدوین استراتژی / فریال مستوفی
- ۱۶ حمل‌ونقل، امیدها و دغدغه‌ها / توفیق مجدپور
- ۱۸ راهی جز افزایش قیمت حامل‌های انرژی نداریم / گفت و گو با مسعود نیلی
- ۲۲ خوش‌بینی کاذب / محمدمهدی رئیس‌زاده
- ۲۲ غول‌های نفتی در راه ایران / سید حمید حسینی
- ۲۳ تولید ثروت: راهکار درمان رکود تورمی / علی نقیب
- ۲۴ سال خوش اقتصادی / حمید میرمعینی
- ۲۵ راه صادرات را باز کنید / محمود نوریان
- ۲۶ فقدان استراتژی؛ معضل گردشگری / احمد روستا
- ۲۶ تجلی یک فرصت طلایی / مرسل صدیق

دهکده جهانی: اقتصاد جهان در سال آینده

- ۲۸ اکونومیست اقتصاد جهان را چگونه ارزیابی و پیش‌بینی می‌کند / جان میکلتویت
- ۲۹ پیش‌بینی اکونومیست از اقتصاد کشورهای جهان در سال پیش‌رو
- ۳۴ روندهای آتی در صنعت‌های مختلف جهان
- جهان به کدام سو می‌رود؟
- ۴۰ بازارهای توسعه‌دهنده
- ۴۰ قطار جدید سریع‌السیر شرق
- ۴۱ تونل‌های عظیم فردا
- ۴۱ وعده‌های ابوت
- ۴۲ چین: بیم‌ها و امیدها
- ۴۲ محاکمه یک ابرقهرمان
- ۴۳ ۱۰ ریسک پیش‌روی جهان در سال جدید / گزارش اوراسیا گروپ / یان برمر و دیوید گوردون



سال آینده سرمایه‌گذاری خارجی

شعله‌های امید را در چشم‌انداز اقتصاد ایران روشن نگه دارد. برای رسیدن به این هدف، رعایت چند نکته محوری ضروری است.

۱

بهبود نظام تصمیم‌گیری

یکی از مهم‌ترین کارهایی که دولت می‌تواند و می‌باید انجام دهد تا خود را از سیاست‌های گذشته متمایز کند، اصلاح نظام تصمیم‌گیری است. اجرای هر گونه طرح و ایده‌ای باید مبتنی بر گزارش‌های مکتوب و کارشناسی شده باشد، بطوری که کارشناسان غیردولتی و بخش خصوصی نیز قادر به نقد و ارزیابی آنها باشند. به ویژه طرح‌هایی که دارای بار مالی فراوان و اثرات متعدد اجتماعی و سیاسی است. تصمیم‌گیری درباره توزیع سبد کالا باید تجربه مناسبی برای دولت باشد، چرا که اگر این طرح پیش از نهایی شدن به قضاوت عرصه عمومی گذاشته می‌شد، به احتمال فراوان از سوی کارشناسان آن قدر نقد می‌شد که سرنوشت آن به وضع موجود دچار نشود. این موضوع برای اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها نیز صادق است. در این میان تردیدی نیست که رسیدن به اجماع در مورد جزئیات برنامه‌های دولت غیرممکن است، ولی کوشش دولت برای جلب موافقت یا حداقل عدم مخالفت سایر کارشناسان نیز برای پیشبرد هر طرح و برنامه‌ای ضروری است.

۲

عقلانیت و قانون‌گرایی

دولت باید محوری‌ترین شعار خود که عقلانیت و قانون‌گرایی است را، در مرحله عمل و سیاست‌گذاری به بهترین شکل ممکن به اجرا بگذارد و نمایش دهد. در این زمینه باید از اقدامات و طرح‌هایی که هزینه‌هایش قطعی و منافع آن احتمالی است، به شدت پرهیز کرد. وضعیت اقتصاد ایران به گونه‌ای نیست که انجام اقدامات با ریسک بالا توجیه‌پذیر باشد. همچنین تخطی از قانون همچون دومینو عمل می‌کند و اگر انجام شود دیگر کسی را یارای جلوگیری از آن نیست.

هر کسی که اندکی با الفبای اقتصادی آشنا باشد، می‌داند که عبور کردن از وضعیت فعلی اقتصاد ایران تا چه حد سخت بوده و نیازمند همراهی و همگامی همه نیروهای سیاسی و اقتصادی کشور است. هر جامعه‌ای به طور معمول با یک یا در موارد خاصی با چند مشکل اقتصادی مواجه می‌شود ولی نکته این است که در بسیاری موارد این مشکلات از یک جنس هستند و راه‌حل آن‌ها نیز مشترک است. برای نمونه اگر یک اقتصاد با مشکل رکود و بیکاری مواجه شود، طبیعی است که سیاست‌های انبساطی می‌تواند به کمک سیاست‌گذاران بیاید و آنان را از رکود خارج کند یا اگر تورم شدیدی در اقتصاد باشد با برنامه‌های انقباضی می‌توان جلوی تورم را گرفت. ولی وقتی که رکود و تورم را شاهد باشیم چه باید کرد؟ راه‌حل یک طرف برای طرف دیگر مشکل‌آفرین است و اگر در این میان مشکلاتی از قبیل تحریم، فقدان دستگاه اداری کارآمد، تداوم سیاست‌های حمایتی از قیمت برخی کالاها مانند انرژی و سوخت نیز در میان باشد، پیدا کردن راه‌حلی که درمان همه این دردها باشد و نیز بتواند نظرات موافق احاد جامعه را به خود جلب کند، عملاً غیرممکن است. بنابراین از دولت فعلی نباید توقعاتی داشت که مصداق «تکلیف مالا یطاق» باشد. به‌ویژه آن که دو مورد تعهد کلان، یعنی پرداخت یارانه‌ها و تامین منافع مالی برای تداوم اجرای مسکن مهر نیز بر دوش بودجه این دولت سنگینی می‌کند. بودجه‌ای که بخش مهمی از آن انعطاف‌ناپذیر بوده و صرف پرداخت حقوق و دستمزد کارمندان و تا حدی حفظ وضع موجود و نگهداری از تاسیسات دولت می‌شود. علی‌رغم تمامی این مشکلات به نظر می‌رسد که اداره و مدیریت کشور پس از دولت پیشین، سهل و ممتنع می‌نماید. سهل است، از این رو که کافی است بسیاری از تصمیمات نامعقول گذشته، کنار گذاشته شود تا قطار اقتصادی در ریل درست خود قرار بگیرد. این وجه ساده شده امور است. ولی مدیریت اقتصادی و خارج کردن آن از بحران تا حدی ممتنع هم هست، زیرا وضعیت اقتصاد به گونه‌ای شده است که اقتصاد کشور نمی‌تواند به صورت خودتنظیم و بدون تحمل دردهای شدید مسیر درست را پیدا کرده و پیش برود. از این رو ضمن اذعان به سختی کار باید امیدوار بود که دولت تدبیر و امید بتواند



اگر طرح سبد کالا پیش از نهایی شدن به قضاوت عرصه عمومی گذاشته می‌شد، به احتمال فراوان از سوی کارشناسان آن قدر نقد می‌شد که سرنوشت آن به وضع موجود دچار نشود.

عملکرد سیستمی

به علت اختلال عمومی در بیشتر زمینه‌های اقتصادی و در تعارض بودن اصلاح هر زمینه با اصلاح برخی از موارد دیگر، دولت باید از عملکرد موردی پرهیز کند. به عبارت دیگر باید مجموعه‌ای از سیاست‌ها را در حوزه‌های گوناگون به اجرا بگذارد به نحوی که نوعی سازگاری درونی در این سیاست‌ها دیده شود؛

- سیاست پولی و نرخ بهره و اعتبارات بانکی
- سیاست مالی و بودجه‌ای
- سیاست ارزی
- سیاست صادرات و واردات
- سیاست انرژی
- سیاست جذب سرمایه‌گذاری
- سیاست قیمت‌گذاری کالا و خدمات
- سیاست خصوصی‌سازی
- سیاست بهبود فضای کسب و کار
- سیاست تامین اشتغال و بیمه‌های بیکاری
- سیاست تأمین اجتماعی و حمایت از طبقات ضعیف و نیازمند
- سیاست دستمزد و کار
- سیاست محیط‌زیستی
- سیاست حمل‌ونقل درون و برون شهری

اگرچه اصلاح برخی از این سیاست‌ها از فوریت بیشتری برخوردارند ولی تردیدی نیست که مجموعه‌ای از سیاست‌های فوق که هماهنگ و منسجم باشد است که می‌تواند به اصلاح وضع اقتصادی منجر شود.

سرمایه‌گذاری خارجی

در میان موضوعات اقتصادی، کوشش برای ورود سرمایه‌های خارجی از اولویت خاصی برخوردار است. هر چند وقتی که دقیق‌تر به این موضوع نظر می‌کنیم، روشن خواهد شد که بدون انجام پیش‌زمینه‌های دیگر امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود نخواهد داشت. پیش از هر چیز، سیاست جذب سرمایه‌گذاری خارجی باید مکمل سرمایه‌گذاری داخلی باشد. به عبارت دیگر

پیش از هر اقدامی باید کوشید که از حداکثر ظرفیت سرمایه‌گذاری داخلی استفاده کرد. در غیر این صورت (بجز در زمینه نفت) افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نه ممکن است و نه شاید مطلوب. پس از این مرحله باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که ایرانیان مقیم خارج یا کسانی که در خارج از ایران سرمایه دارند، آن را به داخل منتقل کنند و در مرحله آخر سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور شوند. البته این مسأله برای نفت و گاز قدری متفاوت است، ولی کلیت این روند قابل نقض نیست. برای رسیدن به شاخص مناسبی از سرمایه‌گذاری خارجی، رسیدن به امنیت پایدار و ثبات اقتصادی از اولویت برخوردار است. همان‌طور که آب به سمت پایین و گودال می‌رود، سرمایه نیز به سوی سود و امنیت سرازیر می‌شود. گام اول نیز حل نسبی مسأله تحریم‌هاست. مسأله‌ای که تاکنون در حد مورد انتظار پیش رفته است. ولی تا رسیدن به مرحله‌ای که روابط پولی و مالی و شرایط صادرات و واردات کشور به وضعیت سال‌های پیش از تحریم‌های اخیر برسد، راه طولانی‌ای در پیش است. رفع تحریم‌ها باید با شرایط دیگری نیز همراه شود، از جمله ثبات در سیاست‌های اقتصادی و معقول بودن آنها و نیز ثبات نسبی و پیش‌بینی شده قیمت‌ها بویژه ارز از لوازم این هدف است.

سرمایه‌گذاری خارجی از یک جهت اهمیت تکمیلی برای سرمایه‌گذاری داخلی دارد، زیرا نه تنها موجب افزایش تولید و اشتغال می‌شود، بلکه به انتقال فن‌آوری و مدیریت و نیروی انسانی کارآمد و مطابق با معیارهای روز جهان به کشور کمک می‌کند. ولی نکته‌ای مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی را نباید فراموش کرد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی فقط با نوشتن قانون یا تأمین زیرساخت‌های سخت‌افزاری مثل ارتباطات، برق، آب و ... محقق نمی‌شود، بلکه اولاً نیازمند ایجاد یک فضای رقابتی در زیرساخت‌های سخت‌افزاری، حداقل در مقایسه با قیمت‌ها و تسهیلاتی که کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس ارائه می‌نمایند، می‌باشد. ثانیاً نیازمند توجه جدی به یک زیرساخت مهم نرم‌افزاری است، این که ما معتقد باشیم برای این که کشور در مسیر رشد پایدار اقتصادی قرار گیرد ضروری است نگاهی برون‌نگر و تعاملی نیز با دیگر کشورهای جهان در چارچوب سیاست‌های کلان کشور داشته باشیم تا از منافع مرضی‌الطرفینی این تعامل در سرعت بخشیدن به تحقق اهداف اقتصادی‌مان بهره‌گیری نماییم. از الزامات این نگرش نیز یکی هم‌سویی و هماهنگی در قوانین و مقررات و سیاست‌های ذی‌ربط و دیگری میان دستگاه‌های مرتبط است که این وظیفه هماهنگ کردن هم برعهده دولت می‌باشد.

تاکنون در حد
مورد انتظار پیش
رفته است. ولی
تا رسیدن به
مرحله‌ای که
روابط پولی و
مالی و شرایط
صادرات و واردات
کشور به وضعیت
سال‌های پیش
از تحریم‌های
اخیر برسد، راه
طولانی‌ای در
پیش است.

خصوصی سازی واقعی

درباره ضرورت عدم دخالت سیاست در بخش انرژی



محمد پارسا
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران



در حوزه برق به جای استفاده از زغال سنگ که سوختی بسیار ارزان است ولی محیط زیست را بیشتر آلوده می سازد باید از منابع گاز مشترک استفاده کنیم چرا که گاز میادین مشترک را اگر ما مصرف نکنیم کشورهای همسایه مصرف می کنند

بی تردید مهم ترین اتفاق مثبت سال جاری بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم برای تمامی بخش های اقتصادی و همچنین حوزه انرژی انتخاب مدیران باتجربه و کارآمد و امید به فاصله گرفتن از فضای ناکارآمد مدیریتی قبلی بوده است. از طرف دیگر اولویت دولت یازدهم مبنی بر تنش زدایی در عرصه روابط بین الملل که الزام بی جایگزین رهایی از مشکلات امروز اقتصاد ایران است می تواند به دلیل جاذبه های بسیار زیادی که برای سرمایه گذاری در حوزه انرژی در خود دارد مقدمه رشد در این حوزه باشد. در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی به دلیل سوابق مثبت آقای مهندس زنگنه و همچنین همکاری که گزینش کرده، برنامه ریزی و دیپلماسی انرژی در کنار دیپلماسی دولت یازدهم که چهره کشورمان را در عرصه بین المللی بهبود بخشیده است، امید به آتیه و ثبات و آرامش را در داخل و خارج نهادینه می کند و نهایتاً برخورد های معتدل و علمی در این حوزه فضای امید را برخلاف گذشته در محیط کسب و کارمان به وجود می آورد. در بخش آب و برق هم مدیران جدید با شناخت بیشتر از مشکلات به وجود آمده در ۸ سال اخیر که باعث ورشکستگی صنعت آب و برق شده بود، با به عرصه گذاشته اند. آنان به درستی دریافته اند که مهمترین معضل در این حوزه بدهکاری زیاد وزارت نیرو به بخش خصوصی و عدم سرمایه گذاری در این حوزه است که نگرانی های جدی نسبت به کمبود آب و برق به وجود آورده است. قطعی آب و یا خاموشی های برق معضلی است که امنیت اجتماعی و روانی را از بین می برد و به عنوان یک ضرورت زیرساختی اگر راهحلی برایش پیدا نشود عملاً جلوی رشد صنایع را در کشور خواهد گرفت. خوشبختانه مدیران جدید با شناخت بیشتر از مشکلات حوزه انرژی، در قالب لایحه بودجه پیشنهاد های خوبی را به مجلس ارائه کردند که تصویب کلیات آن در مجلس، امید به حل مشکلات حوزه انرژی در سال آتی را در دل دست اندرکاران این بخش زنده کرده است. توجه داشته باشیم که متأسفانه در اثر سیاست های غلط سال های گذشته اقتصاد کشورمان دچار رکود تورمی شده است. بخش خصوصی و اکثر نگاه های اقتصادی در دوره ۸ ساله اخیر با ظرفیت ۱۰ تا ۳۰ درصد کار کرده اند و تعداد زیادی هم به دلیل عدم دریافت مطالباتشان از دولت و بدهکاری به بانک ها ورشکست شده اند. آن هم در حالی که بخش خصوصی در این بخش بابت مطالباتش از دولت خسارت دیر کرد دریافت نمی کند ولی متقابلاً به بانک ها هزینه مالی و خسارت دیر کرد و جریمه پرداخت می کند.

در مورد بدهی ارزی بانک ها نیز بدهی شان حدوداً با تغییر ناگهانی نرخ ارز سه برابر شده است. در رابطه با مبحث انرژی خوشبختانه در طرح های ارائه شده دولت به مجلس تبصره های خوبی را رویکرد صرفه جویی دیده شده که می تواند در سال آینده موجبات تحرک اقتصادی را به وجود آورد. مصرف بالای بنزین، گازوئیل، گاز، آب و برق در اقتصادمان که دچار رکود تورمی است هم محیط زیست را آلوده نموده است و هم منابع ثروتمان را بی جهت هدر می دهد. این ثروت بین نسلی است، سرمایه است، حتی اگر به صورت درآمد به بودجه منتقل شود، به نوعی هدر دادن ثروت ملی و بین نسلی است، چه برسد به اینکه با قیمت های غیر واقعی در داخل کشور مصرف کنیم و با مصرف چندین برابر متوسط مصرف سرانه بین المللی، هم محیط زیست را آلوده سازیم و هم ثروت بین نسلی را از بین ببریم. با توجه به مشکلات به وجود آمده در بخش درآمدهای دولت ممکن است ورود سرمایه های دولتی به بخش های برق و نفت با مشکلاتی مواجه شود، بنابراین شایسته است وزیران نفت و نیرو با جهت گیری مناسبی که داشته اند موجبات سرمایه گذاری بخش خصوصی را در زمینه کاهش مصرف، کاهش تلفات و افزایش بهره وری را فراهم سازند.

بنابراین با حل مسائل دیپلماتیک با دنیای خارج و رفع تحریم ها و ثبات در محیط کسب و کار و واقعی کردن نرخ ارز و یکسان سازی آن، اقتصاد انرژی می تواند روند رو به رشد و بهبود خود را داشته باشد و موجبات خروج از رکود تورمی در همین حوزه و صادرات در حوزه خدمات فنی و مهندسی و حوزه احداث و انرژی را فراهم آورد.

مهم ترین دغدغه در حوزه اقتصاد انرژی، دخالت سیاست در این حوزه است. سیاستمدان و نمایندگان مجلس باید از اقتصاددان ها و برنامه های آن ها در حوزه واقعی سازی قیمت حامل های انرژی تبعیت نمایند، نه اینکه خدای ناکرده به خاطر برخی از شعار های توده گرایانه

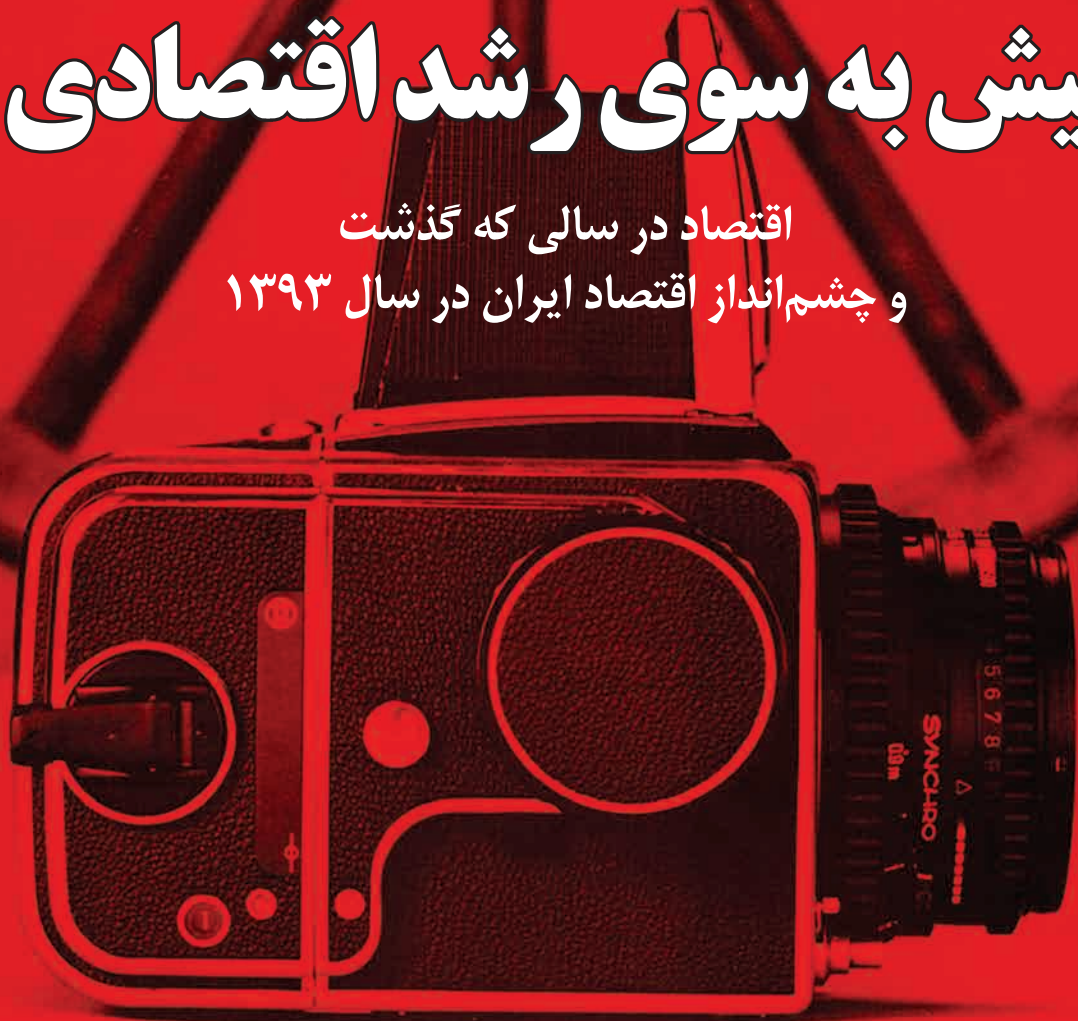
اشتباهاتی تاریخی شبیه اشتباه مجلس هفتم و برخی از دولت های قبلی در مورد تثبیت قیمت حامل های انرژی را تکرار نمایند. از طرف دیگر آنان باید در واقعی سازی قیمت حامل های انرژی از افراط و شیب تند و افزایش قیمت ها جلوگیری نمایند. به نظر می رسد بهترین راه حل آن است که در یک فاصله ۳ تا ۱۰ ساله قیمت حامل های انرژی قابل قاچاق را سریع تر و با شیب تندتر واقعی کنند و قیمت حامل های انرژی شبیه گاز، آب و برق را نیز که می تواند با شیب ملایم تر و ده ساله واقعی شود، به همین شکل به وضعیت مطلوب برسانند، البته مشروط به اینکه قیمت ارز را هم مطابق برنامه چهارم و پنجم توسعه هر ساله معادل تورم داخلی منهای تورم خارجی واقعی سازند. در مورد قیمت گاز برای پتروشیمی ها سقف قیمت گاز نمی تواند قیمت گاز صادراتی به ترکیه باشد چرا که برای انتقال گاز به ترکیه سرمایه گذاری عظیمی روی خطوط لوله شده است. باید قیمت ها حداکثر معادل قیمت های فروش گاز قطر به واحدهای پتروشیمی باشد، هم چنین قیمت خوراک پتروشیمی و نیروگاه ها باید یکسان باشد. در حوزه برق به جای استفاده از زغال سنگ که سوختی بسیار ارزان است ولی محیط زیست را بیشتر آلوده می سازد باید از منابع گاز مشترک استفاده کنیم

چرا که گاز میادین مشترک را اگر ما مصرف نکنیم کشورهای همسایه مصرف می کنند. نهایتاً ایجاد امنیت اقتصادی و روابط بین الملل مطلوب و اعتماد داشتن به برنامه های بیست ساله و پنج ساله و اجرای آن ها و ثبات تصمیم گیری و رویه عدم دخالت سیاست در اقتصاد و اقتصاد در سیاست و محیط رقابتی در کسب و کار و خصوصی سازی واقعی و اعلام شیب افزایش قیمت حامل های انرژی و مفید بودن آن می تواند سرمایه های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی را به تدریج در بخش انرژی جذب نماید. باید خصوصی سازی واقعی ادامه یابد، انحصارات از بین بروند و درآمدهای نفتی با شیب بالاتر از سالی سه درصد به صندوق توسعه ملی برود تا در سال ۱۴۰۴ یعنی موعد پیش بینی شده برای تحقق چشم انداز، دولت بدون وابستگی به درآمد نفت از محل درآمدهای مالیاتی هزینه اش را تأمین نماید چون درآمد بسیار بزرگی از محل اصلاح قیمت حامل های انرژی حاصل می شود باید حداقل ۵۰ درصد درآمدهای ریالی در این بخش به صندوق توسعه ملی برود و صرف کمک به تولید و اصلاح و بهینه سازی مصرف انرژی بشود و سهم مالیات عملکرد و مالیات ارزش افزوده هم از این محل به درآمدهای دولت اضافه شود تا بتوان آن را برای بیمه سلامت و بیمه حقوق بیکاری و کمک به افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد و افزایش حقوق کارمندان دولت مطابق نرخ تورم صرف کرد. برخورد علمی و با برنامه ریزی همه جانبه با افزایش قیمت حامل های انرژی که به نرخ امروز دلار در حدود سیصد هزار میلیارد تومان (یک و نیم برابر بودجه) در جامعه توزیع می شود، می تواند موجبات شکوفایی اقتصادی کشورمان شود. توجه داشته باشیم یکی از اهداف مهم برنامه های بیست ساله و پنج ساله کوچک نمودن دولت است، دولت باید هزینه های کاهش یابد، از طریق وصول مالیات شریک تمام بنگاه های تولیدی و خدماتی کشور شود و درآمدش را از محل ۲۵ درصد سود بنگاه ها و مالیات بر ارزش افزوده تأمین کند. هر چه تعداد بنگاه های کشور بیشتر شود و هر چه سود بنگاه ها افزایش یابد، دولت هم درآمدش بیشتر می شود. واقع دولت یک شریک ۲۵ درصدی برای تمامی فعالیت های اقتصادی کشور می شود و باید سعی کند هم تعداد شرکایش را بالاتر ببرد و هم بنگاه های موجود را بزرگ تر و سودده تر کند. نفت سرمایه است و باید در سال ۱۴۰۴ تمامی درآمد نفتی ما به صندوق توسعه ملی واریز شود. بنابراین برنامه ریزی ها و نگرش ها باید در این راستا باشد که شرکت نفت بین المللی شود، یکی از شرکت های بزرگ نفتی در دنیا شود و انتفاع دولت از درآمد مالیات ارزش افزوده و مالیات عملکرد باشد، نه اینکه درآمدی که سرمایه ای ملی است به سرفصل بودجه برود و گاه اقتصادمان را دچار بیماری هلندی نماید.

بنابراین مهم ترین مواردی که دولت باید برای سال آینده در حوزه انرژی در دستور کار داشته باشد تسهیل شرایط برای جذب سرمایه های بخش خصوصی در بخش های کاهش مصرف، کاهش تلفات و افزایش راندمان با توجه به کاهش توان سرمایه گذاری دولتی برای افزایش تولید و همچنین اصلاح ساختار اقتصاد انرژی از طریق اصلاح قیمت حامل های انرژی با اولویت حامل هایی است که امکان قاچاق شدن دارند.

پیش به سوی رشد اقتصادی

اقتصاد در سالی که گذشت
و چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳



۸	در آستانه تحقق سند چشم‌انداز / نرسی قربان
۹	سمت و سوی خودروسازی / محمدرضا نجفی‌منش
۱۰	ارتقاء انرژی را جدی بگیریم / غلامحسین حسن‌تاش
۱۰	دیپلماسی اقتصادی، تبلور حماسه اقتصادی / محمد حسین برخوردار
۱۲	شرایط اقتصادی پس از انتخابات با گذشته متفاوت است / گفت‌وگو با بحیی آل‌اسحاق
۱۶	سرمايه گذاري؛ نیازمند تدوین استراتژی / فریال مستوفی
۱۶	حمل‌ونقل، امیدها و دغدغه‌ها / توفیق مجدپور
۱۸	راهی جز افزایش قیمت حامل‌های انرژی نداریم / گفت‌وگو با مسعود نیلی
۲۲	خوش‌بینی کاذب / محمدمهدی رئیس‌زاده
۲۲	غول‌های نفتی در راه ایران / سید حمید حسینی
۲۳	تولید ثروت؛ راهکار درمان رکود تورمی / علی نقیب
۲۴	سال خوش اقتصادی / حمید میرمعینی
۲۵	راه صادرات را باز کنید / محمود نوربان
۲۶	فقدان استراتژی؛ معضل گردشگری / احمدروستا
۲۶	تجلی یک فرصت طلایی / مرسل صدیق

در آستانه تحقق اهداف سند چشم‌انداز

جهت‌گیری و عملکرد دولت یازدهم در صد روز دوم چه می‌تواند باشد؟



■ نرسی قربان
کارشناس انرژی



**ادامه روش
غلط پرداخت
یارانه به بیش از
۷۳ میلیون نفر
همچنان یک
معضل بزرگ
است که اگر
قطع شود هزینه
سیاسی و اگر
ادامه یابد فاجعه
اقتصادی برای
دولت جدید
به‌همراه خواهد
داشت.**

در اوایل سال ۱۳۹۲ تحریم‌هایی که عمدتاً نه با قوانین بین‌المللی و نه با معیارهای انسانی قابل توجه بود علیه ایران به اوج خود رسید و سیستم بانکی، بیمه، حمل‌ونقل و صنعت نفت و گاز کشور را به شدت تحت تاثیر خود قرار داد. در همین سال انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار شد که مهم‌ترین بحث مطرح شده توسط کاندیداهایش موضوع تحریم‌ها و نحوه مذاکره برای رفع آن‌ها بود. به هر ترتیب مردم ایران در میان سلاقی مختلف به آقای دکتر روحانی رای دادند. رایی که نشان‌دهنده عزم ملی برای رفع تحریم‌های ظالمانه و باز شدن درهای ایران برای تعامل اقتصادی با جهان بود. مهم‌ترین اتفاقی که در سال ۱۳۹۲ رخ داد شروع مذاکرات جدی بین ایران و ۱+۵ و رسیدن به توافق کلی برای رفع اختلافات موجود بود. ایران با حدود یک درصد جمعیت جهان و یک درصد مساحت خشکی جهان حدود ۱۸ درصد ذخایر گاز و ۱۰ درصد ذخایر نفت جهان را دارد. صنعت نفت و گاز مهم‌ترین نقش را در اقتصاد ایران بازی کرده و خواهد کرد. از این جهت توافقات ژنو را می‌توان مهم‌ترین اتفاق مثبت در حوزه انرژی کشور دانست. اهمیت ذخایر هیدروکربور کشور و موقعیت ژئوپلیتیک ایران عمده‌ترین عواملی هستند که طرف مقابل را به این تعامل علاقه‌مند نموده است. اگر توافقات انجام شده در چند ماه آینده به نتیجه برسد بیشترین پتانسیل ایجاد ثروت در ایران را می‌توان در صنعت انرژی کشور پیش‌بینی کرد و این صنعت را که در چند دهه گذشته قلب اقتصاد ایران بوده است، به بهترین وجهی به حرکت درآورد.

در سال ۱۳۹۳ از چهار چالش اصلی در حوزه انرژی می‌توان نام برد که حل آن‌ها می‌تواند اقتصاد ایران را از انزوا و تحریم به یکی از موفق‌ترین اقتصادهای جهان در افق سند چشم‌انداز تبدیل نماید. از این چهار چالش یکی سیاسی و بقیه مربوط به نحوه عملکرد و تصمیم‌گیری اقتصادی دولت جناب آقای روحانی می‌باشند.

چالش بزرگ سیاسی در سال ۱۳۹۳ به نتیجه رساندن توافقی‌ها با ۱+۵ در ژنو است که عملاً می‌تواند دربرهای اقتصاد جهان را به روی کشور باز کند و جذب سرمایه و تکنولوژی را میسر نماید. در چنین شرایطی وجود ذخایر طبیعی، نیروی کار جوان و باسواد و موقعیت توریستی، اقتصاد کشور را دگرگون خواهد نمود. تمام کوشش و تجربه تیم مذاکره‌کننده باید به کار گرفته شود که با بهترین راهکارها و با در نظر گرفتن منافع ملی این توافقات به نتیجه برسد. در داخل کشور هم متخصصین و صاحب‌نظران باید برای محقق شدن این مهم که در انتخابات گذشته ملت ایران هم بدان رای داده است کمک نمایند. در هر توافقی دوطرف باید راضی باشند و امتیازاتی به یکدیگر بدهند. ایراد گرفتن از هر توافقی از راه دور و بدون در نظر گرفتن شرایط و ارائه ندادن راه‌حل جدی راهگشا نیست و نخبگان ما باید از آن بپرهیزند و به‌عوض راهکارهای مثبت برای حل شدن مشکلات ارائه نمایند و در نظر داشته باشند که موفقیت این مذاکرات سرنوشت جوانان این کشور را تغییر خواهد داد.

چالش‌های دیگر حوزه انرژی کشور که به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی انرژی دولت برمی‌گردند، مشکل مصرف غیرمعمول انرژی و هدفمند کردن یارانه‌ها در کشور، ایجاد مکانیزمی برای توسعه بهینه منابع نفت و گاز با مشارکت بخش خصوصی داخلی و خارجی، تدوین یک قرارداد برد-برد و تعیین یک فرمول منطقی برای تعیین قیمت درازمدت گاز می‌باشد که عمده‌ترین حامل انرژی در کشور است و صنایع گازبر و برق بر آن متکی می‌باشند.

مصرف انرژی در ایران حدود چهار برابر متوسط جهان است. مصرف انرژی اولیه ایران نیز با در نظر گرفتن تزریق گاز به چاه‌های نفتی حدود ۲۵۰ میلیون تن نفت معادل می‌باشد که از فرانسه (۲۴۵)، انگلستان (۲۰۴)، ایتالیا (۱۶۲)، اسپانیا (۱۴۴) بیشتر است در حالی که تولید ناخالص ملی ما به‌متراب از همه کشورهای فوق‌الذکر کمتر است. سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها به‌نحوی که اجرا گردید و به‌علت کاهش ارزش ریال نتوانست به اهداف خود که کم کردن فاصله قیمت‌های حامل‌های انرژی در ایران و منطقه و عدالت اجتماعی بود برسد. این مهم بزرگ‌ترین چالش اقتصادی در سال ۱۳۹۳ خواهد بود. ادامه روش غلط پرداخت یارانه به بیش از ۷۳ میلیون نفر همچنان یک معضل بزرگ است که اگر قطع شود هزینه سیاسی و اگر ادامه یابد فاجعه اقتصادی برای دولت جدید به‌همراه خواهد داشت. راهکار برون رفت از این بحران تبدیل کارت سوخت موجود برای بنزین و گازوئیل به کارت انرژی برای خانوارهای نیازمند می‌باشد که با آن بتوانند هزینه‌های گاز، برق، بنزین و احتمالاً سایر خدماتی که می‌باید به دولت پرداخت شود را پرداخت نمایند. بدین ترتیب پرداخت نقدی انجام نخواهد شد و کل مبلغ حدود چهل هزار میلیارد تومان در سال در داخل سیستم حساب‌های دولتی جابجایی شود.

حتی اگر دوبار رقم یارانه کنونی به این کارت شارژ شود اثرات تورمی آن از سیستم کنونی کمتر خواهد بود. از آنجا که این کارت دیگر فقط برای خودرو نبوده و بر مبنای شخص و یا خانواده طرح‌ریزی می‌گردد از دادن سوبسید اضافی به کسانی که صاحب چند خودرو هستند جلوگیری می‌کند و در عوض کسانی که خودرو ندارند هم مغیوب نشده و می‌توانند از آن برای پرداخت سایر هزینه‌های انرژی خود استفاده کنند. این مکانیزم می‌تواند برای واحدهای صنعتی نیز به کار گرفته شود و کارت انرژی برای آن‌ها صادر گردد تا بتوانند هزینه‌های انرژی شرکت و مالیات را پرداخت نمایند و صنایعی که بتوانند مصرف انرژی سالیانه خود را کم کنند، برای تشویق جایزه نقدی دریافت کنند. چنین نحوه پرداخت یارانه برای کمک به شهروندان و صنعت می‌تواند منبع اطلاعاتی گران‌قیمتی گردد که مصرف انرژی خانوارها و صنعت در نقاط مختلف کشور را رصد نماید.

چالش دیگری که در سال ۱۳۹۳ صنعت انرژی کشور با آن روبرو است توسعه بهینه منابع نفت و گاز و به‌کارگیری تکنولوژی و سرمایه مورد نیاز برای افزایش تولید از منابع نفت و گاز است و اگر کوشش دست‌اندرکاران مذاکرات ۱+۵ با موفقیت انجام پذیرد، قدم بعدی ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته در صنعت بالادستی و پایین دستی نفت و گاز و همچنین در صنعت برق و انرژی‌های نو می‌باشد. وزارت نفت اخیراً بررسی قراردادهای نفتی را در دستور کار خود دارد، چون قراردادهای بیع متقابل در شرایط فعلی جهانی جویاگی جذب شرکت‌های صاحب سرمایه و تکنولوژی نخواهد بود و احتمالاً در ماه‌های آینده ساختار قرارداد جدید ایران شکل خواهد گرفت. شرکت‌های بزرگ و کوچک نفتی به‌دنبال منافع خود هستند و صاحبان ذخایر نفت و گاز هم به‌دنبال آنند که در ضمن جذب سرمایه و تکنولوژی برای توسعه بهینه ذخایر سهم خود را از منافع حاصله بیشتر نمایند. قراردادهایی که برد-برد هستند معمولاً بر مبنای نوعی مشارکت در منافع می‌باشند، بدین ترتیب که در طول مدت قرارداد کل سرمایه‌گذاری توسط شریک خارجی انجام شود و چون در منافع درازمدت شریک

سمت و سوی صنعت خودروسازی



■ **محمد رضا نجفی منش**
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

یکبار دیگر بارقه امید در دل صنعتگران به خصوص دست‌اندر کاران صنعت خودروسازی و قطعات دمیده شد. با روی کار آمدن دولت یازدهم، علی‌رغم اینکه هنوز برنامه اجرایی مشخصی ارائه نگردیده اما به نظر می‌رسد که آینده روشنی در انتظار این صنعت است. اتفاقاتی که در این زمان کوتاه رخ داده نمود امید را در دل صاحبان صنایع روشن کرده است و انگیزه آنان را مضاعف نموده است.

هرچند که اقتصاد ایران درگیر فرآیند رکود تورمی است و این بار سنگینی است که برداشتن آن از زمین بسیار مشکل به نظر می‌آید، اما باید کوشید و بس امیدوار بود به آنچه که در روزهای آینده به وقوع خواهد پیوست. چنانچه رشد منفی اقتصاد کشور به نرخ رشد مثبت تبدیل شود، آن هم نه نرخی که به تعبیر یک کارشناس اقتصادی طرف ۳ سال آینده از یک الی ۲ درصد افزون‌تر نخواهد بود، اما سایر تحولات امیدوارکننده است. گام مهمی که در

سیاست خارجی کشور برداشته شد و جریانات مربوط به برنامه هسته‌ای که کشور را به مسیر مطلوب کشاند، گامی است که سرنوشت دیگری را برای کشور رقم خواهد زد، رفع تحریم‌ها که بیشترین ضربه را به صنعت کشور زد. بسیار امیدوارکننده است و باید گفت که توافقنامه ژنو، نقطه عطفی در تحولات سیاسی-اقتصادی کشور خواهد بود. از طرف دیگر اظهارات مسئولان، خصوصاً رئیس‌جمهور محترم در خصوص تشویق شرکت‌های خارجی به مشارکت در صنعت خودروسازی کشور، گام مهمی است که در صورت تحقق، حلقه مفقوده تحولات درون صنعت خودروسازی خواهد بود. صنعت خودروسازی نیازمند زیرساخت‌هایی است که اگر نتوان به آن‌ها دست یافت، چرخه رشد و توسعه آن کند و بلکه بلعکس خواهد شد و راه سکون و درجا زدن را خواهد پیمود. یکی از آن زیرساخت‌ها مشارکت شرکت‌های خارجی در امر سرمایه‌گذاری و

توسعه این صنعت است. حضور شرکت‌های خارجی علاوه بر تأمین سرمایه مورد نیاز طرح‌های توسعه شرکت‌های خودروسازی، زمینه کسب دانش فنی و انتقال تکنولوژی محصولات، دانش مدیریت، دانش فروش و خدمات پس از فروش، بنگاهداری اقتصادی و... را فراهم می‌نماید و این آن چیزی است که صنعت خودروسازی شدیداً به آن نیازمند است. لازم به ذکر است که تشدید تحریم‌های بین‌المللی نقاط ضعف بسیار صنعت خودرو سازی را عیان نمود. بیابیم از این اتفاق درس بگیریم و بدون بزرگنمایی، آنچه را که نقطه ضعف ماست، مورد توجه قرار دهیم و در راهی که در دعوت از شرکت‌های خارجی برای مشارکت گشوده شده، پا نهمیم و یک دل و یکصدا به پیش بنازیم. از طرف دیگر با انتخاب مدیران لایق در دولت یازدهم و توجه دولت محترم برای کارشناسی و تشکیل مجدد شورای سیاست‌گذاری خودرو، زمینه اخذ تصمیمات علاقه‌مند برای صنعت خودروسازی فراهم گردیده، بنابراین امید است کلیه دست‌اندر کاران و کارشناسان از این فرصت به دست آمده نهایتاً حسن استفاده را نموده و با ارائه طرح‌ها و راهکارهای مناسب زمینه رشد صنعت خودروسازی را فراهم آورند. بدیهی است که تحقق کلیه این موارد موکول است به داشتن یک استراتژی و برنامه مدرن و مصوب که همگی خود را ملزم به تحقق و رعایت مفاد آن بدانند. این برنامه نه تنها بایستی فاقد اهداف بلندپروازانه و دست‌نیافتنی باشد، بلکه این بار باید در راهی قدم برداریم که در حداقل زمان به حداکثر اهداف تعریف شده دست یابیم. داشتن یک استراتژی و برنامه ممکن، به همراه به کارگیری مدیران امین و شایسته و تخصیص منابع لازم، قطعاً ما را به سمتزل مقصود خواهد رساند.

در پایان نمی‌توانم نگرانی خود را از وضعیت اقتصاد ایران که به تعبیر کارشناسان درگیر رکود تورمی است بیان نکنم. همه اقدامات فوق جهت نجات صنعت خودروسازی کشور، زمانی به ثمر خواهد نشست که روند اصلاح ساختار اقتصاد کشور و نجات از شرایط رکود تورمی به نتیجه برسد. کارشناسان راه چاره را توجه به امر تولید و محدود دانستن آن در عرصه اقتصاد می‌دانند. اینکه بخش اعظم اقتصاد کشور دولتی است و همه فعالیت‌ها موکول به راه افتادن این بخش از اقتصاد می‌باشد، بسیار ناخوشایند است. نادیده گرفتن ظرفیت‌های بخش خصوصی کشور و عدم مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی کلان اشتباهی مهلک است که در نهایت برای همه گران تمام می‌شود. چاره آن است که به فعالان لایق و شایسته بخش خصوصی اعتماد کنیم و کارها را به آنان بسپاریم. بدین ترتیب هم بار سنگینی که بر دوش دولت است و بلکه از توانش هم خارج است را برداشته‌ایم و هم اعتماد کارآفرینان و مردم را جلب می‌نماییم.

است بهترین تکنولوژی را برای استفاده بهینه از ذخایر به کار خواهد گرفت. قراردادهای خدماتی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی در بعضی کشورها شروع شد در حال حاضر مورد علاقه شرکت‌های بین‌المللی انرژی نیست و درصد کوچکی از قراردادهای نفتی جهان را تشکیل می‌دهد. در این رابطه مسئولان باید با شجاعت و بدون خودسانسوری قراردادی را پیشنهاد کنند که منافع ملی ایران را در درازمدت حفظ کند و نباید مشکلات سیاسی داخلی را مدنظر بگیرند. اگر ایران بخواهد نقش اول خود را در انرژی منطقه بازیابد، می‌باید قراردادهای برد-برد را عنوان نماید. ایران کشوری قوی است و در سی سال گذشته ثابت کرده که می‌تواند از منافع ملی خود دفاع کند و ترسی از شرکت‌های نفتی ندارد. کارشناسان ایرانی می‌توانند منافع ملی را در همه نوع قراردادی حفظ نمایند. قراردادهای امتیازی در قانون اساسی منع شده است ولی قراردادهایی که منافع دوطرف را در درازمدت حفظ می‌کند مشکل حقوقی ندارد. این موضوع که مفاد قراردادهای مشارکت در منافع مغایرتی با قانون اساسی ندارد اخیراً توسط معاون محترم وزیر نفت نیز ابراز گردیده است. اگر هم ابهامی در این زمینه باشد می‌توان با تفسیر شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام مرتفع گردد. با توهم آن که این نوع قراردادها ممکن است با قانون اساسی وفق ندهد نمی‌توان ایران را از دستیابی به بهترین تکنولوژی و بیشترین سرمایه‌گذاری محروم کرد.

چالش دیگر دولت جناب آقای روحانی در سال ۱۳۹۳ قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی است. علی‌رغم آنکه اکثر کارشناسان اهمیت اصلی را در قیمت‌گذاری بنزین می‌دانند، مهم‌ترین چالش برای اقتصاد ایران طرح فرمول درازمدت گاز است. گاز حدود ۶۵ درصد سبب انرژی کشور است و در تولید برق کشور نیز عمده‌تاز گاز استفاده می‌شود. صنایع گازبر می‌تواند یکی از مهم‌ترین منابع درآمد و اشتغال کشور در آینده باشد. برای سرمایه‌گذاری در صنایع گازبر فرمول قیمت درازمدت گاز مهم است و نه قیمت گاز در سالی معین، زیرا احداث یک واحد صنعتی چندین سال طول می‌کشد و سرمایه‌گذار برای بررسی اقتصاد طرح، به قیمت درازمدت گاز مورد نظر نیاز دارد.

در زمان تصویب قانون هدفمندکردن یارانه‌ها (مصوب ۱۳۸۸) مقرر شد که میانگین فروش گاز طبیعی تا آخر برنامه پنجم به حداقل ۷۵ درصد قیمت سبب صادراتی پس از کسر هزینه‌های انتقال برای مصرف خانگی برسد. جهت تشویق سرمایه‌گذاران قیمت خوراک واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی برای مدت ۱۰ سال پس از تصویب قانون حداکثر ۶۵ درصد قیمت سبب صادراتی در مبداء خلیج فارس تعیین گردید. قیمت گاز صادراتی بر مبنای فرمول‌هایی که بر مبنای صادرات گاز مایع (LNG) بود تعیین گردید. از آنجا که فرمول تعیین قیمت این کالا در گذشته با متوسط نفت وارداتی ژاپن تعیین می‌گردید، به‌طور غیرمستقیم متوسط قیمت نفت وارداتی ژاپن (JCC) مبنای قیمت‌گذاری گاز در ایران شد در حالی که این فرمول برای تعیین LNG به کار گرفته شده است. اجرای این فرمول برای تعیین قیمت درازمدت گاز، قیمت این حامل انرژی برای صنایع ایران را به بیش از ۵۰۰ تومان در هر متر مکعب یعنی ۷ برابر قیمت کنونی آن می‌رساند. به کارگیری این فرمول از همان سال دوم هدفمندکردن یارانه‌ها از طرف دولت متوقف شد.

زمان آن فرا رسیده که فرمول جدیدی به جای فرمول غیر اقتصادی و غیر عملی سابق تعیین گردد. فرمول قیمت‌گذاری می‌باید بر مبنای متوسط هزینه‌های واقعی تولید (با در نظر گرفتن ارزش میعانات گازی)، پالایش و انتقال گاز در کشور با در نظر گرفتن سود معینی برای شرکت‌های دست‌اندر کار تولید، پالایش و انتقال چه دولتی و خصوصی محاسبه شود. به این رقم می‌باید مالیاتی اضافه گردد که آن را می‌توان مالیات ارزش ذاتی گاز خواند. این مالیات به نحوی تعریف می‌شود که از یک سو با مصرف بی‌رویه گاز در بخش خانگی مقابله نماید و مصرف‌کننده را به صرفه‌جویی در مصرف گاز وادارد. از سوی دیگر خوراک و یا سوخت صنایع را طوری مدیریت نماید که مزیت نسبی ایران با بزرگ‌ترین منابع گاز جهان حفظ شود و مصرف بهینه گاز در صنعت شکل گیرد.

اگر دولت جناب آقای روحانی بتواند این چالش‌ها را در سال ۱۳۹۳ به نحو مطلوب حل و فصل نماید بزرگ‌ترین خدمت را به این کشور نموده است و همان طوری که خود ایشان در اجلاس اقتصادی داووس اعلام کردند ایران خواهد توانست به جمع ۱۰ قدرت بزرگ اقتصادی جهان بپیوندد و اهداف سند چشم‌انداز نیز محقق شود.

ارتقاء انرژی را جدی بگیریم

دستاوردهای اولیه دولت جدید در بخش انرژی و عمده‌ترین چالش‌های این بخش



غلامحسین حسن‌تاش

کارشناس انرژی

در پی روی کار آمدن دولت یازدهم، از نظر ایجابی هنوز اتفاق خاص و مهمی در بخش انرژی نیفتاده است که بصورت شاخص بتوان از آن صحبت کرد. نه ظرفیت تولید نفت و گاز و برق افزایش قابل توجهی یافته و نه پروژه قابل توجهی به بهره‌برداری رسیده است و شاید در این مدت نسبتاً کوتاه با مشکلاتی که پیش روی این دولت بوده و با شرایطی که این دولت امور را تحویل گرفت نیز نتوان انتظار تحولی در شاخص‌های کمی داشت. در این میان شاید بتوان از بعضی توفیقات مانند انتخاب کاندیدای ایران به دبیر کلی مجمع جهانی شرکت‌های صادرکنندگان گاز یاد کرد که محصول تغییر چهره بین‌المللی کشور و دستاورد مهمی بود. اما از نظر سلبی می‌توان گفت که اتفاقات خوبی افتاده و جلوی بسیاری از روندهای قهقرائی گرفته شده است. دستاوردهای ماه‌های اخیر بیشتر در حوزه جلوگیری

از ضررهای بیشتر است که به قول آن ضرب‌المثل قدیمی، خودش منفعت است. ادامه روند تحریم‌ها که با دولت یازدهم متوقف شد می‌توانست نفت ایران را بیش از پیش از بازار جهانی خارج کند و مشکلات صادرات محصولات پتروشیمی و برگرداندن وجوه آن را شدیدتر کند. تداوم مدیریت ناشایسته در صنعت نفت و تداوم بعضی روندها در این صنعت چه در نحوه فروش نفت‌خام و چه در عقد قراردادهای بدون ضابطه با پیمانکاران بی‌صلاحیت و امثال آن، مشکلات رو به تزیادی را برای صنعت نفت ایجاد کرده بود که جلوی پیشرفت آن تا حدود زیادی گرفته شد. ظاهراً مدیریت جدید صنعت نفت تلاش دارد جلوی پراکندگی توان و امکانات صنعت را گرفته و بیشترین همت و تلاش خود و صنعت را مصروف پیشرفت فازهای مختلف پارس جنوبی کند که این کار بسیار درستی است. تاخیر

به وجود آمده در به بهره‌برداری رساندن به موقع این فازها که بخشی به علت بی‌توجهی دولت گذشته و سوء مدیریت حاکم بر صنعت نفت در آن دولت و بخشی ناشی از تشدید تحریم‌ها بود، خسارات مستقیم و غیر مستقیم فراوانی را به کشور وارد کرده است که هم‌اکنون در مسیر مثبت‌تری قرار گرفته است.

اما در بخش انرژی مشکلات و چالش‌ها و به تبع آن نگرانی‌های زیادی وجود دارد. در حالی که امروز در همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال ظهور، انرژی را یکپارچه نگاه می‌کنند و یکپارچه سیاست‌گذاری می‌کنند در ایران بخش انرژی فاقد ستاد حاکمیتی (GOVERNANCE)، به مفهوم سیاست‌گذاری و کنترل و نظارت و رگولاتوری است و به تبع آن راهبردها و سیاست‌های کلان بخش روشن نیست و این موضوع مشکلات زیادی را به وجود آورده



دیپلماسی اقتصاد، تبلور حماسه اقتصادی

با اصلاحات ساختاری می‌توان به سمت غنی‌سازی اقتصاد کشور خیز برداشت



محمد حسین برزوردری
رئیس مجمع واردات

در یک نگاه اجمالی به اوضاع و احوال اقتصاد کشور باید گفت که توسعه دیپلماسی اقتصادی و همچنین بازگشت آرامش به فضای اقتصاد و تجارت کشور از بزرگ‌ترین تبلورهای حماسه اقتصادی در نیمه دوم سال گذشته بوده است. اقتصاد و تجارت فرارقابلی امروز بیش از گذشته اهمیت و ضرورت توجه دولتمردان به توسعه همزمان فاکتورهای دیپلماسی اقتصادی و همچنین دیپلماسی بانکی را مورد تأکید قرار داده است. و لحاظ این موضوع در شرایطی که از جهت تجارت بین‌المللی و همچنین تبادلات پولی بین‌المللی در سال گذشته دچار محدودیت‌هایی بودیم، اهمیتی مضاعف یافت.

البته در طول دوره‌ای که دچار نواقصی در پیشبرد رویکردهای مبتنی بر دیپلماسی اقتصادی بودیم نیز فعالان اقتصادی در بخش خصوصی به‌ویژه در حوزه تجارت بین‌الملل به‌هیچ وجه در انتظار ارسال کارت دعوت برای نشست‌های مشترک با کشورهای جهان ننشسته بودند. کنش فعال برای دستیابی به مطالبات و خواسته‌ها، رایزنی و گفت‌وگو و تعامل، به‌عنوان استراتژی محوری در پیشبرد اهداف بخش خصوصی همواره مد نظر بوده و هست. اما طبیعتاً رویکرد تازه دولت مبنی بر توسعه دیپلماسی اقتصادی توانست گشایش‌های مهمی در این حوزه ایجاد کند و علائم اقتصادی پیرامون تجار نیز حکایتگر نشانه‌های روشنی از فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای از سرگیری همکاری فعالان بخش خصوصی در داخل کشور با شرکای خارجی است. ناگفته نپساید که فرآیند احیای تجارت یک فرآیند زمان‌بر است و نمی‌توان منتظر وقوع معجزه بود. ایران یک بازار جذاب با ابعاد رشد بالا برای تجار و شرکت‌های خارجی است اما تغییر فضای تجارت بین‌المللی کشور در سایه توافق ژنو برای تمامی کشورها علی‌الخصوص کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه کاملاً ملموس است و این تحرک زائدالوصف شرکت‌های خارجی در کنار آزاد شدن واردات کالاهای اولویت دهم می‌تواند ناگهان کل چشم‌انداز بازار را تغییر دهد.

علاوه بر توسعه دیپلماسی اقتصادی، در عرصه بین‌المللی، نظام اقتصادی ما تشنه یک دیپلماسی فعال در حوزه جذب سرمایه‌گذاری بود که خوشبختانه رئیس‌جمهور محترم

در عموم دیدارهای خارجی خود به‌خصوص در اجلاس داووس به آن اشارات مستقیمی داشتند. این موضوع از آنجا حائز اهمیت می‌باشد که بدون تردید انتقال سرمایه‌های خارجی به کشور به خودی خود نمی‌تواند مهیا شود و انجام این کار مقدماتی می‌خواهد که به عنوان «زمینه‌های حضور سرمایه‌گذاران» از آن یاد می‌شود و در قالب استانداردسازی سازوکارهای سرمایه‌گذاری قابل تشریح است. براساس آمارهای رسمی، میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته در اقتصاد ایران از سال ۸۹ از رشد نزدیک به ۷ درصدی، به یک درصد در سال ۹۰ و در سال ۹۱ به رقم نزدیک به منفی ۲۲ درصد رسیده است. رسیدن این شاخص مهم به چنین شرایط نگران‌کننده‌ای نشان می‌دهد که الگوریتم سرمایه‌گذاری در ایران دچار مشکلات ساختاری است. اعتقاد به لزوم راهبری و تحریک تجارت بین‌المللی در قالب «سیاست‌گذاری‌های مالی و بانکی» و نه «برنامهریزی صرفاً تجاری» یک اعتقاد کارآمد مدیریت معطوف به تحریک تجارت در جهان فرارقابلی امروز است که بر پایه اصلاح زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری بنا می‌شود و بر اساس شناخت «مختصات اقتصاد بومی» و درک به‌موقع «تحولات بیرونی و داخلی بنگاه‌ها» پیش می‌رود و می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای صحیح مالی و بانکی صرف‌فرد جدیدی را در نوع راهبری از کان بنگاه‌های اقتصادی رقم بزند. به همین جهت باید اذعان کنیم که فراخوان بین‌المللی صورت گرفته برای سرمایه‌گذاری در کشور نیز می‌تواند یک تحول عظیم در حوزه اقتصاد و تجارت کشور پایه‌ریزی کند. اما در خصوص چشم‌انداز سال آینده باید گفت که بخش خصوصی منتظر تحقق رویکردهای تسهیل تجارت از سوی دولتمردان است. تسهیل تجارت چند مقوله مختلف را در بر می‌گیرد؛ اول: هماهنگی بین دستگاهی به‌خصوص در گمرک، بیمه، بانک، وزارت صنعت، معدن، تجارت و سازمان استاندارد به‌طوری که با سرعت دادن به ورود و خروج کالا، هزینه تجارت و ریسک آن کاهش پیدا می‌کند. دوم: فرآیندهای اداری و تعداد اسناد تجاری باید کاهش پیدا کند تا تشریفات تجارت کمتری ضرورت پیدا کند و البته این شرط با فرض رعایت اصول دقت و نظارت باید انجام گیرد. سوم: در زمینه زیرساخت‌های نرم‌افزاری که شامل پیمان‌های تجاری می‌شود نیز

است. در زیربخش‌های مربوطه یعنی نفت و نیرو نیز مشکلات و ناکارآمدی‌های زیادی وجود دارد. در بخش نیرو در حالی که حدود نیمی از نیروگاه‌ها خصوصی هستند مدت‌هاست که دولت پول برق خریداری شده از ایشسان را پرداخت نکرده است و این نیروگاه‌ها در چنین شرایطی با مشکلات زیادی روبرو هستند و این مشکلات ممکن است به صورت ناگهانی در مرحله تعمیرات اساسی دوره‌های خود را نشان دهد و مالکین این نیروگاه‌ها قادر به انجام آن نباشند و در این صورت با یک کمبود شدید در تولید برق روبرو خواهیم شد. در بخش نفت نیز همان‌طور که اشاره کردم، خصوصاً کمبود گاز خسارات زیادی را به بار آورده است. از جمله آن که همان نیروگاه‌ها در چند سال گذشته به دلیل کمبود گاز مجبور به مصرف سوخت مایع بوده‌اند که مشکلات آن‌ها را بیشتر می‌کند و زمان تعمیرات آن‌ها را جلو می‌اندازد. قطع گاز نیز به صنایع خسارات زیادی را وارد آورده است. در صنعت نفت شرکت‌های متعددی وجود دارند که بسیاری از آن‌ها با هزینه‌های سنگین و بهره‌وری بسیار پائین کار می‌کنند و بعضاً اهداف و وظایف روشنی ندارند. اما در کنار همه این‌ها از نظر من مهم‌ترین نگرانی در این بخش مسأله بهره‌وری انرژی است. در بخش تولید و توزیع انرژی تلفات قابل توجهی

وجود دارد و در بخش مصرف نیز بهره‌وری بسیار پائین است. شاخص شدت انرژی ایران که میزان مصرف انرژی به ازای هر واحد تولید ناخالص ملی را بازتاب می‌دهد یکی از بدترین‌ها در سطح جهان است و نتیجه همه این‌ها اتلاف منابع و آلودگی محیط‌زیست است. آنچه نگرانی را تشدید می‌کند این است که مدیران کشور ما هنوز توجه زیادی به بهره‌وری ندارند. در فرهنگ مدیریت دولتی ایران، گرایش به ساخت و احداث و توسعه جدید بسیار بیشتر از گرایش به ارتقاء بهره‌وری است. یعنی اگر کسی بگوید و حتی ثابت کند که با پولی که مثلاً قرار است برای ساخت یک نیروگاه و یا یک پالایشگاه جدید صرف شود می‌توان بهره‌وری انرژی را افزایش داد و همان میزان برق یا فرآورده‌های نفتی را از طریق ارتقاء بهره‌وری و صرفه‌جویی آزاد کرد، چنین چیزی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که در چنین مقایسه‌ای از نظر منطقی قطعاً ارتقاء بهره‌وری نسبت به ساخت نیروگاه و پالایشگاه جدید اولویت دارد چرا که مانع از بین رفتن منابع نسل‌های آینده و موجب کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی نیز می‌گردد. شکست کامل فاز اول هدفمندی پارانه‌ها به شکلی که اجرا شد، ثابت کرد که در شرایط اقتصاد ایران مشکل بهره‌وری انرژی را از طریق راهکار قیمتی

صرف، نمی‌توان حل کرد. ارتقاء بهره‌وری انرژی، عزم ملی و خصوصاً درک عمیق، عزم جدی دولت و فعالیت‌های گسترده‌ای را می‌طلبد. بهره‌وری در همه بخش‌ها و در همه عوامل تولید در ایران متأسفانه پائین است و در جهان امروز یک اقتصاد با بهره‌وری پائین عوامل، قطعاً نمی‌تواند در رقابت فشرده جهانی تولید کالا و خدمات، توفیق داشته باشد. علاوه بر این ارتقاء بهره‌وری و کارایی در هیچکدام از عوامل مانند انرژی ارزش ملموس و بازگشت سریع ندارد. هر بشکه نفتی که صرفه‌جویی شود حدود یکصد دلار قابل فروش است پس یکی از بهترین نقاط شروع برای توسعه فرهنگ بهره‌وری، همین بخش انرژی است. علاوه بر این اجرای برنامه‌های بهره‌وری هم در کوتاه‌مدت اشتغال‌زاست و هم در بلندمدت از طریق رقابتی کردن اقتصاد در صحنه جهانی، ضریب سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل را بالا می‌برد. همچنین در این مسیر درست در نقطه مقابل پروژه هسته‌ای، حمایت‌های وسیع بین‌المللی را نیز می‌توان جذب کرد چراکه هرگونه بهینه‌سازی در مصرف انرژی حتماً کاهش آلاینده‌ها را بدنبال دارد و براساس پروتکل زیست‌محیطی کیوتو، کشورهای صنعتی متعهد به کاهش آلاینده‌ها از پروژه‌هایی که منتج به چنین نتیجه‌ای شود حمایت می‌کنند.

تلاش‌های لازم جهت عقد و پیگیری موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و همچنین توسعه همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان سه گزینه تحول نظام تجارت خارجی کشور مدنظر قرار گیرد.

در قسمت قبل اشارات کوتاهی به موضوع حساس و سرنوشت‌ساز دیپلماسی بانکی داشتم که لازم است در اینجا به‌عنوان یکی از دل‌مشغولی‌های جدی بخش خصوصی آن را تکمیل کنم. تجربه جهانی بیانگر این واقعیت است که لازمه حرکت به سمت داشتن واحدهای مطلوب در حوزه تولید و تجارت، توسعه مبتنی بر مرجعیت علمی در نظام بانکی از طریق افزایش نرخ بهره‌وری در سیستم بانکی و توسعه دیپلماسی بانکی به‌منظور کاهش هزینه تامین پول و سرمایه مورد نیاز این نگاه‌های اقتصادی است. البته بهتر است همین جا گریزی هم به موضوع نرخ بهره‌وری بانکی داشته باشیم. آنچه که در سال گذشته جای آن خالی بود مبحث بهره‌وری بانکی است که امیدواریم در سال پیش‌رو مورد اهتمام مسئولان مربوطه قرار گیرد.

به‌طور کلی چند عامل اساسی در بهای تمام شده کالا تأثیرگذار هستند که شامل قیمت مواد اولیه، هزینه سربار و نیروی انسانی، هزینه تامین مالی بنگاه‌ها و استفاده از فناوری‌های مناسب است و در این میان بدون شک هزینه تامین پول و سرمایه نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. اگر ما به‌دنبال کاهش فشار بر مصرف‌کننده هستیم، باید نرخ بهره‌وری نظام بانکی را افزایش دهیم. بی‌شک بخش عمده‌ای از فرآیند تعریف‌شده برای جلوگیری از انتقال فشار ناشی از تحریم‌ها به جامعه، از طریق افزایش نرخ بهره‌وری نظام بانکی تامین خواهد شد.

جامعه بهای عدم بهره‌وری بانک‌ها را در دو جا می‌پردازد، یکی از محل گران بودن تسهیلات برای بخش خصوصی و دوم شکل گرفتن نقدینگی سرگردان و مهار نشده در بدنه اقتصاد که هر روز خود را به یکی از ارکان بازار تحمیل می‌کند. در واقع یکی از ریشه‌های شناخته شده تورم فعلی نیز همین موج کنترل نشده نقدینگی است. در حالی اقتصاد ما از نقدینگی حدود ۵۳۰ میلیارد تومانی رنج می‌برد، که کمبود سرمایه در مباحث تجارت بین‌المللی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی مطرح بود. این در حالی است که اگر برنامه مشخصی برای استانداردسازی سازوکارهای سرمایه‌گذاری در حوزه تجارت بین‌المللی از قبل تدوین شده بود، مصونیت بنگاه‌ها از فشارها و چالش‌ها، بیش از امروز بود.

واقعیت آن است که مشکلات اقتصادی کشور عمدتاً ناشی از بی‌تدبیری و مشکلات ساختاری اقتصادی است. مشکلاتی که مربوط به این دولت یا آن دولت نمی‌شود بلکه دارای

عقبه‌های تاریخی و پیشینه‌های قابل تأمل حتی به اندازه عمر اقتصاد مدرن هستند و فشار تحریم‌ها در واقع این معضلات اقتصادی را برجسته‌تر کرد و در این میان وضعیت معیشت مردم را باید زاینده اقتصاد بیمار کشور دانست. عدم شفافیت، عدم روانسازی گردش اطلاعات

میان فعالان اقتصادی و مراکز تصمیم‌ساز دولتی، تعرفه‌های بالا، موانع غیرتعرفه‌ای متنوع، تغییرات غافلگیرکننده دستورالعمل‌ها، هزینه بالای تامین مالی بنگاه‌های تولیدی و تجاری و در کنار همه این‌ها رونق قاچاق همگی دست به دست هم داده‌اند و ارتقای شاخص‌های معیشت مردم را در چنگال خود به اسارت گرفته‌اند. بی‌شک اقتصادی که از ابعاد مختلف بیمار است، معضلات و مشکلات متعدد را به صورت زنجیره‌ای پیش روی فعالان اقتصادی قرار می‌دهد و به همین جهت ساختار اقتصادی کشور نیازمند اصلاحات دقیق و هوشمندانه است تا ناکارآمدی رقابت ناسالم بخش‌های غیر مولد اقتصاد را به رقابت‌پذیری تولید و تجارت تبدیل کرده و رفاه عمومی و بهبود سطح معیشت مردم را به‌دنبال داشته باشد. رصد تبعات گشایش‌های اقتصادی اخیر حاکی از آن است که پس از تحولات اخیر در عرصه سیاست خارجی به‌واسطه توافق ژنو، هم اکنون در سطح جامعه افکاری در حال شکل‌گیری است مبنی بر اینکه بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی مرتفع شده و سطح معیشت به‌سرعت ارتقا پیدا می‌کند، این در حالی است که این نگاه مخاطرات متعددی به‌دنبال دارد که منجر می‌شود اقتصاد از مسیر آینده‌نگرانه منحرف و ناخواسته در دام نگرش‌های «پوپولیستی» اسیر شود و حرکت منظومه اقتصادی کشور به سمت فعالیت‌های موقت و تسکینی نشانه‌گیری شود. حال آنکه ما به اصلاحات ساختاری و نگرشی نیاز داریم تا بتوانیم دوره اخیر را به دورخیزی برای غنی‌سازی اقتصاد کشور تبدیل کنیم. نکته قابل توجه آن است که با توجه به کاهش محسوس حجم تجارت بین‌المللی کشور به‌دلیل فشار تحریم‌ها، در مقوله واردات نباید صرفاً به رقم پایان سال توجه کرد. البته مقایسه آمار سالانه و ماهانه می‌تواند گویای عملکرد تجارت خارجی کشور باشد اما علاوه بر این، وضعیت بنگاه‌های اقتصادی فعال در این حوزه که در واقع سرمایه‌های ملی کشور تلقی می‌شوند نیز حائز اهمیت است، چراکه بنا بر گزارش‌های میدانی، در حال حاضر ما شاهد کپولت زودرس بنگاه‌های اقتصادی به‌واسطه کلاف سردرگم شرایط نامطمئن تجاری هستیم.

سخن پایانی آنکه مقدمه رسیدن به فصل خوشه‌چینی در تجارت بین‌المللی، تامین زیرساخت‌های آن است. بخش خصوصی نباید خود را گرفتار «سیاست‌های بیات‌شده» دوره پیش از توافق ژنو ببیند. ما باید تعریف مجددی از موقعیت تجاری خود داشته باشیم. باید مناسبات مان را با طرف‌های خارجی مجدداً تعریف کنیم.

بخش خصوصی

نباید خود

را گرفتار

«سیاست‌های

بیات‌شده» دوره

پیش از توافق

ژنو ببیند. ما باید

تعریف مجددی از

موقعیت تجاری

خود داشته باشیم.

باید مناسبات مان

را با طرف‌های

خارجی مجدداً

تعریف کنیم.





عکس: امید ایران‌مه‌ر

شرایط اقتصادی پس از انتخابات با گذشته متفاوت است

اقتصاد سال گذشته و سال پیش‌رو در گفت‌وگو با یحیی آل اسحاق

بسیار بفرنجی را برای کشور درست کرده‌ام دولت روحانی در نهایت خواهد توانست این وضعیت را سر و سامان دهد. وی در این خصوص پیشنهادهایی هم برای دولت دارد که مهم‌ترین آن‌ها استفاده از ظرفیت‌های معطل مانده بخش خصوصی است. متن پیش‌رو حاصل گفت‌وگوی آینده‌نگر با رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران است.

عظیم محمود آبادی: یحیی آل اسحاق معتقد است شرایط اقتصادی بعد از انتخابات با پیش از آن قابل مقایسه نیست. او نسبت به وضعیت جدید خوش بین است اما در عین حال معتقد است که در وضعیت دشواری قرار داریم. به اعتقاد رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران شرایط دشوار و پیچیده اقتصادی و بروز عارضه رکود توری می‌گردد و وضعیت

قانون‌گرایی بود. حال سوال این است که آیا آنچه در حوزه اقتصاد اتفاق افتاده با آن گفتمان همخوانی دارد یا ندارد؟ یعنی اینکه آیا تصمیمات بر مبنای تدبیر است یا بر مبنای بی‌تدبیری؟ آیا تصمیمات بر مبنای اعتدال است یا خیر؟ آیا تصمیمات بر مبنای امید است یا نه؟ آیا بر مبنای حقانیت است یا نیست؟ باید شاخص‌وار جلو برویم و به این موارد پاسخ دهیم. نکته دیگری که باید در اینجا بگویم اینکه آیا هر طور که عمل شده، خروجی‌اش همان شد که باید؟ اجازه بدهید یک به یک بررسی کنیم؛ اولین تصمیم از سلسله تصمیماتی که در

راضی است و محیط کسب‌وکار را برای ادامه فعالیت‌های خود مناسب می‌بیند؟ ارزیابی کلی خود را از وضعیت شش ماهه اخیر بفرمایید تا به سوالات بعدی بپردازیم.

واقعیت این است که مقاطع قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری در این ۶ ماه با هم بسیار متفاوت است و علی‌القاعده نیز باید همین‌طور باشد. حالا بحث بر سر این است که تفاوت در چه چیزهایی است و چه اتفاقی رخ داده است؟ تغییری که حاصل شد، با گفتمانی که به پیش آمد که شاخص‌هایش تدبیر، عقل، اعتدال و

طی سال‌های گذشته هر گاه با فعالان اقتصادی بخش خصوصی و از طرف دیگر با کارشناسان اقتصادی صحبت می‌کردیم، نگرانی‌های زیادی داشتند. این نگرانی‌ها علاوه بر وضعیت موجود شامل آینده نه چندان روشن حوزه‌های مختلف اقتصادی نیز می‌شد. اما اکنون به نظر می‌رسد اوضاع تا حد زیادی تغییر کرده و بخشی از نگرانی‌ها برطرف شده است. این روزها حال و هوای بخش خصوصی چگونه است و چقدر به آینده امیدوار است؟ چقدر از فضای کنونی



حوزه اقتصاد گرفته شده، انتخاب مدیران حوزه اقتصاد است؛ یعنی انتخاب وزیران و معاونان وزیران و الی آخر. در سطح وزرا، انصاف‌ورزایی که انتخاب شده‌اند و کسانی که در حوزه اقتصاد انتخاب شده‌اند از کاربلدهای این حوزه بودند. این را منصفانه می‌گویم؛ هر یک از این افراد، خودشان کاربلد هستند.

مثلا وزیر محترم صنعت، وزیران اقتصاد، کشاورزی و رئیس بانک مرکزی همگی این کاره و کاربلد هستند که این انتخاب به درستی صورت پذیرفته و متناسب با تدبیر بوده است. نکته دوم، نسخه، سناریو و طرح عملیاتی بود که دولت اعلام کرد می‌خواهد در حوزه اقتصاد اجرا کند. آیا این نسخه با واقعیت‌ها منطبق است یا نه و آیا با تدبیر همخوانی دارد یا نه؟ آیا اساسا عقلانیتی در آن هست؟ آیا امیدبخش هست؟ اگر این موارد را باهم جمع ببندیم، باید بگوییم نسخه ارائه شده در مجموع نسخه مناسبی است. نسخه انتخاب شده چه در زمینه اقتصاد داخلی و چه در دیپلماسی و اقتصاد خارجی از استانداردهای لازم بر خوردار است. نمی‌گویم خوب و عالی اما در مجموع نسخه مناسب و قابل دفاعی است. سوال بعدی که مطرح است اینکه آیا در بحث اجرا دولت توانسته این نسخه را آن‌طور که باید اجرایی کند؟ چون یکی از مشکلاتی که در دوره‌های مختلف داشتیم این بود که تیم‌های اقتصادی هر کدام جدا جدا، ماموریت خودشان را انجام می‌دادند لذا گاهی مشکلاتی پیش می‌آمد. مثلا بین وزارت کشاورزی و وزارت بازرگانی، بین وزارت اقتصاد و بانک مرکزی.

II در واقع تداخل مسئولیت‌ها پیش می‌آمد؟
بله. یعنی هرکس با اشتیاق و علاقه، دنبال اهداف بخشی که تحت مسئولیتش قرار داشت بود و این مساله باعث می‌شد که خودبه‌خود بدون توجه به اینکه اثر تصمیماتش بر حوزه دیگر چه خواهد بود تنها به دنبال تحقق اهداف اداره وزارتخانه خودش باشد. یعنی انسجام داخلی نبود. دولتمردان جدید هم هر چند از نظر هم‌سلیقگی به هم نزدیک هستند ولی در عین حال به نظر می‌رسد جایی که بتواند همه آن‌ها را با هم هماهنگ کند هنوز وجود ندارد. گاهی نهادهای مانند سازمان مدیریت است که این نقش را ایفا می‌کند. اما به دلیل اینکه ما در این سال‌ها سازمان مدیریت نداشتیم و اکنون نیز نداریم، آن نهاد هماهنگ‌کننده وجود ندارد. البته در بین اجزای دولت هماهنگی وجود دارد اما این هماهنگی‌هایی که الان هست به دلیل هم‌ذاتقه و هم‌سلیقه بودن خود این افراد است و نه به دلیل نهادهای بودنتان.

III یعنی هماهنگی فعلی بیشتر ناشی از ویژگی‌های فردی دولتمردان است و گرنه به باور شما هماهنگی نهادمند و سازمانی میانشان وجود ندارد.

بله، مثالی بزنم. زمانی مدیریتی وجود دارد که هر دوی ما را نظارت می‌کند و ما را در مسیر و ریلی قرار می‌دهد که هر دو اجبار داشته باشیم که فقط در آن مسیر حرکت کنیم. در این صورت کارهای ما کمترین تداخل و بیشترین هماهنگی را خواهد داشت چون هر

دو بر اساس یک سازوکار مشترک بخشی از کار را به انجام می‌رسانیم. اما زمانی هست که چنین اجبار و ساختاری وجود ندارد و من و شما صرفا به دلیل اینکه با یکدیگر هم‌نظر هستیم در یک مسیر حرکت می‌کنیم. الان چون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وجود ندارد، به نظر می‌رسد احتمال اینکه این هماهنگی و انسجام در بلند مدت دچار تزلزل شود وجود دارد.

II در واقع یکی از نگرانی‌های شما این است که ممکن است دوباره تداخل مسئولیت‌ها پیش بیاید؟

بله. در واقع ریل‌گذاری هست ولی وحدت فرماندهی نیست.

III آیا در این مورد با دولت و اعضای دولت صحبت کرده‌اید؟ در مورد دغدغه‌ای که داشته‌اید، بحثی را انتقال داده‌اید؟

گاهی از دور و در قالب مصاحبه‌ها یا پیغام‌ها سعی کرده‌ام این دغدغه و نگرانی را به دولت گوشزد کنم. گاهی نهاد هماهنگ‌کننده به‌عنوان یک نهاد ساختاری، می‌تواند شخصیتی باشد که به‌گونه‌ای عمل می‌کند که همه را می‌تواند هماهنگ کند. به‌نظر می‌رسد بین عزیزان بخش اقتصاد از آنجا که همه مجتهد هستند، اینکه کسی یدّ واحد باشد نداریم. زمانی هست که فردی از همه بیشتر می‌فهمد و همه هم قبولش دارند، اتوماتیک‌وار حرف و اظهار نظر او فصل‌الخطاب است و هر چه بگوید، پذیرفته می‌شود ولی اکنون چنین شخصی را نداریم و همه در مجموعه هم‌سطح هستند و یک نیروی تصمیم‌گیرنده در این بخش وجود ندارد که باید یا یک «فر» باشد یا یک «نهاد» را برای این کار تعیین کند.

II به لحاظ قانونی چنین مسئولیت‌هایی باید برعهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باشد.

بله همین‌طور است. البته خوشبختانه مجلس این مساله را تصویب کرده است و شاید مشکل در آنجا حل شود. الان مقداری در این بخش نگرانی وجود دارد. البته تا الان خیلی به مشکل برخوردیم چراکه دولتمردان هم‌سلیقه هستند، یعنی می‌دانیم که جهت و مسیرشان یکی است. اما تجربه نشان داده است که در اجرا گاهی ممکن است ناهماهنگی‌هایی بینشان به وجود بیاید. نکته بعد اینکه خروجی‌ای که مجموعه اقتصادی دولت در طول شش ماه گذشته داشته، خروجی قابل دفاعی است. توجه داشته باشید که اولاً اینکه با توجه به جنس مسائل اقتصادی و ساختاری و جامعه‌نگری و ابعاد مختلف آن انتظار داشته باشیم حل مسائل به صورت خیلی محسوس، در مدت ۶ ماه نتیجه‌بخش باشد، انتظاری غیر واقعی است. انصاف نیست که ظرف ۶ ماه تحقق همه خواسته‌ها را مطالبه کنیم. ظرف ۶ ماه گذشته در حوزه اقتصاد، یکسری کارهایی انجام شده است که انصافا قابل قبول است. برای نمونه در رابطه با رشد بی‌رویه نقدینگی که یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ما بود، دولت توانسته مهارش کند. آهنگ رشد نقدینگی که با ضریب خیلی تندی بالا می‌رفت، کنترل شده است و اتوماتیک‌وار اثر این کنترل صحت نسخه

اقتصادی دولت را نشان می‌دهد. واقعیت این است که اگر بخواهیم تورم را کنترل کنیم، ابتدا باید نقدینگی و پایه پول را کنترل کنیم. یعنی نظریه پایه پولی که در خیلی جاهای دنیا جواب داده در کشور ما هم در حال جواب دادن است. این چیزی بود که دولت قبل به آن باور نداشت اما این تئوری در دولت جدید دوباره مورد توجه قرار گرفته است. ظرف ۶ ماه گذشته نظریه مقداری پول را با کنترل حجم نقدینگی و حجم پولی تست کردند و شتاب چنده تورم را توانستند کنترل کنند که نقطه مثبتی بود. دولت الان امیدوار شده و هم به خود و مردم امید داده‌اند که رشد منفی ۵/۸ درصد را تا پایان سال به صفر برساند و سال آینده به یک تا سه برساند، امیدی است که مردم در واقعیت آن را لمس می‌کنند و حتما شدنی است. تا همین چند ماه پیش تصور می‌شد که این کار شدنی نیست اما دولت امید توانست اقتصاد کشور را در مسیر مثبتی قرار دهد. کما اینکه رسماً هم اعلام کردند با توجه به شیوه تنظیم سند بودجه سال آینده و همچنین حرکتی که در حال انجام است، می‌توانیم تورم را به ۲۵ درصد کاهش دهیم. توجه داشته باشید که زمانی ممکن است «امید» تنها شعار و وعده باشد اما گاهی فرآیند خودش را نشان می‌دهد و این تغییر جهت را در عمل شاهدیم.

III پس شمارسیدن تورم به نرخ کمی کمتر از ۲۵ و ۳۰ درصد را شدنی می‌بینید؟

در صورت تلاوم و پیگیری جهت‌گیری فعلی دولت در بخش اقتصاد به‌نظرم کاملا شدنی است. از آنجا که نسخه اقتصادی دولت نسخه قابل فهم و شفافی است و می‌دانیم که در حال انجام چه کاری هستیم، حتما خواهیم توانست تورم را از مسیر سیاست‌های پولی - مالی کنترل کنیم و چون این مدل در جاهای دیگر هم تجربه و عملیاتی شده است، در اینجا هم دورنمای آن در حال جواب دادن است. در رابطه با بعضی مسائل دیگر مثل روابط بانکی فعالان اقتصادی، در حوزه‌های ارز و ریال هم مشکلاتی داشتیم. حال که می‌بینیم تلاطمات نرخ ارز کنترل شده، نشان می‌دهد مشکلات این بخش نیز تا حد زیادی رفع شده است. یعنی دولت به وعده‌ای که داده بود در حوزه مدیریت شناسا ارز عمل کرده و از تلاطمات، بحران‌ها و نوسانات عمیق آن جلوگیری کرده است. انصافا این کار هم کار بزرگی بود که صورت پذیرفت و دولت توانست این عرصه را کنترل کند. از سوی دیگر در حوزه‌های روابط ریالی، بحث تسهیلات و نقدینگی و بخش تولید، در جهتی حرکت می‌کنیم که ضمن کنترل نقدینگی در صدد جهت‌دهی آن به سمت تولید نیز هستیم. الان در رابطه با نقدینگی و پایه پولی دو کار در حال انجام است؛ یکی اینکه نرخ نقدینگی و پایه پولی بالاتر نرود، از گلوگاه مهارش کنند و اجازه توسعه ندهند ولی از طرفی هم در صدد بسط آن هستند. یعنی سعی می‌کنند که سرعت گردش پول، دفعات گردش پول و یا جهت‌دهی پول و تسهیلات به سمت تولید را افزایش دهند. یعنی دولت در شرایط فعلی به دنبال طرحی است که ضرر افزایش نقدینگی را نداشته باشد، اما در



ظرف ۶ ماه گذشته نظریه مقداری پول را با کنترل حجم نقدینگی و حجم پولی تست کردند و شتاب چنده تورم را توانستند کنترل کنند که نقطه مثبتی بود. دولت الان امیدوار شده و هم به خود و مردم امید داده‌اند که رشد منفی ۵/۸ درصد را تا پایان سال به صفر برساند و سال آینده به یک تا سه برساند.



دولت به رغم اینکه نسخه را در دست دارد و می‌داند که چکار می‌خواهد انجام دهد، نتوانسته تضاد منافع بنگاهی و حاکمیتی در نظام بانکی را با یکدیگر جمع کند و از آنجا که بانک در اقتصاد ما محور است و نقش جدی بر عهده دارد، این معضل به بانک مرکزی و اقتصاد ما نیز آسیب می‌زند.

عین حال نیازهای بخش تولید را تامین کند و سرمایه در گردش و سرمایه در تولید را نیز به وجود آورد. این کار الان شروع شده است ولی عملکردشان به دلیل بعضی از آسیب‌های نهادی که هنوز در حوزه بانکی داریم، خیلی موفق نیست. نوع مدیریت نظام بانکی ما در رابطه با نحوه عملکرد و فرآیندهای اجرایی، معوقه‌ها، دادن تسهیلات و ادامه آن شرایط، چگونگی تعامل و روابط بین بانکی و ... نیازمند بازنگری است و به تعبیر دیگر این رابطه‌ها باید همگی اصلاح شوند. رابطه بین بانک‌ها و مردم باید تغییر کند چراکه روال گذشته دیگر پاسخگو نیست. یعنی انحصارات، رانت‌های بانکی (که فسادهایی را به وجود آورده)، نوع برخورد با مشتریان، نوع خدمات‌دهی بخش بازرگانی، کشاورزی، تولید و صنعت، چگونگی بازپس‌گیری معوقه‌ها و آنهایی که به دلایلی آسیب دیده‌اند همگی باید مورد بازنگری قرار گیرد. یعنی در روابط بین عاملان اقتصادی و بانک‌ها اعم از خصوصی و دولتی باید تجدید نظر جدی صورت گیرد. علاوه بر این رابطه بین بانک‌ها و بانک مرکزی هم باید مورد بررسی قرار گیرد که آیا نوع مدیریت بانک‌ها با سیاست‌ها و نسخه دولت هماهنگ است یا بانک‌ها در مسیر دیگری قرار دارند. اینکه آیا بانک‌ها، واحدهای اقتصادی رقیب فعالان اقتصادی هستند یا یک واحد پشتیبانی‌کننده اقتصادند بررسی است که باید برای آن جواب روشنی پیدا کرد. به هر حال این ستوال در حال حاضر به طور جدی مطرح است که آیا بانک‌ها خودشان باید به نهادهایی تبدیل شوند که واحدهای تولیدی و شرکت‌ها را اداره کنند، سهام خرید و فروش کنند و کالا بخرند و بفروشند یا اینکه فعالیت اقتصادی بانک‌ها صرفاً باید محدود به نقش آفرینی یک پشتیبانی‌کننده مالی باشد؟ آیا اینکه بانک‌ها برای واحدهای سرمایه‌گذاری خود حیاط خلوت درست کنند حرکتی اصولی است؟ واقعیت این است که یکسری رابطه‌های تعریف نشده و باقی مانده از نظامات گذشته بین بانک مرکزی یا ذخیره‌هایی که بانک‌ها گرفتند و به افراد پرداخت کردند، باقی مانده است. دولت تاکنون نتوانسته رابطه‌های بین بانک‌ها و بانک مرکزی را سامان دهد و در این زمینه موفق باشد. صورت مساله معلوم است و مشخص است که رابطه‌های ناهنجار است.

به خاطر دارم یکی، دو سال پیش که خدمت شما آمدمیم و مهندس ترکان هم بودند، همین بحث بانک‌ها را مطرح کردند و آقای ترکان هم ادغان داشتند که این معضلی است که بانک‌ها خودشان فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند و رقیب فعالان اقتصادی شده‌اند. با توجه به دغدغه‌های مشترکی که به نظر می‌رسد بخش خصوصی و بخشی از دولت حاضر در این خصوص دارد، آیا فکر می‌کنید اصلاح این روندها شروع شده است؟

من ضمن اینکه برای مدیران و نظام بانکی احترام قائل هستم و معتقدم شخصیت‌های علمی دلسوزی هستند، ولی واقعیت این است که نظام پولی و بانکی ما تحت نفوذ و سیطره همین فعالان بانکی است. بانک‌ها دو وظیفه بر عهده دارند؛ یک وظیفه حاکمیتی و دیگری

وظیفه بنگاهداری. بانک‌ها ابزاری هستند در اختیار حاکمیت برای پیاده کردن سیاست‌های حاکمیتی و کلان کشور. مخصوصاً چون کشور ما در حوزه اقتصاد، بانک‌محور است بانک‌ها ضریب تاثیرگذاری بسیار بالایی دارند. یعنی بانک‌ها باید نگاه جدی‌شان این باشد که جدای اینکه بنگاه دارند، ولی در عین حال ابزاری هستند در اختیار حاکمیت و باید هم جهت نظامات حاکمیتی باشند و همچنین لازم است پیاده‌کننده نسخه عملیاتی باشند. از طرف دیگر مدیرعامل، مسئولان و سهامداران بانک‌ها یک بنگاه اقتصادی هستند و منابع شخصی، گروهی و مجمعی صاحبان سهمی دارند. الان دو نگاه در بانک‌ها حاکم است: یک نگاه بنگاهی یا شرکتی سهامداری و یک نگاه حاکمیتی. ضمن اینکه بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی باید به منافع خود برسند، ظرافت و دقت کار این است که کدام باید بر دیگری بچربد؟ یعنی وظیفه حاکمیتی بر دیدگاه بنگاهی یا نگاه بنگاهی بر جنبه حاکمیتی ارجحیت داشته باشد؟ آنچه استشمام می‌کنیم این است که متأسفانه دیدگاه بنگاهداری نظام بانکی ما بر وظیفه حاکمیتی‌اش سیطره دارد. مثلاً بانک مرکزی، بنگاهدار نیست لذا به وظیفه حاکمیتی‌اش به خوبی عمل می‌کند و سیاست‌ها را پیاده می‌کند ولی در سایر بانک‌ها، وجود نوعی نگاه بنگاهی مشاهده می‌شود. واقعیت این است که بانک‌های ما نتوانسته‌اند تلفیقی ایجاد کنند تا ضمن اینکه منابع و سیاست‌های حاکمیتی را اجرا می‌کنند، منافع خود را در همین قالب تعریف و تعقیب کنند.

بخشی از فساد که در این حوزه تعریف می‌شود، آیا محصول همین اتفاق و سیطره نگاه بنگاهی بانک‌ها نیست؟

ممکن است چنین باشد. بالاخره این‌ها مسائل مهمی است. در اینجا تا حدودی مزیت ارز برای بانک‌ها و سهامداران به شیرینی زیر زبانشان رفته است. لذا در عمل برای پیاده کردن سیاست‌های بنگاهداری به این طرف و آن طرف رفته‌اند که این شیوه معرض دعوایی بین دولت و بانک شده است که ارزهای ارائه شده در مسیر مورد نظر استفاده نشده و به شرکت‌های خودشان منتقل شده است. چراکه خودشان بنگاهدار، شرکت‌دار و واردکننده و صادرکننده بوده‌اند و جهت‌دهی و نوع مزایایی که استفاده کرده‌اند اگر در بخش بازرگانی صرف می‌شد، سود آنچنانی نصیبشان می‌کرد در حالی که اگر در بخش کشاورزی مصرف می‌شد، سود پایین‌تری عایدشان می‌کرد. بنابراین اتوماتیک‌وار، به جهت دیگری کشیده شده‌اند و قس علیهذا... لذا در اینجا دولت به رغم اینکه نسخه را در دست دارد و می‌داند که چکار می‌خواهد انجام دهد، نتوانسته تضاد منافع بنگاهی و حاکمیتی در نظام بانکی را با یکدیگر جمع کند و از آنجا که بانک در اقتصاد ما محور است و نقش جدی بر عهده دارد، این معضل به بانک مرکزی و اقتصاد ما نیز آسیب می‌زند.

آیا این موضوع در حوزه اختیار دولت است تا بتواند آن را جمع کند؟

بله، مثلاً مشکلی که بانک مرکزی با آن مواجه است

بخش نظارت بانک مرکزی است. از آنجا که بانک مرکزی سیاستگذاری می‌کند، برای اجرای سیاست‌هایش دو ابزار لازم دارد؛ یکی نظارت است که آیا بخشنامه‌ها را مجری‌شان اجرا کردند یا نه؟ مرکز نظارتی از یک طرف باید چنان دقیق باشد که هر لحظه کنترل کند در چه قسمت‌هایی نیاز به نظارت قوی‌تر وجود دارد و از طرف دیگر قدرت انضباطی و ضمانت اجرایی داشته باشد تا بتواند جلوی متخلف را بگیرد. اگر این دو قسمت ضعیف باشد؛ یعنی چراغ نظارتی درست روشن و خاموش نشود و ساختار، ابزار، اقتدار، توان و امکان حضور نداشته باشد، یکباره متوجه می‌شود که ارز و ریالی که باید در جهت خاصی مصرف می‌شده، به سمت دیگری رفته است.

بعد از آنکه متوجه شد، باید قدرت اعمال داشته باشد و این دو مشکل اصلی بانک مرکزی و نظام حاکمیتی است که نمی‌تواند نظارت کامل داشته باشد. عدم وجود ساختار یا توان لازم و همچنین عدم قدرت لازم برای اعمال نفوذ و اجرای قواعد انضباطی لازم کار را به جایی می‌رساند که حتی قوه قضائیه نیز به سخن می‌آید. آقای اژه‌ای اخیراً در رابطه با معوقه‌های بانکی اعلام کردند که بانک‌ها معوقه‌های خودشان را پیگیری کنند و در ضمن پرسیدند که آیا بانک‌ها منافی در عدم پیگیری برای بازپس‌گیری معوقاتشان دارند؟ چون در برخی مواقع بدهکاران حاضرند سود بالاتر پرداخت کنند تا کسی معوقاتشان را طلب نکند. سوال آقای اژه‌ای این بود که با خودت نمی‌خواهی یا منافعت در این نیست که معوقات را باز پس بگیری و یا اساساً توان این کار را نداری. الان این موضوع به چالشی بین قوه قضائیه و بانک‌ها تبدیل شده است. البته مشکل دیگری نیز در نظام بانکی ما وجود دارد و آن این که در طول سال‌های گذشته و در دولت قبل بانک مرکزی بخشنامه‌های متعددی را صادر می‌کرد که هیچ کدام هم عملیاتی نمی‌شدند. الان در نظام بانکی و بانک مرکزی ما مشکلی که وجود دارد این است که با فرض صحیح بودن سیاست، نظارت بر اعمال سیاست‌ها ضعیف است و قدرت جاری کردن سیاست وجود ندارد. اجازه بدهید به بحث اولیه برگردیم. در رابطه با تدابیر اقتصادی و سیاست‌های اجرایی به نظر من آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که درصدی از سیاست‌ها عملیاتی شده است و مثلاً دولت یازدهم در رابطه با گمرک درست کار کرد. به یاد دارید که کالاهای مانده در گمرک همان ابتدای کار دولت با انتخاب مدیر خوب و اتخاذ سیاست درست عملاً آزاد شد و مشکل مرتفع گردید.

با توجه به اقداماتی که تاکنون دولت انجام داده و تلاش خود را بر روی کنترل نقدینگی و پایین آوردن سطح تورم گذاشته است، فضای کسب و کار اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟ می‌دانیم به لحاظ سیاست‌های اقتصادی کاهش تورم با رونق کسب و کار در تضاد است. اکنون با توجه به اینکه دولت تلاش خود را بر مساله مهار تورم گذاشته، تبعات آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در واقع مشکل اساسی که در اقتصاد ما وجود دارد

و همه نیز مطلع هستند، بحث رکود تورمی است که یکی از سخت‌ترین عارضه‌هایی است که اگر هر اقتصادی گرفتار آن شود، برای حل آن تدبیر بسیاری لازم است. واقعیت این است که معالجه رکود تورمی دقیقا مانند این است که یک نفر هم از نظر مغزی گرفتاری دارد و هم از نظر قلبی. داروهایی که برای مغز خوب است، برای قلب مضر است و برعکس. لذا پزشک حاذقی لازم دارد که اولاً تشخیص دهد اولویت با کدام است؟ ابتدا باید مغز را دریابد و قلب را به‌گونه‌ای نگه دارد که از کار نیفتد یا قلب را مینا بگیرند و در عین حال از مغز مراقبت کنند؟ دولت ما اکنون تشخیص داده که اولویت بر کنترل تورم است. ولی اینکه همزمان با کنترل تورم رکود را رها کنیم، خیلی خطرناک است و بازتاب‌های اجتماعی بسیار خطرناکی خواهد داشت. راه‌حل رسیدن و انتخاب یک نقطه بهینه از تدبیر است که بتواند همزمان درصدی از این تورم و بخشی از رکود را مدیریت و کنترل کند. به‌عنوان مثال اکنون سیاست دوگانه‌ای پیش گرفته شده که در حوزه تورم، نقدینگی را کنترل کنند. اما در عین حال در حوزه تولید، نقدینگی را بسط دهند. در واقع دولت در این راستا یک سیاست قبض و بسط اتخاذ کرده که کجا را قبض و کجا را بسط دهند. قبض در پایه پولی، قبض در حجم نقدینگی و بسط در جهت توسعه تولید و حل مشکلات تولید. این نسخه درست است اما اینکه چقدر بدنه اقتصادی کشور تحمل اعمال این نسخه را داشته باشد، نکته مهم و قابل توجهی است. اگر قرار است این کار شکل بگیرد، الزام اول انسجام و وحدت‌نظر و روشن شدن خطوط قرمز است. اگر پزشکی قصد معالجه داشته باشد نیاز به ریکواری و سی‌سی‌یو دارد. اینطور نمی‌شود که بیمار را وسط بیمارستان نگه داشت و هر کسی اظهارنظری کند. این مدل درست است ولی انسجام و الزاماتی وجود دارد. پزشک خوبی هم انتخاب شده است اما فضا باید درست شود.

II بازتاب نسخه دولت در خصوص سر و سامان دادن به اقتصاد دچار رکود تورمی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این مساله در بودجه هم آمده است و بودجه را براساس همان نسخه آماده کرده‌اند. در رابطه با یارانه‌ها، حجم پول، پروژه‌های عمرانی، تعهدات و دستمزد هم مدل قبض و بسط را پیاده کرده‌اند. در این باره سعی بسیار شده و البته مجلس نیز همراهی کرده است. **III مهم‌ترین انتقادی که نسبت به بودجه دارید، چیست؟ بخش خصوصی طبیعی است که دیدگاه انتقادی نسبت به دولت داشته باشد و معمولا اینگونه است. مهم‌ترین نقطه قوت و ضعف بودجه را در چه می‌دانید؟**

یکی از مشکلاتی که بودجه امسال دارد، بحث حجم کم بودجه‌های عمرانی است. با توجه به نحوه عملکرد سال‌های گذشته و با توجه به پروژه‌های نیمه‌تمام و سرمایه‌گذاری‌هایی که هست، این مقدار از بودجه عمرانی متناسب با واقعیت‌ها نیست و کم است. اینکه باید بیشتر شود یا نه به سیاست‌های مربوط به کنترل

حجم نقدینگی برمی‌گردد. البته از جهتی باید بگویم اینجا هم سیاست نسبتاً خوبی اتخاذ شده و از چند هزار پروژه، تنها ۲۰۰ تا ۳۰۰ پروژه که ۸۰ درصد کارشان پیش رفته بود را انتخاب کردند تا به جایی برسانند و این مثبت است. علاج این موضوع با این نسخه چیست؟ اکنون که مناسب نیست دولت دوباره سرمایه‌گذاری بودجه‌های دولتی را پمپاژ کند و نقدینگی را بالا ببرد، پاتکشی این است که بخش خصوصی را بیشتر به میدان آورد و سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل کند تا به بودجه‌های دولتی تکیه نداشته باشد. لذا علاج این درد، تسهیل سرمایه‌گذاری است که در موضوع تورم، هم به دلیل عرضه کالا و محصول موثر است و هم به دلیل اشتغال و کار موثر است، راه‌حلش این است که در واگذاری هرچه راحت‌تر، مناسب‌تر و سریع‌تر حتی پروژه‌های نیمه‌تمام و سرمایه‌گذاری‌های جدید تسهیل کند. با شرایطی که بخش خصوصی عملاً بتواند باری که روی دوش دولت است و اکنون هزینه ایجاد می‌کند را کم کند. پروژه‌های نیمه‌تمامی بوده که اکنون مستهلک می‌شوند و بعضاً توجیه اقتصادی ندارند و استهلاکات بالا می‌رود، برای همین دولت باید بسیاری از این مجموعه‌ها را در اولین و سهیل‌ترین فرصت به بخش غیردولتی بدهد. هر چه در واگذاری این موارد تسهیل و تسهیل کنیم، زمینه استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی مستقیم و غیرمستقیم را فراهم کنیم، کسری عدم بودجه عمرانی را می‌توان جبران کرد.

II فرمودید که حرکت دولت در این جهت قرار دارد.

بله، خوشبختانه می‌خواهد که این کار را انجام دهد. **III بحث خصوصی‌سازی و جلوگیری از ادامه اجرایی شدن اصل ۴۴ را چقدر مفید می‌دانید؟** جلوگیری به دلیل تدبیر بود که نحوه واگذاری باید متناسب با نسخه اصلی باشد. زمانی اصل، واگذاری است و زمانی واگذاری در چارچوب نظام است. اگر دولت در این مورد جلوگیری کرده است، به‌نظرم به‌دلیل جهت‌دهی صحیح بود که از آن زاویه نیز بد نبود. البته نه اینکه ترمز کند بلکه به آن جهت دهد.

II مهم‌ترین دغدغه شما به عنوان بخش خصوصی برای سال آینده چیست؟

بزرگ‌ترین دغدغه‌ام همان مشکل ۳۰ساله‌ای است که در کل اقتصاد داریم و یک قسمت از جامعه ما تحت عنوان محروم و فقیر دچار ناهنجاری‌های مختلفی است که عمدتاً در بخش اقتصادی وجود دارد. آماری که امروز در جلساتی که داشتیم مطرح شد درباره نحوه طبقه‌بندی صدک‌های اجتماعی ما به جای دهک‌هاست که حاصل کار بسیار خوب آقای نیلی است. جمع‌بندی‌شان این است که ما در حال حاضر ۵ میلیون نفر در کشور داریم که در شرایط بد اقتصادی به‌سر می‌برند. ۵ میلیون نفر هم داریم که نسبت به شرایط نرمال وضع بهتری دارند. ۶۷ میلیون نفر نیز در حد متوسط داریم. تمام بحث یارانه‌ها، عدالت اجتماعی و نگرانی‌های مسائل اجتماعی، عمدتاً حول آن پنج میلیون نفر ضعیف قرار دارد. ضمن اینکه این ۶۷

میلیون نیز باید ساماندهی جدی شوند، اما اگر بتوانیم موضوع آن ۵ میلیون نفر را از نظر مشکلات اقتصادی رفع کنیم، قسمت عمده‌ای از نارسایی‌های حوزه اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی ما حل خواهد شد. اگر وجهه همت را بگذاریم برای حل و فصل مسائل این ۵ میلیون نفر فقیر و سر و سامان دادن به نارسایی‌های زندگی آن‌ها، در حوزه‌های مختلف نیازهایشان اعم از معیشتی، آموزش، بهداشت، مسکن و... ۷۰ درصد از مشکلات توسعه‌ای ما حل خواهد شد. ۷۰ درصد از نگرانی‌های اجتماعی ما حل خواهد شد. درصد عمده‌ای از آسیب‌های سیاسی ما قابل حل است. امکان مالی هم وجود دارد و مدیریت جهت‌دهی‌ها و سیاستگذاری‌ها را می‌تواند. در بحث یارانه‌ها اگر بتوانیم نوع یارانه‌ها را جهت‌دهی کنیم تا در نظام سلامت و نظام مسکن مشکل این ۵ میلیون نفر را حل کنیم، به‌نظرم بالای ۴۰ تا ۵۰ درصد مشکلات ریشه‌ای‌مان حل خواهد شد.

II این آمار ۵ میلیون نفر واقعی است؟ چون به نظر می‌رسد که بیشتر از این باشد...

این آماری است که ما همین امروز داشتیم. ۶۷ میلیون نفر طبقه متوسط ما هستند که شامل طیف متنوعی می‌شوند، پنج میلیون نفر هم افرادی داریم که به اصطلاح خیلی پولدار هستند و پنج میلیون دیگر هم دارای وضعیت به شدت بحرانی هستند. البته همان‌طور که اشاره کردم این محاسبه به صورت صدکی و نه دهکی انجام شده است. حدود ۶۷ میلیون نفر بین متوسط پایین و متوسط بالا هستند. ولی آن چیزی که خیلی جای نگرانی دارد و به همه آسیب می‌رساند، همین ۵ میلیون نفری هستند که شرایطشان بحرانی است. تکرار می‌کنم که اگر ما بتوانیم این ۵ میلیون نفر را ساماندهی کنیم، قسمت عمده‌ای از مشکلات ما حل خواهد شد. این شدنی است و آنچه ادعا دارم این است که با همه محدودیت‌ها، نارسایی‌ها و امکانات موجودمان، امکان حل و فصل مشکلات ۶۰ تا ۷۰ درصد این ۵ میلیون نفر موجود است.

II اینکه آقای نیلی این موضوع را در جلسه با شما مطرح کردند، آیا این امکان را به وجود آورده است که بخش خصوصی و دولت بخواهند برای حل این معضل کار مشترکی انجام دهند؟

اگر یک برخورد عمومی، بسیجی و مردمی داشته باشیم و همه از ظرفیت‌های موجود، قانونی، دینی، اعتقادی، ساختاری، اقتصادی، بودجه‌ای دست به دست هم دهیم و مدلی انتخاب کنیم که همه را بسیج کند حتماً این کار شدنی است. ما خوشبختانه نگاه بسیجی داریم، بسیج عمومی کلید حل معضل محرومیت‌ها خواهد بود. ظرف ۳۰ سال گذشته هم این صحبت‌ها شده است ولی اگر ساختار را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که جهت‌گیری در اولویت باشد، به نظر من برنامه‌ریزی مدیریتی ما بقیه امور را خیلی راحت‌تر می‌تواند حل کند. نگرانی من اگر نگرانی اجتماعی، فقر، بیکاری و بازتاب‌های اجتماعی - سیاسی است، عمدتاً روی ۵ میلیون نفر متمرکز است و این تعداد در ۷۶ میلیون نفر قابل کنترل و اداره است.



۶۷ میلیون نفر طبقه متوسط ما هستند که شامل طیف متنوعی می‌شوند، پنج میلیون نفر هم افرادی داریم که به اصطلاح خیلی پولدار هستند و پنج میلیون دیگر هم دارای وضعیت به شدت بحرانی هستند. اگر ما بتوانیم این ۵ میلیون نفر را ساماندهی کنیم، قسمت عمده‌ای از مشکلات ما حل خواهد شد. این شدنی است.

سرمایه‌گذاری؛ نیازمند تدوین یک استراتژی

دولت در لایحه بودجه سال آینده برای بهبود فضای کسب‌وکار مصمم است



■ **فریال مستوفی**
عضو کمیسیون
سرمایه‌گذاری اتاق
تهران

قطعا مهم‌ترین اتفاقی که طی سال گذشته در حوزه کارای رخ داد تامین مالی طرح‌های نیمه تمام فولادسازی در هفت استان کشور بوده است که منجر به فعال شدن مجدد این طرح‌های ملی شد. به عنوان مقدمه‌ای کوتاه و جهت شفاف‌سازی نحوه تامین مالی لازم می‌دانم تاریخچه‌ای کوتاه از این طرح‌های ملی ارائه کنم:

طرح‌های مذکور در واقع در دولت نهم عملیاتی شد و هر یک از پروژه‌های فوق به صورت کلید در دست، به صورت مشارکتی به شرکت‌های توانمند ایرانی داده شد. هر یک از مشارکت‌ها در شرایط افزایش تحریم‌ها، برای تامین تکنولوژی مورد نیاز به سوی شرکت‌های اروپای غربی روی آوردند که نتیجه‌ای جز توقف و افزایش هزینه‌های ثابت برای پروژه‌ها نداشت. از سوی دیگر عدم برنامه‌ریزی صحیح مالی به مرور زمان پروژه‌ها را با مشکلات متعدد مالی روبرو کرد که نهایتا

منجر به توقف کامل آن‌ها گردید. با در نظر گرفتن شرایط به وجود آمده، پس از تلاش‌های متعدد و رفع برخی از خودتحریمی‌ها، تصمیم بر آن شد که تهیه برخی از تجهیزات و واحدهای جنبی باقیمانده پروژه‌ها به همراه تامین مالی آن‌ها از کشور چین صورت پذیرد. به واسطه این تصمیم، مذاکرات میان دو کشور آغاز و توافق شد که این طرح‌ها با مشارکت شرکت‌های ایرانی و چینی ذریعت و برخی بانک‌ها و موسسات مالی دولتی کشور چین انجام پذیرد. البته لازم به ذکر است که با توجه به پایان یافتن فازهای توجیه فنی، اقتصادی و مهندسی، نقش شرکت‌های مذکور در اکثر پروژه‌های فوق تنها عاملی برای تکمیل تجهیزات باقیمانده بر اساس طراحی پیشین از کشورهای اروپایی و چین خواهد بود.

خوشبختانه در ماه‌های اخیر و در دولت یازدهم و

پیگیری‌های متعدد صورت گرفته، اعتبارات اسنادی هفت طرح فوق در حال گشایش بوده و عملاً پروژه‌ها در آینده نزدیک با تامین مالی، جانی دوباره خواهند گرفت که آثار مثبت آن از جمله اشتغال‌زایی، رشد توسعه کشور، توازن در زنجیره تولید فولاد، کاهش واردات و ... نزد اهل اقتصاد آشکار است.

یکی دیگر از اثرات مثبتی که می‌تواند با توجه به بودجه پیشنهادی دولت در سال ۹۳ محقق شود، استفاده از تجربه تامین مالی هفت طرح استانی برای تامین سرمایه احداث پروژه‌های آبی می‌باشد. البته باید در مسیر پیش رو از تجربیات گذشته به خصوص آن‌هایی که هزینه‌های گزافی بر کشور تحمیل کرده‌اند به عنوان یکی از شروط لازم تدبیر، کمال استفاده شود. خوشبختانه قوانین ایران در زمینه سرمایه‌گذاری جامع و کامل است و کشورمان از لحاظ پتانسیل‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری غنی بوده و آمادگی جذب



حمل و نقل، امیدها و دغدغه‌ها

یک حمل و نقل بهینه باید کمترین هزینه را متوجه مصرف‌کننده نهایی کند



■ **توفیق مجدپور**
نایب‌رییس
کمیسیون حمل و نقل
اتاق تهران

حوزه حمل و نقل، حوزه گسترده‌ای است. این حوزه، هرچند نقش میانجی بین تولید و توزیع و بازار مصرف و ارائه خدمات برای بار و مسافر را ایفا می‌کند، اما شامل طیفی بسیار وسیع از خدمات و فرآورده‌هاست. مجموعه‌ای که از زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی گرفته تا هوایی و دریایی شامل تاسیسات ریلی، جاده‌ها و پایانه‌ها، بنادر و فرودگاه‌ها را شامل می‌شود. مواردی که در کنار آن‌ها باید به کالاهای سرمایه‌ای ویژه‌ای هم‌چون کامیون و واگن و لوکوموتیو برای حمل و نقل جاده‌ای، هواپیما برای حمل و نقل هوایی و کشتی در ابعاد و کلاس‌های مختلف و با کاربردهای باری و مسافری در حمل و نقل دریایی نیز اشاره کرد. علاوه بر این باید به دامنه‌های صنعتی دیگری اشاره کرد که شامل تاسیسات کارخانه‌ای مرتبط با صنایع جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی می‌شود که ماهیتاً مجموعه‌ای از صنایع مادر را شامل می‌شود.

حال و چنانچه به عمق فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی جامعه و حتی به مسافرت‌های درون یا برون شهری و سفرهای تفریحی و گردشگری، توجه کنیم، می‌بینیم که پیوسته با عناصر اصلی حمل و نقل یعنی راه و جاده و ریل و مسیرهای دریایی و کرایه‌های هوایی، با سازه‌ها و زیرساخت‌های حمل و نقلی، با تجهیزات جابه‌جایی بار و مسافر (کامیون، کامیونت، اتوبوس و سایر حاملان کالا و مسافر، واگن و تجهیزات متصل به حمل و نقل ریلی، کشتی و تجهیزات بندری و هواپیما و فرودگاه) در رابطه‌ایم. این نوع از رابطه، ضرورت وجود یک «نظام مدیریتی» مرتبط با موضوع فعالیت‌های حمل و نقلی را مورد تاکید قرار می‌دهد.

با توجه به تجربه بیش از چهار دهه فعالیت مستمر اینجانب در حوزه حمل و نقل، به تجربه دیده‌ام که برای این «نظام مدیریتی» باید قائل به وجود چند صفت ویژه بود. صفاتی که متأسفانه در «نظام مدیریتی» پیشین، با کاستی‌های چندی همراه بود. صفاتی هم‌چون: وجود نگاهی «بهره‌ورانه به فعالیت‌های حمل و نقلی»، وجود نگاهی کاملاً تخصصی به موضوع حمل و نقل و وجود نگاهی «واقع‌بینانه به مسائل مبتلا به حمل و نقل» که راه‌حل‌ها را بر اساس «هم‌اندیشی» و «متکی به «عقل جمعی» و نه صرفاً «تمایلات شخصی و تشخیص‌های فردی» جست‌وجو کند.

در یک نگاه کلی، خوشبختانه باید گفته شود که در عناصر و سازه‌های برشمرده شده فوق، هرچند نه متناسب با روزآمدی صنعتی نوین و فن‌آوری‌های پیشرفته و نیازهای واقعی ما، اما از داشته‌های قابل توجهی بهره‌مند هستیم، داشته‌هایی که در یک وضعیت بهره‌ورانه، می‌تواند ما را به قطبی سرآمد، در حمل و نقل چندوجهی و ترانزیت منطقه و کریدور شمال - جنوب تبدیل کنند.

به نظر اینجانب، مهم‌ترین جنبه مثبتی که در سال جاری و بعد از روی کار آمدن دولت جدید، اتفاق افتاد، انتخاب وزیر با کفایت و در شأن مطالبه‌هایی است که «نظام مدیریتی حمل و نقل» طلب می‌کند. نظامی که برای «بهره‌وری»، «اندیشه و نگاه تخصص‌گرایانه» و باورمند به «عقل جمعی» ارزش و احترام قائل است.

برای اعمال مدیریت بر داشته‌هایی که در حوزه حمل و نقل در اختیار داریم، دقیقاً به وزارت

صنعت حمل و نقل، صنعتی میانجی‌گر بین تولید و مصرف است. این زنجیره، زنجیره ارتباطی بین بازارهاست و هرچند که خدماتی در سایه را انجام می‌دهد اما جزو شفاف‌ترین فعالیت‌هاست که عملاً، منافع حاصل از فعالیت‌های آنان، به نفع مصرف‌کننده نهایی خاتمه می‌یابد.

سرمایه‌های داخلی و خارجی را نیز دارد. این موارد شروط لازم برای سرمایه‌گذاری است، اما کافی نیست چراکه سرمایه‌گذار برای حضور در فضای اقتصادی هر کشوری نیازمند محیطی امن است.

در شرایط فعلی، اوضاع نامساعد واحدهای صنعتی و تولیدی و شرایط حاکم بر فضای کسب و کار در کشور، بهترین گواه برای عدم وجود جاذبه سرمایه‌گذاری در ایران، می‌باشد و این درحالی است که نیاز به سرمایه‌گذاری علی‌الخصوص در بخش تولید و خدمات به شدت احساس می‌شود و این مساله یکی از نگرانی‌هایی است که در حوزه سرمایه‌گذاری با آن روبرو هستیم.

مشکلاتی که بر سر راه سرمایه‌گذاری در چند دهه گذشته وجود داشته و اکنون نیاز است دولت یازدهم توجه ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشد را می‌توان به صورت اجمالی به شرح زیر مطرح نمود. بایستی توجه داشت که تداوم این مشکلات، باعث کاهش اثر بخشی و همچنین ضعف سیاست‌های معطوف به سرمایه‌گذاری در کشور، خواهد شد.

فقدان یک استراتژی جامع سرمایه‌گذاری، منجر به رشد فعالیت‌های غیر مولد به اشکال گوناگون شده است. تصویب قوانین و مقررات متعدد و بی‌ثبات، قوانین بانکی، عدم وجود ستاد تصمیم‌گیری یکپارچه در عرصه اقتصاد، مناسب بودن شرایط خروج سرمایه از کشور، حاکم نشدن فضای رقابت، فقدان نظام حقوقی و قانون مالکیت خصوصی، کارایی پایین بخش

دولتی در برنامه‌ریزی و اجراء ضعف بازارهای قانونمند سرمایه و عدم دسترسی آسان به اطلاعات از دیگر عوامل هستند که چنانکه گفته شد تداومشان امر سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

متأسفانه در سال جاری با نوسانات شدید ارزی و اقتصادی روبرو بودیم که نه تنها برای ایجاد محیط امن سرمایه‌گذاری مناسب و مطلوب نبود بلکه باعث سلب اعتماد بخش سرمایه‌گذار و مولد کشور شد به طوری که بسیاری از منابع مالی که می‌شد در مسیر تولید از آن‌ها استفاده شود، تبدیل به ارز و یا طلا شدند. از دیگر نتایج این امر، افزایش نقدینگی در بازار است که به نظر می‌رسد کنترل آن چالش‌هایی را برای دولت ایجاد کرده بود. با این حال دولت یازدهم نهایت تلاش خود را در جهت کنترل و ساماندهی این شرایط به کار برد و در حال حاضر که روزهای پایانی سال را سپری می‌کنیم، در مجموع به یک وضعیت نسبتاً متعادل رسیده‌ایم.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، عدم تناسب نرخ تورم و سود بانکی است. نرخ بالای تورم و رکود اقتصادی و مشکلات موجود در روابط بانک‌های ایرانی با بانک‌های خارجی به همراه نوسانات ارزی، سبب شده‌اند تا فکر سرمایه‌گذاری در ایران کم‌رنگ‌تر شود.

با توجه به موارد ذکر شده، ارزیابی وضعیت سال آینده بسیار دشوار است ولی امید می‌رود با اقدامات متعدد و موثری که دولت یازدهم در این راستا انجام داده، نتایج مثبتی را در سال آینده شاهد باشیم.

برون‌رفت از چنین شرایطی منوط به توجه مسئولان و سیاست‌گذاران این بخش و اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های عملی و کارا است. اگر بخواهیم به صورت خلاصه پیشنهادهایی به عزیزانی که به صورت مستقیم درگیر این مهم هستند ارائه کنیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. آماده کردن شرایط امن و مطمئن اقتصادی، بازرگانی، اجتماعی و سیاسی
 ۲. اصلاح قوانین بانکی، بیمه، تجاری و ارزی و تثبیت آن‌ها
 ۳. به رسمیت شناختن اصول مالکیت و مدیریت خصوصی و ایجاد امنیت لازم برای دارای‌های خصوصی
 ۴. ایجاد اصول قضایی با ثبات و بی‌طرف
 ۵. پرهیز دولت از رقابت مستقیم و غیر مستقیم با بخش خصوصی
 ۶. اجرایی کردن اصل عدم فعالیت‌های انحصاری دولت
 ۷. اصلاح قوانین کار به صورتی که حقوق نیروی کار حفظ، رقابت در بازار کار تقویت و اطمینان کارفرمایان فراهم شود.
- تعهد به پیگیری هدف‌های بالا و راهکارهای اجرایی آن می‌تواند زمینه‌های لازم را برای جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته و استقرار یک فرآیند رشد پیوسته و ماندگار در آینده و دستیابی به رفاه و عدالت اجتماعی در کشور فراهم آورد.

مدیریت نیاز است که به هر سه ویژگی بهره‌وری، تخصص‌گرایی و عقل جمعی باور و یقین داشته باشد و عملاً آن را به اجرا گذارد.

خوشنودیم که چنین انتظاری، در وزارت راه، مسکن و شهرسازی محقق شده است و طبعاً انتظار داریم که در ادامه شاهد تداوم این نحوه تفکر باشیم.

مصداق امیدوارکننده، اهمیتی است که وزیر محترم، برای احیای شورای عالی ترابری قائل شده‌اند. شورای که می‌تواند در چارچوب وظایف، تصمیم‌های راهبردی ویژه‌ای را در دستور کار خود قرار دهد. به تبع چنین انتخابی، شاهد تحول در مدیریت حوزه‌های ریلی، جاده‌ای، دریایی و هوایی هستیم که قطعاً خواهند توانست در پرتو رویکردهای واقع‌بینانه، زمینه تحقق یک مدیریت بهره‌ور، تخصص‌گرا و متکی به عقل جمعی را فراهم سازند. به تجربه دیده‌ایم که تصمیم‌های غیر کارشناسی و تصمیم‌سازی‌های خارج از جمع فعالان حوزه حمل‌ونقل کشور، جز اثر زیان‌بار، هیچ دستاوردی نداشته‌اند.

دغدغه‌ها و نگرانی‌های ما در حوزه حمل‌ونقل، محدود به یک زمان مشخص نمی‌تواند باشد. ما، فعالان حوزه حمل‌ونقل، ترس از آسیب‌دیدگی «بهره‌وری» داریم! چرا که معتقد هستیم سرمایه‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل، یک سرمایه‌گذاری پنهان است و اگر به «بهره‌وری حاصل از سرمایه‌گذاری» آسیبی وارد شود، نقض غرض شده و به مصرف‌کننده نهایی، یعنی تک تک افراد جامعه، آسیب وارد می‌شود. هدف از سرمایه‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل، چیزی نیست جز رساندن کالا به دست مصرف‌کننده نهایی با حداقل هزینه حمل‌ونقل. حال اگر، به موضوع «بهره‌وری» توجه نشود، کالاها و خدمات، با قیمتی بیشتر از حد و سقف طبیعی خود به دست مصرف‌کننده می‌رسند. و این، همان اتفاقی است که هیچ نظام حمل‌ونقلی، از وقوع آن، خشنود نخواهد شد. یک حمل‌ونقل بهینه، حملی و نقلی است که کمترین هزینه را متوجه مصرف‌کننده نهایی می‌سازد.

مسیرهای راحت و استاندارد، وسایل حمل‌ونقلی مجهز و ایمن و سرعت متناسب برای جابه‌جایی بار و مسافر، از جمله شاخص‌هایی هستند که نویدبخش توسعه پایدار بوده و تکریم انسان را در مطمح نظر خود دارند. برای استقرار این توسعه و تداوم پایدار آن، به شدت نیازمندیم که فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، تقویت شوند و منابع مالی،

از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری، عملاً به حوزه فعالیت‌های تولیدی - خدماتی هدایت شوند. در این مسیر نیاز هست تا به واسطه سیاست‌های پولی منسجم و بهره‌ورگرا منابع مالی بانک‌های دولتی به سمت برنامه‌های توسعه‌ای با مشارکت «بانک‌های دولتی و فعالان اقتصادی بخش خصوصی» هدایت گردد. اقتصاد کشور ما در وضعیت فعلی، در حالت اقتصاد تورمی - رکودی قرار دارد. این شرایط، از نظر اقتصادی، حالت خوبی نیست. علت آن نیز مشخص است و به این نکته کلیدی ارتباط دارد که: هر تصمیم ما برای مقابله با «رکود» باعث تشدید «تورم» می‌شود و در نقطه مقابل آن، هر تصمیم ما برای اجرای سیاست‌های پولی انقباضی، می‌تواند، مقوله «رکود» را شدت دهد.

توصیه ما آن است که با تقویت زمینه‌های سرمایه‌گذاری در زیربخش فعالیت‌های حمل‌ونقلی، به ویژه تعمیم روش‌های «مشارکتی» بین بانک‌ها و بخش خصوصی و فروش سهام سرمایه‌گذاری، زمینه مناسب برای هدایت منابع مالی سرگردان فراهم گردد و به این ترتیب بر سرعت گردش پول در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، افزوده شود.

گسترش فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری، سبب ورود حجم انبوهی از نقدینگی در جامعه شده است که ماهیتاً مقوله‌ای تورم‌زاست. دغدغه ما آن است که مبادا، به دنبال سرمایه‌گذاری‌های جدید، در زیربخش فعالیت‌های غیرتولیدی و واسطه‌ای، بر نرخ تورم افزوده شود.

مقابله با این اتفاق، جز با اتحاد برای حذف فعالیت‌های واسطه‌ای، دلالی و کارچاق‌کنی از جامعه اقتصادی، امکان‌پذیر نیست. بیابیم و بین فعالان اصیل اقتصادی (که به دور از واسطه‌گری به فکر تولید کالا و خدمت هستند) با دلالان اقتصادی، تفاوت قائل شویم و برپایه این تفاوت، منابع مالی را در خدمت تولید کالا و خدمات قرار دهیم.

در این فرآیند، نقش بانک‌ها (چه بانک‌های دولتی و چه بانک‌های خصوصی) فوق‌العاده جدی است و توصیه جدی نیز، اتخاذ رویه و راهبرد سرمایه‌گذاری مشارکتی بر موضوع‌های حمل‌ونقلی بین «بانک‌ها» و «فعالان اقتصادی حوزه حمل‌ونقل» است.

به پشتوانه وجود مدیریتی بهره‌ور، تخصص‌گرا و قائل به عقل جمعی، از فرآیندهای حامی طرح‌های توسعه‌ای با رعایت حال و تکریم مقام عالی انسانی و عدالت، جانبداری کنیم.

**نرخ بالای تورم
و رکود اقتصادی
و مشکلات
موجود در روابط
بانک‌های ایرانی با
بانک‌های خارجی
به همراه نوسانات
ارزی، سبب
شده‌اند تا فکر
سرمایه‌گذاری در
ایران کم‌رنگ‌تر
شود.**



راهی جز افزایش قیمت حامل‌های انرژی نداریم

چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال آینده
در گفت‌وگو با مسعود نیلی مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور



شده و به وخیم‌تر شدن وضعیت آلودگی هوا منجر خواهد شد و از طرف دیگر، شرایط رکود تورمی نگرانی‌هایی را برای این تغییر مطرح می‌سازد. نیلی گرچه احیای سازمان برنامه و بودجه را امری ضروری می‌داند اما در عین حال می‌گوید دولت به دلیل وضعیت فعلی اقتصاد کشور و وجود مشکلات متعدد و پیچیده آن، هنوز فرصت پیدا نکرده تا به بررسی شیوه و نحوه احیای آن بپردازد.

عظیم محمودآبادی: مسعود نیلی که به تازگی از سوی رئیس‌جمهوری مسئول بررسی چگونگی اجرایی شدن فاز دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها شده معتقد است موضوع افزایش قیمت حامل‌های انرژی خود را به صورت یک معما در نظام تصمیم‌گیری کشور نمایان ساخته است. از یک طرف، عدم افزایش قیمت انرژی منجر به بروز مشکل جدی در تامین انرژی مورد نیاز کشور و قطعی گاز و برق



برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی وجود دارد، مستلزم پاسخ به چند سوال خیلی مهم و کلیدی است؛ سوال اول اینکه آیا ادغام سازمان امور اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه موفق بود؟ آیا این شکل موجود در احیای سازمان مفید است و می‌توان انتظار داشت با احیای مجدد آن، کارکرد اصلی خودش را به درستی ایفا کند؟ آیا اساسا کارکرد نظام مدیریتی و نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی باید در قالب یک سازمان باشد؟ طبیعتا این سوال مهمی است که پاسخ به آن ایجاب می‌کند در مورد شیوه احیای این سازمان

قبل از هر چیز لازم می‌دانم تاکید کنم پاسخی را که به این سوال می‌دهم به هیچ وجه از موضع سمتی که در دولت دارم بیان نمی‌کنم یا حاصل بحث جمعی در داخل نظام تصمیم‌گیری دولت نیست، بلکه من اینجا صرفا ارزیابی شخصی خودم را بیان می‌کنم و این مقدمه لازم است حتما ذکر شود. اما آنچه به‌عنوان تحلیل خودم می‌توانم بگویم این است که در پاسخ به این سوال به دو موضوع می‌توان اشاره کرد؛ موضوع نخست اینکه احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا سازمان برنامه و بودجه یا آنچه الان به‌عنوان معاونت

ببحثان را از سازمان برنامه و بودجه شروع کنیم. می‌دانیم دولت اراده احیای سازمان برنامه و بودجه را دارد تا اقتصاد کشور از مواهب آن برخوردار شود. لطفا بفرمایید مشخصا چه مشکلی وجود دارد که هنوز این اتفاق نیفتاده است؟ آیا در بعد حقوقی یا قانونی مشکلی وجود دارد یا در اثر سال‌هایی که این سازمان به محاق رفته بود، هنوز آمادگی لازم را برای ورود به مباحث اقتصادی آن‌طور که باید پیدا نکرده است؟

دقت و تامل بیشتری داشته باشیم. سوال دوم این است که هر کدام از این دو سازمان به طور مجزا - فرض کنیم ادغام نشوند و جداگانه قرار گیرند - آیا احیایشان به معنی بازگشت به همان وظایف و نقش‌هایی است که قبل از انحلال داشتند یا این هم مستلزم بازنگری است؟ آیا فرآیند تدوین برنامه‌های میان‌مدت، بودجه‌ریزی، کارکرد شورای اقتصاد، نظام آمار و نظام فنی و مهندسی کشور و مواردی که در سازمان برنامه و بودجه قبل از ادغام با سازمان امور اداری و استخدامی کشور داشته، قرار است به همان شکل قبلی خود احیا شوند و کار کنند یا اینکه لازم است در اینجا به یک بازنگری اساسی بپردازیم؟ به نظر می‌رسد همه قبول دارند که این‌ها سوالات مهمی هستند و پاسخ مبسوط و کارشناسی‌شده‌ای را اقتضا می‌کند. اگر بگوییم لازم است برای این دو سوال، پاسخ داشته باشیم، لازمه‌اش این است که تمرکز عمیق و بررسی‌های کارشناسی دقیقی صورت گیرد. تا جایی که من اطلاع دارم در مورد اینکه آیا سازمان امور اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه در قالب یک سازمان کار کنند یا به طور مجزا، موافقان و مخالفان جدی وجود دارند. یعنی کسانی هستند که قاطعانه معتقدند که این دو سازمان باید حتماً مجزا باشند و ادغامی که صورت گرفته، موفق نبوده و اصلاً نباید انجام می‌شد. از طرف دیگر عده‌ای نیز معتقدند که اگر اشکالی بوده، مربوط به نحوه اجرا است و کارکرد این دو سازمان با هم معنادار است. برای رسیدن به پاسخ‌هایی روشن که با در نظر گرفتن جمیع جوانب ارائه شوند نیازمند بررسی‌ها و مطالعات دقیقی هستیم.

موضوع دوم هم به این صورت است که آیا همین سازمان‌ها به‌طور مجزا باید به کارکرد قبلی خود برگردند یا لازم است کارکردهای اصلاح‌شده و جدیدی برای آن‌ها تعریف شود و همان‌طور که اشاره کردم در این خصوص هم نظرات متفاوتی وجود دارد. برای پاسخ به این سوالات، هم باید مطالعات تطبیقی انجام شود و هم باید گزارش‌های تحلیلی از مراحل مختلف کارکرد این سازمان‌ها داشته باشیم و در مرحله بعد همایش‌ها و سمینارهایی برگزار شود و نظرات مختلف مطرح شود تا به جمع‌بندی برسیم. ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا اکنون این کارها در حال انجام است یا نه؟ و آیا در جهت پاسخ به این سوالات حرکت می‌کنیم یا نه؟ در پاسخ به این سوال باید بگوییم که دولت از زمانی که کار خود را شروع کرده به شدت درگیر مشکلاتی بوده که ابعاد آن واقعاً بزرگ است و پرداختن به این مشکلات نه‌تنها همه ظرفیت موجود سیستم تصمیم‌گیری و کارشناسی داخل دولت را صرف می‌کند بلکه حتی اگر ظرفیت فراتر از این هم وجود داشت باز هم برای پراختن به این مسائل کافی نبود. می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که در وضعیت فعلی اولاً تعداد و ثانیاً ابعاد مشکلاتی که دولت در عرصه مسائل اقتصادی و اداری با آن مواجه است، مجالی برای پرداختن به

این موضوع آن‌طور که در شأن پرداختن به این‌ها هست را ندارد. چرا که دولت در طول زمانی که تاکنون مسئولیت اداره کشور را بر دوش گرفته ناچار بوده به موضوعاتی از قبیل چگونگی سامان دادن به مسکن مهر و نحوه پرداخت یارانه‌ها، کسری بزرگ بودجه سال ۹۲ و مسائلی از این دست بپردازد و پرداختن به مسائل متعددی که با آن مواجه بوده، واقعا فرصتی برای پرداختن به مسائل حساسی مانند سازمان برنامه و بودجه باقی نگذاشته است.

۱۱ فکر می‌کنید بدون اینکه دولت ابتدا مساله سازمان برنامه را حل کند امکان این وجود دارد که از مسائل و مشکلاتی که به آن اشاره کردید عبور کند؟

درست است. البته این سوال، یک پاسخ مفهومی دارد و یک پاسخ خیلی معین معطوف به مصداق. بله این همیشه حرف درستی است که اگر دولت یک دستگاه متفکری نداشته باشد، دستگاهی که همه مسائل را با هم ببیند و بررسی‌های کارشناسی را باهم انجام دهد، همواره در معرض این ریسک قرار دارد که تصمیمات جزیره‌ای که می‌گیرد، همدیگر را نقض کنند و بعد باعث شود که راه‌حل‌های موضعی درست باشد اما راه‌حل‌های کلی درست نباشند و این حرف به‌صورت مفهومی سخنی درست است. اما توجه داشته باشید در عین حالی که مساله‌ای که شما در سوال خودتان به آن اشاره می‌کنید درست است اما واقعا از بین بردن این مشکل به این زودی‌ها امکان‌پذیر نیست. اصولاً نهاد دولت را اگر در کلیت خود در نظر بگیریم، بخشی از کارکردش تابع راس هرم دولت است که جابه‌جا و عوض می‌شود اما یک بخش بزرگی از آن برآمده از ظرفیت کارشناسی و مدیریتی است که در لایه‌های ذیل آن نظام بالای تصمیم‌گیری دولت قرار دارد. طبیعتاً یکی از ارکان کل نظام کارشناسی و اداری دولت، سازمان برنامه و بودجه است؛ خب می‌دانیم که به این رکن مهم سال‌ها است ضربه‌ای وارد شده که به نظر ضربه‌ای اساسی بوده است و اگر بخواهد مجدداً احیا و بازسازی شود، حداقل ۴ سال زمان می‌برد تا دست‌کم به جایی که قبلاً بوده، برسد. ضمن اینکه توجه داشته باشید وضعیت سازمان برنامه و بودجه حتی قبل از روی کار آمدن دولت نهم نیز به هیچ‌وجه وضعیت ایده‌آلی نبوده است. می‌خواهم بگویم صحبت شما به صورت مفهومی درست است اما شاید سازمان برنامه و بودجه که در حال حاضر هم دارای کارشناسان ارزشمندی است که می‌توانند کمک‌های موثری بکنند، برای دولت یا دولت‌های بعدی بتواند تبدیل به نهادی مطلوب شود و این تازه در صورتی است که دولت فعلی بتواند بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی موجود را حل کند. یکی از مواردی که به صورت یک پارامتر مطرح است و کمتر به آن توجه می‌شود این است که این دولت در شرایطی می‌خواهد به حل مسائل پیچیده، مهم و بزرگ بپردازد که توان و قابلیت‌های نظام اداری ما طی سال‌های گذشته افت کیفی چشمگیری داشته

است. بنابراین شما درست می‌گویید که آیا بهتر نیست ابتدا این سازمان درست شود و بعد به حل مسائل و مشکلات بپردازیم؟ نکته‌ای که اینجا لازم می‌دانم به آن اشاره کنم اینکه اگر من به لحاظ کارشناسی می‌گویم دست‌کم ۴ سال زمان لازم است تا سازمان برنامه و بودجه به جایی برسد که به حل آن مشکلات و مسائل بپردازد، مطمئناً به معنای آن نخواهد بود که من معتقدم حل مشکلات را باید به چهار سال دیگر محول کرد. چرا که در این صورت ابعاد مشکلات به قدری بزرگ خواهد شد که سازمانی هم که درست شده، از عهده آن برنخواهد آمد.

۱۱ به مشکلات و مسائلی اشاره کردید که حتی برای دولت مجال پرداختن به احیای سازمان برنامه و بودجه را نگذاشته است. شتاب و سرعت دولت در حل مشکلات اقتصادی که به آن اشاره کردید را چطور ارزیابی می‌کنید؟

زمانی که دولت کار خود را شروع کرد با چند مساله جدی و بزرگ مواجه بود که مانند پروژه‌هایی بوده‌اند که باید به‌گونه‌ای درمورد آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شده است. اگر بخواهم برایتان فهرستوار بگویم می‌توانم به مساله تورم اشاره کنم که در واقع دولت جدید، کشور را با تورم ۴۳ درصد تحویل گرفت که یکی از بالاترین ارقام تورم دنیا است. در بررسی اینکه چرا این‌گونه شده، باید گفت که حجم نقدینگی رشد خیلی بالایی داشته است. حالا اینکه چرا نقدینگی رشد داشته است به بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی برمی‌گردد که زیاد بوده و علت اصلی آن را می‌توان در مسکن مهر جست‌وجو کرد. دولت قبل تعهد سنگینی را به لحاظ پولی ایجاد کرده و نظام پولی کشور کلاً در خدمت کاری قرار گرفته که قسمت خیلی بزرگ پایه پولی را ایجاد کرده و نیمی از صدهزار میلیارد تومان پایه پولی، مربوط به مسکن مهر می‌شده است. بنابراین یک سمت موضوع به خانوارهایی برمی‌گردد که چشم‌امیدشان به این بوده که با هزینه کم بتوانند صاحب مسکن شوند و سمت دیگر مردمی هستند که به واسطه تورمی که این کار ایجاد کرده، عملاً باید پول آن را تامین کنند، در نتیجه معضل را بیش از آنچه تصور می‌شود پیچیده کرده است. برای همین، پیدا کردن راه‌حلی که نه امید عده‌ای را ناامید کند که به هر حال انتظار دارند صاحب مسکن شوند و نه تورم را تشدید کند، طبیعتاً به مساله سختی تبدیل شده است. مورد دیگر مساله یارانه‌ها است که باید بین ۴۲ تا ۴۳ هزار میلیارد تومان یارانه در سال به مردم پرداخت شود. در حالی که می‌بینیم در آمد دولت از محل فروش انرژی، در بهترین حالت چیزی حدود ۲۷ تا ۲۸ هزار میلیارد تومان است که شکاف قابل توجهی بین ۱۵ تا ۱۶ هزار میلیارد تومان وجود دارد. خب دولت هم نمی‌تواند در این شرایط به سراغ بانک مرکزی برود چرا که این کار مجدداً به تورم دامن می‌زند. حالا اگر بخواهد مبلغ آن را از جای دیگری تامین کند نیز مشکلاتی ایجاد خواهد شد و باید برای مدیریت این کسری و جبران



شاید سازمان برنامه و بودجه که در حال حاضر هم دارای کارشناسان ارزشمندی است که می‌توانند کمک‌های موثری بکنند، برای دولت‌های بعدی بتواند تبدیل به نهادی مطلوب شود و این تازه در صورتی است که دولت فعلی بتواند بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی موجود را حل کند.



حل مساله
تحریم، اگر به
معنای استفاده
از سرمایه‌های
دنيا، استفاده از
تکنولوژی‌های
پیشرفته و به‌روز
دنيا و باز کردن
بازار برای ما باشد
که بتوانیم از آن
طریق صادراتمان
را به صورت جدی
شروع کنیم، همان
چیزی است که
باید به دنبال آن
باشیم. اما اگر
برداشتن تحریم
به معنای این
باشد که مجددا
کشورمان را
به بازار واردات
تبدیل کنیم، شاید
بتوان گفت همین
وضعیتی که اکنون
داریم بهتر است.

آن فکر کند تا بدون اینکه اختلالی در پرداخت یارانه به مردم ایجاد شود از تشدید تورم نیز جلوگیری کند. ضمن اینکه می‌دانیم دولت موظف بوده که قیمت انرژی را بالا ببرد اما با ملاحظه شرایط رکود تورمی و اوضاع نامناسب مردم و همچنین نامعلوم بودن میزان تحمل جامعه در خصوص افزایش قیمت‌ها، از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در بدو شروع به کار خودداری کرده است. در چنین شرایطی است که باید بگوییم پیدا کردن راه‌حل برای مشکلاتی که به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره کردم حداقل می‌توان گفت که راحت و سراسر نیست. در واقع به این سادگی‌ها امکان پذیر نیست که بتوان همه این مسائل را یک‌جا و بدون اینکه مشکلات جدیدی را در کشور ایجاد کند حل کرد و فکر نمی‌کنم کسی بتواند ادعا کند که راه‌حلی سراغ دارد که بتواند همه این مسائل را یک‌جا حل کند. در زمینه بودجه، دولت با بودجه‌ای شروع به کار کرد که با رقم ۲۱۰ هزار میلیارد تومان، مصوب مجلس در خرداد ۱۳۹۲ ابلاغ شده بود. دولت جدید در بررسی‌های خود به این پرسش مهم رسید که در حالی که عملکرد بودجه سال قبل ۱۰۷ هزار میلیارد تومان بوده، چگونه در شرایط دشوار سال جاری، دوبرابر شدن بودجه نسبت به سال گذشته امکان‌پذیر است؟ برای همین، اصلاحیه بودجه را تهیه کرد و آن را به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کاهش داد که این به معنای کاهش ۶۰ هزار میلیارد تومانی هزینه‌ها است. این عدد ممکن است در مقام بیان ساده باشد، اما واقعا عدد بزرگی است و هیچ‌وقت چنین کاهش‌ی در قالب حجم بودجه و اصلاحیه آن سابقه نداشته است. نکته بدتر از آن این است که اگر همان ۱۵۰ هزار میلیارد تومان که مجلس آن را به ۱۷۱ هزار میلیارد تومان تبدیل کرد را نیز در نظر بگیریم، امکان محقق شدنش کم است چراکه فکر نمی‌کنم تا پایان سال بتوانیم به ۱۳۰ هزار میلیارد تومان هم برسیم مگر اینکه اتفاقات خاصی رخ دهد. اکنون ۲۱۰ هزار میلیارد تومان را در نظر بگیرد و ۱۳۰ هزار میلیارد تومان را از آن کم کنید، در یک سال ۸۰ هزار میلیارد تومان می‌خواهیم تعدیل بودجه انجام دهیم. حالا این میزان که قرار است تعدیل بودجه انجام شود در صورتی که به هر حال قرار بوده با این مبلغ کارهایی انجام شود و انجام نشدن آن کارها به معنای فشاری است که به مردم وارد می‌شود و همچنین خدماتی که دولت کمتر می‌تواند در ارائه آن موفق باشد. وقتی بودجه و یارانه را کنار هم می‌گذارید از حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومانی که به‌نظر می‌رسد بودجه دولت تا پایان سال می‌تواند باشد، هزینه‌های عمرانی‌اش شاید ۱۰ هزار میلیارد تومان شود که بسیار عدد نازلی است. ۱۰ هزار میلیارد تومان را مقایسه کنید با ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه‌ای که به مردم پرداخت می‌شود. می‌خواهم بگویم منطقی که بر تخصیص منابع حاکم است در نگاه هر کارشناسی چنین برآورد می‌شود که ۴۲ هزار میلیارد تومان از طریق یارانه در اقتصاد مصرف می‌شود در حالی که ۱۰ هزار میلیارد تومان

سرمایه‌گذاری می‌کنیم! وقتی عدد سرمایه‌گذاری، به اعداد ۱۰ هزار یا ۱۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد، دیگر سرمایه‌گذاری نیست و در واقع پولی است که به پیمانکار می‌دهیم برای اینکه صرفا کارگارش را نگه دارد و گرنه آجری روی آجر گذاشته نخواهد شد. می‌خواهم بگویم این مسائل نمونه‌هایی است که وقتی هر کدام از این‌ها را بخواهیم حل کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که مسائل و کارهای خیلی دشواری در پیش است.

II **مواردی که مطرح کردید، درست است و کمابیش همه در جریان هستیم اما نکته‌ای که وجود دارد اینکه هم در میان مردم و هم به نوعی در بین فعالان اقتصادی این نگاه و امیدواری وجود دارد که با حل شدن دائمی تحریم‌ها ممکن است همه مشکلاتی که وجود دارد، تحت الشعاع قرار گیرد. به لحاظ بعد روانی چنین دیدگاهی در جامعه در بخش‌های مختلف مشهود است. این نگاه چقدر واقع‌بینانه است؟**

به نظر من توجه به این نکته ضروری است که ما باید دو مساله را از هم تفکیک کنیم؛ مساله اول اینکه تحریم‌ها که در مورد ما اعمال می‌شود و روند رو به افزایش داشت، اقدام ضدانسانی و ظالمانه‌ای بود که به زندگی مردم کشورمان فشار وارد می‌کرد. تامین دارو، تجهیزات پزشکی، مواد غذایی، جایه‌جایی مالی و همه موارد را شامل می‌شد و معضل بزرگ کشور بوده است که به طور طبیعی دولت باید یکی از مهم‌ترین اولویت‌های خود را حل این مساله قرار می‌داده و ضروری بوده که در جهت حل این مساله اقدام کند. همان‌طور که می‌دانید دولت در این مورد مسیر کار خود را دنبال کرده است و الان هم چنانکه می‌دانید هم دستاوردهای بزرگی داشته است و هم از سوی دیگر همه متوجه سختی کار و دشواری مسیر طولانی آن شده‌اند. ضمن اینکه توجه داشته باشید که بخشی از رسیدن به راه‌حل در این خصوص در طرف ما است اما بخش زیادی هم در طرف غربی‌ها قرار دارد و شما هم می‌دانید که در داخل کشور ما هم در این خصوص نظرات مختلفی وجود دارد. خوب این یک بخش موضوع است اما اینکه همه مسائل ما به تحریم مربوط می‌شود و کلا باید معطل بمانیم تا تحریم‌ها حل شوند تا سایر مسائل اقتصادی هم حل شوند، قطعا حرف درستی نیست. یعنی مشکلات زیادی در داخل داریم که باید حل کنیم و در واقع می‌توانیم با بیانی نسبتا غیردقیق بگوییم که رفع تحریم‌ها و حل مسائل بین‌المللی ما گرچه شرط لازم برای حل مسائل اقتصادی ما است اما قطعا شرط کافی نیست و باید حتما برای سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی کشورمان علاوه بر حل مساله تحریم‌ها اقدامات دیگری را نیز انجام بدهیم. بنابراین، این مسائل را واقعا نمی‌توان از همدیگر تفکیک فیزیکی کرد. فکر می‌کنم هم ما و هم مخاطبانی که این مسائل را مطالعه می‌کنند، هم کارشناسان، کارآفرینان، اقتصاددانان و حتی مردم عادی همه می‌دانند که مشکلات موجود

اقتصادی ما هم ناشی از تحریم است و هم ناشی از سوء مدیریت‌ها و سیاستگذاری‌های غلطی که در چند سال گذشته شاهدش بوده‌ایم. اگر سیاستگذاری‌ها را اصلاح نکنیم، در بهترین حالت به زمانی برمی‌گردیم که تحریم‌ها به این شدت وجود نداشتند اما در عین حال کشور ما به بازار واردات دنیا تبدیل شده بود. وقتی تحریم نبودیم، چه استفاده‌ای از ظرفیت ارتباط با دنیا کردیم؟ به نفع بازارهای خارجی کار کردیم و مگر غیر از این است که مردم وقتی برای خرید میوه به میوه‌فروشی‌ها مراجعه می‌کردند، پرتقال مصری و انگور کشورهای آمریکای لاتین در میوه‌فروشی‌های کوچک آن هم در شهرستان‌های ما به فروش می‌رسید؟ این یعنی ما با دنیا ارتباط داشتیم اما بازار واردات بودیم و در واقع روابط مناسب بین‌المللی ما باعث رونق بازارهای خارجی شده بود. بعد هم که روابط ما با دنیا قطع شد از آنجا که به واردات خیلی وابسته شده بودیم، مشکلاتمان جدی شد. می‌خواهم بگویم اگر بخواهیم کشور را به شکل درستی اداره کنیم باید بدانیم که حل مساله تحریم، اگر به معنای استفاده از سرمایه‌های دنیا، استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و به‌روز دنیا و باز کردن بازار برای ما باشد که بتوانیم از آن طریق صادراتمان را به صورت جدی شروع کنیم، همان چیزی است که باید به دنبال آن باشیم. اما اگر برداشتن تحریم به معنای این باشد که مجددا کشورمان را به بازار واردات تبدیل کنیم، شاید بتوان گفت همین وضعیتی که اکنون داریم بهتر است.

III **با توجه به اینکه بررسی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها به‌سختی از راجع داده شده، این سوال را مطرح می‌کنم: اکنون که دولت بنا دارد وارد اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها شود، آیا واقعا فکر می‌کنید جامعه آماده پذیرش شوک جدید ناشی از افزایش حامل‌های انرژی باشد؟ به خصوص که به نظر می‌رسد به لحاظ سیاسی هم مخالفان و منتقدان دولت خیلی عجله دارند که این مساله زودتر اجرایی شود و شاید اصلا پوست خربزه‌ای است که می‌خواهند زیر پای دولت به‌منظور افزایش نارضایتی‌های عمومی بیندازند! تحلیل شما از این موضوع چیست و فکر می‌کنید اجرایی شدن آن در وضعیت فعلی اقدام مناسبی است؟**

وارد شدن به موضوعات جناحی و حزبی در خصوص چنین مسائلی بسیار خطرناک است و به این معنا است که یک سمت را دولت در نظر بگیریم و سمت دیگر را کسانی که به دنبال پیدا کردن مشکل هستند تا سریع آن را تبدیل به عاملی برای برخورد کنند. مصداق خیلی مشخص آن طرح هدفمندی یارانه‌هاست که به آن اشاره کردید. از یک طرف بحث آلودگی هوا است که الان تبدیل به مساله‌ای بحرانی شده و از طرف دیگر وضعیت واقعا اسفبار بخش انرژی ما است که به خاطر عدم سرمایه‌گذاری‌ها در بخش

نفت و گاز فشار زیادی وجود دارد. سال گذشته رشد اقتصادی منفی شش درصد داشتیم و رشد اقتصادی ما امسال بین صفر و منفی یک است. وقتی اقتصاد در رکود به سر می‌برد، تحرک هم کمتر است و انرژی هم کمتر مصرف می‌کند. وقتی واحدهای تولیدی کم کار می‌کنند، انرژی هم کمتر مصرف می‌کنند ولی در وضع موجود با کمبود شدید انرژی مواجهیم. با کمبود شدید گاز، نیروگاه‌هایمان بخش غالب سوخت خود را با گاز و تیل و سوخت مایع تامین می‌کنند. مانند این است که از یک طرف طلا به نیروگاه بدهیم و از طرف دیگر برق بگیریم. یعنی اگر مختصر تحرکی در اقتصاد ما ایجاد نشود و مثلاً رشد یک درصد داشته باشیم و نه ۳ یا ۴ درصد، مطمئناً انرژی گلوگاه ما برای رشد خواهد شد و نمی‌گذارد که رشد کنیم. اگر فرضاً بتوانیم مساله تحریم را هم حل کنیم، مساله بانکی مان را هم حل کنیم، مسائل بودجه دولت نیز حل بشود و فقط بخواهیم یک تحرک حداقلی در اقتصاد داشته باشیم، حتماً با کمبود انرژی مواجه خواهیم شد. گذشته از آن، در این صورت حتی ممکن است با خاموشی‌های گسترده مواجه شویم. بنابراین از هر نظر که بخواهیم محاسبه کنیم می‌بینیم اصلاح قیمت انرژی برای کشور ما امری لازم، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

ضمن اینکه توجه داشته باشید وضعیت آلودگی هوا و بازار انرژی به رفاه مردم فشار وارد می‌کند و سمی که مردم تنفس می‌کنند هزاران مشکل برایشان درست می‌کند، به اضافه مشکلاتی که ممکن است خاموشی‌های گسترده برق، نرسیدن گاز به واحدهای تولیدی و ... به وجود آورد. بنابراین، باید قیمت انرژی اصلاح شود تا این موارد نیز اصلاح شوند و در غیر این صورت سال‌های بعد شبکه برق کشور ممکن است نتواند به کار خود ادامه دهد. اما از سوی دیگر وضعیت کنونی اقتصاد ما شرایط رکود تورمی است و در واقع وضعیت ما اصلاً مساعد نیست. بنابراین من فکر می‌کنم اساساً دیگر سوالی مبنی بر اینکه «آیا افزایش قیمت انرژی خوب است یا نه؟» وجود ندارد و ما باید این سوال را تبدیل به سوال نحوه افزایش قیمت انرژی کنیم و مثلاً بپرسیم چگونه قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دهیم تا فشار کمتری به مردم وارد شود؟ در واقع ما کاری جز این نمی‌توانیم انجام دهیم و اساساً انتخاب دیگری وجود ندارد. تردیدی نیست که کشور در شرایط کنونی آمادگی شوک بزرگی را ندارد و به هیچ وجه حتی نباید به مخیله‌مان هم برسد که ما می‌توانیم افزایش حدود ۶۰۰ درصدی قیمت انرژی که در سال ۸۹ تجربه کردیم را بار دیگر به جامعه تحمیل کنیم. در واقع جامعه ما اصلاً آمادگی چنین مواردی را ندارد و ناچاریم رویکرد تدریجی ولی مستمر را به اصلاح قیمت انرژی داشته باشیم و این مساله را با مردم در میان بگذاریم و توضیح بدهیم که اکنون در چنین شرایطی به سر می‌بریم که اگر قیمت انرژی را افزایش ندهیم، ممکن است قیمت انرژی مصرفی‌تان زیاد نشود، ولی در سال‌های آینده به دلیل

وجود بحران کمبود انرژی قطعاً برای برخورداری از برق و گاز با مشکلات جدی مواجه می‌شوید و از سوی دیگر وضع آلودگی هوا از این هم بدتر خواهد شد. ضمن اینکه دنیا هم به ما خواهد گفت با وجود اینکه شما اولین کشور برخوردار از منابع گازی در جهان هستید، اما از تامین گاز مصرفی داخلی خودتان هم ناتوانید. مساله دیگری که اینجا لازم است به آن توجه شود اینکه متوسط تورم در خوش‌بینانه‌ترین حالت تا پایان سال ۳۵/۵ درصد خواهد بود. هم مردم و هم کارآفرینان و اقتصاددانان باید به این موضوع بپردازند که ما اکنون در جایی قرار گرفته‌ایم که یک سمت موضوع اصلاح اجتناب‌ناپذیر قیمت انرژی است و سمت دیگر موضوع وضعیت بد اقتصادی است که با آن مواجهیم.

II در بحث هدفمندی یارانه‌ها به نظر می‌رسد دولت یازدهم مشکلاتی هم به آنچه از دولت قبلی مانده بود، اضافه کرد از جمله همین بحث سبد کالا. نظر شما در مورد ابتکار دولت در این خصوص چیست و آیا فکر نمی‌کنید این روش به‌رغم اینکه نشان‌دهنده دغدغه دولت نسبت به ابتلای اقشاری از جامعه به سوءتغذیه بود اما در نهایت نتیجه مطلوبی به بار نیآورد؟

واقعیت این است دولتی که تازه روی کار آمده با مشکلات بزرگی مواجه است و این مشکلات با معیشت و زندگی عادی مردم گره خورده است. حالا این دولت می‌خواهد به حل آن بپردازد تا نارسایی‌هایی که وجود داشته را تا حدی جبران کند. نحوه انجام این کار و اینکه برای انجام آن آیا می‌شد از روش دیگری استفاده کرد یا نه، مواردی است که طبیعتاً قابل بحث است. اما فشاری که از وضعیت زندگی مردم به دولت وارد شده است شاید عاملی بوده که این تصور را به وجود آورده که چنین اقدامی برای حمایت از اقشار ضعیف لازم است. همان‌طور که می‌دانید در عرصه سیاستگذاری دولت مسیری را طی کرد تا نرخ تورم را پایین بیاورد. اما از آنجایی که تصور می‌کند مهار چند درصدی تورم هنوز خیلی برای مردم ملموس نیست به انجام یکسری اقدامات اجرایی نیز روی آورده است که انتقاداتی هم به آن وارد است و باید حتماً تصحیح شود. شخص رئیس‌جمهور هم اذعان داشتند که این کار اشکالات و ایراداتی در اجرا داشته است.

II برخی از اقتصاددانان منتقد دولت معتقدند آنچه در طرح سبد کالا شاهد بودیم، تحقیر مردم بود. به گمان منتقدان این شیوه، در برخی کشورها تئوری ایجاد تحلیل تونل تحقیر مردم وجود داشته که با هدف منصرف کردن مردم از دریافت برخی خدمات دولتی این کار انجام می‌شده است. طبق این تحلیل می‌گویند که بعید نیست دولت برای پرداخت این حمایت‌ها مشکل دارد و الان می‌خواهد به تدریج آن را به سبد کالایی تبدیل کند و بعد از آن با تونل تحقیر و آزار شهروندان کاری کند که به صورت خودجوش مردم از درخواست دریافت سبد کالایی و یا

یارانه‌های نقدی منصرف شوند.

نمی‌دانم چنین تحلیل‌هایی از کجا نشأت می‌گیرد در حالی که ما در این جامعه زندگی می‌کنیم و مدیران و مردم را می‌شناسیم. البته من تاکنون چنین صحبت‌هایی را نشنیده‌ام اما واقعا جای تأسف دارد اگر چنین تحلیل‌هایی وجود داشته باشد. یعنی آیا واقعا برخی این طور استنباط می‌کنند که دولت به وسیله طرح ارائه سبد کالا و از طریق تحقیر مردم می‌خواهد آنان را به انصراف از دریافت یارانه نقدی سوق دهد؟ الان یارانه نقدی که به حساب مردم واریز می‌شود و چه رابط‌های میان این دو وجود دارد؟

II شاید این تصور وجود دارد که دولت بخواهد

در آینده سبد کالا را جایگزین یارانه نقدی کند؟

این را حداقل رئیس‌جمهور کشور اعلام کرده است که سبد کالا جایگزین یارانه نقدی نیست و باید شواهدی وجود داشته باشد. ما که نمی‌خواهیم داستان درست کنیم. بالاخره باید مستندات وجود داشته باشد و لاقلاً یک نفر چیزی در این مورد گفته باشد یا یک برگ کاغذ جایی پیدا شده باشد که مبتنی بر این موارد باشد. متأسفانه برخی دوستان گاهی تصاویر مخوفی از سیاستگذاران تصویر می‌کنند که من واقعا نمی‌دانم چطور به چنین تحلیل‌هایی دست می‌یابند. اگر چنین کسانی در عرصه سیاستگذاری حضور داشته باشند نمی‌دانم چه صفتی برانده‌شان است که چنین خصلت‌های ظالمانه و بد اخلاقی‌هایی داشته باشند که چنین نقشه‌هایی بکشند؟ فکر نمی‌کنم هیات دولت و رئیس‌جمهور موجود و هیچ رئیس‌جمهوری که تاکنون در کشور داشته‌ایم تا به حال چنین مطالبی به ذهنشان هم خطور کرده باشد.

به هر حال انتقاداتی به طرح سبد کالا وارد است و نمی‌خواهم وارد عرصه بیان نظر شخصی خود شوم و ممکن است در مبنای هم بتوان فکر کرد که آیا این بهترین کار بود یا می‌شد کارهای دیگری هم انجام داد که این بحث دیگری است. ولی یک وقتی است که تئوری توطئه را ترسیم می‌کنیم و می‌گوییم نقشه‌های خیلی حساب‌شده‌ای بوده و هست برای اینکه مردم را از دریافت یارانه منصرف کنند! معتقدم که این امر نه با عقل، نه با تجربه و نه با شواهدی که می‌بینیم جور درمی‌آید و فقط می‌توانم تأسف خودم را از اینکه یک اقتصاددان به جای اینکه وقت خود را صرف این کند تا مشکلات موجود را حل کند دنبال کشف توطئه و ساختن داستان‌های اینچنینی باشد، اعلام کنم.

II فکر می‌کنید ارائه سبد کالا به این شکل

دیگر تکرار نخواهد شد؟

من مسئول این کار نیستم که راجع به این موضوع نظر بدهم. آنچه گفته شده این است که شکل انجام این کار، مناسب نبوده و در آینده هم حتماً تغییر این شکل را مشاهده خواهید کرد و به نسبت بار گذشته با شیوه مناسب‌تری مواجه خواهید شد که هم شامل اصلاح گروه هدف خواهد بود هم شیوه حمایت.



اساساً دیگر سوالی مبنی بر اینکه «آیا افزایش قیمت انرژی خوب است یا نه؟» وجود ندارد و ما باید این سوال را تبدیل به سوال نحوه افزایش قیمت انرژی کنیم و مثلاً بپرسیم چگونه قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دهیم تا فشار کمتری به مردم وارد شود؟ در واقع ما کاری جز این نمی‌توانیم انجام دهیم و اساساً انتخاب دیگری وجود ندارد.

خوش‌بینی کاذب

یکی از نگرانی‌های سال ۹۳ عدم هماهنگی اقتصادی قوه مقننه و مجریه است



محمد مهدی رئیس‌زاده
رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق تهران

پدیدار شدن فضای امید و زدودن افسردگی از عرصه اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی که لازمه و زیرساخت معنوی و روحی برای کلیه فعالان اقتصادی است، بهترین و مؤثرترین اتفاق مثبتی بود که طی ماه‌های اخیر و بعد از استقرار دولت یازدهم اتفاق افتاد. نشانه‌های چنین پدیده‌ای در حوزه کاری ما یعنی بخش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی که از یک‌سو به شبکه بانکی ارتباط پیدا می‌کند و از سوی دیگر به بازار سرمایه، یعنی بورس و اوراق بهادار، هویدا شدن تدریجی آرامش در فضای اقتصادی جامعه و تنش‌زدایی در بازار ارز، و ثبات نسبی قیمت ارز بود که از سال گذشته شدیدترین نوسانات و شوک‌های عدیده‌ای را تجربه کرد.

به تبع فضای خوش‌بینی که در عرصه اقتصادی به وجود آمد، هیات دولت در تاریخ ۲۱ شهریور ماه دو فقره تصویب‌نامه را در بندهای گوناگون به وزارتخانه‌های ذی‌ربط و سازمان‌های دولتی مربوطه و بانک مرکزی ابلاغ نمود که ۳۵ بند آن برای تسهیل تولید و تجارت و رفع موانع سرمایه‌گذاری و اشتغال بود. چنانچه تصمیمات متخذه بلافاصله با همان سرعت توسط دستگاه‌های ذی‌ربط به مرحله اجرا در می‌آمد قطعاً دولتی که نام خود را «دولت تدبیر و امید» نهاده است به معنای کامل در جان و دل فعالان اقتصادی جا باز می‌کرد اما تا لحظه تدوین این مقاله متأسفانه باید اذعان نمود که هنوز برخی از بندهای دو فقره تصویب‌نامه فوق خصوصاً در بخش بانکی به مرحله

اجرا در نیامده است. این شرایط در صورت فقدان عوامل مثبت دیگر طبعاً می‌توانست باعث شود روند خوش‌بینی و امیدواری سیر نزولی را طی کند، لیکن به دلیل در پیش بودن مذاکرات ۱+۵ و مآلات توافق به عمل آمده در ژنو و اولین گام مثبت در ۲۰ ژانویه و پس از آن واریز اولین قسط مقرر شده در وجه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار مجدداً روند امیدواری سیر صعودی خود را طی نمود. در عین حال تقدیم لایحه بودجه سال ۹۳ در زمان قانونی توسط دولت یازدهم و تسریع در رسیدگی به آن توسط مجلس محترم و موارد مصوب اعلامی امیدواری بیشتری در فعالان اقتصادی به وجود آورد.

همزمان با ایجاد خوش‌بینی در جامعه، ثبات بازارهای ارز و طلا و استمرار رکود در بخش مسکن باعث هجوم نقدینگی به بازار سرمایه و بالنتیجه افزایش مستمر شاخص بورس شد که البته در همان زمان هشدار لازم توسط کارشناسان خبره بازار سرمایه برای جلوگیری از حبابی شدن قیمت‌های سهام و افزایش غیر معقول شاخص بورس داده شد. با توجه به اینکه یکی از موارد در توافقنامه ژنو خروج شرکت‌های پتروشیمی از شمول تحریم بود و با توجه به سهم قابل توجه این شرکت‌ها در بورس افزایش قیمت سهام آنان را موجب گردید لیکن با بروز برخی شایعات در خصوص بازار بورس و قطعی شدن اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها و مصوبه مجلس در خصوص

افزایش قیمت خوراک گاز این شرکت‌ها به ۱۵ سنت، شاخص روند نزولی را طی نموده و در صورت عدم بسته‌شدن سهام این شرکت‌ها معلوم نبود چه اتفاقی برای شاخص بورس می‌افتاد بنابراین یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها برای سال آتی، عدم هماهنگی تیم اقتصادی دولت و از آن مهم‌تر عدم هماهنگی قوه مقننه با قوه مجریه در خصوص اتخاذ تصمیمات اقتصادی است که در صورت وقوع می‌تواند در بی‌ثبات‌سازی و ایجاد تنش در بازار پول و سرمایه، تبعات جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد.

و در پایان توصیه‌ای به مسؤولان و سیاست‌گذاران بازارهای پول و سرمایه در دولت تدبیر و امید، که تشکیل شعار دولت فراجحای بر مبنای اعتدال سر داده است. فراجحای عمل کردن نباید به معنای دادن سهمیه مدیریت اجرایی بازارهای فوق به جناح‌های گوناگون و طیف‌های متنوع باشد بلکه باید با انتخاب مدیران اصلح و شایسته از هر طبقه و جناح معنا شود اما متأسفانه بعضاً در عمل خلاف آن مشاهده می‌شود. برای تبیین مطلب به ذکر یک مثال بسنده می‌کنم که عاقل را اشارتی کافی است. وقتی که در یک مجموعه اقتصادی بزرگ یا یک بانک که دارای هزاران پرسنل خدوم و زحمتکش می‌باشند، برای انتصاب هیات مدیره از افراد خارج از مجموعه استفاده می‌کنیم، این انتصاب حاوی چه پیامی است؟ مبشر فراجحای عمل کردن و اعتماد به نظام شایسته‌سالاری است یا مطلب دیگر؟



غول‌های نفتی در راه ایران

عبور از موانع در گرو توافق نهایی در حوزه بین‌المللی است



سید حمید حسینی
عضو هیات‌تعمیرات اتاق تهران

با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و معرفی وزرا، فعالان اقتصادی انتظار و توقع ویژه‌ای از آقایان ظریف و زنگنه داشتند و امیدوار بودند که با توجه به سابقه و توانمندی آنان از وضعیت بحرانی عبور کرده و کشور در ریل توسعه و پیشرفت قرار گیرد، خوشبختانه وزارت امور خارجه موفق شد در چند دور مذاکره فشرده و پیچیده توافقنامه ژنو را به قول بعضی از بزرگان همان قطعنامه ۵۹۸ را نهایی و امضا کند و بستر مناسبی را برای هموار شدن روابط اقتصادی و سیاسی با دنیا ایجاد کند.

این توافقنامه در کنار دیپلماسی فعال انرژی فضای جدیدی را برای کشور ایجاد نموده و همگان اعتقاد دارند که مذاکره وزارت نفت با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و مشارکت با آنان تضمین‌کننده توافقنامه ژنو است و تحرکات وزارت نفت در اصلاح قراردادهای نفتی و مذاکره با غول‌های بزرگ نفتی در حاشیه اجلاس اپک و داووس در این راستا قابل ستایش است. اکنون ما به عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر نفت و گاز دنیا به علت تحریم‌های غرب از دسترسی به سرمایه، دانش و فن‌آوری‌های جدید، تجهیزات نفتی و بازار نفت با محدودیت مواجه شده‌ایم و امید است در ادامه مذاکره با ۱+۵ موفق شویم که محدودیت‌های فوق را

برطرف‌نماییم. در بودجه سال ۱۳۹۳ مجوز استفاده وزارت نفت از یکصد میلیارد دلار خط‌اینانس را صادر نموده است که در این راستا وزارت نفت قادر خواهد شد، سقف تولید نفت را به حدود ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد، طرح‌های توسعه پالایشگاه‌ها را به اتمام رسانده و پالایشگاه ستاره خلیج فارس را به بهره‌برداری برساند و طرح‌های جدید خود در صنعت پتروشیمی را عملیاتی کند.

از دیدگاه کارشناسان رقابت‌گول‌های آمریکایی و اروپایی برای حضور در بازار انرژی ایران قابل پیش‌بینی است و دولت تدبیر و امید قادر خواهد بود تا به مانند دولت اصلاحات با سیاست تنش‌زدایی و حل مساله هسته‌ای راه ورود منابع مالی خارجی به کشور را مجدداً بازگشایی کند.

دومین حوزه‌ای که صنعت نفت ایران برای توسعه به آن وابسته است دانش و تکنولوژی‌های جدید در حوزه نفت و گاز است که مهم‌ترین آن‌ها حفاری افقی، تکنولوژی lng و gtl و تکنولوژی‌های افزایش ضریب برداشت است و در بعضی از پروژه‌ها انجام

تولید ثروت؛ راهکار درمان رکود تورمی

دولت باید با ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینان امکان تولید ثروت را فراهم کند



■ علی نقیب

عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

طی ماه‌های

اخیر رهایی از

دغدغه‌های

تغییرات آبی نرخ

ارز و تغییرات نرخ

مواد اولیه در بازار

موجب شده است

تا تولید کنندگان

داخلی بتوانند

پس از مدت‌ها

با آرامشی نسبی

فعالیت کنند.

آئین‌نامه‌های مربوط به کمک و همکاری بخش خصوصی از تصمیمات بسیار مثبت دولت در رفع موانع تولید خواهد بود.

یکی از رخدادهای مهم پس از روی کار آمدن دولت یازدهم ایجاد ثبات و آرامش فکری در اذهان فعالان اقتصادی بوده است. طی ماه‌های اخیر رهایی از دغدغه‌های تغییرات آبی نرخ ارز و تغییرات نرخ مواد اولیه در بازار موجب شده است تا تولید کنندگان داخلی بتوانند پس از مدت‌ها با آرامشی نسبی فعالیت کنند. باید توجه داشت که این امر شرعی برای برنامه‌ریزی‌های اصولی و کلان اقتصادی تلقی می‌شود که زیرساخت توسعه اقتصادی خواهد بود.

در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که از عوامل اصلی خروج از وضعیت رکود تورمی، تولید ثروت در کشور است. این امر موجب ایجاد اشتغال و افزایش قدرت خرید مردم و نهایتاً مهار تورم خواهد بود. تولید ثروت حاصل نخواهد شد مگر با کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب در فضای کسب و کار کشور.

دولت یازدهم باید از فضای فعلی که بیشتر جابه‌جایی ثروت و سمت و سوی توزیع ثروت را به همراه دارد، پرهیز نماید و با ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینان جامعه و تسهیل قوانین کسب و کار اجازه دهد تا فعالان و کارآفرینان اقتصادی در بستری مناسب و به دور از دیوانسالاری دولتی و ابلاغ قوانین و آئین‌نامه‌های دستوری به فعالیت و تولید ثروت بپردازند.

چالش‌های اقتصادی پیش روی دولت یازدهم دارای پیچیدگی و ابعاد متعددی است که نیاز به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد. از یک طرف وضعیت اقتصادی کشور در شرایط نامطلوب بوده و بدهکاری‌های دولت به بخش خصوصی رقم عمده‌ای را تشکیل می‌دهد که موجب رکود کاری بخش خصوصی و فضای کسب و کار کشور گردیده و پروژه‌های نیمه تمام دولت نیازمند سرمایه‌گذاری و هزینه‌های بالایی می‌باشد و از طرف دیگر توقعات ایجاد شده در برنامه پرداخت بارانه‌ها به مردم بدون تحقق درآمد حاصل از حامل‌های انرژی و عدم پرداخت سوبسید است. همچنین دولت با یک بدنه بزرگ نیروی انسانی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی روبرو است که عمده بودجه دولت را صرف پرداخت حقوق و مزایای خود می‌کند.

اگر چه قدم‌های دولت یازدهم در مهار تورم و توسعه فضای کسب و کار به‌عنوان چشم‌انداز امیدبخش در فضای کسب و کار به خوبی حس می‌گردد، لیکن این قدم‌ها هنوز در مراحل ابتدایی بوده و به نظر می‌رسد در برخی موارد با مشکلات عدیده‌ی روبرو خواهد بود که نیاز به برنامه‌ریزی کارشناسانه و زمان‌بندی شده دارد و مسلماً اعلام وعده‌های بدون کارشناسی به فعالان اقتصادی اگر چه در کوتاه مدت اثربخش است لیکن عدم تحقق آن موجب سرخوردگی فعالان اقتصادی خواهد بود. عزم دولت در اجرایی کردن قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و تهیه و اجرایی کردن

دولت یازدهم در شرایطی سکان اداره کشور را به دست گرفت که کشور از نظر اقتصادی در وضعیت سردرگمی قیمت‌ها و تورم بالا به سر می‌برد. تغییرات روزانه و شاید ساعتی نرخ ارز موجب بی‌ثباتی قیمت‌ها در بازار شده بود و سیاست‌های بانکی کشور و بوروکراسی حاکم بر آن موجب رکود تولید و عدم توانایی فعالیت فعالان اقتصادی بازار بوده است که حاصل آن تورم بالا به همراه رکود در اقتصاد کشور بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین کار دولت یازدهم مهار وضعیت فعلی یعنی خروج از رکود تورمی می‌باشد.

در چند سال اخیر شاهد تورم بی‌رویه قیمت‌ها از یک طرف و مشکلات عدیده در تولید و فضای کسب و کار کشور از طرف دیگر بوده‌ایم. بوروکراسی سنگین حاکم بر نظام اداری و برخورداری خودمحرورانه در تصمیم‌گیری‌های مسئولان اجرایی ادارات دولتی و بانک‌ها موجب کندی فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی و عدم توانایی در کارآفرینی و توسعه بنگاه‌های اقتصادی گردید. اگر چه اقتصاددانان و فعالان اقتصادی و مسئولان دولتی پیشنهادها زیادی را در قالب جلسات با مسئولان ذیربط و نیز همایش‌ها جهت خروج از این بن‌بست ارائه کردند و نهایتاً این جلسات و پیگیری‌های انجام شده در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی منجر به تصویب قانون بهبود مستمر و فضای کسب و کار گردید، لیکن ظاهراً در دولت دهم این مشکلات اولویت نداشته و شاهد بوده‌ایم که از اجرای قانون شانه خالی کردند.

مطالعات پایه و در طرح‌های پالایشگاهی و پتروشیمی لیسانس مربوطه است که بدون داشتن آن امکان توسعه این مجتمع‌ها وجود ندارد.

از دیدگاه کارشناسان امکان شکسته شدن این نوع تحریم حتی قبل از توافق نهایی با غرب ممکن است فراهم شود و شرکت‌های بزرگ نفتی از طریق شرکت‌های زیر مجموعه خود ارتباط فنی و تکنولوژیک با ایران را برقرار کنند.

اکنون در توسعه میادین پارس جنوبی، طرح‌های توسعه پالایشگاهی و تولید محصولات پتروشیمی با مشکل تجهیزات و قطعات یدکی مواجهیم و در بسیاری از موارد از تهیه کاتالیست‌های مورد نیاز صنعت پالایشگاهی و پتروشیمی محروم هستیم، در این حوزه نیز انتظار می‌رود دولت تدبیر و امید با بستر سازی جهت حضور شرکت‌های نفتی در کشور موفق شود تا راه ورود تجهیزات را باز کند که اکنون با رفع تحریم پتروشیمی امکان ورود اقلام مورد نیاز این صنعت فراهم گردیده است.

نهایتاً مهم‌ترین مشکل کشور از سال ۹۱ محدود شدن بازار فروش نفت و فرآورده‌های نفتی بود و خریداران نفت ایران به پنج کشور چین، ژاپن، کره، هند و ترکیه محدود شده بودند و در هر ماه نیز ۲۰ درصد از میزان صادرات نفت کشور کاسته می‌شد. از سال گذشته امکان دریافت نقدی پول صادرات نفت کشور نیز وجود نداشت و در مقابل صادرات یک میلیون بشکه‌ای کشور فقط قادر به خرید اقلام ضروری و مورد نیاز کشور و غیر تحریمی بودیم و در صورت عدم توافق با ۱۰+۵ اکنون صادرات کشور به ۸۰۰۰ بشکه محدود شده بود و از سال آینده نیز مجدداً ۲۰ درصد از بازار نفت صادراتی ایران کاسته می‌شد که با توجه به وضعیت کنونی بازار نفت و پیشی گرفتن عرضه بر تقاضا ورود مجدد به بازار نفت

سخت و غیرممکن می‌شد.

اکنون با تدابیر این دولت دل‌نگرانی در مورد بازار صادراتی نفت خام در حد یک میلیون بشکه برطرف شده و امکان دسترسی به بخشی از این منابع برای خرید کالای مورد نیاز کشور فراهم شده است و با توجه به لغو تحریم کشتیرانی و ... فشارها بر شرکت نفت برای ارسال محموله و بیمه نمودن محصولات نفتی کاهش یافته است و امکان افزایش صادرات نفت خام و میعانات گازی و محصولات پتروشیمی کشور فراهم شده است.

توافقنامه ژنو و تدابیر دولت تدبیر و امید و فضای روانی ایجاد شده باعث شده که صادرات محصولات نفتی و پتروشیمی کشور رونق بگیرد و شاهد رشد چشمگیر صادرات میعانات گازی کشور باشیم و میزان صادرات میعانات در دی ماه به حدود دو میلیارد دلار برسد در حالی که طی ۹ ماهه اول سال ۹۲ صادرات میعانات کشور حدود ۵.۶ میلیارد دلار بوده (ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار) که اکنون سه برابر شده است و امسال صادرات میعانات به حدود ۱۲ میلیارد دلار خواهد رسید (دو میلیارد بیش از سال گذشته) و انتظار می‌رود صادرات محصولات پتروشیمی نیز با افزایش یکصد میلیون دلاری مواجه شود.

کارشناسان اعتقاد دارند در ماه‌های آینده شاهد تاثیر بیشتر تدابیر فوق بر صادرات و درآمد ارزی کشور خواهیم بود که نتیجه آن ثبات اقتصادی، رشد مثبت تولید ناخالص داخلی و رونق اقتصاد کشور خواهد بود.

عبور از موانع چهارگانه فوق و افزایش تولید و صادرات نفت و فرآورده‌ها لازم‌هش توافق نهایی با غرب، تجدیدنظر در قراردادهای نفتی و همکاری با شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی و داخلی است.

سال خوش اقتصادی در راه است

امنیت سرمایه‌گذاری؛ اصلی‌ترین معیار جذب اوراق بهادار

حمید میرمعینی
کارشناس بورس



اگر به روند
شاخص و
همچنین حجم
معاملات در طول
سال جاری نگاهی
کارشناسانه
ببندازیم، علی‌رغم
ثبات رکوردهای
فوق‌العاده
شاخص و
حجم معاملات،
جنبه‌های مختلفی
از ناکارآمدی و
توسعه‌نیافتگی
بازار سرمایه
ایران به‌خصوص
عدم تدبیر
مناسب توسط
مسئولان و
متولیان بورس به
چشم می‌خورد.

در متون اقتصادی، از سه عامل «زمین، کار، سرمایه» به عنوان عوامل اصلی تولید نام برده می‌شود که در برخی از اقتصادهای پیشرفته عامل دیگری به نام «کارآفرینی» نیز به آن افزوده شده است. ترکیب متناسب این عوامل در طی هزاران سال، از عصر «کشاورزی» تا به امروز که به عصر «فراپست مدرن» رسیده‌ایم، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و نظام‌های اقتصادی - سیاسی بوده است و میزان پیشرفت و توسعه هر نظامی به چگونگی بهره‌گیری از این عوامل و هماهنگی بین آن‌ها، بستگی داشته است. بررسی نقش و تاثیر هر یک از این عوامل در رشد و توسعه اقتصادی در مجال این نوشتار نیست لیکن نگارنده قصد دارد تا با اشاره‌ای به نقش با اهمیت یکی از این عوامل یعنی «سرمایه»، شرحی بر اوضاع و احوال این روزهای بازار تامین مالی (پول و سرمایه) ایران داشته باشد و در آخر با تاکید بر نقش موثر بازار سرمایه در توسعه اقتصادی، نظر تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیرندگان و خوانندگان محترم را به این موضوع جلب نماید. توسعه مالی یکی از سیاست‌هایی است که بسیاری از اقتصاددانان در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی توصیه می‌کنند. تاریخچه توسعه مالی به زمانی برمی‌گردد که شومپتر (۱۹۱۲) با اهمیت نقش پول و اعتبار در فرآیند توسعه اقتصادی اشاره نمود و توسعه مالی را برای رشد اقتصادی ضروری دانست. وی با تاکید بر نوآوری تکنولوژیک به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی بلندمدت، دلیل اصلی نوآوری را، توان بخش مالی عنوان می‌کند که بتواند منابع مالی لازم را در اختیار کارآفرین قرار دهد.

مطالعات بسیاری ثابت می‌کنند که در صورت نبود سرمایه، توسعه اقتصادی با مشکل جدی مواجه خواهد شد. باسو در بررسی سال ۱۹۷۷ خود، یک بار دیگر نشان می‌دهد که در کشورهای درحال توسعه، مشکل اصلی توسعه اقتصادی، کمبود سرمایه است و از آنجا که انباشت سرمایه یکی از مهم‌ترین منابع توسعه مداوم اقتصادی است از طریق بازار سرمایه کشور می‌توان سرمایه لازم را تجهیز نمود. در حال حاضر در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی و آن دسته از کشورهایی که از آنان به عنوان کشورهای تازه صنعتی شده نام برده می‌شود، توسعه بخش مالی در کنار توسعه بخش صنعتی توانسته است به صورت همگام و هماهنگ عمل کند.

جون رابینسون (۱۹۵۲) می‌گوید که نظام مالی دنباله‌روی بخش واقعی اقتصاد است و رشد اقتصادی موجب تقاضا برای انواع خاصی از ترکیبات مالی می‌شود و نظام مالی خوب به طور خودکار این تقاضا را برآورده می‌کند. لوین و زاروس در مطالعه خود از ۴۸ کشور دنیا (۱۹۹۸) رابطه مثبت و با اهمیتی را بین توسعه بازار سهام و رشد اقتصادی بلندمدت ترسیم کردند. مطالعات فراوانی وجود دارند که نتیجه‌گیری می‌کنند در کشورهای مختلف بین توسعه بخش مالی (پول و سرمایه هر دو) و رشد اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد و نشان می‌دهند که نهادهای مالی به عنوان یکی از اساسی‌ترین زیربنای اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در توضیح تفاوت بهره‌وری سرمایه و در نتیجه تفاوت رشد کشورهای مختلف دارند و این اثر بیشتر از طریق تاثیر بهره‌وری بالاتر سرمایه است تا تاثیر بر افزایش حجم سرمایه.

بدین لحاظ، مقوله تامین مالی که از سطوح ابتدایی آغاز شده، اینک به یک صنعت پرجنب‌وجوش تبدیل شده است و توسعه بازارهای مالی به عنوان یک الزام در جهت توسعه اقتصادی باید مد نظر قرار گیرد.

بازار پول (بانکها و موسسات اعتباری) و بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار و شرکت‌های تامین سرمایه) به عنوان دو رقیب دیرینه، تامین‌کنندگان اصلی «سرمایه» مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی هستند و متناسب با ساختار اقتصادی هر کشوری، وزن تامین مالی بنگاه‌ها از طریق این دو بازار، متفاوت است. به نحوی که در اقتصادهای پیشرفته با بازارهای سرمایه توسعه یافته، وزن و نقش بازار سرمایه پررنگ‌تر از بخش بازار پول در تامین مالی بنگاه‌ها است و در کشورهای توسعه‌نیافته مانند ایران و عمدتاً به لحاظ وجود تورم مزمن نقش بازار پول پررنگ‌تر و البته ناکارآمدتر است.

متأسفانه به دلایل مشکلات ساختاری اقتصاد و همچنین فقدان قوانین مناسب و شفافیت کافی، بازار پول در ایران، نقش کم‌نظیر خود را در جهت رشد و توسعه اقتصادی به خوبی ایفا ننموده است و عمده منابع سیستم بانکی، روانه بازارهای سوداگری، دلالتی و ویژه‌سالاری می‌شود و تخصیص منابع از جانب سیستم بانکی به درستی انجام نمی‌شود و این در شرایطی است که بازار سرمایه ایران در رقابت با بازار پول، رفته‌رفته نقش و جایگاه خود را به عنوان یک بازار متخصص و حرفه‌ای در تخصیص منابع، کنترل و ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها تثبیت می‌کند و عملکرد قابل قبول‌تری در تامین مالی بنگاه‌ها و در نتیجه تاثیر در توسعه اقتصادی کشور بر جای می‌گذارد.

کارکردهایی از قبیل: تجمیع پس‌اندازها، کسب اطلاعات در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، قابلیت مدیریت و توزیع ریسک، کمک به فرایند کشف قیمت‌ها، و افزایش نقدشوندگی و تسهیل مبادلات، جملگی از کارکردهای یک بازار سرمایه توسعه‌یافته خواهند بود که در نهایت منجر به تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های معاملاتی، بهره‌وری بالاتر سرمایه و رشد اقتصادی خواهند شد که البته خاطر نشان می‌سازد بازار سرمایه ایران به دلیل جوان بودن و توسعه نیافتگی، تا رسیدن به بلوغ و شکوفایی و همچنین ایفای رسالت واقعی در اقتصاد کشور و اجرای صحیح کارکردهای فوق، راه بس دشواری پیش روی خود دارد.

مسئولین و متولیان سازمان بورس و اوراق بهادار، باید به خوبی آگاه باشند که با وجود رقیب سرسختی مانند بازار پول و بانک‌ها، و همچنین بازارهای موازی دیگری همچون بازار مسکن و طلا و ارز، نیازمند تدوین سند چشم‌انداز متعالی، استراتژی‌های کسب و کار مناسب و عملیاتی، سناریوهای دقیق جهت کنترل و واکنش به‌موقع به عوامل محیطی (سیاسی، قانونی، اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی و زیست محیطی)، جهت جلب اعتماد سرمایه‌گذاران هستند.

شاید بتوان از امنیت سرمایه‌گذاری به عنوان اصلی‌ترین معیار جذب و جلب تقاضا برای اوراق بهادار نام برد، چرا که در صورت فقدان این امنیت که شامل: امنیت تقارن اطلاعاتی، امنیت شفافیت اطلاعاتی، امنیت نقدشوندگی مناسب، امنیت ثبات در قوانین و تصمیم‌گیری‌ها، و امنیت طراحی ابزارهای مدیریت ریسک است، پول هوشمند به مسیر بازار سرمایه روانه نخواهد شد، هر چند که هر از گاهی بازدهی فوق‌العاده‌ای نصیب سرمایه‌گذاران کند.

اگر به روند شاخص و همچنین حجم معاملات در طول سال جاری نگاهی کارشناسانه ببندازیم، علی‌رغم ثبت رکوردهای فوق‌العاده شاخص و حجم معاملات، جنبه‌های مختلفی از ناکارآمدی و توسعه‌نیافتگی بازار سرمایه ایران به‌خصوص عدم تدبیر مناسب توسط مسئولان و متولیان بورس به چشم می‌خورد که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود:

الف) اینکه، عدد شاخص، که در تاریخ ۱۵ دی ماه سال جاری بالاترین عدد تاریخ یعنی ۸۹۵۰۱ واحد را تا زمان نگارش این مقاله، به خود دیده است، شاخص مناسبی برای ارزیابی اوضاع بازار سرمایه و همچنین اوضاع اقتصادی نیست چرا که شاخص فعلی، کل سرمایه شرکت‌های موجود را مورد محاسبه قرار داده و نسبتی از حجم معامله‌شده را در نظر نمی‌گیرد. به همین لحاظ، حتی با معامله تعدادی معادل ۸ ده‌هزارم میزان سرمایه هم، قابل تعمیم به کل سرمایه شرکت خواهد بود و مبنای صحیحی برای ارزیابی عملکرد نخواهد بود. ولی از نگاه بیرونی و رسانه‌ای شدن این رکوردشکنی‌ها، نوعی اطلاعات گمراه‌کننده به جامعه (از مسئولان ارشد نظام تا سرمایه‌گذاران و مردم عادی) منتقل می‌کند که به نفع بازار سرمایه خواهد بود. بنابراین بدون شک، اصلاح محاسبه شاخص از جمله مهم‌ترین وظایف بورس در جهت اطلاع‌رسانی صحیح خواهد بود. همچنین وزن شرکت‌های تاثیرگذار بر شاخص کل بسیار ناهمگون و نامتوازن است به طوری که تغییرات قیمتی در حدود ۱۵ شرکت بورس به اندازه تغییرات قیمتی مابقی شرکت‌ها

راه صادرات را باز کنید

نگاه دولت گذشته به معدن نباید استمرار یابد



■ محمود نوریان
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

تحولات پس از استقرار دولت یازدهم با اتخاذ دیپلماسی مؤثر و رویکرد صحیح در تعاملات بین‌المللی همراه بود و متعاقب آن کاهش تأثیر تنش‌های سیاسی و آثار مستقیم آن بر مسائل اقتصادی را در پی داشت. از ثبات نرخ ارز، کاهش رشد تورم و بیکاری می‌توان به عنوان توفیقات مهم و مثبت دولت جدید نام برد. در صورت تداوم روند فوق و حصول به توافق جامع با غرب و لغو تحریم‌های اعمال شده علیه کشور، می‌توان امیدوار بود، ضمن بروز شرایط مطلوب بین‌المللی، با به کارگیری مدیریتی رو به اصلاح در روش‌ها و سیاست‌های مالی و اقتصادی و تفاهم کامل در تعامل قوای سه‌گانه، قسمت مهمی از خسارت‌ها و ضایعات ناشی از اتفاقات اقتصادی ناگوار چند ساله اخیر را جبران نمود. افزایش صادرات در تعقیب رونق اقتصادی، ضمن تقویت ارزش پول ملی، کاهش بیکاری و رشد تولید ناخالص ملی، می‌تواند یکی از سیاست‌های اتخاذی دولت تدبیر و امید باشد. رویکرد دولت محترم برای وضع تعرفه صادراتی بر صادرات سنگ آهن، هر چند با استدلال جلوگیری از خام‌فروشی و ایجاد انگیزه برای تولید ارزش افزوده در این بخش، جذاب به نظر می‌رسد، لکن با توجه به اینکه صادرات سنگ آهن از لحاظ توزیع بنگاه‌های اقتصادی، بیشتر مربوط به آن دسته از معادن خصوصی کوچکی است که با توجه به عدم وجود تقاضا برای سنگ آهن تولیدی آن‌ها در داخل، صرفاً در آمد حاصل از صادرات موجب تداوم فعالیت آنان است، وضع تعرفه صادراتی با این شکل و رویه نه تنها نمی‌تواند برای این قبیل از معادن، فرصتی را برای سرمایه‌گذاری سنگین صنایع فولادی در جهت نیل به ارزش افزوده بیشتر فراهم کند، بلکه موجب خواهد شد انگیزه تداوم فعالیت تولیدی این معادن از بین رفته و متعاقب آن، حداقل آثار بیکاری بیشتری بر جامعه تحمیل شود. در این حالت، هم سیاست‌های دولت به حصول نرسیده و هم نابسامانی بیشتری در تولید ایجاد شده است. نگاه دولت گذشته به معادن، خلاف رویه‌های معمول دولت‌های قبل بوده و با آن‌ها ناهمخوانی داشته است و در حال حاضر نیابستی این نگرش تداوم یابد. با لحاظ اثر هزینه‌ای پرداخت تکلیفی مطابق بند «۵۵» قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مبنی بر لحاظ مبلغی معتدله، به عنوان حق انتفاع از پروانه بهره‌برداری از معادن و تداوم جریان هزینه مذکور برای سال ۱۳۹۳، (معطوف به مصوبه صحن علنی مجلس دال بر اخذ ۳۰ درصد از فروش محصولات دانه‌بندی و کنسانتره شرکت‌های گل‌گهر و چادرملو) در حقیقت میراث نگرش دولت قبلی به شرکت‌های معدنی سنگ آهن، تداوم یافته است.

پرداخت مبالغ مذکور (حق انتفاع از پروانه بهره‌برداری معدن) و وضع تعرفه صادراتی برای صادرات سنگ آهن، از موانع دست و پا گیر در توسعه عملیات شرکت‌های معدنی سنگ آهن (گل‌گهر و چادرملو) می‌باشد. سلب فرصت‌های تأمین مالی جهت اجرای طرح‌های توسعه‌ای باعث خواهد شد که دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در اجرای طرح‌های فوق دچار تأخیر جدی شده و به سرنوشت اجرای طرح‌های مشابه دولتی گرفتار گردد. کافی است در زمینه عملیات جاری و اجرای طرح‌های توسعه‌ای در گذشته، مقایسه‌ای بین این گونه معادن و معادن با مالکیت دولت به عمل آید. تفاوت‌های حاصل از این مقایسه، بیانگر موفقیت‌های شرکت‌های معدنی خصوصی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود بوده و تولیدات ناشی از اجرای این طرح‌ها، اثر بسیار مهمی در آماده‌سازی اجرای طرح‌های توسعه‌ای بخش فولاد یا صنایع وابسته به معدن را داشته است با توجه به تصویب پرداخت حق انتفاع از پروانه معدن و در ادامه در صورتی که اصرار به دریافت تعرفه صادراتی از صادرات سنگ آهن (برای آن دسته از محصولاتی که تقاضای داخلی ندارند) وجود داشته باشد، ضمن سلب فرصت تأمین مالی بخش خصوصی در تداوم توسعه‌های خود، منافع مهم و چشمگیری هم متوجه دولت نخواهد کرد. فارغ از آنچه که به عنوان حق انتفاع تصویب شده است، در واقع با رعایت اصل هزینه و فایده در نگرش به وضع تعرفه صادراتی جهت این قبیل صادرات، سهم بیشتری برای هزینه‌ها نسبت به عواید آن پیش‌بینی می‌گردد. لازم است دولت محترم و مزین به شعار تدبیر و امید ضمن رفع نگرانی و اضطراب در بخش معدن، با لغو تعرفه‌های صادراتی وضع شده، از افول پتانسیل‌های موجود برای توسعه معادن و توقف فعالیت‌های جاری معدنی، به ویژه معادن کوچک جلوگیری نماید.

پیشنهاد می‌شود دولت محترم با استفاده از نظرات دلسوزان و فعالان بخش معادن سنگ آهن و اتخاذ تصمیمات مطلوب و پایدار و جمع‌بندی نهایی هزینه و فایده، به نحوی اقدام کند که جمع جبهات در وضع یا حذف تعرفه صادراتی لحاظ شود. کاهش جدی اعتبارات عمرانی در سال آتی، البته نه نسبت به عملکرد بلکه نسبت به پیش‌بینی‌های سال ۱۳۹۲ و سنوات گذشته و در نتیجه کاهش تقاضای محصولات فولادی و فراهم شدن زمینه تشدید رکود در فروش محصولات شرکت‌های فوق و آثار مالی تحمیلی و مستقیم آن بر معادن بزرگ، ناشی از معوق شدن مطالبات فروشندگان محصولات معدنی، یک عامل نگران‌کننده است. ایجاد فرصت صادرات محصولات معدنی و فولادی در سال آینده به عنوان یک راهکار مناسب برای برطرف کردن این نگرانی پیشنهاد می‌گردد.

یعنی ۳۵۰ شرکت، خواهد بود. نکته دیگر اینکه، شاخص به دلایل متعدد در برخی مواقع، تابع مدیریت متولیان بورس و به صورت دستوری کنترل می‌شود و مکانیزم عرضه و تقاضای بازار تأثیری بر شاخص ندارد و نکته پایانی اینکه، ترکیب شرکت‌های پذیرفته شده بوسیله ترکیب بنگاه‌های اقتصادی ایجادکننده تولید ناخالص ملی (GNP) همخوانی ندارد و این عدم همخوانی قابلیت توضیح‌دهندگی شاخص بورس از اوضاع اقتصادی را کاهش می‌دهد و نامگر مناسبی برای توضیح اوضاع اقتصادی حال و آینده کشور را نخواهد داشت. پس، بهبود ترکیب شرکت‌های پذیرفته‌شده متناسب با ترکیب GNP از جمله برنامه‌های اصلاحی پیشنهادی در آینده خواهد بود.

ب) اینکه، اگر بپذیریم یکی از مأموریت‌های اصلی سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد ناظر، حفاظت و صیانت از حقوق کلیه سهام‌داران به خصوص سهام‌داران اقلیت است، بنابراین مسئولیت دفاع از سهام‌داران در برابر کلیه مخاطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کند بر عهده سازمان بورس خواهد بود. این دفاع گاهی در قالب طراحی ابزارهای پوششی خواهد بود، گاهی در قالب چانه‌زنی حتی با دولت، بر سر مسائلی است که امنیت سرمایه سهام‌داران را به مخاطره می‌اندازد و گاهی هم برخورد قاطعانه با متعرضین به حقوق سهام‌داران خواهد بود. بنابراین به عنوان نمونه نزدیک، می‌توان به برخورد منفعلانه سازمان بورس و اوراق بهادار با تهیه‌کنندگان بودجه و تصویب‌کنندگان آن، اشاره نمود. در قضیه اخیر، تهیه و تصویب حقوق و عوارض دولتی معادن و همچنین نرخ خوراک گاز واحدهای پتروشیمی، منجر به افت با شیب تند قیمت‌های سهام بسیاری از شرکت‌ها حتی شرکت‌های غیر مرتبط با نرخ خوراک گازی و عوارض دولتی گردید چرا که به زعم فعالان بازار سرمایه، سازمان بورس، توانایی دفاع و حمایت از جایگاه و نقش بازار سرمایه در اقتصاد را به خوبی از خود نشان نداد و این به معنای فقدان امنیت و افزایش ریسک در آینده خواهد بود.

ج) اینکه، علی‌رغم رشد خیره‌کننده قیمت سهام بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، همچنان قیمت سهام اغلب شرکت‌ها، پایین‌تر از ارزش ذاتی آن‌ها معامله می‌شوند. چرا که شاخص‌های مهم و کلان اقتصادی به تبع بهبود فضای سیاسی داخلی و بین‌المللی، اکثراً رو به بهبود هستند و با ادامه این روند، سال ۹۳، آغاز به واقعیت رسیدن پیش‌بینی‌های خوش اقتصادی خواهد بود. بنابراین، تصور حیابی بودن قیمت سهام در اکثر شرکت‌ها، تصویری اشتباه است چرا که حباب زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت جاری یک دارایی از ارزش ذاتی و بنیادی آن فراتر می‌رود. انتظار می‌رود که با توجه به پیش‌بینی‌ها، نرخ بازده مورد انتظار به دلایل ۱- کاهش نرخ تورم ۲- کاهش نرخ هزینه فرصت و ۳- کاهش ریسک، در سال‌های آینده رو به کاهش بگذارد و طبق اصول ارزش‌گذاری دارایی‌ها، تنزیل عواید آتی با نرخ بازده مورد انتظار جدید، بیانگر ارزش ذاتی دارایی باشد. پس با این پیش‌بینی‌ها، امکان اینکه حباب ایجاد شود بسیار کم است مگر آنکه نقدینگی در حجم‌های بزرگ و به طور مداوم به سوی بازار گسیل شود که چاره این موضوع یعنی مدیریت هجوم نقدینگی، از طریق افزایش عرضه‌های اولیه سهام شرکت‌های جدید و هم موافقت با افزایش سرمایه‌های دارای توجیه شرکت‌های بورسی امکان‌پذیر خواهد شد. در واقع، استفاده از این فرصت‌ها جهت توسعه بازار سرمایه و افزایش «سهم بازار» تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی توسط بازار سرمایه، از دیگر وظایف با اهمیت سازمان بورس و اوراق بهادار است.

با توجه به مطالب فوق و با اذعان به نقش بی‌ظنیر بازار سرمایه در روند توسعه اقتصادی، توصیه جدی نگارنده به مسئولان اقتصادی و به خصوص مسئولان سازمان بورس، تدوین برنامه کسب و کاری است که بتواند سهم بازار تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را افزایش دهد و این برنامه در محتوای خود، حاوی چشم‌انداز متعالی، استراتژی کسب و کار متناسب و رقابتی، و استراتژی‌های عملیاتی با نگاهی بر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ باشد.

فقدان استراتژی؛ معضل گردشگری

سال ۹۳ را سال خیزش برای گردشگری نام گذاری کنید

واقع بینی

چند سال قبل در سخنرانی خود در هتل لاله تهران از مدیریت وقت گردشگری و حتی کارشناسان، رسانه‌ها و حضاران در مراسمی که برپا شده بود، درخواست کردم تا دیگر از تکرار مقام ایران به عنوان دهمین کشور جذاب گردشگری خودداری کنیم و آن را یک عامل چشمگیر ندانیم زیرا هر آدم عاقل و فرزانه‌ای که آن را بشنود کافی است از ما بپرسد «که چه؟» نتیجه این جذابیت و مقام در دنیا چه بوده است؟ آثار اقتصادی و اجتماعی و داخلی و خارجی آن کدامند؟ چه تحولی و چه منابع، در آمد و سودی نصیب کشور شده است؟ آنگاه پاسخ ما چه خواهد بود جز سکوت و یا آثاری که اگر بخواهیم صادقانه و واقع‌بینانه بیان کنیم، جز سرافکنندگی، بی‌حرکی و ضعف مدیریت‌ها نخواهد بود.

امروز هم همین تقاضا و درخواست را از همه فعالان و علاقه‌مندان رسانه‌ها دارم، بیا باید تا روزی که اقدامی جدی برای «دگرگونی، پویایی، ارزش آفرینی و

به‌طور خلاصه مهم‌ترین اتفاقی که صنعت گردشگری در سال ۱۳۹۲ تجربه کرد در یک جمله خلاصه شده است «انتظار و ایهام»، چندین ماه در آغاز سال همه منتظر نتیجه انتخابات ریاست جمهوری بودند و چندین ماه بعد از انتخابات هم منتظر مدیریت جدید هستند. در هر حال اگر چه نوید تغییر و تحولات مثبت و سازنده زیاد داده شده است اما هنوز حرکت‌ها کند و همراه با نگرانی و حیرانی است.

پیشنهاداتی برای سال ۹۳

شاید یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای گردشگری ایران معرفی سال ۱۳۹۲ به عنوان سال «خیزش برای گردش» و یا «خیزش برای گردشگری حرفه‌ای» است. خیزش در ادبیات مدیریت و اقتصاد معنا و مفهوم مشخص و روشنی دارد که می‌تواند راهنمای مناسبی باشد.

«خیزش برای گردش و گردشگری» کشور نیازمند توجه به بعضی از نکات است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

گردشگری ایران در سال گذشته یکبار دیگر شاهد پدیده‌های تکراری یعنی «تغییر مدیریت» و آمد و شد مدیران بود. آن‌ها که رفتند و آن‌ها که آمدند و گروه زیادی که به نظاره نشستند و پیامدی دلخواه از این آمد و شدها دریافت نکردند.

در سالی که گذشت سبک مدیریت «فر-سفر» یا «آمار محور» رفت و سبک مدیریت «چه نوع سفر؟» یا «آثار محور» آمد. عده‌ای خوشحال و گروهی غمگین از این رفتن و آمدن‌ها و دسته‌های حیران و بلا تکلیف از این بی‌ثباتی‌ها.

اگرچه مدیران دولت «تدبیر و امید» جایگزین مدیران دولت «تغییر و تبعید» شدند اما آنچه بر سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری سایه انداخته است و به سادگی نمی‌توان آن را برطرف کرد «مدیریت بیم و امید» است. بیم از آینده‌ای که علائم و عواملی از تکرار، ایهام و بی‌ثباتی دارد و امید به بعضی از روزنه‌ها و نشانه‌های تازه و نویددهنده.



■ احمد روستا

عضو هیئت علمی
دانشگاه شهید
بهشتی



تجلی یک فرصت طلایی

چند معضلی که سیاست‌گذاران اقتصادی ایران باید به آنها توجه کنند تا پابرجا بمانند

بیان مساله و مشکل آغاز می‌شد و مسائل محلی از قبیل امور مالیاتی، قانون کار، مسائل مربوط به حوزه سازمان تامین اجتماعی، اداره کار و مسائل کارگری، امور قضایی و ... مورد توجه قرار می‌گرفت. مسائل کلان اقتصاد و مباحث قانونی که بایستی به مرکز حکومت ارجاع شود مشخص می‌شد و به تدریج روند آرام اصلاح قوانین در قالب بررسی اولیه و ارجاع به مقامات بالاتر شکل می‌گرفت. بهترین روش شناخت و تحلیل و تعقیب مسائل و مشکلات ارجاع این گونه مسائل به کمیسیون‌های تخصصی است که در آن دست‌اندرکاران واقعی مسائل را مطرح و پس از بررسی در میدان عمل حسن و عیب آن مشخص می‌شود و به‌خصوص با شرایط روز تطبیق داده می‌شود و بسیاری از مشکلات در همان نقطه میدانی و در حد و حدود کوچک حل و فصل می‌گردد و به سطوح بالاتر انتقال پیدا نمی‌کند که سطوح بالاتر را حکایتی دگر است.

تداوم جلسات شورای گفت‌وگو موجب حل و فصل مسائل در میدان عمل است و باعث می‌شود دیدگاه استان‌های مختلف که شرایط ویژه خود را دارند جمع‌بندی شده و به مرکز تصمیم‌گیری فرستاده شود و سرانجام در قالب جلسات مرکزی همانند اتاق‌های بازرگانی ایران جمع‌بندی و به عنوان پیشنهاد به دولت ارجاع گردد که این مهم، توجه دولت و مراکز قانون‌گذاری و امور قضایی به مسائل کلان جامعه را در پی خواهد داشت. سال‌های متمادی مقالات گوناگونی توسط تحلیل‌گران و صاحب‌نظران تهیه شدند و نشر یافتند آن محتوای آن تقاضای بخش خصوصی بود که دولت‌مردان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نمایندگان بخش خصوصی را دخیل بدانند و مورد مشورت قرار دهند. اینک این فرصت طلایی در قالب یک قانون تجلی یافته است و امیدها بیشتر به آن معطوف است چراکه اینک دولت موظف است قانون را رعایت و اجرا کند و در صورت عدم توجه به قانون و اجرای آن ذی‌نفعان جامعه می‌توانند از مراجع قضایی تقاضای

تحولات دوران جنگ لحظه‌ای است و در زمینه‌های گوناگون اتفاق می‌افتد. دوران جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی به‌سر آمده و جنگ‌های منطقه‌ای هم به نتیجه نمی‌رسد. دوران جنگ نرم در حال گذر است و همه تحت تاثیر این جنگ نرم هستند و ویژگی آن این است که هر لحظه اتفاقی می‌افتد و لحظه‌ای دیگر حادثه دیگری رخ می‌دهد. تمام اتفاقات به نحوی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه کاری موثر است و هنوز زمانی نگذشته که حوزه کاری تحت تاثیر یک حادثه جدید قرار می‌گیرد.

زمانی که شعار انتخاباتی دولت «تدبیر و امید» عنوان شد همه امیدوار به حل و فصل مسائل بین‌المللی و داخلی شدند که هر دو حادثه قابل تأمل و نتایج آن‌ها قابل بررسی است.

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که در دولت قبلی به داخل کشوی میز رانده شده بود، سرانجام بیرون آمد و به عنوان گزینه‌ای برای حمایت از بخش خصوصی و توسعه فعالیت اقتصادی بر روی میز کار مسئولان قرار گرفت. شورای گفت‌وگو که مهم‌ترین رکن این قانون بود، شکل عملی به خود گرفت و جلسات آن در تهران فعال شد و به‌خصوص در شهرستان‌ها شورای گفت‌وگوی شهرستان در مرکز استان با حضور مسئولان آغاز به کار کرد که در پی آن هیجانی در بین فعالان بخش خصوصی ایجاد شد. آنچه تاکنون از اجرای قانون برداشت می‌شد اجرای قانون در پایتخت و بین مسئولان رده بالای کشوری بود و شهرستانی‌ها در انتظار شنیدن خبر و نتایج جلسات و تصمیمات بودند ولی اینک شورای گفت‌وگو به عنوان یک رکن سازنده از قانون یعنی قانون بهبود محیط کسب و کار در مراکز استان‌ها با حضور مسئولان اجرای قانون و ذی‌نفعان قانون یعنی بخش خصوصی تشکیل می‌شود. تشکیل جلسات در مراکز استان‌ها سرآغاز توجه دولت به قانون بود. در جلسات هر چند مقدماتی مسائل و مشکلات بررسی و حداقل



■ مرسل صدیق

عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

ارزش افزایی» صنعت گردشگری نکرده‌ایم و شکاف و فاصله زیادی بین جذابیت و جذب گردشگر واقعی وجود دارد، از این جملات کلیشه‌ای و بی‌نتیجه دوری کنیم و همه با هم، با همدلی و همیاری خالصانه بکوشیم موانع، محدودیت‌ها و نبوده‌ها را برطرف کنیم و با سرمایه‌گذاری درست در انواع زمینه‌ها شرایط جذب گردشگر و خدمات گردشگری مطلوب برای گردشگر خارجی و داخلی به‌وجود آوریم و با بازاریابی حرفه‌ای و تخصصی و آماده‌سازی نیروهای حرفه‌ای و مراکز علاقه‌مند و توانمند، تحولی اساسی در این صنعت به‌وجود آوریم تا بتوانیم با افتخار به آمار و آثار بپردازیم.

اگر قبول داریم که رقابت آینده رقابت در داشتن جاذبه‌ها نیست بلکه رقابت در جذب واقعی گردشگران و رضایتمندی و خدمات گردشگری است و اگر باور داریم که گردشگری کشور نیازمند مدیریت نظام‌مند، قانونمند و توانمند است، بکوشیم به این نیازها پاسخ دهیم تا شاهد تحول دلخواه در این صنعت باشیم.

گردشگری ایران در خارج از کشور تصویر و وجهه مناسبی ندارد و آنچه خارجیان در مورد ایران می‌دانند نتیجه فعالیت‌های ترویجی و تبلیغاتی رسانه‌هایشان بوده است. ما با بازاریابی گردشگری بیگانه یا بی‌تفاوت هستیم. بازاریابی را در حضور در چند نمایشگاه و ابتدایی‌ترین اقدامات خلاصه کرده‌ایم.

۲ استفاده از فرصت‌های ویژه

گردشگری ایران فاقد استراتژی مشخص، ساختار درست، سیستم اصولی، سبک مدیریت مناسب و سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی مطلوب است و با این شرایط نمی‌توانیم با بیان جذابیت‌ها در جذب گردشگران موفق شویم. چند سال قبل طرحی را جهت تغییر تصویر و وجهه گردشگری کشور ارائه دادم که هدف آن بازسازی تصویر و وجهه گردشگری ایران از طریق حرکتی فرهنگی و ورزشی در انواع میدانی و مراسم ورزشی دنیا از جمله جام جهانی فوتبال بود. چند هفته پیش این طرح را با معاونت محترم سازمان متولی گردشگری مطرح کردم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

بر اساس این طرح می‌توانیم هنگام برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در برزیل که تیم ملی فوتبال حداقل ۲۷۰ دقیقه در رسانه‌های جهانی حضور دارد به معرفی هوشمندانه ایران و ایرانی بپردازیم. دعوت از گردشگران، خبرنگاران و رسانه‌های خارجی به‌ویژه رسانه‌های برزیل، آماده‌سازی پیام تبلیغاتی گردشگری کشور برای پخش در رسانه‌ها پیش از برگزاری مسابقات به‌ویژه مسابقاتی که ایران دارد و برگزاری مراسم ویژه برای معرفی جاذبه‌ها و واقعیت‌های گردشگری کشور، جذب و جلب گردشگران در ایام برگزاری مسابقات، رعایت بازی جوانمردانه و اخلاق ورزشی توسط اعضای تیم ملی ایران، برگزاری

تورهای ویژه با تخفیف و تسهیلات گوناگون برای جذب گردشگران خارجی و ارتباط با آژانس‌های بین‌المللی و پذیرش هزینه‌های بازاریابی حرفه‌ای از جمله نکاتی هستند که می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان و ارزان‌ترین شیوه نظرها را به سوی ایران جلب کند.

۳ تلاش جدی برای برند ملی گردشگری

ایران یکی از کشورهایی است که فاقد برند ملی در گردشگری و مقاصد گردشگری و جاذبه‌هایش است. برند آفرینی فرآیندی طولانی مدت، حساس و موثر در گردشگری کشور است که نیازمند انواع تخصص‌هاست و نقش بسیار مهم و مفیدی در بازاریابی گردشگری کشور دارد.

برند یا شناسه عاملی ارتباطی برای شناساندن و شناخته‌شدن است. گردشگری ایران نیازمند برند و شناسه ثابت، مشخص و متمایز است.

۴ اقدام برای تنظیم و اجرای استراتژی خیزش

«استراتژی خیزش» در گردشگری نیازمند توجه به پیش‌نیازها و گام‌هایی است که موانع و بازدارنده‌ها را بشناسد و آنچه باعث بازسازی، نوآوری و آمادگی برای گردشگری حرفه‌ای است را فراهم کند. استفاده از کارشناسان و مشاوران در انواع حوزه‌ها و رشته‌ها، وجود بودجه مناسب و حمایت جدی از این استراتژی نقش مهمی در تنظیم و اجرای این استراتژی دارد.

گردشگری ایران
فاقد استراتژی
مشخص، ساختار
درست، سیستم
اصولی، سبک
مدیریت مناسب
و سرمایه‌گذاری
مادی و معنوی
مطلوب است و
با این شرایط
نمی‌توانیم با بیان
جذابیت‌ها در
جذب گردشگران
موفق شویم.

اجرای قانون بکنند و توقف قانون را به‌عنوان یک جرم به مسئولان تذکر دهند و سرانجام با اجرای قانون که شاخصه آن حضور بخش خصوصی در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است، بخش خصوصی به مطالبات قانونی خود دست پیدا کند و امیدوار باشد که با اجرای قانون، شفاف‌سازی روابط بین دولت و بخش خصوصی حاصل خواهد شد و بسیاری از معضلات حل و فصل خواهد گشت.

اینک پس از آغاز اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار دامنه شمول این قانون مورد سوال جدی است.

مسائل قانون کار در مراکز از جمله شورای عالی کار مورد بررسی قرار می‌گیرد که ترکیب آن نمایندگان دولت، نمایندگان کارگری و نمایندگان کارفرمایی هستند که به سه‌جانبه‌گرایی معروف است. این شورای عالی تحت تأثیر دو عامل است یکی دولت و دیگری نمایندگان نیروی کار که به علت سیاسی بودن هر دو گروه تحت تأثیر سیاست و تبلیغات قرار دارند. متناسفانه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری توسط این دو نهاد ذکر شده انجام می‌شود و هیچ نقشی به عهده نماینده کارفرمایی نیست و چون تصمیمات سیاسی و مصلحت‌اندیشانه اتخاذ می‌شود، لذا غیرواقعی است و مشکلات جامعه را حل نمی‌کند که این شرایط می‌تواند در طول زمان جامعه را به سوی نارضایتی و از دست رفتن بستر کار و توسعه واقعی هدایت کند. در حقیقت در این قانون نقش بخش خصوصی نادیده گرفته می‌شود و قانون جایگاهی برای بخش خصوصی تعریف نمی‌کند.

نکته دیگر اینکه مسائل مالی و پولی در اختیار بانک مرکزی است که زیر مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌شمار می‌آید و آن هم خود عضو بدنه دولت است. چنین است که در نهایت ما با اقتصادی سیاست‌زده مواجهیم که در آن تصمیم‌های کلان تابع سیاست‌های دولت است.

درآمد دولت از طریق فروش منابع خدادادی چون نفت و گاز و معادن و غیره است، به‌علاوه درآمد حاصل از مالیات و عوارض و فروش دارایی‌ها و چگونگی هزینه کردن این اموال نیز در اختیار دولت قرار دارد. بخش خصوصی (مردم) هم مالک نفت و گاز است و هم عوارض و مالیات می‌پردازد و هم شریک ملی دارایی‌ها است اما در فرآیند تصمیم‌گیری برای اصلاح آن نقشی ندارد.

مسائل تامین اجتماعی از جمله مشکلات و معضلات بخش خصوصی است علاوه

بر حقوق و مزایا ماهیانه ۲۳ درصد علاوه بر آن به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌گردد و طبق آمار و اطلاعات قسمت عمده آن در قالب سرمایه‌گذاری‌های بی‌نتیجه به سوی هدف تامین اجتماعی سوق داده می‌شود و باز هم بار گران تامین اجتماعی نیروی کار بر دوش بخش خصوصی سنگینی می‌کند.

وزارت کار بدون توجه به آینده و اینکه باید حقوق بازنشستگی و مزایای درمانی را عهده‌دار شود هر سال در بوق افزایش هزینه‌ها می‌دمد و بار دولت‌های آینده را سنگین و سنگین‌تر می‌کند. اگر دولت یونان و اسپانیا می‌توانند پرداختی‌های تعهد دولت را کاهش دهند، اگر می‌توانند خدمات درمانی را کاهش دهند، اگر می‌توانند سرویس‌های عمومی را همچون بهداشت و آموزش کاهش دهند، دولت‌های آینده در ایران با توجه به بستر انتقالی بودن جامعه نمی‌توانند خدمات را کاهش دهند، آموزش را کاهش دهند و سرانجام دچار دور تسلسل کاهش و کمبود بودجه خواهند شد و چنانچه این روند ادامه پیدا کند بر اثر بحران‌ها و کسری‌ها ایران در سال‌های نه‌چندان دور دارای مشکلات بزرگ و گرفتاری‌های عظیم خواهند شد. امید است تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران به این معضل بزرگ از هم‌اکنون توجه نمایند.

ماده ۴۱ قانون کار نابودکننده آینده کشور است. این یک مستمسک بزرگ برای افراد ناتوان است. دولت باید بتواند تورم را مهار کند. دولت اگر نمی‌تواند تورم را مهار کند، نباید به ماده ۴۱ قانون کار متوسل شود. ربط دادن میزان تورم به افزایش دستمزد یک فاجعه بزرگ ملی است که آیندگان قادر به حل آن نخواهند بود. در کشور در حال توسعه سخن از اجرای قانون کامل نقض غرض است. در این ماجرا فقط عده‌ای ماجراجو و فرصت‌طلب که به دنبال کسب قدرت هستند و به دنبال گرفتن رای هستند ولی هیچ توانمندی در جهت ارائه راه حل برای جلوگیری از تورم ندارند بهره می‌برند. وزارت کار، خانه کارگر و نمایندگان مدعی حوزه نیروی کار باید راه‌حلی برای جلوگیری از تورم ارائه دهند، در غیر این صورت آینده جامعه، آینده اشتغال و آینده توسعه جامعه را به سوی پرنگار غیرقابل‌کنترلی پیش می‌رانند و نقش بخش خصوصی هم در تدوین استراتژی در چنین مواردی نادیده گرفته می‌شود.

به امید پیروزی‌های بیشتر در صحنه‌های داخلی و بین‌المللی و تقویت هر چه بیشتر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

سالی که گذشت سالی که می آید

اکنونیست اقتصاد جهان را چگونه ارزیابی و پیش بینی می کند

خواهند بود نه بدگمانان به اتحادیه اروپا. فرض ما بر این بود که امریکا در اوایل سال گذشته از "پرتگاه مالی" جان سالم به در خواهد برد، اما پیش بینی تعطیلی دولت را در پاییز نکرده بودیم. ما از تأثیر و نفوذ القاعده در افریقا نگران بودیم و پیش بینی نزاع هایی را در شن زارهای صحرا داشتیم (و این طور شد که تروریست ها در ماه ژانویه یک پالایشگاه گاز را در صحرای الجزایر تسخیر کردند) اما پیش بینی گروگان گیری در مرکز خریدی در نایروبی را نمی کردیم. و اشتباهات آشکارمان چه بودند؟ چندتایی اشتباه بزرگ داشتیم. اولین بار نیست که توان بقای بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، را در رأس قدرت دست کم می گیریم. ما پیش بینی آزمون دشواری را که پیش روی باراک اوباما و «خط قرمز»ش در استفاده از سلاح شیمیایی قرار گرفت، نکرده بودیم. کودتا در مصر را هم نتوانستیم پیش بینی کنیم و اشاره ای هم به برنده رقابت انتخابات ریاست جمهوری ایران، حسن روحانی، نکرده بودیم. همچنین پیش بینی اعتراضاتی را که در سال ۲۰۱۳ در کشورهای مختلف، از برزیل تا ترکیه تا بلغارستان، در گرفت نکرده بودیم. درست است که در پیش بینی هایمان برای سال ۲۰۱۰، نسبت به خطر نارضایتی و ناآرامی های اجتماعی گسترده در جهان هشدار داده بودیم؛ اما در پیش بینی تحولات آینده زمان بندی مهم ترین چیز است.

بریتانیا اخیراً امیدوارکننده و مطلوب به نظر می رسند. مرورمان بر ارزیابی علمی هیئت بین المللی تغییرات آب و هوایی مان به همان نتیجه ای رسیده بود که گزارش این هیئت یک سال بعد منتشر کرد. حدس ما بر این بود که مایکروسافت و نوکیا، دو بازنده انتقال تکنولوژی اتصال به اینترنت از دستگاه های ثابت به تجهیزات همراه، در سال ۲۰۱۳ ادغام خواهند شد (در ماه سپتامبر مایکروسافت کسب و کار تلفن همراه نوکیا را خرید) ما مسائل مربوط به حریم خصوصی را برای شرکت هایی همچون گوگل مشکلی فزاینده و ددرس ساز پیش بینی کرده بودیم. اما پیش بینی این رویداد را که مسأله امنیت حریم خصوصی را به صدر اخبار رسانه ها تبدیل کرد، نکرده بودیم؛ یعنی افشای های ادوارد اسنودن، کارمند سابق آژانس امنیت ملی امریکا، درباره برنامه های گسترده جاسوسی امریکا. صحت یا نادرستی برخی پیش بینی ها را می توان به یکباره تعیین کرد. برای مثال حق با ما بود که پیش بینی کرده بودیم پاپ بندیکت پابه سن گذاشته با مشکلاتی روبه رو خواهد شد، اما تصور ما را هم نمی کردیم که از مقام پاپی استعفا دهد و پاپ فرانسیس سرزنده جایش را بگیرد. پیش بینی ما این بود که انگلاند مرکز برنده رقابت انتخاباتی آلمان خواهد بود و این که یک حزب کوچک ظهور خواهد کرد و قدرت خواهد گرفت — اما تصور ما این بود که این حزب راهزنان سیاسی

بحث برانگیزترین پیش بینی در میان پیش بینی های اکنونیست از رویدادها و روندهای سال ۲۰۱۳ این بود که بهترین جا برای به دنیا آمدن در این سال سوئیس، و بدترین کشور نیجریه است. هنوز نمی توان گفت این پیش بینی درست بوده است یا نه، اما بیش تر پیش بینی هایمان از جهان در سال ۲۰۱۳ درست از آب درآمده اند. البته طبق معمول اشتباهاتی هم داشته ایم، و برخی پیش بینی هایی که نه می توان درستشان خواند و نه غلط.

اول سراغ پیش بینی های درست برویم. عموم پیش بینی هایمان در مورد اقتصاد درست بود. ما پیش بینی احيائي آشکارتر در امریکا را کرده بودیم، و رشدی نه چندان محسوس برای حوزه یورو، توسعه خوب اقتصاد چین اما رشد کند و «اویزان» در هند. در پیش بینی هایمان اثری را که سیاست های شینزو آبه بر اقتصاد ژاپن می گذاشت نادیده گرفته بودیم، اما در مورد رشد اقتصاد بریتانیا درست گمانه زنی کرده بودیم. در نظر ما چشم انداز اقتصادی بریتانیا روشن تر از آنی بود که پیش تر کارشناسان می پنداشتند. در ابتدا، در بحبوحه بحث از رکود سه حضيضی، دیدگاه مخالف ما به نظر ناپخته و نادرست می آمد. بعد با زنگری های آماری نشان دادند که کشور ممکن است در رکود دو حضيضی گرفتار نشود، چه رسد به سه رکود پیاپی بدون احیا. آمارهای اقتصادی



جان میکلتویت
سردبیر اکنونیست



منفی‌ها و مثبت‌های اقتصاد جهان

پیش‌بینی اکونومیست از اقتصاد کشورهای جهان در سال پیش‌رو

■ ترجمه: بابک واحدی



ایران

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۸۵۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۲۸۴۰ دلار)

تورم: ۲۸ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۳,۹-

جمعیت: ۷۷,۳ میلیون نفر

حسن روحانی، روحانی نسبتاً میانه‌روی که در ژوئن ۲۰۱۳ به ریاست جمهوری رسید، می‌گوید به رویکردی «نتیجه‌محور» نسبت به غرب متعهد است، اما به دفاع از حق برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ادامه می‌دهد، که گفت‌وگوها را دشوار خواهد ساخت. دیگران، از آخرالزمان‌باوران اسرائیل تا افراطیون ایران، هم در این مسیر موانعی خواهند تراشید. اما ایران انگیزه انعطاف دارد - تحریم‌ها اقتصاد را فرومی‌پاشند، صادرات نفت تثبیت خواهد شد، اما در سطحی بسیار پایین‌تر از ظرفیت تولید. اقتصاد کمی از پایگاهی را که در سال ۲۰۱۲-۱۳ از دست داده بود باز خواهد یافت.



عراق

رشد تولید ناخالص داخلی: ۸,۵ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۷۴۱۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۵۸۵۰ دلار)

تورم: ۵,۵ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۵-

جمعیت: ۳۵ میلیون نفر

به سبب چالش‌هایی که اختلافات مذهبی و منطقه‌ای پیش روی قدرت مرکزی می‌گذارند، و هم‌زمان که دولت بغداد به دنبال توافق با دولت منطقه‌ای کردها است، سیاست این کشور بی‌ثبات خواهد ماند. اما شرکت‌های خارجی، به‌ویژه شرکت‌های بزرگ نفتی، بر سرمایه‌گذاری‌هایشان خواهند افزود. اقتصاد با جهش دیگری در نرخ رشد واکنش نشان خواهد داد، و رشد به ۱۰ درصد خواهد رسید.



لبنان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲,۵ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۰۷۲۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۳۷۷۰ دلار)

تورم: ۴,۵ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۷,۵-

جمعیت: ۴,۹ میلیون نفر

شکاف عمیق فرقه‌ای به سبب جنگ داخلی در کشور همسایه، یعنی سوریه، تعمیق شده است و به حملات فرقه‌ای مرگبار در شهرهای سراسر کشور انجامیده - و

ارتش هم واکنش خشونت‌آمیزی می‌دهد. انتخابات پارلمان تا سال ۲۰۱۴ به تعویق انداخته شده است، و ممکن است بار دیگر لغو شود. کشور ممکن است در ورود به سال جدید هنوز به دنبال تشکیل دولت باشد، زیرا که نخست‌وزیر انتصابی، تمام سلام، نمی‌تواند با قوه مقننه بر سر تشکیل کابینه توافق کند.

رویداد: با این فرض که مقامی دولتی برای امضا کردنش پا پیش بگذارد، نخستین مجوز اکتشاف نفت این کشور در سال ۲۰۱۴ امضا و اعطا خواهد شد.



عربستان سعودی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۵,۱ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۴۵۳۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۳۲۵۳۰ دلار)

تورم: ۳,۳ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۱۰

جمعیت: ۳۰,۷ میلیون نفر

مسأله قدیمی جانشینی بر حاکمیت خاندان آل سعود سایه خواهد افکند، اما سلطه‌اش بر قدرت را تضعیف نخواهد کرد. اعتراضات پراکنده ادامه خواهند یافت، و رژیم با تخصیص تبعیض‌آمیز درآمدها و نه اصلاحات سیاسی واکنش نشان خواهد داد. سیاست‌های مالی انبساطی که از محل صادرات نفت تأمین مالی می‌شود موجب حفظ رشد اقتصادی خواهد شد، اما مازاد بودجه از بین خواهد رفت.



آرژانتین

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۶ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۰۸۷۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۹۴۹۰ دلار)

تورم: ۲۵.۷ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۳

جمعیت: ۴۲ میلیون نفر

کریستینا فرناندز، رئیس‌جمهور، و دولتش در هر بخش از اقتصاد مداخله کرده، و تجارت خارجی، جریانات سرمایه و نرخ ارز را در کنترل گرفته و نرخ‌های تورم را دست‌کاری می‌کنند. پس از گذشت هفت سال ریاست‌جمهوری، سال پیش رو بسیار سرنوشت‌ساز می‌نماید، از آن‌جا که کشور برای انتخابات در سال ۲۰۱۵ آماده می‌شود. خانم فرناندز تقریباً تمام متحدان قدرتمند خود را به حاشیه‌رانده‌است و در انتخابات میان‌دوره‌ای در اکتبر ۲۰۱۳ توانست جان سالم از میدان بیرون‌برد، اما از اکثریت فروپاشیده‌اش در کنگره مدد خواهد گرفت تا راه پیشروی را بگشاید. فصل برداشتی پرحاصل اقتصاد را در سال ۲۰۱۳ بالا کشاند، اما سال پیش رو بی‌رمق خواهد بود.



ونزوئلا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۶ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۵۳۲۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۳۸۰۰ دلار)

تورم: ۳۶.۴ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۶.۸

جمعیت: ۳۰.۴ میلیون نفر

یک دهه کژکاری اقتصادی حالا اثرش را نشان می‌دهد، کمبود موادغذایی، انرژی و پول مدام بیش‌تر می‌شود، منابع مالی دارند تمی کشند و اقتصاد در میانه شدیدترین تورم سرتاسر آمریکای لاتین به‌زحمت دست و پا می‌زند. نیکولاس مادورو، که پس از مرگ چاوز در ۲۰۱۳ توانست به ریاست‌جمهوری برسد، فاقد کاریزما و شور رادیکالِ خَلف خود است، و ممکن است خیلی زود شاهد افول محبوبیتش باشد. اگر - به‌فرض بعید اما نه محال - دولت فروپاشد و موجب برگزاری انتخابات زودهنگام شود، کاندیدای شکست‌خورده مخالفان، هنریکه کاپریلس، از موقعیت خوبی برای پیروز شدن برخوردار خواهد بود. تورم شدید به این معنا است که اقتصاد را کد و بی‌رونی خواهد بود.



ترکیه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۶ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۰۸۳۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۶۳۷۰ دلار)

تورم: ۷.۳ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۲.۷

جمعیت: ۷۶ میلیون نفر

انتخابات شهری در ماه‌مارس رفراندومی برای حاکمیت سه‌دوره‌ای نخست‌وزیر، رجب طیب اردوغان، و حزب میانه‌روی اسلام‌گرای او یعنی عدالت و توسعه، خواهد بود. آقای اردوغان، که ظاهراً شکست‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد، با واکنش خشونت‌آمیز و سفت‌وسختی به اعتراضات مردمی در سال ۲۰۱۳ پایگاه محبوبیت مردمی خود را تضعیف کرده و ممکن است بهای این کار را پای صندوق‌های رأی بپردازد. اگرچه، او با مخالفت‌های جدی روبه‌رو نیست، و اقتصاد با توسعه شدیدش رأی‌دهندگان را پشت سر او نگه خواهد داشت. این بازدهمین سال اردوغان در سمت نخست‌وزیری خواهد بود، و اگر طرح‌های او برای رسیدن به دور جدید نخست‌وزیری در ماه اوت به‌ثمر بنشینند، ممکن است یک دهه دیگر هم در رأس قدرت ترکیه باقی بماند.



مصر

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۹ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۲۹۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۶۹۱۰ دلار)

تورم: ۹.۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۱۲.۹

جمعیت: ۸۳.۷ میلیون نفر

نوزایی نظام سیاسی پس‌ازانقلاب مصر، با برکناری محمد مرسی، ضرورت برگزاری انتخابات دوباره‌ای برای پارلمان و رئیس‌جمهور تحت قانون اساسی‌ای جدید را به‌وجود آورد، اما این اتفاق به‌سرعت رخ نخواهد داد. اخوان‌المسلمین برکنار شده‌مچنان مقاومت خواهد کرد، مخالفان سازمان یافته برای دستیابی به انسجام تقلا خواهند کرد، و اعتراضات مردمی ادامه خواهد یافت، که به تدابیر سخت‌گیرانه‌تر کنترل نظامی می‌انجامد. به‌سبب بی‌میلی مصرف‌کنندگان به مصرف و توربست‌ها به آمدن به مصر، اقتصاد چندان رشدی نخواهد داشت.



روسیه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۳ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۵۶۱۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۹۱۹۰ دلار)

تورم: ۵.۵ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۰.۴

جمعیت: ۱۴۲.۴ میلیون نفر

حمایت عمومی از رئیس‌جمهور، ولادیمیر پوتین، در سال ۲۰۱۳ به زیر ۵۰ درصد سقوط کرد - که برای رهبری در دور سوم زمام‌داری‌اش وضعیت

بدی نیست اما با تحسین نسبتاً همگانی پیشین فاصله بسیار دارد. مخالفان تاکنون نتوانسته‌اند این احساسات ضدپوتین را به دستاوردهای سیاسی منسجم تبدیل کنند، و آقای پوتین با تمام قوا از قلمرو خود دفاع خواهد کرد: او از برخی تدابیر سرکوب‌گرانه حمایت کرده‌است، از جمله قوانین جنجال‌آفرینی درباره خیانت به‌مپهن، اعتراضات، سازمان‌های غیردولتی تحت‌الحمايه خارجی‌ها و سانسور. در صحنه بین‌الملل، نمایشی که روسیه و آمریکا بر سر سوریه بازی کردند پوتین را در جایگاه محبوبیت قرار داد، اگرچه او باید حالا هرطور شده مطمئن شود که دولت تحت‌الحمايه‌اش اسلحه شیمیایی خود را تحویل می‌دهد - یا در غیر این صورت خطر حمله نظامی آمریکا به سوریه را به‌جان بخرد. سطح پایین سرمایه‌گذاری و رکود در اروپا رشد اقتصاد روسیه را کند کرده‌است، اما فصل برداشتی خوب، تورم پایین‌تر و کاستن از نرخ‌های بهره می‌تواند محرک رشد در سال ۲۰۱۴ باشد. روسیه، همچون همیشه، بر قیمت‌های بالای تولیداتش متکی است؛ نفت خام برنت در سال ۲۰۱۴ حدود بشکه‌ای ۱۰۷ دلار خواهد بود، که برای روسیه امیدوارکننده‌است.



چین

رشد تولید ناخالص داخلی: ۷.۳ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۷۷۴۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۱۰۹۰ دلار)

تورم: ۳.۴ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): -۲

جمعیت: ۱.۳۴ میلیارد نفر

اقتصاد چین در روند روبه‌کاهشی آرام قرار دارد، هم‌زمان که نسل جدید رهبران این کشور تمرکز را از صادرات تولیدات با ارزش افزوده کم و محرک‌های دولتی به تقاضای خودتشیب مصرف‌کننده منتقل می‌کنند. انتظار می‌رود حزب کمونیست از اواخر سال ۲۰۱۳ به بعد مجموعه‌ای از اصلاحات مالی و اجتماعی را به اجرا درآورد (اما نه هیچ تغییر و اصلاح سیاسی). دولت پول را از طریق تدابیر بازتوزیع مالیات و افزایش دست‌مزدها، و انتقال مردم بیش‌تری به شهرها، به جیب مصرف‌کنندگان خواهد ریخت. رهبران سیاسی از فساد دولتی و تخریب محیط‌زیست خواهند کاست. پس از سال ۲۰۱۳ که دست‌اندازی در مسیر رشد اقتصادی چین بود، رشد اقتصاد این کشور در پاسخ به محرک‌های ملایم مالی تثبیت خواهد شد.



اردن

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۹ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۸۴۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۵۵۵۰ دلار)

تورم: ۵,۴ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۹,۵-
جمعیت: ۷,۷ میلیون نفر

تلاش‌های مکرر برای فرونشاندن اعتراضاتی که در پی بهار عربی بالا گرفتند به شکست انجامید، اما ملک عبدالله دوم، به پشتوانه نیروهای مسلح وفادارش، چه رضایت مردمی وجود داشته باشد چه نه قدرت را بار دیگر در دست خواهد گرفت. باجهایی که حکومت به مردم داده است شامل یارانه‌های بیش‌تر در مواد غذایی و سوخت است، اما تمام این‌ها به سبب بودجه کشور که در تنگناست کنار گذاشته شده‌اند، لذا قطعاً اعتراضات بیش‌تری در پی خواهد آمد - و این اعتراضات سرانجام خود پادشاه را هدف خواهند گرفت. صنعت توریسم، که برای رشد اقتصادی کشور بسیار مهم است، حال‌روز خوبی نخواهد داشت، اما احیاء بازارهای صادرات به اقتصاد کمک خواهد کرد.



افریقای جنوبی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳,۳ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۷۱۴۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۱۸۸۰ دلار)

تورم: ۵,۲ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۱,۱-
جمعیت: ۵۲,۱ میلیون نفر

رئیس جمهور، یاکوب زوما، در سال ۲۰۱۴ با رقابت انتخابات ریاست جمهوری روبه‌رو است اما در متحد ساختن پراگماتیست‌ها در مرکز و مداخله‌باوران چپ دولتش، که رهبری‌اش در دست حزب کنگره ملی افریقا، به مشکل برخورد خورد. تمایلات قدرت‌طلبانه از سوی خارجی‌ها به‌دقت زیر نظر گرفته خواهند شد و سطح نامساعد رفاه عمومی اعتراضاتی را به‌دنبال خواهد آورد. توسعه انتظاری طبقه متوسط سیاه‌پوست این کشور به رشد اقتصاد کمک خواهد کرد.



لیبی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۸,۸ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۱۴۲۴۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۸۲۹۰ دلار)

تورم: ۳,۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۱,۱-
جمعیت: ۶,۴ میلیون نفر

اختلافات میان دو ائتلاف بزرگ در مجلس، یعنی ائتلاف سکولار نیروهای ملی و اخوان المسلمین، سیاست این کشور را به‌حالت فلج درآورد و تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید را به بن‌بست کشانده است، هم‌زمان که مناقشات منطقه‌ای قدرت در شرق و غرب کشور صادرات نفت را به چگه‌چگه

انداخته است. اقتصاد این کشور به احیاء ادامه خواهد داد، اما تهدیدهای پیش‌روی ثبات سیاسی بیش‌تر به مقدمه یک ضدانقلاب می‌ماند تا آرام‌دولتی روی کار آمده پس از انقلاب.



سوریه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴,۲ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۱۵۰۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۳۸۵۰ دلار)

تورم: ۱۷,۸ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۹,۹-
جمعیت: ۱۹,۹ میلیون نفر

با ادامه پشتیبانی‌های حامیان خارجی از دو سوی درگیر در جنگ داخلی سوریه، این جنگ به‌میدان آزمونی ژئوپولیتیک تبدیل شده است. روسیه به دولت بشار اسد فشار خواهد آورد تا اسلحه‌شیمیایی خود را تسلیم کند، کاری که چندان آسان انجام نخواهد شد. حمله تنبیهی ایالات متحد را هم نمی‌توان محال دانست. اقتصاد فلج‌شده این کشور همچنان شکننده باقی خواهد ماند.



برزیل

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲,۵ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۱۰۸۶۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۲۷۹۰ دلار)

تورم: ۵,۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۳,۳-
جمعیت: ۱۹۸,۲ میلیون نفر

منتظر تکرار اعتراضات اجتماعی‌ای که در میانه سال ۲۰۱۳ بالا گرفت باشید، که این بار جام جهانی فوتبال عرصه‌ای بین‌المللی از اعتراض را پیش‌روی معترضان خواهد گشود. پاسخ دیلما روسف، رئیس جمهور، به این اعتراضات ضعیف بود، و ممکن است بر بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای دولتی بیفزاید، حتی اگر بی‌اعتمادی به بیش‌تر سیاستمداران را کنار بگذاریم. اگرچه اعتراضات اهداف زیادی داشتند، رئیس جمهور بیش‌ترین ضربه را متحمل شد، و بخت پیروزی‌اش در انتخابات ماه‌اکتبر با تهدیدی جدی روبه‌رو شد - اما احتمالاً علی‌رغم تمام این‌ها در این انتخابات پیروز خواهد بود. اقتصاد به‌حرکت محتاطانه خود ادامه خواهد داد، اما پشت سر دیگر کشورهای عضو پیمان بریکس.



شیلی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴,۹ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۱۶۴۳۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۲۰۳۸۰ دلار)

تورم: ۳,۲ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۰,۲-
جمعیت: ۱۷,۷ میلیون نفر

میکله باچله، رئیس‌جمهور سابق، باز قدم در میدان سیاست گذاشته تا چپ‌میان را پس از انتخابات اواخر ۲۰۱۳ دوباره به دولت برساند، اما بعید است تغییر فاحشی در سیاست‌های معطوف به بازار دولت پیشین، یعنی دولت راست‌میان، ایجاد کند. فشارهای ناشی از افزودن حزب کمونیست به ائتلاف خانم باچله می‌تواند تنش‌ها را در داخل ائتلاف و میان آن و مخالفانش افزایش دهد، اما سنت کهن سیاست شیلی در اجماع بر سر اصلاحات اقتصادی با محوریت بازار پابرجا خواهد ماند. رشد اقتصادی ثابت و پایدار این کشور هم‌همین‌طور.

رویداد: پروژه‌های جدید نیروگاه‌های برق‌آبی. این پروژه‌ها از هزینه‌های انرژی خواهند کاست، اما اعتراضات محیط‌زیستی آن‌ها را همچنان جنجال‌آفرین خواهند گذاشت.



کوبا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳,۹ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۶۲۹۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۲۴۵۰ دلار)

تورم: ۵,۱ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۳,۴-
جمعیت: ۱۱,۲ میلیون نفر

سال‌های افول کاستروها (رائول، که در سال ۲۰۰۸ قدرت را از فیدل گرفت، ۸۳ سال دارد) رهبران جدیدی را به عرصه سیاست کوبا خواهد کشاند. کنار رفتن چهره‌های کارزماتیک کشور آزمون‌های برای نهادهای پس‌انقلابی این کشور خواهد بود. افول تدریجی اقتصاد تحت کنترل دولت ادامه خواهد یافت، و کارگران از فهرست حقوق‌بگیران دولت خارج خواهند شد و نیروهای بازار به‌بخش‌های بیش‌تری نفوذ خواهند کرد. اصلاحات محتاطانه و موقت رشد ملایم اقتصادی ایجاد خواهد کرد، اما نه به اندازه‌ای که در صورت آزادسازی کامل کشور انتظار می‌رود.

رویداد: نفت از دست رفت. تغییر سیاسی در ونزوئلا تهدیدی برای اساسی‌ترین حمایت پشت سر کوبا محسوب می‌شود، به‌ویژه مبادله نفت در برابر پزشک که عامل رشد اقتصادی بود.



پرو

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۶۹۹۰ دلار (برابری قدرت خرید: ۱۱۸۸۰ دلار)

تورم: ۲,۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۰,۸

جمعیت: ۳۱,۶ میلیون نفر

اولانئا هومالا، رئیس‌جمهور و دولت‌ش رشد پایدار اقتصادی و بهبود سطح رفاه را برای کشورشان به ارمان آورده‌اند، اما با عداوت و خصومت‌های بسیار روبه‌رو هستند: از سوی متحدان چپ سابق که از سیاست‌های اقتصادی لیبرال دولت ناراضی و مایوس هستند، و از سوی طبقه متوسطِ نوظهور اما هنوز نابالغ. این عوامل، به همراه انتخابات منطقه‌ای سال ۲۰۱۴، فشارهایی بر دوش دولت خواهند گذاشت، اما حمایت از سوی کسب‌وکارهای خصوصی رژیم را پابرجا نگه‌می‌دارد، و اقتصاد رشد خوبی خواهد داشت.



ازبکستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶,۵ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۹۴۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۴۰۶۰ دلار)

تورم: ۱۰,۲ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۱,۲-

جمعیت: ۳۰,۷ میلیون نفر

اسلام کریم‌اف، کنترل مطلق کشور را در سال آینده در دست خواهد داشت، اما سن بالا (۷۶ سال)، وضعیت ناپه‌سامان سلامتی، و فقدان برنامه‌ریزی برای جانشینی‌اش نوبید بی‌ثباتی را می‌دهد. سیاست خارجی کشور کمی به سمت قدرت‌های غربی گرایش خواهد داشت، هم‌زمان که روابط مستحکم و نزدیک با چین و روسیه را حفظ می‌کند. صادرات هیدروکربن و جریان فزاینده پول‌هایی که از بک‌های شاغل در خارج از کشور به داخل حواله می‌کنند رشد اقتصادی بالای ۶ درصد را در سال‌های پیش رو تضمین می‌کند.



استرالیا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲,۹ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۶۰۹۷۰ دلار (برابری

قدرت خرید: ۴۷۴۴۰ دلار)

تورم: ۲,۸ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۰,۶-

جمعیت: ۲۳,۵ میلیون نفر

ائتلاف لیبرال‌ملی، پس از شش سال اپوزیسیون بودن، در سال ۲۰۱۳ به دولت بازگشته‌است. تونی ابوت، نخست‌وزیر جدید، که در دوران تبلیغات انتخاباتی خود سیاست استرالیا را خصمانه‌تر ساخته‌است، باید استراتژی دیگری را در پیش بگیرد تا حمایت احزاب مستقل و تک‌مسأله‌ای را جلب نماید. موفقیت دولت جدید بر توانایی ابوت در نمایش خود به عنوان یک مذاکره‌کننده، و نه تخریب‌چی، نهفته‌است. مسائل مختلفی، از مالیات کربن تا مهاجرت، سیاست استرالیا را به خود مشغول ساخته‌اند، اما مشکل اصلی از ناحیه افت سرعت رشد اقتصادی چین متوجه این کشور است؛ اقتصادی که

صنعت استخراج منابع طبیعی بی‌حد استرالیا را در یک دهه گذشته با رشدی انفجاری روبه‌رو ساخته‌بود.



بنگلادش

رشد تولید ناخالص داخلی: ۵,۷ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۹۷۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۲۱۳۰ دلار)

تورم: ۷,۳ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۵,۳-

جمعیت: ۱۵۶,۹ میلیون نفر

اقتصاد، علی‌رغم دهه‌ها سیاست «برنده صاحب همه چیز است» که در آن اتحادیه عوامی و حزب ملی گرای بنگلادش به‌نوبت دولت را در دست می‌گرفتند و مزایای دولتی را میان هواداران خود تقسیم می‌کردند، رشد پایدار داشته‌است. حزب ملی‌گرا احتمالاً جای اتحادیه عوامی را در انتخابات ژانویه می‌گیرد، اما این نزاعی سیاسی است که احتمالاً پای ارتش را پیش از رأی‌گیری به خیابان‌ها باز خواهد کرد. تداوم شهرنشینی و نوسازی زیرساخت‌ها در کنار تولید پوشاک موتورهای محرکه رشد خواهند بود.



هند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶,۱ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۷۰۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۴۳۵۰ دلار)

تورم: ۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۵-

جمعیت: ۱,۲۸ میلیون نفر

ائتلاف ترقی متحد، به رهبری کنگره ملی هند، تحت فشار شدید اتهامات فساد و اقتصادی ضعیف، به پایان دوره زمام‌داری خود نزدیک می‌شود. ائتلاف ملی دموکراتیک مخالفان، به‌رهبری حزب بهاراتیا جاناتا، هم با تفرقه‌های داخلی خود دست‌به‌گریبان است، و کنگره ممکن است از این موقعیت بهره‌بگیرد و برگزاری انتخابات زودهنگام پیش از تاریخ معین شده پیشین در ماه می را درخواست کند. هرکدام از احزاب اصلی هند برنده میدان باشند، ائتلافی گسترده برای ایجاد اکثریت لازم است، و سیاست‌های کشور گروگان تقاضاهای داخلی خواهد ماند. پیروزی حزب بهاراتیا جاناتا، با کاندیدای نرندرا مودی، عنصری از اختلافات فرقه‌ای هم به این ملغمه خواهد افزود. اقتصاد ممکن است فقط بتواند رشد ۶ درصدی خود را حفظ کند، اما از تورم شدید، ارزش پول ضعیف، شرکت‌های بدهکار و از دست رفتن شدید اعتماد بین‌المللی رنج خواهد برد. رویداد: تصمیم به جدا کردن ایالتی جدید، ایالت بیست و نهم تالانگانا، از ایالت آندرا پردیش مرکززدایی باوران هند را جسور کرده، و آتش زیر خاکستر سال‌ها نزاع بر سر اداره امور را شعله‌ور.



ژاپن

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱,۷ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۸۹۹۰ دلار (برابری

قدرت خرید: ۳۸۱۵۰ دلار)

تورم: ۱,۸ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۷,۶-

جمعیت: ۱۲۵,۲ میلیون نفر

شینزو آبه، نخست‌وزیر، یکی از نوادری که از بخت افزودن «تومیکس» به پایان نام خانوادگی‌اش بهره‌مند بوده، با سالی روبه‌رو است که در آن مجموعه سیاست‌هایش برای ایجاد شوک در ژاپن به‌منظور خارج کردن این کشور از دو دهه دلپره کاهش قیمت‌ها یا موفق خواهند بود یا کشور را زمین خواهند زد. دو عنصر نخست از برنامه سه‌عنصری آبه‌تومیکس، یعنی سیاست‌های رشد‌محور مالی و پولی، با نهایت سرعت پیش می‌روند. سومین عنصر، که مجموعه‌ای است از اصلاحات طرف عرضه با هدف ایجاد رشد بالاتر، زیاده از حد ملایم به‌نظر می‌رسد که بتوانند موفق باشند. رشد اقتصادی در سال پیش رو به ۲ درصد خواهد رسید، علی‌رغم افزایش مالیات‌ها در ماه آوریل که با هدف کاهش از کسری بودجه صورت گرفته‌است. در بلندمدت، ابر بدهی‌ها و ساختار جمعیت بر چشم‌اندازهای کشور سایه‌افکنده‌اند.



اسپانیا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰,۳- درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۸۴۱۰ دلار (برابری

قدرت خرید: ۳۲۶۱۰ دلار)

تورم: ۰,۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۶,۸-

جمعیت: ۴۶,۷ میلیون نفر

دولت حزب مردم پس از سه‌سال ریاضت اقتصادی و مجموعه‌ای از رسوایی‌ها که گریبان چهره‌های عالی‌رتبه‌اش، از جمله نخست‌وزیر، ماریانو راخوی، را گرفت، از پا درآمد. اقتصاد اسپانیا در سال ۲۰۱۴ هم فروخواهد ریخت، و منابع مالی ملی هنوز بر حمایت بین‌المللی متکی هستند. جدایی‌طلبی در کاتالونیا و باسک اوج خواهد گرفت. باین حال، بارقه‌هایی از امید وجود دارد. اصلاحات رقابت را بهبود بخشیده‌است، و کسری حساب جاری از میان رفته. رشد نزدیک است و بیکاری دارد به اوج می‌رسد. راخوی می‌تواند انتظار داشته‌باشد که امسال را هم به‌سلامت از سر بگذراند.



پاکستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳,۵ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۲۵۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۲۲۵۰ دلار)

تورم: ۶.۹ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۶.۲-

جمعیت: ۱۸۵.۸ میلیون نفر

گروه‌های تروریستی در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۳ از خصوصیت‌های خود علیه حزب راست میانه PMLD کاستند، اما کمپین وحشت و ترور خود را پس از پیروزی این حزب در انتخابات، بر حرارت‌تر از سر گرفتند، و دولت جدید پاکستان بیش از آن‌چه بسیاری انتظارش را داشتند با مسائل امنیتی درگیر است. اوضاع این کشور به شدت به تلاش‌های نواز شریف، که برای سومین دوره نخست‌وزیری به عرصه سیاست بازگشته، بستگی دارد؛ تلاش‌هایی معطوف به جدا ساختن دستگاه امنیت داخلی از سازمان‌اطلاعات ارتش، آ‌آ‌سی، که کارایی و وفاداری‌اش هر دو با شک و تردید روبه‌رو است. بحران حاد انرژی، اقتصاد کند و منازعه قدرت با استان‌هایی که سودای خودمختاری در سر دارند، در دسره‌های پیش‌تری را برای دولت ایجاد خواهند کرد.



فیلیپین

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶.۶ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۲۷۶۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۴۶۲۰ دلار)

تورم: ۳.۳ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۱.۵-

جمعیت: ۱۰۷.۷ میلیون نفر

جایگاه بنیونی آکوتینو، رئیس جمهور، پس از نمایشی پر قدرت در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۳ و اقتصادی پر کار تقویت شده است. او با جدیت برنامه اقتصادی خود را پیش خواهد برد؛ برنامه‌ای شامل پرداخت مستمری به فقرا، توسعه صنعتی اشتغال‌زا، و زیرساخت‌های بهتر از طریق مشارکت بخش خصوصی و عمومی. درآمدهای خالص فزاینده محرک بخش غالب خدمات خواهند بود، و فیلیپینی‌هایی که در خارج از کشور کار می‌کنند سیل حواله‌های‌شان را که کشور را از دلار سرریز می‌کنند حفظ خواهند کرد. رشد اقتصادی پایدار خواهد ماند.



تایلند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۷ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۶۱۸۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۱۰۴۷۰ دلار)

تورم: ۳ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۲.۵-

جمعیت: ۷۰ میلیون نفر

تایلند، اگرچه نسبت به سال‌های اخیر با ثبات‌تر است، همچنان درگیر جنگ قدرت میان نیروهای پوپولیست نماینده مردمان فقیر شهری و روستایی و دستگاه حاکم تحت‌الحمایه ارتش است. بینگلوک

شیناواترا، نخست‌وزیر، روزگار آرام‌تری را نسبت به برادر بزرگ‌ترش، تاکسین، که در سال ۲۰۰۶ با کودتایی برکنار شد، گذرانده است، اما این عمدتاً به مدد بودجه‌های عوام‌فریبی بوده است که نمی‌توانند تا ابد ادامه یابند. پس از احیاء اندک اقتصادی در پی بازسازی‌های پس از سیل‌های خانمان‌برانداز سال‌های ۱۲-۲۰۱۱، اقتصاد در سال ۲۰۱۴ با نرخ رشدی حدود ۴.۷ درصد رشد خواهد کرد، اما بی‌ثباتی سیاسی و وضعیت ناپایدار مالی خطرهایی در پی دارد.

رویداد: بازی پادشاهان. زیر تمام مسائل این کشور مسأله مهم جانشینی پادشاه نهفته است. بهومیول آدولیداج در وضعیت نابه‌سامان سلامتی قرار دارد، و هیچ جانشینی وجود ندارد که بتواند به قدر او الهام‌بخش و محبوب مردم باشد.



بلژیک

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۵ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۴۷۱۵۰ دلار (برابری

قدرت خرید: ۴۲۸۹۰ دلار)

تورم: ۲.۳ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۳-

جمعیت: ۱۰.۷ میلیون نفر

دولت ائتلافی شش‌حزبی، که ۱۸ ماه پیش از انتخاباتی بی‌نتیجه در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد، تا زمانی که رأی‌دهندگان در ماه ژوئن پای صندوق‌های رأی برگردند برقرار خواهد بود. اما با تعمیق شکاف میان دودسته فرانسوی‌زبانان و فلمیش‌ها، موج دیگری از بی‌ثباتی در انتظار است. ائتلافی مشابه، که نماینده احزاب پیشروی هر دو جامعه است اما ائتلاف فلمیش نو را، که رهبر فلمیش‌ها و رأی‌آورترین گروه در انتخابات ۲۰۱۰ بود، کنار گذاشته است احتمالاً نتیجه آراء را از آن خود خواهد کرد. تقسیم قدرت در مقیاس ملی (یا تقسیم کامل کشور) بر مسائل سیاسی تجربی‌تر سایه خواهد افکند، اما اقتصاد از رکود به در خواهد آمد.



فرانسه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۸ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۴۱۴۱۰ دلار (برابری قدرت

خرید: ۳۸۴۳۰ دلار)

تورم: ۱.۸ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۳.۵-

جمعیت: ۶۴.۱ میلیون نفر

هم‌زمان که سیاست‌های ریاضتی‌ای که در ضدیت با وعده‌های کمپین تبلیغاتی خود فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور، اعمال شده‌اند اثرات دردآور خود را آشکار می‌کنند، اولاند با سالی از مقاومت و اعتراض -از سوی اتحادیه‌ها، نمایندگان حزبی در پارلمان، و در مقیاس

وسیع‌تر در سرتاسر حزبی - روبه‌رو خواهد بود. اتحادیه اروپا احتمالاً تا سال ۲۰۱۵، و نه ۲۰۱۳ پیشین، به فرانسه مهلت خواهد داد تا کسری بودجه خود را به زیر حد ۳ درصد ماستریخت برساند، اما اگر قرار بر حفظ اعتماد بازارهای جهانی و شرکای اروپایی (به‌ویژه آلمان) باشد فرانسه باید کمربندهای ریاضتی‌اش را سفت‌تر ببندد. رکود رسماً پایان گرفته است، اما رشد در بهترین حالت محتاط و بی‌تغییر خواهد بود.



آلمان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۳ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۴۳۴۲۰ دلار (برابری

قدرت خرید: ۴۳۲۲۰ دلار)

تورم: ۱.۸ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۰.۷

جمعیت: ۸۱.۹ میلیون نفر

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، در انتخابات سپتامبر ۲۰۱۳ در رأس حزب راست میانه‌اش پیروزی قاطعی کسب کرد و برای سومین بار در مقام صدراعظمی نشست، اما برای تشکیل دولت به شریکی نیاز دارد. سیاست‌ها، چه داخلی و چه خارجی، تغییر چندانی نخواهند داشت. نقش‌های اغلب متناقض دولت در مقام وام‌دهنده یورو و قهرمان مالیات‌دهندگان آلمانی به این معنا است که صدراعظم همچنان بر روی طناب بازی از سیاست‌های معین و سفت‌وسخت گام خواهد برداشت. بیش‌تر آلمان‌ها با برنامه تقسیم ریسک اتحادیه اروپا، بدون تعهد آشکار به صداقت مالی میان کشورهای حوزه یورو، مخالفت خواهند کرد. اقتصاد رشد خواهد کرد، اما نه زیاد.



بریتانیا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۸ درصد

سرنانه تولید ناخالص داخلی: ۳۹۶۰۰ دلار (برابری

قدرت خرید: ۳۹۲۲۰ دلار)

تورم: ۲.۷ درصد

تراز بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی): ۶.۴-

جمعیت: ۶۴ میلیون نفر

دولت ائتلاف دموکرات لیبرال - محافظه‌کار، به رهبری دیوید کامرون، نتوانسته است به هدف اصلاح و مرمت منابع مالی عمومی‌اش برسد، اما احیاء گسترده اقتصاد به این معناست که نرسیدن به آن هدف چندان اهمیتی نخواهد داشت. اگرچه محرکی که حباب مسکن ایجاد کرده به‌رشد کمک کرده است، فضای مناسب‌تر اقتصاد جهانی می‌تواند متضمن احیا باشد. با این حال، جبران زبان‌ها در زمینه فروپاشی اعتباری می‌تواند سال‌ها طول بکشد. شرکت‌ها همچنان از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل نگران خواهند بود، زیرا که تقاضا همچنان ضعیف است و در عرصه سیاست نااطمینانی وجود دارد.

صنایع در سال پیش رو

روندهای آتی در صنایع مختلف جهان

HKND، شرکتی در هنگ کنگ که قراردادی ۵۰ ساله برای ساخت و راهاندازی کانال نیکاراگوئه دارد، این طور می گوید. کانالی که اقیانوس های آرام و آتلانتیک را به هم متصل خواهد کرد، و برآورد هزینه اش تا ۴۰ میلیارد دلار می رسد. مخالفت ها از همین حالا رخ نموده اند. سیاستمداران اپوزیسیون آن را نقض قانون اساسی می دانند. دیگری هم هستند که می گویند همین حالا مجرای ارتباطی کارآمدی میان خطوط کشتیرانی اقیانوس آرام و آتلانتیک وجود دارد و به مجرای دیگری نیاز نیست: کانال پاناما، که یک سوم کانال نیکاراگوئه طول دارد. طرفداران محیط زیست هم نگرانی های خود را دارند. نتیجه مطالعه و تحقیق درباره امکان انجام این پروژه هم هنوز مشخص نشده است. اما به نظر می رسد هیچیک از این ها شرکت رمالود چینی ای را که پشت این پروژه ایستاده نگران نکرده است. آن هایی هم که حالا از افزایش نفوذ چین در حیطات خلوت امریکا ابراز نگرانی می کنند بهتر است به یاد بیاورند که یک قرن پیش امریکا داشت به احداث کانالی در نیکاراگوئه فکر می کرد. اما سرآخر به پاناما راضی شد.

بخرند و بعد از فروشگاه های که پیش تر توافق می شود آن را تحویل بگیرند. فروشگاه ها مزیتی هم نسبت به بازیگران صرفاً دیجیتال بازار دارند. جای ارزشمندی برای عرضه کالاها و برندها و جلب مشتریان با ارائه خدمات مناسب و آبرومند.

۲

کانال نیکاراگوئه



تا دسامبر ۲۰۱۴ دیگر گردوخاک های ساخت زیرساخت های عظیم بزرگ ترین رویداد ورزشی سال خواهد خوابید، اما پروژه ساختمانی بسیار عظیمی تازه در نیکاراگوئه آغاز خواهد شد. دست کم گروه ساختمانی

۱

فروشگاه های خست و کلی



فروشگاه های فیزیکی دارند به گندی خود را با ظهور تجارت همراه تطبیق می دهند. صاحبان فروشگاه ها دیگر پی برده اند که مصرف کنندگان از فروشگاه های آن ها به عنوان ویتروینی برای از نزدیک دیدن و آزمودن کالاها بهره می گیرند و بعد به سراغ اینترنت می روند تا همان کالا را با قیمتی بهتر بخرند. بسیاری از فروشگاه های بزرگ زنجیره ای در واکنش به این پدیده روی به شیوه «کلیک کن و تحویل بگیر» آورده اند، که به مصرف کنندگان اجازه می دهد کالاها را آن لاین



بسیاری از فروشگاه های بزرگ زنجیره ای روی به شیوه «کلیک کن و تحویل بگیر» آورده اند، که به مصرف کنندگان اجازه می دهد کالاها را آن لاین بخرند.





فعالان محیط‌زیستی که امیدوار بودند تولید نفت در سال ۲۰۱۴ به اوج خود خواهد رسید ناامید خواهند شد. منابع عرضه جدید تقاضاهای نو را پوشش خواهند داد، و مانع از افزایش قیمت‌ها خواهند شد. کشورهایی که پیشگام این مسیر هستند، شامل برزیل، عراق، آمریکا و کانادا می‌شوند. آمریکای شمالی دنیای کوچکی از تضاد و عدم تطابق میان عرضه و تقاضا است. در اروپا، خودروهای بهینه‌تر تقاضا را کاهش خواهند داد، هم‌زمان که نفت شل آمریکا و تولید سنگ‌های نفتی کانادا سریع‌تر از آن‌که لوله‌های قدیم نفت بتوانند بهشان برسند نفت به بازار خواهند ریخت. دیگر کشورها (برای مثال آرژانتین و چین) که سعی می‌کنند از موفقیت نامتعارف آمریکا تقلید کنند با مشکلات محیط‌زیستی و مسائل دیگر روبه‌رو خواهند شد. اما آمریکا خواهد توانست به تولید حدود ۱۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۴ برسد، و از عربستان سعودی و روسیه رقیب پیشی بگیرد. هم‌زمان که فشارها برای برداشتن ممنوعیت صادرات نفت آمریکا افزایش می‌یابند، بیش‌تر پروژه‌های گاز طبیعی مایع آمریکا - که بسیاری‌شان برای انتقال گاز شل به آسیا طراحی شده‌اند - منتظر مجوز خواهند ماند. استرالیا اصلی‌ترین تهدید بلندمدت پیش روی قطر به‌عنوان تولیدکننده گاز است. در سال ۲۰۱۴ کوئینزلند کرتیس و کارخانه‌های عظیم گورگون کار مایع کردن گاز برای صادرات را آغاز خواهند کرد، اگرچه تأخیرها و هزینه‌ها از سرعت پیشرفت استرالیا در این زمینه خواهند کاست.

گاز کم‌ترین اثر را در میان سوخت‌های فسیلی بر گرمایش زمین دارد، اما هرچه بیش‌تر از آن سوزانده شود آلاینده‌های بیش‌تری ایجاد خواهد شد. در سال ۲۰۱۰ انتشار آلاینده‌های سوخت فسیلی به ۱۶۰ درصد سطوح سال ۱۹۹۰ خواهد رسید. استفاده از زغال سنگ در چین، کشوری که نزدیک به نیمی از تولید جهانی را مصرف می‌کند، علی‌رغم فشارها برای کاستن از آلودگی‌ها افزایش خواهد یافت. انرژی‌های تجدیدپذیر به رشد سریع خود ادامه خواهند داد، اما فقط ۴ درصد از نیازهای همواره در حال رشد انرژی جهان را تأمین خواهند کرد. **رویداد:** قدرت بوروکراتیک، پیش‌نویس ارزیابی ریسک شکاف هیدرولیک سازمان حفاظت از محیط‌زیست آمریکا، که به شیوه شکاف سنگ‌های شل و استخراج نفت و گاز از آن‌ها می‌پردازد، بسیار مهم خواهد بود، اما چندان تأثیری بر روند استخراج نخواهد گذاشت. منافع اقتصادی حاصل از این استخراج به این معنا خواهد بود

که سیاستمداران چندان سربه‌سر استخراج‌کنندگان نخواهند گذاشت. اما قوانینی در ماه ژوئیه به اجرا گذاشته می‌شود که تأسیس نیروگاه زغال‌سنگی را در آمریکا ممنوع می‌کند.

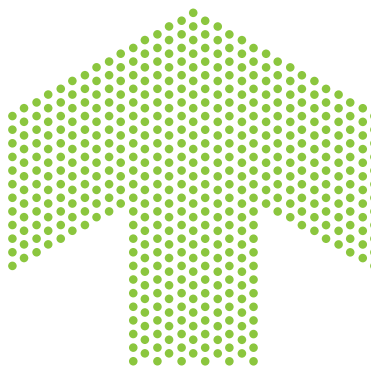
۴ فضای کسب‌وکار



موازنه فرصت‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۴ به سمت اقتصادهای توسعه‌یافته متمایل خواهد شد. رشد بازارهای بالغ سرعت خواهد گرفت، که به نوبه خود بر سرعت حرکت اقتصاد جهان در مسیر رسیدن به رشد ۳٫۶ درصدی می‌افزاید. احیای کسب‌وکارهای آمریکا ملموس‌تر خواهد شد؛ کشورهای غرب اروپا فقط ۱٫۱ درصد رشد خواهند داشت، اما در مقایسه با ۲۰۱۳، دست‌کم عقب‌گرد نخواهند کرد.

در مجموع، بازارهای نوظهور کمی از درخشش خود را در چشم سرمایه‌گذاران از دست خواهند داد؛ از شکاف رشد میان کشورهای عضو OECD (که بیش‌ترشان متعلق به دنیای کشورهای ثروتمند هستند) و کشورهایی که عضو این گروه نیستند، کاسته خواهد شد. این اتفاق صرفاً به‌خاطر عملکرد بهتر اقتصادهای توسعه‌یافته رخ نمی‌دهد. سیاست‌گذاری‌های ضعیف و نادرست، کشورهای عضو بریکس، به‌ویژه هند و برزیل را عقب‌نگه داشته‌اند، اگرچه هر دوی این کشورها پیشنهاد اصلاحاتی را داده‌اند تا دوباره شتاب رشد اقتصادی‌شان را به دست آورند. فشار دیگری هم از سوی هیئت خزانهداری فدرال آمریکا وارد خواهد شد، که در سال ۲۰۱۴ پول کم‌تری چاپ خواهد کرد تا به‌این ترتیب سرمایه‌ها از برخی بازارهای نوظهور به آمریکا بازگردند.

با این حال کارشناسانی که سرگرم تهیه چشم‌اندازی برای ۲۰۱۴ هستند نباید چندان هم خوشحال باشند. داستان رشد بازارهای نوظهور هنوز راه زیادی تا پایان دارد. رشد چین شاید کندتر شود، اما چین اقتصادی ۱۰ تریلیون دلاری است، و با نرخ بیش از ۷ درصد



رشد خواهد کرد. اقتصادهای نوظهور آسیا همچنان به بسط و توسعه خود ادامه خواهند داد، هم‌چنان که افریقا و بخش‌هایی از آمریکای لاتین. در همین حال، آمریکا، اروپا، و ژاپن، که بار دیگر هم‌زمان در مسیر رشد افتاده‌اند، بر خریدشان از کشورهای در حال توسعه خواهند افزود. در سراسر جهان، بنگاه‌های اقتصادی ۵٫۲ درصد تجارت بیش‌تر خواهند داشت، که از سال ۲۰۱۱ تا کنون بیش‌ترین میزان بسط تجارت خواهد بود. دوران رشد انفجاری اقتصاد در ۲۰۱۴ باز نخواهد گشت، اما برای بیش‌تر شرکت‌ها کسب‌وکار رونق بیش‌تری خواهد داشت.

۵ خودرو



فروش جهانی خودرو در وضعیت توقف-شروع قرار دارد، و غرب اروپا مانع اصلی رشد آن محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۴، پس از چهار سال عقب‌گرد، خودروسازان منطقه نسبت به سال گذشته خودروهایی بیش‌تری خواهند فروخت. اما این فقط رشدی اندکی در مسیر افولی بلندمدت است؛ فعالیت بیش از ظرفیت به‌زحمت به ۲۰ درصد می‌رسد، پس بنگاه‌ها به‌ناچار کارخانه‌های بیش‌تری را تعطیل خواهند کرد. دست‌کم اروپایی‌ها هنوز در بخش‌های دیگر مربوط به خودرو پیش‌تاز هستند؛ از روز نخست ماه سپتامبر قوانین جدید آلاینده‌ها به اجرا گذاشته خواهند شد، و وقتی بوروکرات‌های اروپا پا در راه می‌گذارند باقی جهان معمولاً به دنبال آن‌ها می‌روند.

علی‌رغم رشد حداقلی اروپا، میزان ثبت خودروهای سواری ۹ درصد افزایش خواهد یافت. طبق آمار بلومبرگ، نزدیک به ۱۰۰ میلیون خودرو در آمریکا آن‌قدر کار کرده‌اند که موعد جایگزینی‌شان رسیده‌باشد. مصرف‌کنندگان آمریکایی که می‌خواهند چهار چرخ‌های تازه بخزند دست در جیب خواهند دزد؛ ثبت خودروهای سواری ۹ درصد افزایش خواهد یافت. اگرچه تقاضای خودرو در آسیا سیر نزولی دارد، چین، که تنها بازار بزرگ‌تر از آمریکا است، ۵ درصد بر تقاضایش خواهد افزود. دیگر بازارهای نوظهور محل رقابت افریقای جنوبی، کلمبیا، اندونزی، و هند هستند.

هند بزرگ‌ترین بازار خودروهای کوچک جهان خواهد بود - از این‌رو نسیان تصمیم گرفته‌است برند داتسون خود را در اوایل ۲۰۱۴ در این کشور از گور بیرون کشد. احیای مدل‌های ارزان‌قیمت یکی از ابعاد طرح این خودروساز برای جلب مصرف‌کنندگان بازارهای نوظهور است. داتسون‌ها به قیمت کم‌تر از ۴۰۰ هزار روپیه، یا ۶ هزار دلار، فروخته می‌شوند.

رویداد: نوآوری در رانندگی. خودروهای تولید انبوه

استرالیا اصلی‌ترین تهدید بلندمدت پیش روی قطر به‌عنوان تولیدکننده گاز است. در سال ۲۰۱۴ کوئینزلند کرتیس و کارخانه‌های عظیم گورگون کار مایع کردن گاز برای صادرات را آغاز خواهند کرد، اگرچه تأخیرها و هزینه‌ها از سرعت پیشرفت استرالیا در این زمینه خواهند کاست.

سال هاست که جنبه‌هایی از تکنولوژی رانندگی خودکار را در خود گنجانده‌اند، اما برخی مدل‌های ۲۰۱۴ مرسدس بنز ادعای کنند خودمختارترین خودروهای تاریخ هستند. این خودروها، مجهز به حس‌گرها و دیگر تجهیزات راهبردی، به رانندگان اجازه می‌دهند که در سرعت‌های پایین فرمان را رها کنند، و نخستین نمونه‌های آن‌ها تا پیش از پایان سال ۲۰۱۴ به بازار خواهند آمد. در سال ۲۰۱۴ ولوو مدل اسپرت XC۹۰ خود را معرفی خواهد کرد، که می‌تواند پس از پیاده شدن راننده خودش را پارک کند و بعد به فرمان راننده از پارک درآید.

۶

سرگرمی



هالیوود در چشم‌انداز خود از صنعت جهانی سرگرمی در سال ۲۰۱۴ به استعدادهای کشورهای در حال توسعه نظر دارد، اما از سوی دیگر بسیاری از غربی‌ها شیفته تبلیغ‌های شان می‌شوند. بازارهای نوظهور به تثبیت رشد صنعت سرگرمی در نرخ حدود ۶ درصد در سال آتی کمک خواهند کرد، اما بازارهای بالغ در روند حرکت به سمت خدمات دیجیتال پیشرو هستند. به لطف گسترش تلفن‌های هوشمند، مصرف دیجیتال بازی‌ها و موسیقی ستاره میدان خواهد بود. طبق آمارهای بنیاد مشاوره PWC، محتوای ویدیویی‌ای که از طریق اینترنت عرضه می‌شود ۴۳ درصد در غرب اروپا و ۲۰ درصد در آمریکا رشد خواهد داشت.

علی‌رغم این تحول دیجیتال که به سرعت در حال رخ دادن است، معتادان به تلویزیون از بین نخواهند رفت. چین بزرگترین جامعه بینندگان تلویزیون را دارد (علی‌رغم برنامه‌های کسل‌کننده‌اش). به لطف افزایش درآمد، چین در سال ۲۰۱۴ بریتانیا و ژاپن را پشت سر خواهد گذاشت و سومین بازار بزرگ اشتراک شبکه‌های تلویزیونی و هزینه‌های مجوز برنامه را در اختیار خواهد داشت و از این محل ۱۳ میلیارد دلار درآمد کسب خواهد کرد؛ پشت سر آلمان (با درآمد ۱۵ میلیارد دلاری) و آمریکا (۷۷ میلیارد دلار). در جاهای دیگر آسیا، اعتماد به تلویزیون بیش تر خواهد شد - به ویژه در اندونزی و ویتنام، درآمد تلویزیونی، شامل هزینه‌های تبلیغات، به ۴۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید، که حدود یک چهارم کل درآمد کسب‌وکار رسانه و سرگرمی جهان، یعنی ۱٫۸ تریلیون دلار، است.

رویداد: انقلاب گیج‌ها، حتی با وجود افزایش تقاضای سرگرمی قابل دسترس در هر زمان و مکان، روند متضاد دیگری خود را در ۲۰۱۴ به رخ خواهد کشید: درآمد گیج‌های سینما به ۳۸ میلیارد دلار خواهد رسید، که

۲ میلیارد دلار از درآمد فروش و اجاره دی‌وی‌دی و بلوری بیش تر است. گسترش سینماها در کشورهای در حال توسعه مخاطبان جدیدی را به سینما می‌کشاند، که باب میل هالیوود است، که فیلم‌های بیش تری با بازیگران بومی خواهد ساخت تا بیش از پیش صنعت خود را توسعه دهد.

۷

خدمات مالی



قوانین سخت‌گیرانه‌تر در واکنش به بحران مالی سرنگونه‌های مالی را در سال ۲۰۱۴ به شدت به درد خواهد آورد. بزرگ‌ترین تغییر در روز نخست سال رخ داد، وقتی قوانین حداقل سرمایه لازم تحت پیمان بانکداری بازل ۳ در اروپا، آمریکا و بسیاری مناطق دیگر به اجرا گذاشته شد. اندیشه پشت این قانون این است که بانک‌هایی که سرمایه بیش تری دارند در برابر شوک‌های مالی مقاوم‌تر هستند، و این از کمک‌های اجباری از محل مالیات مالیات‌دهندگان می‌کاهد. قانون‌گذاران در آمریکا وظیفه دیگری هم بر دوش دارند: اجرای قوانین ۹۰۰ صفحه‌ای ولکر، که برای جلوگیری از قمار بانک‌ها با استفاده از پول‌های شان طراحی شده‌است. بانک‌های آمریکایی عموماً سرمایه بیش تری نسبت به پیش از بحران مالی در اختیار دارند، و در مجموع سودهای بی‌سابقه‌ای به جیب می‌زنند. اما ده بانک بزرگ این کشور در مجموع بیش از ۷ تریلیون دارایی دارند که این آن‌ها را در ردیف بنگاه‌های «زیاده بزرگ که زمین بخورند» قرار می‌دهد.

اتحادیه اروپا گام‌های موثری در مسیر اتحادیه بانکداری بر خواهد داشت. از پاییز ۲۰۱۴ به بعد بانک مرکزی اروپا مستقیماً ۱۳۰ وام‌دهنده بزرگ حوزه یورو را تحت بازرسی قرار خواهد داد. اجرای ابعاد دیگر اصلاحات بانکداری اتحادیه اروپا زمان بیش تری خواهد برد. در همین حال، وام‌دهندگان در برخی بازارهای نوظهور با پایان یافتن سیاست پولی به شدت انبساطی بانک مرکزی آمریکا تحت فشار قرار خواهند گرفت. مسیر در جاهایی پر دست‌انداز خواهد بود، اما نباید چندان مصیبت‌بار باشد. معلوم خواهد شد که ترس از بحران بانکداری در چین نابه‌جا بوده است. در هر حال، قانون‌گذاران چینی، ابزار واکنش سریع به هر بحران احتمالی را در اختیار دارند. اما نه در هند، جایی که بانک‌ها همچنان تحت فشار وام‌های نپرداخته‌ای که شرکت‌ها در زمان اوج رشد اقتصادی هند گرفته‌اند فریاد برمی‌آورند.

رشد آهسته در کشورهای ثروتمند و عملکرد بی‌ثبات بازارهای نوظهور بر دیگر انواع بنگاه‌های

مالی فشار خواهد آورد. مدیران بنگاه‌های سرمایه و وام‌دهندگان توسعه کسب‌وکارهای جدید در میان مصرف‌کنندگان و شرکت‌های دچار تنگنای نقدینگی را دشوار خواهند یافت. عایدی‌های نه‌چندان خوب سرمایه‌گذاری مشتریان موجود را راضی نخواهد کرد، و آن‌ها بديل‌های کم‌هزینه‌تر را جذاب‌تر خواهند یافت.

۸

غذا و کشاورزی



بهترین درمان قیمت‌های بالا قیمت‌های بالا است. برداشته‌های نه‌چندان برابر در ابتدای دهه قیمت‌های مواد غذایی را به شدت بالا برد، اما از سویی هم کشاورزان را بر آن داشت که بیش تر کشت کنند. این مسأله به وجود انبارهای پر از مواد غذایی در سال ۲۰۱۳-۱۴ و قیمت‌های در کل پایین تر خواهد انجامید: شاخص غذا، خوراک دام و نوشیدنی اکونومیست در سال ۲۰۱۴ تا ۶٫۶ درصد کاهش خواهد یافت.

قیمت دانه‌های خوراکی پیشگام این روند خواهد بود، و نزدیک به ۱۴ درصد کاهش خواهد یافت. تقاضا برای گندم در جنوب آسیا، خاورمیانه، آمریکای لاتین و شمال افریقا، هماهنگ با افزایش محبوبیت نان‌های سبک غربی، رستوران‌های فست‌فود و ماکارونی، روبه‌افزایش است. اما عرضه گندم هم افزایش خواهد یافت، به میزان ۴٫۵ درصد، که این هم به نوبه خود قیمت‌ها را ۱۰ درصد کاهش می‌دهد. از میان دانه‌هایی که در اصل برای خوراک انسان‌ها کشت نمی‌شوند، ذرت (که تا ۶۰ درصد آن خوراک دام می‌شود) هم شاهد افزایش شدید تقاضا و عرضه خواهد بود، که قیمت‌ها را در کل ۱۹ درصد پایین خواهد کشید.

با این وجود قیمت‌های کشاورزی بر اساس معیارهای تاریخی همچنان بالا خواهند ماند، در سطحی دو برابر سطح سال ۱۹۹۰. این مسأله مشوق کشت خواهد بود و کشاورزان را قادر به خرید کود و آفت‌کش‌ها خواهد ساخت، که خود به افزایش عایدی‌ها در فصل کشت ۱۵-۲۰۱۴ خواهد انجامید. حتی در حالی که اشتباهی جهان افزایش می‌یابد، توان تغذیه خودش هم افزایش خواهد یافت - البته با این فرض که آب‌وهوا رفتاری عادی داشته باشد، که مدام فرض نامحتمل‌تری می‌شود.

رویداد: در آسیا که طبق سنت چای نوش است، مصرف قهوه دارد افزایش می‌یابد. یک نشانه این روند این است که استارباکس انتظار دارد چین در سال ۲۰۱۴ جای ژاپن را به عنوان بزرگ‌ترین بازارش در خارج از آمریکای شمالی بگیرد، آن‌هم ژاپنی که حدود ۱۰۰۰ شعبه استارباکس دارد و مدام هم بر شمار آن‌ها افزوده می‌شود.



قیمت‌های کشاورزی بر اساس معیارهای تاریخی همچنان بالا خواهند ماند، در سطحی دو برابر سطح سال ۱۹۹۰. این مسأله مشوق کشت خواهد بود و کشاورزان را قادر به خرید کود و آفت‌کش‌ها خواهد ساخت، که خود به افزایش عایدی‌ها در فصل کشت ۱۵-۲۰۱۴ خواهد انجامید.

۹ خدمات درمان



شرکت‌های خدمات درمانی تحت فشار شدیدی قرار دارند. دولت‌ها و بیمه‌های درمانی سعی می‌کنند هم‌زمان که جمعیت مسن‌تر می‌شود از هزینه‌ها بکاهند. اگرچه بودجه‌های خدمات درمانی افزایش خواهند یافت، در مقیاس سهمی از تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۱۴ با کاهش مواجه خواهند شد. این مخارج در کشورهای غرب اروپا فقط ۰.۷ درصد اسمی افزایش خواهند یافت، که این به تمام تولیدکنندگان محصولات درمانی آسیب خواهد زد. بازار ژاپن هم هم‌چنان بیمار خواهد ماند، و علی‌رغم افزایش نیاز جمعیت پیرشونده این کشور به درمان ۲ درصد کاهش خواهد یافت. امریکای لاتین و خاورمیانه و آسیا و استرالیا پویاترین بازارها خواهند بود که در آن‌ها فروش محصولات دارویی ۹ درصد افزایش خواهد یافت.

دولت‌ها بار مسئولیت قیمت‌گذاری داروها را بر دوش شرکت‌های دارویی خواهند گذاشت، حتی پس از آن که رقابت پس از ثبت حق مالکیت انبوه داروهای موفق جدید بالاگرفته‌است. این فشارها به بازارهای نوظهور گسترش خواهد یافت، آن‌جا که شرکت‌ها به دنبال رشد هستند. برای مقابله با این روند، بسیاری از نگاه‌ها مجبور به کاستن از هزینه‌ها هستند و متمرکز ساختن مخارج تحقیقاتی بر نتیجه‌بخش‌ترین حوزه‌ها. آن‌ها بیش از پیش با شرکت‌های دیگر همکاری خواهند کرد تا ریسک توسعه داروهای نو را پخش کنند (شرکت‌های دارویی ۱۵ تا ۲۰ درصد از فروش‌شان را خرج توسعه محصولات جدید می‌کنند). بسیاری از این‌ها داروهای «بیولوژیک» هستند و نه قرص‌های پایه‌شیمیایی سنتی. شرکت‌های نوآوری که بر بیوتکنولوژی متمرکز شده‌اند بهترین نتیجه را خواهند گرفت. تا حدی به لطف عرضه محصولات جدید که روزبه‌روز گران‌تر می‌شوند و رشد بازارهای نوظهور، فروش جهانی دارو در سال ۲۰۱۴، ۹ درصد افزایش خواهد یافت. **رویداد:** تزریق عضلانی. در امریکا، بسیاری از موارد برنامه حمایت از حقوق مالکان و قانون خدمات درمانی ارزان سال ۲۰۱۰، که به نام اوباما‌کِر شناخته می‌شود، از روز نخست ماه ژانویه اجرایی شده است. بیمه‌ها از تبعیض علیه کسانی که پیش از بیمه شدن بیمار هستند منع شده‌اند، و از سوی دیگر بیمه‌نشدگان باید بیمه خریداری کنند و گرنه جریمه می‌شوند. «تبادلات» آن‌لین به کسانی که پیش از این بیمه نشده‌اند اجازه می‌دهد که بتوانند انواع بیمه‌ها را با هم مقایسه کنند. با گسترش پوشش بیمه‌ای، مخارج درمانی امریکا از ۳ تریلیون دلار خواهد گذشت.

۱۰ مخابرات



هم‌زمان که تلفن‌های ثابت مسیر سرنوشت تلگراف را می‌پیمایند، اپراتورها سرمایه‌های‌شان را به سمت ارتباطات همراه و اینترنت پرسرعت سرازیر می‌کنند. اشتراک اینترنت پرسرعت در سال ۲۰۱۴ تا ۹ درصد افزایش خواهد یافت؛ و طبق یافته‌های PWC، درآمدهای فزاینده اینترنت همراه از درآمدهای اینترنت ثابت جلو خواهد زد، و به نزدیک ۲۶۰ میلیارد دلار خواهد رسید. شرکت ای‌تی‌اند‌تی، از بزرگ‌ترین اپراتورهای مخابرات، پوشش شبکه نسل چهارم (۴G) را تا پایان سال ۲۰۱۴ به ۹۵ درصد از جمعیت امریکا افزایش خواهد داد. در مقابل بازار موبایل امریکا، اروپا دست‌وپاشکسته‌است و سرمایه‌گذاری چندانی در زیرساخت‌ها وجود ندارد (اگرچه با کاستن از هزینه‌های رومینگ از ژوئیه ۲۰۱۴ ممکن است جانی بگیرند).

تقاضا برای شبکه اینترنت پرسرعت همراه در بازارهای نوظهور شتاب خواهد گرفت. تعداد مشترکین موبایل در بازار وسیع هند ۸ درصد رشد خواهد کرد؛ سرعت رشد مشترکین در چین هم مشابه هند خواهد بود، اگرچه درآمد حاصل از هر کاربر چینی تلفن هوشمند یک پنجم درآمدها در امریکا است.

دعوی میان اپل و سامسونگ بر سر پیشتازی در بازار شدت خواهد گرفت. با این حال، در چین - که بزرگ‌ترین بازار تلفن‌های هوشمند جهان است، و نزدیک به یک سوم از فروش این تلفن‌ها را از آن خود کرده - اپل پشت سر این شرکت کره‌ای قرار گرفته‌است. چین شبکه ۴G خود را پس از صدور مجوزها در اواخر سال ۲۰۱۳، دو سال آینده به راه خواهد انداخت. اما تلفن «ارزان» آیفون ۵سی اپل گران‌تر از آن است که در این جا، یا هند، تفاوتی در برتری این شرکت در بازار ایجاد کند.

۱۱ سخت‌افزار فن‌آوری اطلاعات

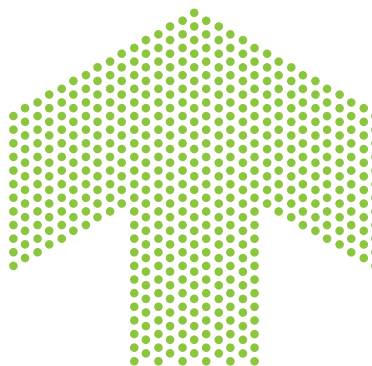


در سال ۲۰۱۴ بیش از ۱ تریلیون دلار خرج سخت‌افزار خواهد شد، از جمله دستگاه‌های ارتباط از راه دور. طبق آمارهای بنیاد تحقیقات فورستر، فروش تبلت‌ها ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت، و بازار بیش‌تری از کامپیوترهای شخصی خواهد بود. در سراسر جهان، جمعیت اسیر تبلت‌ها به حدود نیم میلیارد نفر خواهد رسید. راحتی استفاده از تبلت‌ها فقط بخشی از ماجرا است: این کامپیوترها مدام ارزان‌تر می‌شوند، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، که در آن‌ها قیمت متوسط تبلت‌ها در سال ۲۰۱۴ کم‌تر از ۳۵۰ دلار خواهد بود، که یعنی ۳۰ درصد کاهش در سه سال گذشته، طبق آمارهای بنیاد تحقیقاتی آی‌دی‌سی. با این همه، هنوز هم بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان به روش قدیمی از کامپیوتر و اینترنت استفاده خواهند کرد؛ یعنی با کامپیوترهای شخصی. با کوچک‌تر شدن اندازه تبلت‌ها، که حالا بیش‌تر مدل‌های‌شان کم‌تر از ۲۰ سانتی‌متر هستند، تهدید آن‌ها نسبت به دستگاه‌های بزرگ‌تر غیرمستقیم‌تر می‌شود. لپ‌تاپ‌ها هم خوش‌سروشکل‌تر و لمسی‌تر خواهند شد. چشم‌انداز مدل‌های «فوق باریک» (با ضخامت کم‌تر از ۰.۸ اینچ) بهبود خواهد یافت، که تا حدی به‌مدد استفاده از نسل چهارم پردازنده هاسول اینتل است. لپ‌تاپ‌های بیش‌تری با صفحه‌های لمسی و سیستم عامل در ابتدا ناامیدکننده ویندوز ۸ راهی بازار خواهند شد. حتی کامپیوترهای خانگی هم رشد قابل‌توجهی خواهند داشت، از آن‌جا که شرکت‌های تولیدکننده این دستگاه‌ها می‌کوشند پیش از اتمام پشتیبانی مایکروسافت از ویندوز اکس‌پی در ماه آوریل این دستگاه‌ها را جایگزین کنند. رویداد: تبلت‌ها بیش‌تر به درد اتاق نشیمن می‌خورند تا دفتر کار، آن‌جا که کامپیوترها حکم می‌رانند. اما فروشندگان، مدیران شرکت‌ها، و حتی پزشکان روزبه‌روز استفاده‌های بیش‌تری از این صفحه‌های نمایش قابل حمل می‌یابند. کسب‌وکارها در سال ۲۰۱۴ چهارده درصد کل تبلت‌ها را در اختیار خواهند داشت، که در مقایسه با سال ۲۰۱۰ دو برابر شده‌است.

۱۲ دفاع



عقب‌نشینی نگرانی اصلی بزرگ‌ترین بازار صنایع



تقاضا برای شبکه اینترنت پرسرعت همراه در بازارهای نوظهور شتاب خواهد گرفت. تعداد مشترکین موبایل در بازار وسیع هند ۸ درصد رشد خواهد کرد؛ سرعت رشد مشترکین در چین هم مشابه هند خواهد بود، اگرچه درآمد حاصل از هر کاربر چینی تلفن هوشمند یک پنجم درآمدها در امریکا است.

دفاعی جهان خواهد بود. عقب‌نشینی نیروهای امریکایی و دیگر نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ از مخارج امنیتی امریکا خواهد کاست؛ و «محور» جنجال برانگیز آسیا هم تفاوتی پدید نخواهد آورد. کاهش خودکار بودجه فدرال امریکا تأثیر چشم‌گیری خواهد گذاشت؛ در میان نزع مالی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها، مخارج دفاعی امریکا طبق آمارهای بنیاد مودیز ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت، و از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۱ به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی کاهش خواهد یافت. نظامیان از آفت توان جنگی امریکا شکایت خواهند کرد؛ ام‌اصلح طلبان خواهند گفت که کشور باز هم بسیار بیش‌تر از دشمنانش خرج خرید اسلحه می‌کند.

مخارج دفاعی جهانی روند کاهش مخارج در امریکا را در سایه خود فرو خواهد برد، و ۵ تا ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت. با کاهش بودجه بیش‌تر در غرب، شرکت‌های دفاعی از هزینه‌ها خواهند کاست و به سراغ بازارهای نوظهور خواهند رفت. قدرت گرفتن کره شمالی و چین بودجه‌های دفاعی در آسیا را افزایش خواهد داد. شرکت‌های گوناگون دفاعی از محل شعب صنایع هوایی تجاری‌شان بر سودشان خواهند افزود. اما حاشیه سود صنعت با اوج گرفتن رقابت کاهش خواهد یافت.

رویداد: کشورهای درحال توسعه، از جمله برزیل، هند و تایوان می‌خواهند به اسلحه پیشرفته امریکایی دست یابند؛ شرکت لاکهید مارتین بیش‌تر از هر شرکت دفاعی دیگری چشم به این مسأله دوخته‌است. درحال حاضر فقط ۱۷ درصد از فروش تسلیحات این شرکت به خارج از کشور می‌رود، که از تمام رقبا پیش‌کم‌تر است. با کاهش تقاضای اسلحه در داخل، بخش صادرات این شرکت امیدوار است در سال‌های پیش‌رو ۲۰ درصد از درآمد کل شرکت را تأمین کند.

۱۳

نرم‌افزار و خدمات فن‌آوری اطلاعات



شرکت‌های خدمات و نرم‌افزار در سال ۲۰۱۴ سال خوبی خواهند داشت. مخارج نرم‌افزار کسب‌وکارها و دولت‌ها ۶۲ درصد افزایش خواهد یافت، و طبق آمارهای فورستر، مشاورانی که نحوه کار با این نرم‌افزارها را آموزش می‌دهند با ۵٫۷ درصد رشد درآمد مواجه خواهند شد.

«فن‌آوری ابر اطلاعات» از پویاترین حوزه‌ها است، که با آن اطلاعات در سرورهای دوردست ذخیره می‌شوند. نرم‌افزارهای محبوب «نرم‌افزار در قالب خدمات» به شرکت‌ها کمک خواهند کرد از هزینه‌های‌شان بکاهند، زیرا به آن‌ها اجازه می‌دهد به جای خرید نرم‌افزار آن را اجاره کنند. علی‌رغم نگرانی‌هایی که از عدم امنیت اطلاعات

در ابرهای اطلاعاتی مطرح می‌شود و آسیب‌پذیری اطلاعات در برابر حمله هکرها، کسب‌وکارها به چشم‌انداز این فن‌آوری خوش‌بین هستند. مصرف‌کنندگان هم به آن‌ها خواهند پیوست. روند معطوف به جمع‌آوری «بیگ دیتا»، یا داده‌های انبوه مصرف‌کنندگان، مدام دارد رشد بیش‌تری می‌یابد، و صنایع مختلف از تبلیغات گرفته تا ورزش در سال ۲۰۱۴ ترابایت‌ها اطلاعات بیش‌تر جمع خواهند کرد. طبق یافته‌های بنیاد آی‌دی‌سی، بازار بیگ دیتا در هر یک از سال‌های پیش‌رو بیش از ۳۰ درصد رشد خواهد داشت. علاقه به این پدیده به‌ویژه در امریکا بسیار شدید است. نگرانی‌های شهروندان دنیای مجازی درباره این‌که اطلاعات شخصی‌شان چطور منتشر خواهد شد افزایش می‌یابد، اما چندان واکنش تندی پدید نخواهد آمد. شک و تردیدها درباره کارایی مالی شرکت‌های کنترل‌نشده جمع‌آوری اطلاعات افزایش خواهد یافت: ارزش اطلاعات اولیه شخصی یک فرد می‌تواند به ارزش ۵۰۰۰ دلار باشد، به همین خاطر رسیدن به تعداد بالای افرادی که اطلاعات‌شان جمع می‌شود به انگیزه شرکت‌ها تبدیل می‌شود. شرکت‌ها همچنین با چالش استفاده معنی‌دار از بیگ دیتا مواجه خواهند بود، هم‌زمان که تحلیل اطلاعات خود اطلاعات بیش‌تر تولید می‌کند.

رویداد: بورس اطلاعات. فن‌آوری ابر اطلاعات شکل تجاری به خود خواهد گرفت. در اوایل سال ۲۰۱۴ دوپچه بورسه در فرانکفورت و نیویورک بورسی برای مبادله منابع ابر اطلاعات به راه خواهند ساخت. این بورس به شرکت‌ها اجازه می‌دهد فضای ذخیره و محاسبه اطلاعات اضافی‌شان را بفروشند، یا فضای بیش‌تر بخرند.

۱۲

رسانه‌ها



گسترش اینترنت و افزایش نفوذ مصرف‌کنندگان بازارهای نوظهور کسب‌وکار شرکت‌های تبلیغاتی را رونق خواهد بخشید، کسب‌وکاری که ۴٫۹ درصد رشد خواهد کرد. از کل درآمد ۵۱۵ میلیارد دلاری، تبلیغات اینترنتی در سال ۲۰۱۴ تا ۱۴ درصد رشد خواهد کرد، و طبق آمارهای بنیاد مشاوره PWC به ۱۳۳ میلیارد دلار خواهد رسید. درآمد تبلیغات موبایل فقط بخش کوچکی از این درآمد خواهد بود، اما افزایش شدیدی خواهد داشت و نسبت به سطح سال ۲۰۱۱ سه برابر خواهد شد. فرصت‌های اصلی فروش تبلیغات در بازارهای نوظهور خود را نشان خواهند داد: در خاورمیانه و شمال آفریقا، درآمد حاصل از تبلیغات آن‌لاین ۳۶ درصد رشد خواهد داشت. رشد آن‌لاین تصویر تبلیغات‌چی‌ها در دنیای قدیم را هم بهبود

خواهد بخشید.

«درآمد صنعت روزنامه را کد خواهد ماند» چندان تیرتر مسرت‌بخشی نیست، اما در هر حال این از چندین سال آفت شدید بهتر است. روزنامه‌های سودآور عمدتاً آن‌هایی خواهند بود که در میان مردمان دنیای درحال توسعه خوانندگان زیادی دارند: به‌ویژه مخارج تبلیغات چاپی در هند ۱۱ درصد افزایش خواهد یافت. روزنامه‌ها در دنیای توسعه‌یافته با روی آوردن به محتوای پولی دیجیتال سعی خواهند کرد از اضمحلال بگریزند. اما تبلیغات نمی‌تواند با سرعت کافی رشد کند تا از پس تقاضای سفارش‌دهندگان برآید: تبلیغات آن‌لاین صرفاً ۶ درصد از کل درآمد تبلیغات در سال ۲۰۱۴ را تشکیل خواهند داد.

رویداد: قدرت افزوده. سودآوری از فرصت‌های تبلیغات دیجیتال یک دلیل ادغام دو غول تبلیغات، پابلیکس و آمینیکام، بود. شرکت حاصل که با صرف قدرت تخیل بسیار پابلیکس آمینیکام نام گرفته‌است از اوایل سال ۲۰۱۴ آغاز به کار کرد و جای شرکت WPP را در مقام نخست این صنعت گرفت - رقابتی مطلوب و موردانتظار. پس از ادغام این دو شرکت، مجموع ۲۳ میلیارد دلاری درآمد سالانه این دو معادل یک سوم مجموع درآمد ۵۰ شرکت بزرگ تبلیغاتی است. کاستن ۵۰۰ میلیون دلار از هزینه‌ها هم در دستور کار قرار دارد.

۱۵

معادن و فلزات



از سرعت رشد اقتصاد چین که کاسته می‌شود، تقاضا برای مواد خام تغییر خواهد کرد اما عقب نخواهند نشست. کسانی که به تقاضای چینی‌ها برای چیزهایی چون سنگ آهن چشم دوخته بودند باید تجدیدنظرهای جدی در چشم‌انداز کسب‌وکارشان کنند - از جمله استرالیا و بنگاه‌هایی چون ریو تینتو. زیادی فولاد، به‌ویژه در چین، ۱۱ درصد از قیمت این فلز خواهد کاست. اما تولیدکنندگان قلع (برای استفاده در صنایع الکترونیک) یا سرب (برای باتری دوچرخه‌های برقی) از تغییر الگوی مصرف چین سود خواهند برد. تقاضای سرب چین در سال ۲۰۱۴ به میزان ۸ درصد رشد خواهد کرد، و از آن‌جا که چین ۴۵ درصد از تقاضای جهانی این فلز را دارد، قیمت‌ها هم جهش خواهند یافت.

در غرب، بانک‌های سرمایه‌گذار که در مقام میانجی تجارت فلزات ایفای نقش می‌کنند با فشار قانونی بیش‌تری روبرو خواهند شد. این بانک‌ها متهم هستند که با دست‌کاری زمان انتظار برای انتقال آلومینیوم و دیگر فلزات پایه از انبارهای تحت لیسانس بورس فلزات لندن را به تأخیر می‌اندازند؛ بورس لندن پیش‌نهاده

داده‌است که از آوریل ۲۰۱۴ با معرفی قوانین جدید این کار را تسریع بخشد. این مسأله موجب افزایش عرضه آلومینیوم و فلزات دیگر خواهد شد، اما بازارها پیش از این بیش‌تر اثر قیمتی این رویداد را اعمال کرده‌اند. در واقع، به لطف تقاضای بیش‌تر، شاخص قیمت فلزات پایه آلومینیوم در سال پیش رو ۴٫۷ بالا خواهد رفت، و تا حد زیادی جایگاهی را که در ۲۰۱۳ از دست داده بود بازی گرداند، اگرچه هنوز فاصله بسیاری تا رسیدن به سطوح ۲۰۱۱ دارد. طلا بیرون از این روند خواهد ایستاد: قربانی اقدام بانک مرکزی آمریکا در کنترل نقدینگی، کارکردش به عنوان حاشیه امنی در برابر تورم بیش از پیش خدشه‌دار خواهد شد، و قیمتی بیش از ۶ درصد سقوط خواهد کرد.

۱۶

عمده‌فروشی



توسعه شهرنشینی و رشد طبقه متوسط تقاضای دنیای در حال توسعه برای همه چیز از ماشین‌های لباس شویی گرفته تا دست‌شویی‌های داخل خانه را افزایش خواهد داد، و بر فروش جهانی عمده‌فروشی‌ها خواهد افزود. از منظر منطقه‌ای، تندترین شیب افزایش در تقاضا (۵٫۱) در منطقه آسیا و استرالیا خواهد بود، که در حال حاضر ۴۰ درصد از کسب‌وکار جهانی عمده‌فروشی را در اختیار دارد. در مقابل، غرب اروپا پس از سه سال افت، فقط به رشد مثبت باز خواهد گشت (۰٫۴ درصد) همراه با توسعه ملایم در امریکای شمالی (۱٫۵ درصد)، این روند رشد جهانی را به ۳ درصد بر خواهد گرداند. با این حال، حتی در راکدترین بازارها هم عمده‌فروش‌ها بخش‌های سودآوری خواهند یافت، مثل فروش کالاهای لوکس به ثروتمندان. با پا به سن گذاشتن جمعیت - در سال ۲۰۱۴ از هر هفت امریکایی یک نفر بالای ۶۵ سال سن خواهد داشت - علاقه به داشتن کالاهایی خاص افزایش می‌یابد (مثل محصولات پوستی برای پوشاندن چین و چروک‌ها) بی‌شک ثروت به سمت شرق در جریان است، اما نرخ رشد کندتر چین عامل نگرانی است. برخی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی حقیقتاً آسیب خواهند دید، بسیاری از فروشگاه‌های بزرگ کالاهای لوکس چین خالی خواهند ماند. اما چشم‌انداز پیش رو روشن‌تر از آنی است که این پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند. در سال ۲۰۱۴ پنج شهر چین به چهار شهری که پیش از این به تعداد ۱۰۰ هزار نفر یا بیش‌تر شهروند با درآمد بالاتر از ۲۵ هزار دلار رسیده‌اند، خواهند پیوست. ثروتمندان جدید بیش از پیش به خارج از کشور خواهند رفت، جایی که می‌توانند تا دلشان می‌خواهد کالاهای لوکس بخرند با مالیاتی بسیار کم‌تر از مالیاتی که در چین می‌پردازند.

رویداد: بربری، عمده‌فروش پوشاک، پس از مشاهده افزایش ۲۰ درصدی فروشش در سال منتهی به مارس ۲۰۱۳ به این نتیجه رسیده‌است که چین جای ماندن است. محبوبیت این برند در میان ثروتمندان جدید چین تاحدی به جنجال‌های آن لاینش مربوط می‌شود - این شرکت بیش از نیم میلیون هوادار در سایت سینا ویبو دارد، که شبکه‌های اجتماعی شبیه به توئیتر است - اما بیش از آن به حضور فیزیکی‌اش در ۳۵ شهر چین وابسته است.

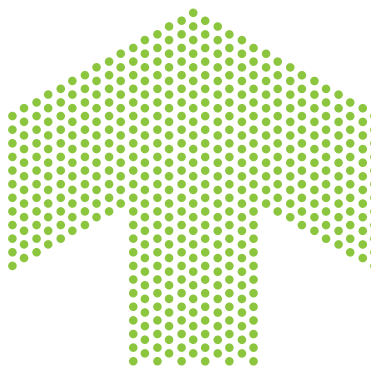
۱۷

ورزش



میلیاردها نفر به تماشای سه رویداد بزرگ ورزشی سال می‌نشینند: المپیک زمستانی در روسیه، جام جهانی فوتبال در برزیل، و بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع در اسکاتلند. این رقابت‌ها صنعت ورزش را به رشد دو رقمی خواهند رساند: طبق آمارهای بنیاد PWC، فروش حق پخش رسانه‌ای، قراردادهای حامیان مالی، فروش کالاها و درآمد استادبوم‌ها در سال ۲۰۱۴ به ۱۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید. روند بلندمدت رشد بازارهای نوظهور با نمایش ورزشی روسیه (رشد درآمد ۱۸۹ درصدی) و برزیل (رشد درآمد ۳۲ درصدی) شدت خواهد گرفت. در آسیا، جایی که چینی‌ها بیش‌تر خرج ورزش می‌کنند، تیم‌های ورزشی رقابت شدیدی برای جلب هواداران بیش‌تر دارند. باشگاه‌های فوتبالی چون رئال مادرید، منچستر یونایتد، و بارسلونا، که سه بنگاه ورزشی سودآور جهان هستند، طبق آمارهای فوربز، تلاش بسیار خواهند کرد: منچستر یونایتد می‌گوید نیمی از هوادارانش در آسیا هستند.

محبوب‌ترین ورزش جهان در پایگاه‌های قدیمی‌اش هم حال و روز خوبی دارد. به لطف قراردادهای جدید پخش تلویزیونی، باشگاه‌های لیگ برتر انگلیس، که پردرآمدترین لیگ فوتبال جهان است، احتمالاً با رشد درآمدی یک‌چهارمی در فصل ۱۴-۲۰۱۳



روبه‌رو خواهند شد، و طبق آمارهای بنیاد مشاوره دلوییت به درآمد ۳ میلیارد پوندی (۴٫۷ میلیارد دلار) خواهند رسید. مقام دوم رقابت، یعنی بوندس‌لیگای آلمان، هم از محل قراردادهای داخلی پخش بازی‌ها ۵۰ درصد درآمد بیش‌تر کسب خواهد کرد.

در بزرگ‌ترین بازار ورزش جهان، یعنی امریکای شمالی، فوتبال امریکایی هنوز بیش‌ترین سود را دارد، اما بیس‌بال هم قدرت بیش‌تر خواهد گرفت. قراردادهای پخش رسانه‌ای که در فصل ۲۰۱۴ خواهند آمد دو برابر قراردادهای پیشین سودآور خواهند بود، و درآمد لیگ بیس‌بال امریکا را به ۱۲٫۴ میلیارد دلار در طول هشت سال خواهند رساند.

۱۸

سفر و گردشگری



گردشگری در سراسر جهان در سال ۲۰۱۴، ۵٫۳ درصد رشد خواهد داشت، که از سال ۲۰۱۰ بدین سو بیش‌ترین افزایش خواهد بود. بازارهای نوظهور در این جا هم پیش‌تاز هستند: طبق آمارهای سازمان توریسم جهانی سازمان ملل متحد، توریست‌های چینی در نیمه نخست سال ۲۰۱۳ نسبت به یک سال پیش از آن ۳۱ درصد بیش‌تر خرج سفر کردند، که بیش‌ترین افزایش در سطح جهان بوده‌است. در سال ۲۰۱۴ آسیا پیشگام خواهد بود، و توریسم خارج از کشور آن ۷٫۹ درصد رشد خواهد یافت.

خطوط هوایی ارزان‌قیمتی که با حاشیه‌های سود اندک فعالیت می‌کنند شرکت‌های هواپیمایی سنتی را همچنان به چالش خواهند کشید. در سال ۲۰۱۴، هواپیمایی گارودا اندونزی‌ها به ادغام شرکت‌های اسکای تیم خواهد پیوست، و هواپیمایی سرلانکا به وان‌ورلد. ادغام‌های دفاعی و فعالیت‌های مشترک مقابله با رقابت شدید از سوی شرکت‌های هواپیمایی ارزان‌قیمت را هدف گرفته‌اند.

تقاضا برای هواپیماهای تجاری جدید در خاورمیانه و آسیا شرکت‌های مسلط بر صنعت هواپیمایی جهان - بوئینگ امریکا و ایرباس اروپا - را با رشد زیادی مواجه خواهند کرد. و عرضه هواپیماهای جدید ۱۰ درصد یا بیش‌تر افزایش خواهد یافت. نرخ‌های اجاره اتاق‌های هتل‌ها در امریکای لاتین به شدت افزایش خواهد یافت، که نتیجه تورم بالا در ونزوئلا و آرژانتین و میزبانی برزیل در جام جهانی فوتبال خواهد بود؛ این نرخ‌ها ۸ درصد رشد خواهند کرد. به لطف المپیک تابستانی ۲۰۱۶، برزیل در میانه رونق انفجاری ساخت هتل ایستاده است: به گفته بنیاد لاجینگ اکونومتریکس، ۳۷۰ هتل و ۶۰ هزار اتاق در راه‌است.

تقاضا برای

هواپیماهای

تجاری جدید

در خاورمیانه و

آسیا شرکت‌های

مسلط بر صنعت

هواپیمایی جهان

- بوئینگ امریکا و

ایرباس اروپا - را

با رشد زیادی

مواجه خواهند کرد.

و عرضه

هواپیماهای جدید

۱۰ درصد یا

بیش‌تر افزایش

خواهد یافت.

جهان به کدام سو می‌رود؟



قطار جدید سریع‌السیر شرق

کوچک‌تر، سریع‌تر
و عجیب‌تر

بزرگ‌ترین اقتصادهای نوظهور آسیا، یعنی چین و هند، آن‌قدرها که باید پویا نیستند، اما این منطقه هنوز ستارگان درخشانی در معنای رشد و عملکرد اقتصادی در نمایش ۲۰۱۴ دارد. سه‌تا از عجیب‌ترین و دورافتاده‌ترین اقتصادهای آسیا، یعنی مغولستان، ماکائو و بوتان، در جمع کشورهای ایستاده‌اند که بیش‌ترین رشد را در سال آینده تجربه خواهند کرد.

بسیاری از مغول‌ها دامدار هستند، اما عمده درآمد کشور از محل استخراج معادن می‌آید. نخستین سال کامل تولید اویو تولگوی، غول صنعت استخراج مس و طلا، رشد تولید ناخالص داخلی این کشور را در سال جدید به ۱۵ درصد خواهد رساند. و اگر از سرعت رشد اقتصاد چین، که بزرگ‌ترین بازار صادرات مغولستان است، کاسته‌نمی‌شد این رشد می‌توانست بیش‌تر هم باشد.

بوتان، مبتکر «شادی ناخالص ملی»، نیروی برق‌آبی عظیمی به هند صادر می‌کند. پروژه‌های تولید برق‌آبی بسیاری هم در راه هستند، که به افزایش تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۴ تا نرخ ۹ درصد کمک خواهند کرد. فقر در این کشور همچنان بیداد می‌کند، و به همین خاطر است که تلاش‌هایی برای رساندن درآمد صادرات برق به مردم فقیر در دست انجام هستند، و در سال جدید بوتانی‌های بیش‌تری به سطح شادی ملی خواهند رسید.

در فهرست رشد اقتصادی جهان، افریقا و آسیا ۱۲ مقام اول را از آن خود کرده‌اند، اما این فهرست در سال ۲۰۱۴ سنگین‌وزنی در خود ندارد - چین، که مدت‌ها جای ثابتی در لیست داشت، حالا که کشوری با رشد آهسته‌تر و درآمد متوسط است دیگر در فهرست حضور ندارد. مقام‌های نخست فهرست از صدقه سر جنگ (یا بهتر بگوییم صلح)، منابع طبیعی یا شرط‌بندی در این لیست قرار گرفته‌اند. سودان جنوبی، که در سال ۲۰۱۱ از سودان جدا شد، جای زیادی برای رشد دارد، رشدی که از محل ذخایر نفت حمایت می‌شود. مغولستان هم با رشد انفجاری صنعت معدن خیز برداشته‌است، درحالی‌که سیرالئون، ترکمنستان، تیمور شرقی، و زامبیا از آن‌چه از زیر خاک بیرون می‌کشند کیفور هستند - به ترتیب عمدتاً سنگ آهن، گاز، نفت و مس. ماکائو هم به‌مدد سرگرمی و قمار به رشد اقتصادی رسیده. لیبی و عراق پس از مناقشه و جنگ دارند خودشان را بازمی‌یابند، باین‌که ثبات این کشورها همچنان دور از دسترس است. آن‌چه در بیش‌تر این کشورها مشترک است وسعت، یا بهتر بگوییم نبود آن است. پنج مقام نخست در سال جدید مجموع تولید ناخالص داخلی‌شان به ۱۳۰ میلیارد دلار می‌رسد، که حدود یک هشتم اقتصاد چین است.



■ لنو آبروس
مدیر بخش

پیش‌بینی‌جهانی
واحد اطلاعات
کونومیست



بازارهای توسعه‌دهنده

دنیای فقیر از تقلید و کپی کردن فن‌آوری‌های نو به سمت
خلق آن‌ها پیش خواهد رفت

طبق پیش‌بینی‌های اتحادیه بین‌المللی مخابرات، در سال جدید تعداد مشترکین تلفن همراه از تعداد انسان‌ها بیش‌تر خواهد شد. عمده رشد در این حوزه در افریقا و آسیا خواهد بود، آن‌جا که خرید یک تلفن همراه فقط گام نخست است: چندین میلیون انسان دیگر پا در فضای اینترنت خواهند گذاشت. هند و چین هر دو شبکه اینترنت موبایل «۴G» را راه خواهند انداخت، و قیمت‌های اشتراک این شبکه در این کشورها بسیار کم‌تر از قیمت‌ها در غرب خواهد بود، شاید حتی تا ۲ دلار در ماه در هند.

فرصت‌های پیش‌روی بنگاه‌ها و شرکت‌های فن‌آوری بسیارند. باین‌حال بنگاه‌های غربی با رقابت‌های محلی روبه‌رو خواهند بود. در ابتدا نوعی جنگ قیمت در برابر تقلیدکنندگان داخلی کشورها شکل خواهد گرفت. در چین، شرکت اپل پس از فروش تلفن‌های هوشمند ژیاومی، شرکتی که آشکارا تلفن‌های خود را شکل گوشی‌های اپل می‌سازد و از سال ۲۰۱۱ کارش را آغاز کرده، به جایگاه هفتم سقوط کرد. طبق آمارهای بنگاه تحقیقاتی کاتالیس، تولیدکنندگان داخلی حالا ۶۰ درصد از بازار تلفن‌های هوشمند چین را در اختیار گرفته‌اند. میکرومکس، از تولیدکنندگان داخلی تلفن‌های همراه در هند، در سال جدید در فروش تلفن‌های همراه از سامسونگ جلو خواهد زد.

از این مهم‌تر کاری است که کشورهای فقیر پس از دستیابی به تکنولوژی با آن خواهند کرد. یکی از نمونه‌های نوآوری در کشورهای فقیر M-PESA است، یک سیستم انتقال پول از طریق تلفن همراه که در کنیا آغاز به کار کرد و حالا در چهار گوشه آسیا گسترش می‌یابد.

یک کارآفرین هندی هم به‌تازگی نرم‌افزار هیک را معرفی کرده‌است، نرم‌افزاری برای انتقال پیام شبیه به واتساپ و وایبر. این نرم‌افزار به کاربران اجازه می‌دهد پیام‌های خود را از طریق اینترنت ارسال کنند و دیگر هزینه‌های ارسال اس‌ام‌اس نپردازند. اما هیک با گوشی‌های غیرهوشمند هم کار می‌کند. در هند، که نفوذ تلفن‌های هوشمند فقط ۶ درصد است، این ویژگی مهمی برای بسیاری از مردم است. ویژگی‌ای که هیچ‌یک از نرم‌افزارهای بزرگ پیام‌رسان ارائه‌شده نمی‌دهند - نه حتی وی‌چت چین، که می‌خواهد بزرگ‌ترین پیام‌رسان جهان شود.

وجه مشترک نوآوری‌های کشورهای فقیر این است که همگی از کمبود برخاسته‌اند. پول الکترونیک M-PESA در غرب نمی‌شکند زیرا که اروپا و امریکا، با وفور بانک‌ها و کارت‌های اعتباری‌شان، هیچ نیازی به آن ندارند. واتساپ هم که از دره سیلیکون می‌آید، برای گسترش شبکه‌اش احتیاجی به کاربران گوشی‌های غیرهوشمند قدیمی ندارد.

منظور این نیست که نوآوری یک بازی برنده-بازنده‌است. M-PESA سرمایه‌اولیه‌اش را از وودافون بریتانیا گرفت. سافت‌بنک، از غول‌های مخابرات ژاپن، یکی از صاحبان هیک است. این مالکیت اشتراکی و همکاری مشترک به‌سود همه‌است. در سال جدید، شاید پول و فن‌آوری از غرب بیاید اما بعضی از بهترین نوآوری‌ها و ابتکارها از جاهایی خواهند آمد که انتظارش را نداشته‌ایم. دنیای در حال توسعه به دنیای پیمان‌کار و توسعه‌دهنده تبدیل می‌شود.



در سال جدید،
شاید پول و
فن‌آوری از
غرب بیاید اما
بعضی از بهترین
نوآوری‌ها و
ابتکارها از جاهایی
خواهند آمد که
انتظارش را
نداشته‌ایم. دنیای
در حال توسعه به
دنیای پیمان‌کار
و توسعه‌دهنده
تبدیل می‌شود.



تونل‌های عظیم فردا

طول تونل‌های زیرزمینی‌ای که در سال ۲۰۱۴ حفر خواهند شد بی‌سابقه خواهد بود



پیترو کالینز
دبیر بخش
کسب‌وکار
اقتصادی

بیش از نیمی از مردم جهان در حال حاضر در شهرها زندگی می‌کنند؛ تا سال ۲۰۳۰ جمعیت شهرنشین به نزدیک ۵ میلیارد نفر خواهد رسید. شهرها دیگر جایی برای توسعه ندارند. بسیاری به ساخت‌وساز عمودی روی آورده‌اند، و مدام آسمان‌خراش‌های مرتفع‌تر می‌سازند. اما توسعه زیرزمینی هم در جریان است؛ توسعه‌ای که با پیشرفت سریع دستگاه‌های حفر تونل شدت بیشتری گرفته است. در سال جدید طول تونل‌هایی که حفر خواهند شد در تاریخ بی‌سابقه خواهد بود - شاید حدود ۱۰۰۰ کیلومتر. دستگاه‌های حفر تونل زیر شهرهای خفه از ترافیک شدید در چین، هند، خاورمیانه و آمریکای لاتین را خواهند کند تا شبکه‌های زیرزمینی جدید بسازند یا شبکه‌های موجود را گسترش دهند. اگر پروژه‌های عظیم حفر شبکه‌های فاضلاب، انتقال آب و دیگر پروژه‌های مشابه را هم به این مقدار بیفزاییم، طول تونل‌هایی که در سال جدید حفر می‌شوند دو برابر پنج سال گذشته خواهد بود.

توسعه زیرزمینی و حفر تونل‌ها به همین جا ختم نمی‌شود. صخره‌ها و خاک زیر آلپ آرام‌آرام به پنی‌سوتیسی شبیه می‌شود. تونل ۵۵ کیلومتری برنر بیس، که میان اتریش و ایتالیا حفر می‌شود، و تونل ۵۷ کیلومتری گوتارد بیس، که از زیر سوئیس می‌گذرد، ظرفیت انتقال ریلی مسافر و کالا میان شمال اروپا و ایتالیا را به شدت افزایش خواهد داد و از ترافیک جاده‌های آلپ خواهد کاست.

طرح‌های انتقال آب به شهرهای تشنه آب هم شرکت‌های حفر تونل را مشغول کرده‌اند. طولانی‌ترین تونل جنوب شرق آسیا، که ۴۵ کیلومتر طول دارد، در اوایل سال جدید به اتمام خواهد رسید؛ تونلی که آب را به منطقه اطراف دره کلانگ، در جنوب پایتخت مالزی، خواهد رساند.

اما علی‌رغم رشد انفجاری صنعت حفر تونل، ساخت ماشین‌های حفر تونل کسب‌وکار آسانی نیست. در سال ۲۰۰۸، کاترپیلار، بزرگ‌ترین تولیدکننده ماشین‌های ساختمانی، یک تولیدکننده ماشین‌های حفر تونل را در کانادا خرید، با این هدف که پای در این بازار بگذارد و سهمی از آن برگیرد. اما در سال جدید این شرکت دیگر ماشین‌آلات حفر تونل تولید نخواهد کرد، زیرا که نتوانسته است در رقابت با تولیدکننده‌ها و شرکت‌های تخصصی کوچک‌تری چون هرنگهت و رابینز به سودآوری مطلوب برسد. هزینه ماشین‌های حفر تونل در یک پروژه عظیم بیش‌تر از ۵۰ درصد کل هزینه‌ها نیست. اما این ماشین‌ها راه را برای فعالیت صنعت گسترده‌تری از ساخت تونل و کارهای مرتبط (شامل ریل‌گذاری، احداث سیستم‌های راهبردی و ساخت ایستگاه‌ها و غیره) هموار می‌سازند.

فن‌آوری حفر تونل که به بلوغ می‌رسد، دولت‌ها ماجراجوتر می‌شوند. چین طرح‌های ساخت بزرگ‌ترین تونل دریایی جهان را در تنگه بوهای، که شهرهای دالیان و یانتای را به هم متصل می‌کند و مدت‌ها بود کنار گذاشته شده بود، بار دیگر از سر گرفته است. طرح‌های پیشنهادی برای ساخت تونل‌های ارتباطی میان کره جنوبی و ژاپن و چین، و چین به تایوان، که زمانی خیال‌بافی به نظر می‌رسیدند، دوباره مرکز توجه قرار گرفته‌اند. آینده شگرفی در انتظار صنعت حفر تونل است.



وعده‌های ابوت

رهبر جدید استرالیا با سال نخست دشوار و پر از آزمونی روبه‌رو است

رابرت میلیکن
خبرنگار
اقتصادی
استرالیا

هنگامی که در سپتامبر ۲۰۱۳ تونسی ابوت به نخست‌وزیری استرالیا برگزیده شد، دولتی «بدون هیچ غافلگیری» وعده داد. او بعد از ۶ سال رهبری حزب کارگر دوره جدیدی از سیاست‌های قابل‌پیش‌بینی در ائتلاف ملی لیبرال را وعده داد. اما در سال ۲۰۱۴ غافل‌گیری در کمین او نشست است.

در آغاز رشد اقتصادی تضعیف خواهد شد و روند بیکاری افزایش می‌یابد. سقوط قیمت کالاها و رشد آهسته مشتریان بزرگ استرالیا در آسیا، سایه تاریکی بر اولین بودجه دولت ابوت در ماه می خواهد انداخت. بعد از وعده‌ای برای بازگرداندن بودجه ۳۰ میلیارد دلاری (۲۸ میلیارد دلار) فرو کاهیده در سال ۱۴-۲۰۱۳ به وضعیت مزاد بودجه در سال اول کار خود، ابوت در طول مبارزات انتخاباتی در وعده‌های خود تجدیدنظر کرد و این هدف را به نوعی کنار گذاشت. او سعی خواهد کرد بر یکی دیگر از وعده‌های موکد خود پافشاری کند: برداشتن مالیات دولت در تولید کرین برای مقابله با تغییرات آب و هوایی. اما هیچ قانونی تا پایان ژوئیه تصویب نخواهد شد. حزب کارگر و حزب سبزها اکثریت رای مخالف با این طرح را در مجلس سنا دارند.

طرح «وقف قایق‌ها» هم با مشکل بسیار روبه‌رو خواهد شد و بر سر آن هم جنجال بسیار در خواهد گرفت. او در نظر دارد با استفاده از نیروی دریایی پناهجویان به استرالیا را به‌مید خود یعنی آندونزی بازگرداند. این امر ممکن است کار را برای ابوت، که می‌خواهد نزدیک‌ترین همسایه شمالی استرالیا را به کانون توجه سیاست خارجی تبدیل کند، پیچیده‌سازد.

ابوت اگر می‌خواهد روابط خود را در آسیا گسترش دهد، باید کمی از خلق خوبی «انگلیسی‌مأب» خود بکاهد. در سال ۲۰۱۲ او به بنیاد هریتیج، اندیشکده‌ای در واشنگتن، گفته بود که «استرالیایی‌های اندکی امریکاراکشوری خارجی می‌دانند.» چنین گفته‌هایی ممکن است به مذاق چین، بزرگ‌ترین شریک تجاری استرالیا، خوش نیایند و ناپخته و غیر حرفه‌ای جلوه کنند. عمده سیاست خارجی ابوت به‌انگیزه تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بستن قراردادهای تجارت آزاد با چین، ژاپن، کره جنوبی و آندونزی، انجام خواهد شد. این به تنش‌هایی در داخل ائتلاف او خواهد انجامید: شریک کوچک لیبرال‌ها، یعنی حزب ملی‌گرا که در روستاها ریشه دارد، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را تهدیدی برای کشاورزان می‌داند. ملی‌گرایان علیه پیشنهادها رسیده از چین و آندونزی برای خرید زمین‌های کشاورزی در استرالیا بر خواهند خاست.

استرالیا خواهد کوشید اصلاحات تجاری را به بحث اصلی اجلاس گروه بیست در ماه نوامبر در بریس تبدیل کند. این بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گردهم‌آیی رهبران جهان خواهد بود که استرالیا در طول تاریخ خود میزبانش بوده. و برای ابوت آزمونی سخت از رهبری خواهد بود.



تا سال ۲۰۳۰

جمعیت

شهرنشین به

نزدیک ۵ میلیارد

نفر خواهد

رسید. شهرها

دیگر جایی

برای توسعه

ندارند. بسیاری

به ساخت‌وساز

عمودی روی

آورده‌اند، و مدام

برج‌های مرتفع‌تر

می‌سازند.



چین: بیم‌ها و امیدها

**رشد سریع اقتصاد چین
آینده اقتصاد این کشور را در ابهام فرو برده است**

■ **واحد بررسی
چشم‌اندازهای
جهانی
اکونومیست**

بعضی شاخص‌های اقتصاد چین در مسیر درست هستند؛ باقی نه. نظرها درباره اقتصاد چین، که در سال ۲۰۱۳ بیش از ۹ تریلیون دلار ارزش داشت، متفاوت است. نظرهایی که اغلب در دو جبهه جای می‌گیرند: خوش‌باوران علیه بدبینان، مدافعان علیه هشداردهندگان. آمارهایی که اخیراً منتشر شده‌است هر دو جبهه را در رأی خود استوارتر کرده. اقتصاد چین در سال ۲۰۱۳ با نرخ ۷٫۷ درصد رشد کرده‌است، کمی سریع‌تر از آنی که زمانی بیمش می‌رفت. اما شاخص تولید، که بانک اچ‌اس‌بی‌سی به‌دقت زیر نظرش گرفته، برای چهارمین ماه پیاپی افت کرده‌است. تفکر دوقطبی درباره چین درست نیست. برای درک اقتصاد امروز چین، سه‌جانبه‌نگریستن بهتر است. برای مثال، در سه قالب رشد: در عرضه، تقاضا، و اعتبار. در بلندمدت، اقتصاد چین ممکن است بر حجم نیروی کار و بهره‌وری‌اش وابسته‌باشد. این ترکیب است که تعیین می‌کند چینی‌ها بدون آن که خودشان را اذیت کنند چه‌قدر تولید خواهند کرد. آمارهای اخیر نشان می‌دهند که محدودیت‌های طرف عرضه بر رشد آرام‌آرام تنگ‌تر می‌شوند.

نیروی کار شهری این کشور، که بیش‌تر تولید را برعهده‌دارد، آهسته‌تر از پیش رشد می‌کند. گروه سنی‌ای که این نیروی کار از آن بیرون می‌آید مدام کوچک‌تر می‌شود. در سال گذشته ۲٫۳ میلیون نفر از جمعیت بالغ رسیده به سن کار کاسته‌شد، جمعیتی که سال پیش از آن چند میلیون نفر از آن کاسته‌شده‌بود.

این روند جمعیتی بر کاسته‌شدن از پتانسیل شتاب رشد اقتصادی چین افزوده‌است. این که آیا اقتصاد چین خواهد توانست این پتانسیل از دست‌رفته را جبران کند به نوع دوم رشد بستگی دارد: رشد تقاضا. از یک سو، کاهش خرید کالا و خدمات به بیکاری بیشتر خواهد انجامید (ژاپن را بنگرید). در سوی دیگر، خرید زیاد؛ حد به تورم می‌انجامد.

تقاضا در چین هنوز اندک است. آن قدری هست که تولید ناخالص داخلی را به بالاتر از آستانه حداقلی دولت از رشد ۷٫۵ درصدی برساند نه بیش‌تر. اما سرعت رشد اقتصاد کشور آن قدر نیست که برای ایجاد فشار تورمی کافی باشد. قیمت‌های مصرف‌کننده در سال منتهی به دسامبر فقط ۲٫۵ درصد افزایش یافتند. قیمت‌های پرداختی به تولیدکنندگان، برای بیست و دومین ماه پیاپی کاهش یافت.

مازادهای چین هم شکل دیگری به خود خواهند گرفت. این رشد در تقاضا نیست که بدبین‌ها را نگران کرده، بلکه رشد اعتبار آن‌ها را هراسان نموده‌است. طبق معیارهای بانک مرکزی (که شامل اوراق بهادار شرکتی، بیمه سهام، و انواع وام‌های بانک‌ها و سایر وام‌دهندگان است) سال گذشته انباره مالیه بخش خصوصی حدود ۲۰ درصد رشد داشت، باوجود این که تولید ناخالص داخلی اسمی فقط ۹٫۵ درصد رشد کرده‌بود. بعضی از این وام‌ها حالا به وام‌های نپرداختنی تبدیل می‌شوند.

وابستگی چین به سرمایه‌گذاری هم همچنان نگرانی جدی‌ای است. اما اگرچه الگوی مصرف چین سال گذشته چندان نشانی از توازن نداشت، دست‌کم از موازنه درآمدها و تولید بهره‌مند است. کارگران مهاجر و خانوارهای روستایی هر دو شاهد رشد سریع‌تر درآمدهای‌شان نسبت به رشد کل اقتصاد بودند. چهار سال پیش، درآمد خالص یک خانوار متوسط شهری ۳٫۳ برابر هم‌تای روستایی‌اش بود. این نسبت حالا به ۳ کاهش یافته‌است.

تغییر و تحول در تولید بیش از تحولات دیگر اهمیت و بازتاب جهانی داشته‌است. سال گذشته تولید خدمات چین، که ۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، سرانجام از تولید صنعت فراتر رفت (۴۴ درصد تولید ناخالص داخلی). اقتصادی که عمدتاً بر تولید چیزهایی برای استفاده مردم جهان استوار بود حالا از محل انجام کارهایی برای این مردم درآمد بیش‌تری دارد. در واقع، سریع‌ترین رشد در میان بخش‌های مختلف اقتصاد چین در سال گذشته بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بوده‌است، که با نرخی دورقمی رشد کرده‌است. خدمات را «بخش ثالث» اقتصاد می‌خوانند (کشاورزی بخش «اول» و صنعت بخش «دوم» است). این بخش سوم اقتصاد چین که مدت‌ها نادیده گرفته‌شده است، در سال ۲۰۱۴ جبهه خوش‌بین‌ها را تقویت خواهد کرد.



محاكمه يك ابرقهرمان

**شینزو آبه می‌خواهد ژاپنی نو بسازد، اما آیا از
پس آزمون‌های دشوار پیش رو برخوردار آید؟**



■ **تمزین بوت**
رئیس دفتر ژاپن
اکونومیست

شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن، در ذهن مردمی که به او رأی داده‌اند در قامت قهرمانی اسطوره‌ای ظاهر می‌شود. برنامه اقتصادی او، که به «آبه‌نومیکس» مشهور است، او را به‌شدت محبوب کرده‌است. آبه وعده‌داده‌است که غول ضدتورم را شکست دهد، صخره سخت قوانین دست‌وپاگیر را در هم شکند و با بوسه‌های حیات‌بخش جان تازه در اقتصادراکد ژاپن بدمد. اما سال جدید سال محاکمه خواهد بود. محاکمه‌هایی که نشان خواهند داد آیا آبه

شاهزاده‌ای از کتاب قصه‌ها بوده‌است، یا یک قورباغه سیاسی دیگر.

ترس‌ناک‌ترین آزمون پیش‌روی آبه افزایش مالیات بر مصرف خواهد بود، که نوع ژاپنی مالیات بر ارزش افزوده‌است. فقط یک سیاست‌مدار پیش از آبه جرأت کرده‌بود آن را افزایش دهد، این است که این مالیات همچنان در نرخ ۵ درصد یکی از پایین‌ترین نرخ‌ها در میان مالیات‌های دنیای ثروتمند را دارد. آبه در فصل بهار این نرخ را ۸ درصد افزایش خواهد داد. بدیل چندانی در اختیار او نیست، زیرا که کاستن زیاد از حد از بودجه اجتماعی در حال حاضر از لحاظ سیاسی غیرممکن است. ژاپن باید استقراض خود را تحت کنترل درآورد. استقراض این کشور در سال ۲۰۱۳ به هزار کوادریلیون یین (۱۰٫۳ تریلیون دلار) رسید، و در سال ۲۰۱۴ رقم ۲۵ تریلیون یین بهره وام خواهد پرداخت.

افزایش مالیات بر فروش هم برای آبه‌نومیکس فاجعه‌بار خواهد بود. این رویداد موجب انقباض شدید اقتصاد ژاپن به‌مدت دست‌کم یک سه‌ماهه خواهد شد، زیرا مردمی که برای خرج کردن پول‌های نقدشان پیش از افزایش مالیات می‌شتابند، پس از آن نقدینگی خود را از بازار بیرون خواهند کشید. آخرین باری که این مالیات افزایش یافت، سال ۱۹۹۷ بود، و فروشنده‌گان را بیم برداشت و اقتصاد در رکودی طولانی گرفتار آمد. بحران آن‌زمان در بازارهای مالی منطقه هم چندان کمکی به این مسأله نکرد. آبه محرک مالی عظیمی را برای مقابله با اثر کاهشی این رویداد به اجرا خواهد گذاشت. اما اگر خوش‌بین‌ها به اقتصاد ژاپن در سست بگویند، و روحیه رشد کشور ادامه‌یابد، رشد دوباره بالا خواهد گرفت.

اگر آبه نتواند از پس دومین آزمون بزرگ سال برآید، این نوزایی خیلی زود رنگ خواهد باخت. او تا کنون از سخت‌ترین کار آبه‌نومیکس گریخته‌است، که حذف نظارت دولت بر اقتصاد و به اجرا گذاشتن اصلاحات ساختاری‌ای است که مدت‌ها پیش باید اجرا می‌شدند. بهانه او تاکنون انتخابات مجلس اعیان دیت، پارلمان ژاپن، در سال ۲۰۱۳ بود. حزب لیبرال دموکراتیک آبه او را متقاعد کرده بود که پیش از انتخابات، که با پیروزی آسان او پایان گرفت، صاحبان منافع را نیازارد.



**بعضی
شاخص‌های
اقتصاد چین در
مسیر درست
هستند؛ باقی
نه. نظرها درباره
اقتصاد چین،
که در سال
۲۰۱۳ بیش از
۹ تریلیون دلار
ارزش داشت،
متفاوت است.
نظرهایی که
اغلب در دو جبهه
جای می‌گیرند:
خوش‌باوران
علیه بدبینان،
مدافعان علیه
هشداردهندگان.**

۱۰ ریسک پیش روی جهان در سال جدید

گزارش اوراسیا گروپ



دیوید گوردون
رئیس دایره تحقیقات
اوراسیا گروپ

یان برم
رئیس
اوراسیا گروپ

دارد، تأثیر جنگ داخلی سوریه در منطقه آرام آرام فروکش می کند. وقت نتیجه گیری در مذاکرات هسته ای ایران فرارسیده است، که تأثیرات گسترده ای در منطقه خواهد داشت. هیچ کدام از مناطق بحرانی در خاورمیانه بزرگ تر - یعنی شمال آفریقا، کشورهای حاشیه خلیج فارس، شاخ آفریقا، افغانستان و پاکستان - از مناقشه های بزرگ اجتناب نخواهند کرد. افراتی گری (به ویژه القاعده) در حال پوست انداختن است. این پدیده دیگر خطر مستقیم کمتری را متوجه آمریکا می کند و بیش تر به ایجاد بی ثباتی در منطقه مشغول است. عامل دیگری هم همیزم در این آتش می ریزد: در دهه های گذشته، مناقشات ژئوپولیتیک قیمت های نفت را بالا برده اند؛ در سال جدید، قیمت های پایین تر نفت تولیدکنندگان منطقه ای را تحت فشار خواهد گذاشت. علاوه بر این، مسائل مربوط به امنیت سایبری و گسترش دامنه رسوایی عمیق، گسترده، و ادامه دار آژانس امنیت ملی آمریکا داده های استراتژیک جهان را به یک ریسک سیاسی جهانی و بسیار مهم تبدیل کرده است. آخرین ریسک های پیش روی جهان از روسیه و ترکیه می آیند، و رفتار رهبران آن ها که مدام دمدمی مزاج و غیر قابل اعتمادتر می شود.

اتلاف های شکننده آمریکا

ایالات متحده در مسیر سقوط اقتصادی نیست. علی رغم چالش های متعددی که پیش روی واشنگتن قرار دارد، سرمایه گذاران هم چنان شرط های سنگینی روی اقتصاد آمریکا بسته اند.

در واقع، ماجرای رشد اقتصادی این کشور یکی از جذاب ترین داستان ها در جهان است، رشدی که به تحریک انقلاب تولید انرژی و مواد غذایی رخ داده است؛ فن آوری های تحول آفرین در بخش های مختلفی چون تولید انبوه، دستگاه های الکترونیک قابل حمل،

را بر خ می کشد، و در خاورمیانه همه کس با همه کس سر جنگ دارد (گویا بعضی چیزها قرار نیست هرگز تغییر کنند). همه این رویدادها نقشه جغرافیای سیاسی جهان را دگرگون می سازند، در نبود نقش قدیمی بر قدرت جهانی.

ورای هر چیز، ما دو پرسش اساسی را در سال جدید پیش روی دو اقتصاد بزرگ جهان می بینیم. پرسش و چالش پیش روی ایالات متحده معطوف به خارج است: این که سیاستمداران این کشور چطور نقشی را که ایالات متحده می خواهد در جهان ایفا کند از نو تعریف خواهند کرد. برای چین، چالش درونی است: حالا که اصلاحات حقیقی در دست اجرا هستند کشور چه تغییراتی خواهد کرد؟ جایگاه بر قدرت برای چین متصور نباید بود، اما برای نخستین بار در دهه های گذشته، رهبری سیاسی سازوکار نظام چین را دگرگون می سازد. این امر وضعیت ریسک سیاسی در چین را تحت تأثیر قرار خواهد داد، و نیز رفتار چین را چه در داخل و چه در صحنه بین الملل.

دیگر مسأله مهم سال، بازارهای نوظهور - یا بهتر بگوییم واگرا - است. درصد عمده ای از بازارهای نوظهوری که می توانند انتخابات برگزار کنند این کار را در سال جدید انجام خواهند داد (چین انتخاباتی برگزار نخواهد کرد و انتخابات روسیه هم به حساب نمی آید). برزیل، کلمبیا، هند، اندونزی، آفریقای جنوبی، و ترکیه. هیچ یک از این کشورها با رهبری قدرتمند، مستحکم و مردمی پای در عرصه انتخاب نمی گذارد. از طرفی هم طبقه های متوسط بیش از پیش قدرتمند این کشورها را در نظر بگیرید که خواهان مسئولیت پذیری بیش تر حکومت های شان هستند. ریسک ها مدام افزایش می یابند و برخی از اقتصادهای مهم جهان سفر سختی در پیش دارند.

خاورمیانه بزرگ هم سال سخت دیگری را در پیش

از سال ۲۰۰۸ بدین سو، بزرگ ترین ریسک های پیش روی جهان اقتصادی بوده اند. هیچ یک از بحران هایی که احتمال بروزشان می رفت قرار نیست رخ دهند (به لطف ثبات سیاسی ای که وجود دارد)، اما از فروپاشی حوزه یورو تا ترس ها و نگرانی ها از سقوط اقتصاد چین، تا بحران بدهی های آمریکا، بحران ها و نگرانی های سال های اخیر تحلیل گران را در پنج سال گذشته سخت سرگرم یافتن راه حل برای اجتناب از فروپاشی مالی جهان کرده بود. اما این وضعیت دیگر پایان گرفته است.

در سال ۲۰۱۴، چشم انداز کلی اقتصادی جهان باثبات است، اگرچه هنوز نمی توان خاطر آسوده داشت. اتحادیه اروپا راهش را به سمت خروج از بحران یافته است. ژاپن رهبری اقتصادی جدیدی پیدا کرده. عملکرد اقتصادی حکومت جدید چین قدرتمند است و احیای اقتصاد آمریکا به قدری هست که بازارها بتوانند راه حل های اقتصادی سال آینده را تحمل کنند و از سر بگذرانند.

اما جغرافیای سیاسی جهان نقش مهمی در این میان ایفا می کند. تنش هایی میان چین و ژاپن در دریای شرق چین وجود دارد، اعدادهایی در سطح سرآمدان در کره شمالی در جریان است روسیه در همسایگی خود اوکراین و کشورهای دیگر قدرت خود



فن آوری ژنتیک، نانو تکنولوژی، و سخت افزارهای پیشرفته نظامی؛ ساختار جمعیتی مطلوب؛ و ثبات سیاسی و اجتماعی. کوچک شدن طبقه متوسط، وضعیت نابه سامان آموزش تکمیلی عمومی، و نظام خدمات درمان جدیدی که عملکرد خوبی ندارد رهبران سیاسی این کشور را تحت فشار می گذارند اما از حمایت بین المللی برای دلار و سرمایه گذاری های شرکتی نخواهند کاست.

با این حال، سقوط قابل توجهی در بخش سیاست خارجی وجود دارد. برخی از مشکلات در این زمینه ساختاری هستند - یعنی تعداد زیاد واحد کشورهایی که مدام بر نفوذ و قدرتشان افزوده می شود و امریکا باید به نحو کارآمدی با آنها همکاری کند؛ اروپایی که توجهش بیش تر معطوف به آلمان است تا به لحاظ ژئوپولیتیک متحد بریتانیا و فرانسه؛ و بازارهای نوظهور، به ویژه چین و روسیه، که می خواهند بر تری ایالات متحده در جهان را به چالش بکشند

متحدان ایالات متحده نقش به شدت فرو کاهیده و تبیین نشده امریکا در جهان را در کم می کنند، و در پیش فرض های قدیمی درباره تعهدات امریکا تجدید نظر می نمایند. این متحدان که از ماجرای رسوایی شنود و جاسوسی گسترده هم آزرده اند، از ناتوانی و عدم تمایل امریکا در اعمال سرمایه نظامی، اقتصادی و دیپلماتیکش در جهان نگران هستند.

بازارهای واکرا

رای دهندگان در شش بازار بزرگ نوظهور جهان - برزیل، کلمبیا، هند، اندونزی، افریقای جنوبی، و ترکیه - در سال ۲۰۱۴ پای صندوق های رای خواهند رفت تا نمایندگان مجلس و روسای جمهورشان را انتخاب کنند. در تمام این شش کشور، حزب حاکم اگر انتخاب شود یک دهه یا بیش تر زمامداری را در اختیار داشته است.

اما از زمان آغاز حکومتشان در این کشورها، احزاب حاکم با چالش جدی چندانی در عرصه انتخابات مواجه نبوده اند، چالشی که امسال بسیار بزرگ و آزردهنده است. دنیای بازارهای نوظهور هم زمان با کاهش رشد، الگوهای کم اعتبار شده اقتصادی، و تقاضای فزاینده طبقه متوسط جدید، با بی ثباتی شدید مواجه شده و وارد چرخه ای از چالش های سیاسی شده است. همان طور که اعتراضات اخیر در برزیل، ترکیه، کلمبیا، و حتی روسیه نشان داده است، انتظارات محقق نشده طبقات متوسط می تواند به سرعت به اعتراضات خیابانی تبدیل شود.

ساختار سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی هر یک از این هفت کشور متفاوت است، اما انتخابات ریسک سیاست گذاری های عامه فریب پیش از انتخابات را در تمام آنها افزایش می دهد. هم زمان که از سرعت رشد بازارهای نوظهور کاسته می شود، بسیاری از این کشورها نیاز به موج جدیدی از اصلاحات اقتصادی خواهند داشت تا بهره وری را افزایش دهند، تا «دام

درآمد متوسط» اجتناب کنند و رشد تولید ناخالص داخلی را شتاب بخشند.

این بازارهای نوظهور پس از انتخابات به شدت واگرا خواهند شد. وضعیت کلمبیا در چشم انداز اوراسیا گروه از همه کشورهای دیگر بهتر است، آن جا که رئیس جمهور خوان مانوئل سانتوس علی رغم کاهش شدید محبوبیتش در پی اعتراضات سال گذشته برای دور دوم انتخاب خواهد شد.

در ترکیه، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر کنونی، اولین رئیس جمهوری در تاریخ این کشور خواهد شد که با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود، اما بدون تغییرات مورد نظرش در قانون اساسی که اختیارات ریاست جمهوری را افزایش می دهد.

در اندونزی وضعیت انتخابات هنوز چندان معلوم نیست. سوسیلو بامبانگ یودویونو، رئیس جمهور، دارد کناره گیری می کند، و احساسات پوپولیستی و ملی گرایانه در این کشور دارند بالا می گیرند.

در هند، چشم انداز نخست وزیری رهبر حزب بهاراتیا جاناتا، یعنی ناندرا مودی، که دولتی به شدت هوادار کسب و کار را در مقام وزیر اعظم ایالت گجرات هدایت کرد و روحیه بازار و کسب و کار را قوت بخشید، مستحکم می نماید؛ اما هنوز در مورد نتیجه انتخابات آن کشور شک داریم.

چین نو

چین از آستانه گذشته است. رهبران جدید این کشور اصلاحات گسترده ای را در سال نخست زمامداری رئیس جمهور شی جین پینگ به اجرا گذاشته اند، اصلاحاتی بسیار گسترده تر از آن چه که در دوده گذشته کشور به خود دیده است.

این اصلاحات باید خیلی زودتر از این ها انجام می شد و برای تضمین ثبات حکومت ضروری اند. اما از سویی هم از قدرت حزب کمونیست می کاهند. همین است که با انسجام و تحکیم قدرت در بالای هرم همراه هستند

یکی از آشکارترین ناتوانی های روشنفکران و کارشناسان در پیش بینی وقایع دو دهه گذشته، پیشگویی فروپاشی از درون چین بوده است. چه به سبب انفجار اجتماعی، چنددستگی نخبگان، یا سقوط سخت، دلیل هر چه که باشد فرض اساسی بر این است که نظام کنونی باید فروپاشد. حالا دیگر حکومت چین اصلاحات را به تأخیر نمی اندازد و از آن جا که بی ثباتی در داخل چین به شدت افزایش یافته است، روی به تغییر آورده اند.

یک نگرانی اصلی این است که رهبران حزب کمونیست به این نتیجه رسیده اند که فقط از طریق تمرکز دوباره قدرت سیاسی است که می توانند اصلاحات را پیش ببرند. برای اجتناب از خیزش مردمی و شورش بوروکراتیک، رهبران چین از تلاش های ضدفساد و بازآموزی استفاده می کنند تا مخالفان اصلاحات در درون حزب را مرعوب سازند، اما از روش ها و تکنیک های نو برای سرکوب و خفه کردن

نارضایتی های عمومی بهره می گیرند. اگر آن ها آرام پیش بروند، این تغییرات بر رشد خواهند افزود. با این حال، اگر تحکیم صنعتی با بحران اعتبار مواجه شود، دستگاه صنعت چین با چالشی مستقیم روبرو خواهد شد. بیکاری افزایش خواهد یافت و توان دولت در متوقف ساختن این روند از بین خواهد رفت.

به عبارت دیگر چین کاری سترگ، خطرناک و تماماً چینی را آغاز کرده است. سال پیش رو چه در داخل و چه در عرصه خارجی اهمیت به سزایی خواهد داشت.

ایران

شرایط پیرامون مسأله هسته ای ایران در ۱۲ ماه گذشته تغییرات بسیار به خود دیده است.

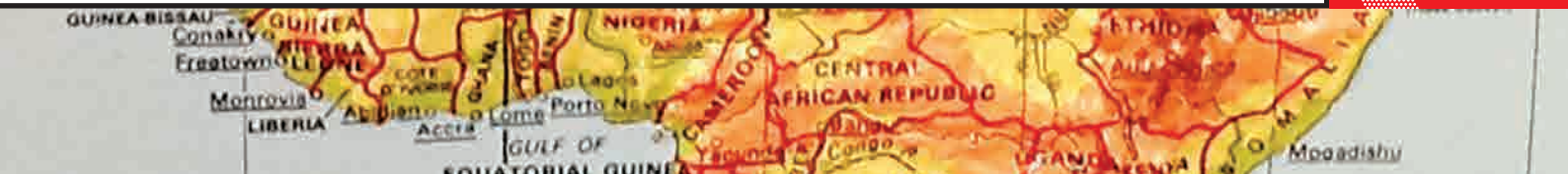
ما معتقدیم که گروه ۵+۱ و ایران احتمالاً به توافقی نهایی خواهند رسید (۶۰ درصد احتمال رسیدن به این توافق وجود دارد). در بلندمدت، امکان تداوم تحریم های گسترده علیه ایران به سبب تلاش های چین و روسیه در مقصر دانستن ایالات متحده و متحدان آن کشور در شکست مذاکرات از بین می رود، و به از بین رفتن قدرت ائتلاف غرب به رهبری امریکا و قدرت گرفتن بیش تر ایران می انجامد. اما در آینده نزدیک، بالا رفتن قیمت نفت، در اثر ترس سرمایه گذاران و اقدامات سعودی ها که بر تنش های ژئوپولیتیک می افزاید، محتمل است - که این به نوبه خود به «مزیت ایران» و قدرت چانه زنی اش می افزاید.

کشورهای تولیدکننده نفت

انقلاب نامتعارف انرژی تا به این جا اثرات مهم ژئوپولیتیکی داشته است. این تحول افزایش ظرفیت عرضه، کاهش نیمی از صادرات نفت ایران و بیرون کشیدن نفت این کشور از بازار در اثر تحریم ها و بدون افزایش مخرب قیمت های انرژی را امکان پذیر کرده است، و همکاری و شراکت بیش تر با امریکا را برای رهبران چین جذاب تر نموده است.

با این حال، در چند سال گذشته، رویدادهای محلی پیش آمده اند که عمده تأثیر رشد در این زمینه، و اثر نهایی اش بر تولیدکنندگان را از بین برده اند. در سال ۲۰۱۴ این روند تغییر خواهد یافت، رشد ظرفیت ذخیره منابع افزایش می یابد، فشارهای قیمتی تقویت خواهد شد و رقابت میان تولیدکنندگان بالا خواهد گرفت.

این روند کشورهای تولیدکننده نفت در سراسر جهان را، در زمانه ای که همه شان با مشکلات اقتصادی مواجه هستند، با فشارهای بودجه ای روبرو خواهد ساخت؛ کشورهایی که سال ها به سبب درآمد آسان نفت و عدم نیاز به بهبود مدیریت و تنوع بخشی اقتصادهایشان، اقتصادهایی بیمار و دچار سوء مدیریت ساخته اند. ونزوئلا و روسیه بیش ترین مشکل را خواهند داشت. عربستان سعودی هم، به نوبه خود، برای ایجاد کف قیمت بخش زیادی از صادرات خود را از بازار بیرون خواهد کشید.



داده‌های استراتژیک

انقلاب اطلاعات در کسب‌وکار قدرت بخشیدن به مردم است. در سراسر جهان، شهروندان طبقه متوسطی که مدام رشد بیش‌تری می‌یابد دانش آموخته‌تر و آگاه‌تر هستند و می‌توانند تقاضاهای بیش‌تری از حکومت‌های‌شان داشته‌باشند. در مقابل انقلاب داده‌ها در کسب‌وکار قدرت بخشیدن به شرکت‌ها است.

شرکت‌های چندملیتی می‌آموزند ترجیحات مصرف‌کننده را تحت نظر بگیرند، اطلاعات مربوط به آن را جمع‌آوری کنند، و سپس تحلیل‌شان کنند، و از این طریق سود خود را حداکثر سازند. بزرگ‌ترین تغییر سال ۲۰۱۴ این است که دولت‌ها به سرعت جای شرکت‌ها را در مقام قدرتمندترین بازیگران صحنه انقلاب داده‌ها می‌گیرند. این که حکومت‌های مسلح به سلاح داده‌ها در هدایت یا محدود ساختن تأثیر سیاسی شهروندان خود چه‌طور عمل خواهند کرد بحثی جدی و مهم است، که دارد در دنیا در می‌گیرد. اما آن چه مسلم و واضح است این که داده‌های استراتژیک نحوه کنش متقابل سیاست و بازارها را دچار تغییر و تحول می‌سازد.

مهم‌ترین تغییر ساختاری در اقتصاد جهان از زمان بحران اقتصادی بدین سوسو، رشد نقش حکومت در بازار بوده‌است. این تا حدی نتیجه دخالت دولت در نجات بازارهای مالی و سیاست‌های دولت‌ها در مقابله با بحران حوزه یورو بوده‌است؛ بدون مداخله سریع و گسترده دولتی، جهان با رکودی بزرگ مواجه می‌شود و حوزه یورو فرومی‌پاشد.

می‌گویند در اینترنت هیچ‌کس نمی‌داند که شما یک سگ هستید، حکومت‌ها حالا می‌دانند که چه‌چیز سگی هستید، چه‌وقت برای پیاده‌روی می‌روید، و بازی موردعلاقه‌تان چیست. داده‌های استراتژیک در نظم نوین جهانی دنیایی از تنازع بقا پدید آورده‌است که با قانون جنگل اداره می‌شود.

القاعده ۲

در نخستین روزهای بهار عربی، این‌طور به‌نظر می‌رسید که اندیشه‌های محرک کنش سیاسی در خاورمیانه عموماً عاری از تفکر القاعده و دیگر ایدئولوژی‌های تندرو هستند. این قضیه، در کنار کشته‌شدن اسامه بن لادن، موجب این تصور و انتظار شد که افراطی‌گری و تروریسم سبک القاعده دارد فروکش می‌کند. اما این چشم‌انداز تغییر کرده‌است.

در دو سال گذشته، هم‌زمان که مرکز بسیج سیاسی از شمال افریقا به منطقه خلیج‌فارس و شام انتقال یافته، شاهد خیزش قدرتمند افراطی‌گری سنی و القاعده بوده‌ایم. شکست‌گذارهای دموکراتیک در سراسر منطقه به تثبیت گفتمان القاعده مبنی بر این که دموکراسی سبک غربی برای دنیای اسلام مناسب نیست، کمک کرده‌است. از همه مهم‌تر این که مناقشه سوریه به آن‌رَبایی عظیم تبدیل شده‌است که نیروگیری افراطیون را جذب خود کرده، که بی‌شبهت

به افغانستان دهه ۱۹۸۰ و عراق پس از سقوط صدام نیست. پیام افراطیون در سراسر شام و شمال افریقا هم هواداران بیش‌تری می‌یابد.

با در نظر گرفتن نزدیکی جغرافیایی، حضور بیش‌تر بومیان مهاجر از خاورمیانه و شمال افریقا در اروپا، بی‌ثباتی موجود در خاورمیانه، القاعده جدید، بیش‌تر تهدیدی برای اروپا است تا آمریکا. اما با وجود تغییرات در سیاست‌ها و ساختار القاعده، تغییر چندان در ایدئولوژی این گروه پدید نیامده‌است، و دشمن نهایی هم‌چنان ایالات‌متحده است، اگر شرایط در خاورمیانه کمی ثابت پذیرد، می‌تواند به تمرکز پیشین گروه بر «دشمن اصلی» بازگردد.

ناآرامی در حال گسترش خاورمیانه

باید خاطر‌نشان کرد که ثبات در خاورمیانه در سال ۲۰۱۴ بسیار نامحتمل است. توافق‌نامه‌ای که به همت روس‌ها درباره کنترل بین‌المللی تسلیحات شیمیایی سوریه پدید آمد خطر جنگ در سوریه را از سر خاورمیانه رفع کرد، و بازگشت ثبات پایه‌ای در مصر از طریق رئیس ارتش، عبدالفتاح السیسی، نظرها را از آن منطقه هم دور ساخت. باین حال، خاورمیانه که در سه‌سال گذشته سخت اسیر بی‌ثباتی بوده‌است، هنوز باید بکوشد خود را از این وضعیت برهاند.

در سال جدید، اسلحه، نیروها و ناامیدی هم‌چنان از مرز سوریه به کشورهای همسایه سرریز خواهد کرد، به‌ویژه به عراق. اگر روند کنونی تحکیم رژیم در سوریه ادامه‌یابد، که به احتمال بسیار زیاد این‌طور خواهد شد، شعبه فعال القاعده در سوریه و کشورهای همسایه، منابع خود را در جهت تضعیف دولت شیعه در عراق متمرکز خواهد ساخت. القاعده گروه‌های محلی سنی را که دولت نوری المالکی به حاشیه رانده، قدرت خواهد بخشید، نیروهایی که آماده‌اند اسلحه دست بگیرند و علیه حکومت مرکزی در بغداد بشورند.

نخبگان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هم از خیزش مسلحانه علیه بغداد حمایت می‌کنند و این بخشی از تلاش آن‌ها برای کاستن از قدرت متحدان ایران در منطقه‌است.

در شمال افریقا، مصر و تونس از اواسط تا پایان ۲۰۱۴ به دنبال تصویب قانون اساسی جدید و تشکیل دولتی انتخابی خواهند بود. اما نه مصر و نه تونس منابع کافی برای ایجاد اشتغال یا بینش اقتصادی و ظرفیت نهادی اصلاح اقتصادشان و تسهیل سرمایه‌گذاری را ندارند. هر دو کشور به صنعت توریسم وابسته‌اند، اما تا زمانی که نتوانند به فرمولی سیاسی برای اداره گروه‌های سیاسی مختلف دست یابند، قطعی شدن مدام، خشونت، چالش‌های امنیتی و بحران‌های دیگر ادامه خواهند یافت و توریست‌ها را از کشور دور خواهند کرد.

کرملین دهمه می‌مزاج

ولادیمیر پوتین هنوز هم قدرتمندترین مرد جهان است. در واقع تنها کسی که می‌تواند در این

قدرت و نفوذ با او برابری کند، پوتین چند سال پیش است. باین‌وجود، دو روند نگران‌کننده در روسیه آغاز شده‌است: نخست این که محبوبیت پوتین به کم‌ترین سطح از زمان به قدرت رسیدنش در سال ۲۰۰۰ رسیده‌است؛ دوم، اقتصاد روسیه با بحران روبه‌رو است. پس از گذشت دهه‌ای که افزایش انتظارات اقتصادی سلطه پوتین را به چالش کشیده‌است، این موضوع حالا به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده.

این مسأله روسیه تحت زمام‌داری پوتین، رهبری که در اجرای سریع کارهای عظیم تبحر دارد، را غیرقابل پیش‌بینی‌تر از پیش می‌نماید. چه در داخل، چه در مرزها و چه آن سوی مرزها، انتظار رویدادهای غیرمنتظره بیش‌تری را در سال ۲۰۱۴ داشته‌باشید. که بعضی‌شان برای بازارها خوب خواهند بود، و باقی فاجعه‌بار.

هم‌زمان که اوضاع در داخل وخیم‌تر می‌شود، پوتین نقش مهم‌تری را در سطح بین‌المللی ایفا خواهد کرد، و سیاست خارجی غیرقابل پیش‌بینی و قاطع‌تر روسیه ریسک‌هایی در پی دارد. در سال ۲۰۱۴ انتظار روسیه‌ای بی‌پروا و جسور را داشته‌باشید. کرملین پوتین به‌سمت چین میل خواهد کرد، فشارها بر او کران را افزایش خواهد داد، و در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر و انرژی رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را با اتحادیه اروپا در پیش خواهد گرفت. هرآن‌چه کرملین انجام دهد شایسته توجه و هشدار جدی است.

ترکیه

در سال ۲۰۱۴ ریسک‌های مهم اقتصادی، امنیتی، و اجتماعی در ترکیه آشکار خواهند شد، که ثبات بازارها و کسب‌وکار را بیش از پیش بر هم خواهد زد. پیش‌تر ترکیه را، به‌سبب ریسک‌های پیرامون انتخابات آتی این کشور، در بخش بازارهای واگرا گنجانیم. اما در میان بازارهای نوظهور، ثبات در ترکیه از بسیاری جهات آسیب‌پذیرتر است. به‌ویژه، ترکیه با اثرات گسترش دامنه جنگ داخلی در سوریه، و بازگشت شورش و پیکارجویی کردها، روبه‌رواست؛ و رفتار احساسی و تند اردوغان که مدام خشن‌تر می‌شود بازارها را بیش‌ازپیش متلاطم خواهد گذاشت و اعتماد سرمایه‌گذاران را خواهد زدود.

اردوغان تحت فشارهایی که از همه‌سو وارد می‌شود، خشن‌تر عمل خواهد کرد، کسب‌وکارهای خارجی را هدف خواهد گرفت و از تئوری‌های توطئه غرب و اسرائیل دم خواهد زد. با این‌که اردوغان و حزب عدالت و توسعه در مسیر پیروزی در انتخابات آتی است، افزایش و شدت گرفتن مناقشات در داخل حزب رویداد سیاسی مهمی خواهد بود، و فضای کسب‌وکار و سیاست‌ها غیرمنتظره‌تر از پیش خواهد بود. با پس‌زمینه کسری بسیار زیاد حساب جاری، مالیه ضعیف، و وضعیت وابستگی شدید بخش خصوصی به مبادلات خارجی، ترکیه در سال جدید بیش از هر کشور دیگری در برابر بی‌ثباتی سیاسی و سیاستی آسیب‌پذیر خواهد بود.

در داووس چه گذشت؟

سمت‌وسوی اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۴

ترجمه: بابک واحدی

مقداری بانک مرکزی امریکا اثر شدیدی بر واحدهای پولی دیگر کشورها دارد، و نیز بر جریان‌های سرمایه‌ای که به داخل بازارهای نوظهور سرازیر می‌شوند یا از آن‌ها بیرون می‌روند.

وقتی این سیاست اجرا شد، کم‌نقص‌ترین سیاست‌های موجود بود، و از رکود فاجعه‌بار جهانی جلوگیری کرد. اما حالا عواقب و اثرات منفی‌اش خود را نشان داده‌اند، و فروکش کردن آن در سال جدید بیش از پیش بر بی‌ثباتی خواهد افزود.

سیاست کاهش مقداری بانک مرکزی امریکا، و انواع مشابه آن در جاهای دیگر، موجب گسترش بسیار زیاد ترازنامه‌های بانک‌های مرکزی شده است (از ۶-۵ تریلیون دلار بیش از بحران به حدود ۲۰ تریلیون دلار کنونی)، که این موجب شده است بازارهای مالی به پول آسان بانک مرکزی معتاد شوند. این مسأله به نوبه خود موجب جست‌وجو و تقلایی جهانی برای دست یافتن به عایدی‌ها، تورم مصنوعی قیمت‌داری‌ها، و تخصیص نادرست سرمایه‌ها شده است.

در نتیجه هرچه سیاست کاهش مقداری بیش‌تر ادامه یابد، تأثیر مخرب آن بر اقتصاد حقیقی جهان بیش‌تر

این مسأله در سرعت خلق ثروت در جهان تفاوت بسیار ایجاد می‌کند، و اثر شدیدی بر انتظارات دارد. ما قدرت رشد مرکب را نادیده می‌گیریم، که به ضرر زمان است.

در مورد بی‌ثباتی، چهار اقتصاد بزرگ جهان در حال حاضر گذارهای بزرگی را از سر می‌گذرانند. ایالات متحد در تقوای سرعت بخشیدن به رشدش در یک فضای چنددسته و شکننده سیاسی است. چین از الگوی اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌گذاری و صادرات به الگوی اقتصادی‌ای تغییر مسیر می‌دهد که تقاضای داخلی را در اولویت قرار می‌دهد. اروپا به سختی می‌کوشد انسجام و یکپارچگی پول مشترک را حفظ کند، هم‌زمان که سعی می‌کند از پس حل مسائل متعدد پیچیده نهادی‌اش برآید. و ژاپن سعی می‌کند با دو دهه تورم مقابله کند و با سیاست‌های پولی نامتعارف و انقلابی به جنگ تورم برود. برای هر یک از این‌ها، فرمول‌بندی و نتیجه سیاست‌های پیچیده و بسیار حساس "ناشناخته‌ها"ی بسیاری در خود دارند، از آن‌جا که وابستگی داخلی کشورهای جهان به یک‌دیگر خطر عواقب ناخواسته عظیم و تأثیرگذار را افزایش می‌دهد. برای مثال، سیاست کاهش

در سرآغاز سال جدید، دنیا در میانه گذارهای حماسی متعددی ایستاده است. الگوهای رشد اقتصادی، چشم‌انداز جغرافیای سیاسی، قرار دادهای اجتماعی که مردم را به یک‌دیگر متصل می‌سازند همه در حال از سر گذراندن تغییراتی شدید و تغییر شکل‌های هم‌زمانی هستند که راه به تنش، و در بسیاری جاها، بحران می‌دهند.

از نقطه‌نظر اقتصادی، داریم وارد عصری از انتظارات فروکاهیده و بی‌ثباتی فزاینده می‌شویم. در معنای رشد، دنیا باید با رشد کم‌تر روزگار بگذراند و به این مسأله عادت کند. برای درک آثار و نشانه‌های این تحول، این مسأله را در نظر بگیرید: اگر اقتصاد جهان در آینده نزدیک با نرخ بیش از بحران خود رشد کند (یعنی با بیش از ۵ درصد در سال) حجم‌اش در کم‌تر از ۱۵ سال دو برابر می‌شود؛ با نرخ رشد ۳ درصد، تولید ناخالص داخلی جهان در ۲۵ سال دو برابر خواهد شد.



■ کلاوس شوآب
بنیان‌گذار و رئیس
مجمع جهانی اقتصاد



WORLD ECONOMIC FORUM

خواهد بود. نگرانی اصلی این است که وقتی بانک مرکزی امریکا شروع به کاهش تدریجی سیاست کاهش مقداری و جریان نقدینگی از بازارهای جهانی کند، مشکلات ساختاری و عدم توازنهای سیستماتیک بار دیگر خود را نشان خواهند داد. در نهایت، اصلاحاتی که رقابت را بهبود می بخشد در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته جهان فاصله بسیار زیادی تا تکمیل دارند، در حالی که نسبت کل بدهی عمومی و خصوصی این کشورها به تولید ناخالص داخلی در حال حاضر ۳۰ درصد است که از زمان پیش از بحران بیش تر است.

این منبع بی ثباتی با تضعیف عملکرد اقتصادی بسیاری از کشورهای نوظهور هم زمان شده است. در سال ۲۰۰۷، انتظار می رفت که رشد بازارهای نوظهور پیش از هم گرا شدن به رشد اقتصادهای پیشرفته با فاصله زیاد از آن جلو بزنند. امروزه، اقتصادهای پیشرفته جهان سهم بیش تری از رشد تولید ناخالص داخلی جهان دارند تا کشورهای نوظهور، که در آن ها چشم انداز رشد در سال های پیش رو به طور متوسط ۴ درصد است.

شرایط اقتصادی در کشورهای پر درآمد به آرامی بهبود می یابند، اما مجموعه ای از فشارهای پایین کشنده اقتصاد تا سال ها بعد برقرار خواهند ماند. برای مثال، اقتصاد امریکا هم چنان در روند احیائی پایین تر از ارزش اسمی گیر کرده است؛ تورم بسیار اندک است و بی کاری به شدت بالا. آمارهای رسمی اغلب بهتر از انتظارات بوده اند، که نشان می دهد اقتصاد امریکا چه قدر انعطاف پذیر، تطبیق پذیر و نوآور است، اما الگوهای رشد و مخارج مصرف کننده بعید است دوباره رخ بنمایند.

بهبود اوضاع در اروپا واقعی، اما ناچیز بوده است. خبر خوب این است که فاجعه ای که بسیاری از کارشناسان پیش بینی اش کرده بودند به خیر گذشته، و رکود دارد پایان می گیرد. اما بهبود به معنای احیاء نیست؛ رسیدن به رشد بالای اقتصادی نیاز به کاستن از بی کاری شدید، پایین آوردن نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، و بهبود چشم انداز مالی دارد. بزرگ ترین خطری که در آینده نزدیک حوزه یورو را تهدید می کند نه خروج برخی کشورها از آن، بلکه دوره طولانی شده رشد ناچیز و بی کاری شدید است.

در عین حال، آفت سرعت رشد بازارهای نوظهور ادامه خواهد یافت، به ویژه در بزرگ ترین اقتصادها، در ۱۵ سال گذشته کشورهای عضو پیمان بریکس (برزیل، روسیه، هند، و چین) به پیشرفت چشم گیری دست یافته اند، اما اصلاحات آن ها - از جمله قوانین جدید بانکی و نظام های پولی - آسان ترین اصلاحاتی هستند که می توان به اجرا گذاشت.

اصلاحات موسوم به اصلاحات نسل دوم، که ماهیتاً ساختاری تر هستند، برای رشد بلندمدت حیاتی اما شناخت و اجرای شان بسیار دشوار است. حذف یارانه ها، اصلاحات بازار کار و نظام قضایی، و تدابیر موثر مبارزه با فساد وجهه سیاسی دارند و اغلب از سوی طرف های قدرتمند حائز منافع بلوکه می شوند.

آفت سرعت رشد اقتصاد جهان در پس زمینه افزایش نابرابری اقتصادی اتفاق می افتد، که به سبب کاهش

سهم نیروی کار از درآمد ملی رخ می دهد - پدیده ای جهان، حاصل از جهانی سازی و پیشرفت تکنولوژیک، که چالشی جدی پیش روی سیاست گذاران می گذارد. نظام هایی که بر نابرابری می افزایند، یا به نظر می رسد نمی توانند جلوی رشد آن را بگیرند، دارند بذر نابودی خود را می کارند. اما در دنیای درهم پیوسته، راه حلی آشکار وجود ندارد، زیرا تحرک بالای سرمایه در آتش رقابت جهانی مالیات می دمد.

حتی در کشورهای که عملکرد قوی تری دارند، همچون ایالات متحد یا بریتانیا، رشد سریع تر تولید ناخالص داخلی هنوز به افزایش درآمدهای واقعی نیانجامیده است. برای مثال، در ایالات متحد میانه درآمد خانوار از زمان آغاز احیاء تا کنون بیش از ۵ درصد کاهش یافته است. در مقیاس کلی تر، رشد کم تر به اعتراضات مردمی و ناآرامی های اجتماعی دامن می زند، به ویژه در کشورهایی که به سرعت رشد می کنند (برای مثال، برزیل، ترکیه، و آفریقای جنوبی)، که تاحدی به سبب اثر افزایش استانداردهای رفاه بر انتظارات بوده است.

در چنین شرایط سیاسی و اجتماعی آستن بحرانی، احیاء رشد اقتصادی با کیفیت اهمیت بسیار دارد. اما این رشد از کجا حاصل خواهد شد؟ پیشرفت تکنولوژی

یک فرصت متمایز، اما به شدت بی ثبات است. بسیاری تکنولوژی های بحث برانگیز (مثل بات های پیشرفته، ژنتیک نسل جدید، ذخیره انرژی، انرژی های تجدیدپذیر، و چاپ سه بعدی) می توانند رشد را بیش از پیش سرعت بخشند، اما ظرفیت کامل آن ها فقط در آینده دور آشکار خواهد شد.

حال که بیش تر حکومت های جهان با فشارهای مالی روبه رو هستند، مقامات نمی خواهند پروژه هایی را که ممکن است بر بدهی های عمومی بیافزایند بپذیرند. اما میوه در دسترسی وجود دارد که می توان به راحتی چیدش - سرمایه گذاری های مولدی که بر رشد بلندمدت می افزایند و بنابراین هزینه خود را تأمین می کنند. تمرکز بر چهار حوزه، به ویژه - زیرساخت ها، آموزش، انرژی سبز، و کشاورزی پایدار - می تواند فواید عایدی اقتصادی و اجتماعی خوبی در پی داشته باشد.

با این حال در نهایت مسیر منتهی به رشد پایدار نه فقط به سیاست های نو، بلکه به ذهنیتی نو نیاز دارد. جوامع ما باید کار آفرین تر شوند و بیش از پیش بر تثبیت برابری جنسیتی و ریشه دار کردن همه پذیری اجتماعی متمرکز شوند. قطعاً راه دیگری برای بازگرداندن رشد اقتصاد جهان به مسیر رشد پایدار و بالا وجود ندارد.

ایران در میان اقتصادهای نوظهور

محورهای سخنان رئیس جمهور حسن روحانی در داووس

یکم: حوادث و تحولات شش سال اخیر در اقتصاد جهانی، نشان داد که هیچ کس نمی تواند تنها زندگی کند. هیچ کشوری، نمی تواند بی اعتنا به دیگران، مسایل خود را حل کند. هیچ نگاه اقتصادی، نمی تواند بدون ایفای مسئولیت اجتماعی خود، به رشد پایدار دست یابد؛ و هیچ قدرتی، نمی تواند سلطه خود را دایمی بداند. جهانی شدن، این بار، در شکل بحران جهانی اقتصادی نشان داد که همه ما در یک کشتی نشستیم، و اگر کشتی یانان خردمندی برنگزینیم، توفان ها به همه ما آسیب می رسانند؛ بحران های زیست محیطی، نشان داد که همه بر سر یک سفره نشستیم، و بی مبالائی، عدم رعایت اخلاق و منافع مشترک جوامع، می تواند سرمایه بین نسلی انسان ها را نابود کند. اعتراضات گسترده مردمی هم در همه قاره ها نشان داد، که سیاست های اقتصادی باید عدالت اجتماعی و منافع همگان را در نظر بگیرد؛ همه باید سود ببرند؛ و تنها سیاست ها و نظام هایی، پایدار خواهند ماند که به مردم، آن هم همه مردم، سود و منفعت برسانند.

دوم: اقتصاد ایران، بنیه و ظرفیت آن را دارد که ظرف سه دهه آینده در زمره ده اقتصاد اول دنیا قرار گیرد؛ و این هدفی است که در کلان برنامه ریزی اجتماعی، اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست خارجی در پی آن بوده، و برای تحقق آن، قصد جدی دارم که همه پی ریزی های لازم در مدتی که مسئولیت دولت را بر عهده دارم، انجام، و همه موانع سیاسی و اقتصادی عمده، مهار و مرتفع نمایم، روشن تر بگویم، من اقتصاد ایران را نزدیک ترین، همگون ترین، و با ظرفیت ترین اقتصاد به اقتصادهای موفق نوظهور می بینم، و آینده را همراه و در کنار آنها، ترسیم می کنم.

سوم: ما با همه کشورهای همسایه خود مانند: ترکیه، عراق، روسیه، پاکستان، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه قفقاز و آسیای مرکزی، مبنای روابط گشایی روابط تجاری، صنعتی و اقتصادی گذاشته، و همکاری های سیاسی و چند جانبه ای را آغاز خواهیم کرد. با کشورهای اروپایی نیز از دیر باز روابط عمیق اقتصادی و تجاری داشته ایم، و با اجرای توافق ژنو در هفته جاری و قدم های بعدی و رفع تحریم ها، روابط ایران با حوزه اروپا کاملاً به حالت عادی باز خواهد گشت. تعاملات ایران و آمریکا نیز در ماه های گذشته، وارد مرحله جدیدی شده است، و برای اولین بار، سیاستمداران دو کشور برای حل اختلافات در موضوع هسته ای با هم مذاکره، تبادل نظر، و حتی اتخاذ تصمیم کرده اند.



تمرکز بر چهار حوزه، به ویژه زیرساخت ها، آموزش، انرژی سبز، و کشاورزی پایدار - می تواند فواید عایدی اقتصادی و اجتماعی خوبی در پی داشته باشد. با این حال در نهایت مسیر منتهی به رشد پایدار نه فقط به سیاست های نو، بلکه به ذهنیتی نو نیاز دارد. جوامع ما باید کار آفرین تر شوند و بیش از پیش بر تثبیت برابری جنسیتی و ریشه دار کردن همه پذیری اجتماعی متمرکز شوند. قطعاً راه دیگری برای بازگرداندن رشد اقتصاد جهان به مسیر رشد پایدار و بالا وجود ندارد.

طلوع دوباره ژاپن

سخنان آینده‌نگرانه شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن در کنفرانس داووس

در تحقیق و توسعه و افزایش دست‌مزدها کنند. هم‌زمان، قوانین بازار کار را هم که روابط کارگران با صنایع قدیمی را تعیین می‌کنند اصلاح خواهیم کرد. صنایع نوبه منابع انسانی نوآور و خلاق نیاز دارند، و ما بارانه‌های خودمان را به صورتی تغییر مسیر خواهیم داد که کارگرانی که در صنایع روبه‌افول شغلی نمی‌یابند بتوانند تغییر مسیر دهند و کارهای درآمذایی در بخش‌های روبه‌رشد و نوظهور پیدا کنند. البته، بادر نظر گرفتن جمعیت ژاپن که به سرعت پابه سن می‌گذارد، و تعداد کودکان که مدام کاهش می‌یابد، این سوال بدیهی برای سرمایه‌گذاران پیش می‌آید که: "ژاپن منابع انسانی نوآور و خلاق را که می‌خواهد از کجا خواهد آورد؟"

آریانا هافینگتون زمانی گفته بود که اگر شرکت برادران لمان "برادران و خواهران لمان" بود، هنوز پابرجا بود. فرهنگ شرکتی ژاپن بیش از هر جای دیگر تحت سلطه مردان است. وقتی هیلاری کلینتون به من گفت که اگر زنان با نخری برابر با مردان در بازار کار مشارکت داشتند تولید ناخالص داخلی ژاپن می‌توانست ۱۶ درصد بیش تر باشد، انگیزه پرقدرتی در خود یافتم. در حقیقت در میان منابع اقتصادی مختلف ژاپن از زنان کم‌تر از هر منبع دیگری استفاده شده است. ژاپن باید جایی بشود که زنان در آن بدرخشند. هدف ما این است که تا سال ۲۰۲۰ زنان ۳۰ درصد از پست‌های برتر مدیریت کشور را در اختیار داشته باشند - هدفی که پیش شرطش ایجاد محیط کاری انعطاف‌پذیرتر و نیز حمایت از سوی کارگران خارجی برای انجام خدمات داخلی و شخصی خواهد بود. انگیزه‌های قدرتمند از تغییر در قالب اصلاحات قانونی و حقوقی رخ خواهد نمود، که در جلسات بعدی پارلمان مطرح خواهد شد و تعداد روسای خارج از شرکت در هیئت مدیره‌های شرکت‌ها را افزایش خواهد داد. ماه آینده، ما یک بخشنامه سرپرسی معرفی خواهیم کرد که سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد نقش مهم‌تر و تأثیرگذارتری در اداره شرکت‌ها ایفا کنند. مطمئن هستیم که اثرات این اصلاحات در مجموع ژاپن را قادر خواهد ساخت سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی‌اش را تا سال ۲۰۲۰ دو برابر کند، که جانی دوباره به کل کشور می‌دهد و چشم‌انداز اقتصادی آن را به کل دگرگون می‌سازد. اما هنوز کارهای زیادی مانده است که باید انجام شوند. به‌زودی، وارد چهارمین سال پس از زلزله و سونامی فاجعه‌باری می‌شویم که شمال شرق ژاپن را در روز ۱۱ مارس ۲۰۱۱ ویران ساخت و نیر و گاه هسته‌ای فوکوشیما دایچی را از کار انداخت. باین که روند احیاء و بازسازی هنوز فاصله بسیار تا تکمیل شدن دارد، عشق و هم‌دردی‌ای که در واکنش جهانی موج می‌زد، و نیز روحیه مقاومت و کمک به یکدیگر بازماندگان برای غلبه بر سختی‌ها، عمیقاً تحت تأثیرمان قرار داد. با همین روحیه است که ژاپن حالا عزمش را جزم کرده تا بیش از پیش به صلح و توسعه جهانی کمک کند. در عصر ما هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی حافظ صلح باشد. هیچ کدام ما نمی‌توانیم چالش‌هایی را که پیش روی جهان قرار دارند حل کنیم، مگر این که به یکدیگر کمک کنیم. شالوده‌پیشرفت و رونق اقتصادی آزادی انتقال مردم و تولیدات است. در مسیرهای دریایی، در آسمان، و حالا در فضای بیرون از جو و دنیای اینترنت، آزادی انتقال باید تضمین شود. تنها راه حفظ این خیر عام ضروری، حفظ حاکمیت قانون و تشویق و ترویج ارزش‌های بنیادینی چون آزادی، حقوق بشر، و دموکراسی، با تمام جهد و جدیت است. فقط آن زمان است که می‌توانیم به رشد و رونق پایدار در آسیادست بایبیم، که ما مردمان این منطقه را قادر به شناخت پتانسیل‌های عظیم‌مان می‌سازد. ژاپن متعهد شده است که هرگز دیگر جنگی آغاز نخواهد کرد، و هرگز از تلاش‌مان برای خلق جهانی در صلح دست نکشیده‌ایم. عمیقاً امیدوارم که احیاء و نوآوری اقتصادی ژاپن، با چشم‌اندازی که در افزایش رونق و رشد جهانی و منطقه‌ای ارائه می‌دهد، به هر چه نزدیک‌تر ساختن کشورهای جهان کمک کند.

اندیشمندان سال‌هاست که ژاپن را سرزمین خورشید غروب‌کنان می‌خوانند. گفته‌اند رشد برای اقتصاد بالغی چون ژاپن غیرممکن است. گفته‌اند نمی‌شود بدهی‌های عمومی‌مان را حفظ کرد. روحیه استغفای‌مان را نشانه‌ای از افول نسبی گرفته‌اند. اما حالا به‌ندرت چنین نجویایی به گوش می‌رسند. اقتصاد ژاپن از رشد منفی درآمده و پا در رشد مثبت گذاشته و در آستانه رها شدن از روند ضدتورمی مزمین است. بهار امسال دست‌مزدها افزایش خواهند یافت - تحولی که مدت‌ها به تأخیر افتاده بود و به مصرف بیش‌تر خواهد انجامید. وضعیت مالی‌مان هم باروندی باثبات در حال بهبود است، و دولت ما در مسیر تثبیت و تقویت مالیه عمومی افتاده است. و هم‌زمان که اقتصاد دگرگون می‌شود، مردم ژاپن پویاتر می‌شوند - روحیه‌ای که در هیجان و شادمانی عمومی از انتخاب توکیو به میزبانی المپیک ۲۰۲۰ و بازی‌های پارالمپیک نمایان است. پس این نه مهتاب، که فجر است که بر فراز ژاپن نورافشانی می‌کند، و این تحول مدیون غلبه ما بر این تفکر است که برخی اصلاحات خاص را هرگز نمی‌توان به اجرا گذاشت. من هم چنان سر حرفم ایستاده‌ام که می‌خواهم همچون دریای عمل کنم، آن قدر قدرتمند و استوار که بتوانم سنگ سخت صاحبان منافع را بشکافم. و همین‌طور عمل کرده‌ایم.

برای مثال، ما بازار برق ژاپن را به کل آزاد خواهیم کرد. تا شش سال دیگر که المپیک به کشورمان آید، بخش انرژی برق کاملاً رقابتی خواهد بود، و تولید برق از توزیع آن جدا خواهد شد. خدمات در مان را هم در مقام یک صنعت پرورش و توسعه خواهیم داد. ژاپن در صف مقدم پزشکی بازآینده است، و ما تولید سلول‌های بنیادین در آزمایشگاه‌های بخش خصوصی را ممکن خواهیم ساخت، و اصلاحات بیش‌تری هم پیشنهاد کرده‌ایم، زیرا به شرکت‌های بزرگ ارائه خدمات درمانی در قالب هلدینگ‌ها، شبیه به میو کلینیک امریکا، هم نیاز داریم. افزون‌بر این، داریم نظام "تنظیم تولید برنج" را هم برمی‌چینیم؛ نظامی که بیش از ۴۰ سال برقرار بوده است. موانع ورود شرکت‌های خصوصی به بخش کشاورزی برچیده خواهد شد، و کشاورزان اجازه خواهند داشت محصولاتی را که می‌خواهند بکارند، بدون کنترل دولتی بر عرضه و تقاضا، به‌زودی، بسته آژادسازی و حذف نظارت دولت را به اجرا خواهیم گذاشت. در دو سال آینده، در حوزه‌های معین، هیچ صاحبان منافع نفوذناپذیر باقی نخواهند ماند. برای مثال، در شهرهای ژاپن که می‌خواهند به سطح شهرهای جهانی برسند، محدودیت ساخت طبقات از بین خواهد رفت. به‌زودی شاهد مجتمع‌های مسکونی سربه‌فلک کشیده با کیفیت، مجموعه‌های تجاری، و ظهور شهرهای فاقد انتشار آلاینده‌ها، یکی پس از دیگری، خواهیم بود. به‌طریق مشابه، پیمان تجارت ترانس‌آتلانتیک (TPP) رکن اساسی سیاست‌های اقتصادی ما باقی خواهد ماند، و برای تحقق پیمان تجارت اقتصادی ژاپن - اتحادیه اروپا تلاش خواهیم کرد. در نتیجه، اقتصاد ژاپن بیش از پیش در جریانات جهانی دانش، تجارت و سرمایه‌گذاری ادغام خواهد شد. شرکت‌ها و مردمانی از خارج ژاپن را یکی از بهترین مناطق راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار در جهان خواهند یافت. مدیریت بنگاه‌های عمومی ژاپن - همچون بنگاه سرمایه‌گذاری مستمری‌های دولت، که حالا حدود ۱,۲ تریلیون دلار را مدیریت می‌کند - هم با تغییرات فاحشی روبه‌رو خواهد شد. ما بر اصلاحات پافشاری خواهیم کرد، از جمله بازنگری در وضعیت و اساس نامه بنیاد سرمایه‌گذاری مستمری‌های دولت، تا مطمئن شویم که سرمایه‌های عمومی در سرمایه‌گذاری‌هایی هزینه‌شوند که پرورش‌دهنده رشد هستند.

مالیات‌های شرکتی‌مان را هم باید در سطح جهانی رقابتی‌سازییم. در ماه آوریل، نرخ مالیات شرکت‌ها ۲,۴ درصد کاهش خواهد یافت. و مشوق‌های مالیاتی‌ای معرفی خواهیم کرد که شرکت‌ها را تشویق به استفاده از پول خودشان برای تأمین سرمایه و سرمایه‌گذاری



هدف ما این است که تا سال ۲۰۲۰ زنان ۳۰ درصد از پست‌های برتر مدیریت کشور را در اختیار داشته باشند - هدفی که پیش شرطش ایجاد محیط کاری انعطاف‌پذیرتر و نیز حمایت از سوی کارگران خارجی برای انجام خدمات داخلی و شخصی خواهد بود.



سه درسی که در داووس آموختیم

معاون سردبیر تایم در بخش اقتصاد و کسب و کار از درس های داووس می گوید



این ها درس هایی هستند که در نگاه کلی به گفت و گوها و جلسات داووس امسال آموختیم:

۱ در میهمانی شامی که در داووس برگزار کردم، با عنوان "کارشناسان، اساتید، و پیش بینی ها"، کسانی چون یان برمر، بنیان گذار بنیاد اوراسیا گروپ، جوزف نای، استاد هاروارد، قضان سلامه، رئیس دانشکده روابط بین الملل پاریس، و بسیاری دیگر کارشناسان درباره این به بحث نشستند که ائتلاف های قدیمی (مثلاً میان ایالات متحد و ژاپن، ایالات متحد و آلمان، یا ایالات متحد و عربستان سعودی)، دارند ضعیف می شوند و از هم می گسلسند، هم زمان که ائتلاف های جدیدی دارند شکل می گیرند. استقلال فزاینده امریکار در بخش انرژی - که قلب رشد اقتصادی آینده این کشور است - به این معناست که ایالات متحد در آینده علاقه کم تری به خاورمیانه خواهد داشت، خلأیی که چین می توان پرش کند؛ چینی که چندان اهمیتی به رفتارها و عملکرد کشورهایی چون اسرائیل نمی دهد. در عین حال، مناقشه جهانی دارد به سمت شرق و به آسیا کشیده می شود، و به ویژه به دریاهای شرق و جنوب چین، و افزایش نفوذ و قدرت چین به مناقشه با ژاپن، و احتمالاً امریکای، می انجامد. آیا شاهد تکرار سال ۱۹۱۴ هستیم، که در آن مناقشه های کوچک میان کشورهای ظنین به یکدیگر به مناقشه های بزرگ عالم بسوز تبدیل شدند؟

۲ طبقه متوسط در دنیای توسعه یافته و دنیای در حال توسعه دارند جای خود را با هم عوض می کنند. در جلسه های بسیار جالب با موضوع "میانه در هم فشرده" لورا تاپسون، استاد دانشگاه برکلی و مشاور سابق اقتصادی کلینتون، اشاره کرد که طبقه متوسط در امریکار در سال ۱۹۹۹ به اوج گسترش خود رسید - آن گاه که درآمد متوسط خانواده امریکایی شروع به کم شدن کرد، و از آن زمان تا کنون ۱۳ درصد کاهش یافته است. انتظارات ما برای زندگی بهتر برای فرزندان مان و باور مان به نظام اقتصادی و سیاسی مان هر دو در حال ضعیف شدن هستند. در عین حال، نابرابری بیش تر به این معناست که ثروتمندان بیش از پیش به سرمایه گذاری در کالاها و خدمات عمومی بی میل تر خواهند شد - آن ها نظام های خصوصی آموزش و درمان راه می اندازند و درصد کم تری از درآمدشان را مالیات می دهند، که همین سرمایه گذاری در برنامه های عمومی که باقی کشور را بالای کشند را دشوار می سازد، و از این رو به نوبه خود بر نابرابری، ناآرامی و بی ثباتی اجتماعی می افزاید. یک بارقه امید این است که دستمزدهای پایین تر ایالات متحد را در زمینه ایجاد اشتغال رقابتی تری می سازد - رشد انفجاری تولید انبوه در ایالات متحد به این معناست که دنیای ثروتمند به جامعه تولید کننده تبدیل می شود، و هم زمان دنیای نوظهور (که طبقه متوسطش قدرت خرید بیش تری دارد) مصرف کننده می شود.

۳ بانکداران معتقدند که نظام مالی امن تر از گذشته است - اما نه هیچ کس دیگر. ریسک نسبی دارایی ها در بزرگ ترین موسسات مالی جهان از سال ۲۰۰۸ تا کنون اندکی کاهش یافته است، اما هنوز بسیار بالاتر از میزان سی سال پیش است. در عین حال، ۱۵ تریلیون دلار از پول بانک های مرکزی در چاه بحران مالی ریخته شده است و این بازارها را به هم ریخته و سهام و اوراق قرضه را با تهدید بزرگی از تنظیم و اُفت ارزش مواجه ساخته است. و بدهی چندان کاهش نیافته اما از بخش خصوصی به بخش عمومی دست به دست شده است، که حالا توان کم تری در مقابل و جبران بحرانی در آینده دارد. قوانین جهانی همچو قواعد بانکداری بازل III و قوانین دادفرانک رقیق شده اند، و کم تر کسی بر این عقیده است که این قوانین توانسته باشند مشکل «زمین خوردن» را حل کنند. در داووس، بعضی اوقات این احساس بهم دست می دهد که این موسسات «زیاده بزرگ» هر سال بین خود قرعه کشی می کنند که کدام از صنعت دفاع کنند (سال پیش قرعه به نام جیمو خورد؛ امسال به نظر می رسد بانکداران بریتانیایی از بار کلیز و اجاس بی بی این وظیفه را بر دوش دارند) اما وقتی یک سرمایه گذار ریسک پذیر مثل پل سینگر تأیید می کند که سیاست ها و مشتقات اقتصادی اثر منفی بر جامعه داشته اند می توان نتیجه گرفت که ریشه نظام مالی جهان پوسیدگی دارد.

داستان دو داووس

گزارش تحلیلی اکونومیست از اجلاس داووس: حرص کوتاه مدت، وهم بلندمدت



داووس منتقدان بسیاری دارد - نه فقط خبرنگارانی که می بینند همکاران شان گویا در این شهر برف گیر اوقات خوشی را از سر می گذرانند. این جایایی است که بسیاری از گفت و گوها با این عبارت آغاز می شود که: "قبول دارم که ثروت مندانی باید مالیات بیش تر بپردازند، اما..." و تأکید بیش تر بر آن "اما" است. با این حال داووس، بیش از هر گرد هم آیی دیگری روی زمین، نمایش تفکر کسب و کارهای بزرگ جهان است. و امسال تمایز جالبی میان حرص و آز کوتاه مدت و وهم و ترس بلندمدت وجود داشت.

حرص و آزی که می گویم از خوش بینی ای شکننده درباره چشم اندازهای آینده نزدیک در بسیاری از بازارها می آید - به ویژه امریکا. مدام اعتماد به حقیقی بودن احیاء اقتصادی بیش تر می شود و بیش از پیش معلوم می شود که سرمایه داری امریکایی جادوی خود را به کار انداخته است.

باقی دنیا ناهمگون تر به نظر می رسد، اما نه چندان بیمار و نزار. بریتانیا و ژاپن هم وضع مشابهی دارند. در جبهه اقتصاد، آبه نومیکس و کامرونومیکس تحسین برانگیز بوده اند، اما سیاست های خارجی نگران کننده اند: برای مدیران شرکت های بزرگ، جنگ ژاپنی ها با چین یا خروج کشورها از اتحادیه اروپا واقعه ای ناخوشایند خواهد بود. در مورد چین هم، روسای شرکت های بزرگ پذیرفته اند که اقتصاد این کشور دارد آرام می گیرد - و می توان غرورند بسیاری را شنید که پول در آوردن در چین زیاده از حد سخت شده است - اما هیچ کدام شان نگران سقوطی سخت نیستند؛ در مورد بیش تر بازارهای نوظهور هم وضع به همین منوال است.

در این میان فقط حوزه یورو و است که چندان چشم انداز درخشانی ندارد. اشتیاق چندانی برای سرمایه گذاری در این اقلیم که یکی از روسای این شرکت ها "سرزمین مردگان زنده" خوانده بود، وجود ندارد. اما، همان طور که این رئیس بنفوذ اشاره می کند، ترس و نگرانی های کم تری از فروپاشی و تجزیه یورو - و مبتلا ساختن اقتصاد دنیا به امراض مختلف - وجود دارد.

خلاصه این که کسب و کارهای بزرگ دنیا اعتماد بیش تری به آینده نزدیک جهان دارند، اعتمادی بیش تر نسبت به یک دهه گذشته. هنوز در افق ابرهای تیره ای نمایان است. یکی از بانکداران در داووس گفته بود که در ۱۴ ماه آینده نزدیک به ۵۰ انتخابات در جهان برگزار خواهد شد. اما هنوز فرصتهایی برای پول در آوردن از تکنولوژی های جدید (قیمت فزاینده سهام فیس بوک به تازگی شریل سندبرگ را میلیاردر کرده است) تادارایی ها و کسب و کارهای قدیمی (بلک استون، یک بنگاه مدیریت دارایی خصوصی، به آرامی به بزرگ ترین مالک دنیا تبدیل می شود) وجود دارد. همه جا حرف از رشد است.

اما هنوز نگرانی هایی درباره بلندمدت وجود دارد، که آرام به پارانویا و ترسی شدید تبدیل می شوند. و بزرگ ترین نگرانی اشتغال است. مدیران عامل شرکت ها هم زمان با احیاء اقتصاد از استخدام افراد بیش تر حرف می زنند، اما نه آن قدر که دنیا انتظارش را دارد. در مرکز این ترس ها تکنولوژی ایستاده است. روسای شرکت ها خیال شان راحت است که ربات ها و نرم افزارهای هوشمند به شرکت های آن ها کمک خواهند کرد مدام محصولات بهتری تولید کنند و سودهای بیش تری به جیب بزنند؛ اما اصلاً مطمئن نیستند که چه تعداد شغل ایجاد خواهند کرد. و از این که کارگران غربی چه قدر برای ورود به عصر جدید ناآماده می نمایند مایوس و سرخورده هستند.

جالب این جاست که صاحبان شرکت های بزرگ فن آوری، که خوش بین ترین روسا هستند، در مورد ایجاد اشتغال بیش ترین بدبینی را دارند. اریک اشمیت، رئیس گوگل، وضعیت کنونی را بای نظمی و آشوبی که انقلاب صنعتی پدید آورد مقایسه می کند؛ آشوب حاصل از انقلاب دیجیتال هم دهه ها طول خواهد کشید. دیگر روسا از تأثیرات نابرابری نگران هستند - و از اثرات آن بر سیاست، و در نهایت تأثیرش بر شرکت ها و خود آن ها. یک رئیس اروپایی می گوید، "اگر جامعه معتقد است که ما ثروت خلق می کنیم نه اشتغال، علیه ما قیام خواهد کرد."



نگرانی هایی درباره بلندمدت وجود دارد، که آرام آرام به پارانویا و ترسی شدید تبدیل می شوند. و بزرگ ترین نگرانی اشتغال است. مدیران عامل شرکت ها هم زمان با احیاء اقتصاد از استخدام افراد بیش تر حرف می زنند، اما نه آن قدر که دنیا انتظارش را دارد.

امنیت و جزر و مدهای سرمایه‌گذاری خارجی

با آثاری از:

□ محمدرضا بهرامن □ حمیدرضا فولادگر □ محمدرضا پورابراهیمی

□ حمیدرضا صالحی □ نادر فریدونی □ حسین دهنده‌شستی

□ هوشنگ امینی □ غلامرضا تاجگردون □ اسماعیل چلیلی □ پرویز حسایی

و گفت‌وگو با ابراهیم افضل‌کوده‌هی، مدیر کل دفتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران

در ضرورت ایمن‌سازی

چرا در جذب سرمایه‌های خارجی
در بخش معدن موفق نبوده‌ایم؟



■ محمدرضا بهرامن

عضو شورای مشاورتی وزارت
صنعت، معدن و تجارت

یکی از مهم‌ترین مولفه‌های رشد اقتصادی در هر کشوری با هر رویه سیاسی و اقتصادی اعم از سیستم اقتصادی متمرکز و یا بازارگرا، ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و پرهیز جدی از روش آزمون و خطاست. متأسفانه یکی از کهنه‌ترین و زیان‌بارترین مشکلاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقتصاد کشور ما درگیر آن بوده تعدد مراکز تصمیم‌گیری، بی‌ثباتی در وضع قوانین و اتخاذ تصمیم‌های غلط و یک‌شبه و مواردی چون وضع مقررات جدید، مهار تورم، جلوگیری از بزرگ شدن دولت و مانند این‌ها است که می‌تواند به نقض حقوق مالکیت سرمایه‌گذار خارجی و داخلی منجر شود. این نوشتار بنا دارد تا به تجزیه و تحلیل یافته‌هایی بپردازد که فضای سرمایه‌گذاری ایران را ناامن ساخته است. برخی از این مولفه‌ها سنتی و ریشه در فرهنگ یا ساخت سیاسی-اقتصادی کشورمان دارد و برخی دیگر به اهداف اقتصادی دولت‌ها و پارامترهای بین‌المللی و همچنین عملکرد سیاست‌گذاران حوزه اقتصادی مربوط می‌شود. همچنین در بخش دیگری از مقاله بنا است تا ورود سرمایه خارجی به بخش معدن ایران مورد بررسی قرار گیرد. از نظر علم روش‌شناسی تحقیق (Research Methodology) موضوع امنیت بحثی شخصی نیست و نمی‌توان آن را به طور مستقیم مشاهده و اندازه‌گیری کرد به همین خاطر موارد دیگری برای اندازه‌گیری امنیت برای



سرمایه‌گذاران در قالب مشاهدات عینی اقتصادی جامعه سرمایه‌پذیر همچون نرخ رشد (GDP)، نرخ تورم، نرخ بیکاری، تراز پرداخت‌ها و مشابه آن وجود دارد.

بخش خصوصی منفعل

بررسی در خصوص امنیت در حوزه اقتصاد و ترکیب عوامل ناامن کننده فضای سرمایه در آن، باعث بوجود آمدن بخش خصوصی منفعل در کشور شده است. آنچه مسلم است اقتصاد کشور ما از کمبودهای مزمنی رنج می‌برد که نقش بازدارنده در اقتصاد را بازی می‌کنند. از جمله این کمبودها می‌توان به دستیابی به نرخ رشد نسبی و قابل قبول اقتصادی، به مثابه جزء لاینفک توسعه، کمبود سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، بیکاری عظیم پنهان و آشکار، واسطه‌گری و نبود تولیدات پایدار با گرایش صادرات اشاره کرد. این مسائل موضوعاتی هستند که همواره در هرم اهداف تمامی برنامه‌های عمرانی کشور تاکنون قرار گرفته‌اند. اما با توجه به موارد یاد شده، این سوال مطرح است که چرا در ایران ضریب امنیت سرمایه‌گذاری کم است؟

صاحبان سرمایه با هر گرایشی و به دور از هر گونه نگاه سیاسی، در برنامه‌ریزی‌های خود برای سرمایه‌گذاری به دو موضوع محوری مهم توجه دارند. نخست اینکه از سودآوری قابل قبول پروژه‌ای که به وسیله سرمایه سرمایه‌گذار تعریف می‌شود، مطمئن باشند و نکته دوم اینکه موضوع و فاکتورهای فضای امنیتی و اطمینان از حاشیه امنیتی مطلق، مبنی بر عدم تعرض و تعدی سیاسی، دولتی، حقوقی، محلی و فرهنگی به سرمایه‌گذار آورده آنان تعیین و تأمین شده باشد.

بررسی مشکل اساسی فقدان سرمایه‌گذاری در ایران براساس مشاهده بانک جهانی به وسیله پارامترهایی که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت، به صورت نهادینه توضیح داده شده و فاکتورهای اصلی از جمله کمبود امنیت، دولتی بودن اقتصاد، تصمیم‌های موزی، تغییرات مدیران کلیدی در سطوح کشور و تفسیرهای مختلف از اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۴۴ در این فقدان تأثیرگذار قلمداد شده است. امروز مالکیت از نظر ماهیت حقوقی آن، رابطلهای است که به موجب قانون میان انسان و دارایی ایجاد می‌شود. بر اساس این رابطه انسان حق می‌یابد تا در مالی که ایجاد کرده و به دست آورده تصرف مالکانه داشته باشد و به هر طریقی اجازه استفاده آن مال را داشته باشد. بدیهی است این حق نیازمند فضایی است که اعمال آن را برای مالک، تضمین و تسهیل کند. در این خصوص اگر بخواهیم جوامع معدنی را به لحاظ جایگاه خاص اقتصادی آن‌ها طبقه‌بندی کنیم، یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها این است که آن جوامع را بر اساس راهکارهایی که برای اعمال حقوق مالکیت سرمایه‌گذار و تضمین آن به وجود آمده و نهادینه شده است، طبقه‌بندی کنیم. ولی چگونه باید به این مالکیت‌ها احترام گذاشت و آن‌ها را قانونمند دانست؟ تنها دولت‌هایی که از دهه ۱۹۸۰ رشد اقتصادی مطلوبی داشته‌اند، از ورود به حریم سرمایه‌گذاران و هرگونه اقدامی که مالکیت افراد را متزلزل یا مخدوش کند اجتناب کرده‌اند.

به همین خاطر امنیت سرمایه‌گذاری زمانی در ایران وجود خواهد داشت که توجهی خاص به مولفه مالکیت مادی و معنوی مبذول شود. در همین حال جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیازمند بازنگری در ساختار اقتصادی و قوانین جاری کشور همچون تضمین‌های لازم برای سرمایه‌گذاری، اصلاح قوانین و احترام گذاشتن به مالکیت خصوصی، فرهنگ‌سازی در جهت عدم وابستگی شدید به صادرات کالای تک محصولی (نفت) و هدایت انرژی به مدیریت تکنولوژی مدرن و نوآوری برای تولیدات جدید در کشور است. همچنین بازنگری در قانون کار و ناکارآمدی و دست‌وپاگیری بودن ساختار مالیاتی در خصوص حوزه‌های تولید، نامطلوب بودن کیفیت خدمات زیربنایی (حمل‌ونقل و تأمین زیرساخت‌های مناسب برای فعالین بخش تولید خصوصاً معدن که از وظایف دولت تعریف شده)، جلوگیری از روند سیستماتیک و گسترده قاچاق کالا و ارائه آمار و اطلاعات دقیق از ظرفیت‌های تولیدی و بازارهای مصرف از جمله دیگر عوامل بازدارنده در این زمینه به شمار می‌آید.

مسائل امنیت داخلی و بین‌المللی

بروز درگیری‌های جناحی در داخل برای کسب قدرت در نهایت به بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها و کالاهای وارداتی توسط لابی‌گران و دلالت منجر شده و نتیجه‌ای جز گرانی و تورم به دنبال نخواهد داشت. همچنین ایجاد چالش‌های گسترده با جوامع بین‌المللی و توسعه یافته حاصل آن تحریم‌های کمرشکن و شکننده بوده که فضای اقتصادی و تجاری ایران را تحت الشعاع قرار داده است. به هر حال کوشش‌هایی که هم‌اکنون برای امنیت محیط اقتصادی ایران انجام می‌شود، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و جهت‌دهی شود که به اصلاح تدریجی ایمن‌سازی در حوزه سرمایه‌گذاری منتهی شود. نتیجه این سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند در نهایت به جلب اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و همچنین جذب سرمایه‌های خارجی - به ویژه سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور - و تلاش برای جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی منجر شود. مطالعات انجام شده در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که نسبت سطوح حوزه امنیت

داووس و سرمایه‌گذاری خارجی

منابع محدود دولت

مخاطره‌های است پیش روی جذب سرمایه‌گذاری خارجی

منابع محدود دولت برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز مخاطره‌ای است پیش روی جذب سرمایه‌گذاری خارجی. بدون تردید برای رسیدن به رتبه اول علمی، فناوری و اقتصادی در منطقه نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی هستیم. قانون، اجازه استفاده از سرمایه خارجی را می‌دهد، قوانینی مثل قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و قانون اصل ۴۴ در همین زمینه اسناد مترقی برای حضور سرمایه خارجی در مرزهای ایران است و به همین خاطر در ابعاد قانونی و حقوقی مشکلی برای جذب این سرمایه‌ها نداریم. البته روند سرمایه‌گذاری خارجی بدون تردید با نظارت دولت و سازمان‌های مرتبط انجام می‌شود. در بودجه سال ۹۳ تمهیدات مثبتی برای جذب سرمایه خارجی در بخش نفت در نظر گرفته شده است تا در نفت و صنایع بالادستی آن، امکان سرمایه‌گذاری خارجی با روش‌های بیع متقابل وجود داشته باشد. اگر بخواهیم از رقابت با رقیبان منطقه‌ای پیروز بیرون بیاییم، باید از مزیت نسبی نفت و گاز و انرژی استفاده کنیم. برای این منظور باید راه سرمایه‌گذاری خارجی را باز کنیم. البته باید مراقبت کرد که منافع ملی مخدوش نشود. سرمایه‌گذاری نیاز به امنیت دارد و امنیت زمانی حاصل می‌شود که قوانین کسب و کار ما روشن باشد؛ منابع دست و پا گیر رفع شده و فضای سیاسی هم متشنج نباشد. برقراری آرامش در فضای سیاسی و اقتصادی و ثبات مدیریتی و پرهیز از اتخاذ سیاست‌های آنی و غیرمترقبه هم زمینه‌ساز جذب بهتر سرمایه‌های داخلی و خارجی است. رصد عملکرد دولت یازدهم در شش ماهه گذشته حکایت از آن دارد که توجه خاصی به این مسائل داشته است. جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی یکی از برنامه‌های دولت یازدهم در حوزه اقتصاد اعلام شده است. این یکی از راهکارهای متداول برای پیشبرد امور عمرانی در هر کشوری است که با کمبود منابع داخلی روبه‌رو است. اما باید دانست که تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های اجرایی برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور است. برای همین سرمایه‌گذاران خارجی به هر کارت دعوتی پاسخ مثبت نمی‌دهند و سرمایه‌های خود را بدون محاسبه و تضمین به هر جا روانه نمی‌کنند. به همین خاطر رییس دولت یازدهم در «اجلاس داووس» بخش قابل توجهی از مواضع و دیدگاه‌ها و اظهارات خود را به تشریح شرایط جدید ایران معطوف کرد تا اعلام کند که شرایط جمهوری اسلامی آماده هر گونه سرمایه‌گذاری است.

دولت یازدهم از ابتدا برنامه‌ها و سیاست‌هایی را اتخاذ کرده که حاصل آن‌ها در صورت تداوم و پیگیری، رونق بخشی به اقتصاد کشور خواهد بود. تدابیر دولت در حوزه سیاست خارجی و گفت‌وگوهای هسته‌ای که منجر به توافق ژنو شد، راه‌رفت و آمدهای سیاسی و اقتصادی را به تهران باز کرد و گزارش‌های مختلف نشان از آن دارد که شرکت‌های بزرگ اقتصادی خارجی از هم‌اکنون برای حضور احتمالی در ایران رقابت می‌کنند. نمایندگان مجلس هم هم‌صدا با کارشناسان و فعالان اقتصادی تمرکز رئیس‌جمهوری بر زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی را مورد تأیید قرار می‌دهند.



■ حمیدرضا فولادگر
رئیس کمیسیون
ویژه حمایت از
تولید ملی مجلس

تأمین امنیت
سرمایه‌گذاری،
یکی از مهم‌ترین
ضمانت‌های
اجرایی برای
افزایش
سرمایه‌گذاری
خارجی در کشور
است. برای همین
سرمایه‌گذاران
خارجی به هر
کارت دعوتی
پاسخ مثبت
نمی‌دهند و
سرمایه‌های خود
را بدون محاسبه
و تضمین به هر جا
روان نمی‌کنند.





شرایط کنونی اقتصاد ایران نیز جذب منابع مالی خارجی را ضروری ساخته است. الزام اول ایران در جذب این منابع ناشی از کمبود منابع مالی داخلی برای سرمایه گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی است زیرا این صنعت نیاز به حجم بالایی سرمایه گذاری دارد و جزء صنایع محسوب می شود.

فضای سرمایه گذاری با میزان سرمایه گذاری تحقق یافته (بخش خصوصی) با نرخ نسبی توسعه و رشد اقتصادی، رابطه میان فضای امنیت و آورده سرمایه گذاران و بهره‌وری را اثبات کرده‌اند. با توجه به لزوم بازسازی و توسعه اقتصادی و خروج از فضای حاکمیت اقتصاد دولتی، قانونگذاری در طراحی فضای قانونی و مقرراتی کشور و نیز در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ای سوم و چهارم، مباحث مرتبط با تامین مالی خارجی و سرمایه گذاری خارجی با نگاهی ویژه مورد توجه قرار دارد. امروزه جذب منابع مالی خارجی در انواع گوناگون آن از اولویت‌های غالب کشورهای جهان بوده و به یکی از پیش‌نیازها و ضرورت‌های دستیابی به اهداف توسعه‌ای و چشم‌اندازهای اقتصادی بدل شده است. شاید در کنار چالش‌ها و پیش‌نیازهایی که برای توفیق در جذب سرمایه گذاری خارجی قابل توجه است، طراحی و اعمال مشوق‌های مؤثر و کارآمد برای جهت‌دهی و تعیین اولویت منابع ورودی و سرمایه‌های خارجی به بخش‌ها، زیربخش‌ها و رشته‌های گوناگون اقتصادی از الزام‌ها و نیازهای امروز کشور به شمار آید. ماده ۱۱۱ قانون برنامه پنجم، ضمن تأیید این نیاز، بر تقویت و تجهیز سازمان سرمایه گذاری به عنوان دستگاه متولی این حوزه تأکید دارد. گرچه اجرای این تکلیف قانونی از طرف دولت به دستگاه تخصصی مربوطه، سازمان سرمایه گذاری به عنوان دستگاه متولی این حوزه محول شده اما بدیهی است به دلیل تنوع فراوان بخشی در اقتصاد کشور و نیز وسعت و پهنای آن و اثرات و الزامات متفاوت در پذیرش سرمایه گذاران خارجی در هر بخش و یا منطقه، طراحی برای تدارک و ارائه بسته تشویقی جامع و کارآمد، نیاز به مشارکت و همکاری تمامی دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی کشور دارد. به همین خاطر، خانه معدن ایران با همکاری سازمان زمین‌شناسی کشور اقدام به راه‌اندازی شورایی تحت عنوان شورای هم‌اندیشی فرصت‌های سرمایه گذاری خارجی معادن کرده تا با گردآوری شکل‌های تخصصی و فوق تخصصی معدنی به بررسی ضعف‌ها و چالش‌ها، توانایی‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در این زمینه بپردازد. کشور ایران با داشتن ۳ درصد از ذخایر جهانی دارای بیش از ۵۸ میلیارد تن ذخایر معدنی است که از این میزان ۳۲ میلیارد تن ذخایر قطعی و ۲۶ میلیارد تن، احتمالی است. این ارقام کشورمان را جزو بیست کشور اول دنیا در زمینه ذخایر معدنی قرار می‌دهد. علاوه بر ذخیره از نظر تنوع ذخایر نیز، ایران یکی از شاخص‌ترین کشورها به شمار می‌رود. چنین ویژگی‌هایی کافی است تا هر شرکت معتبر بین‌المللی فعال در بخش معدن و صنایع معدنی برای حضور در ایران و سرمایه گذاری مجاب شود. با وجود این ایران تاکنون نتوانسته در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی در بخش معدن و صنایع معدنی موفق عمل کند، که این عدم موفقیت به ویژه در حوزه‌های اکتشاف و استخراج بیشتر بوده است.

جلب سرمایه گذار بین‌المللی و لزوم شفافیت

حضور بنگاه‌های چندملیتی و شرکت‌های بزرگ معدنی اروپایی، کانادایی، استرالیایی و آفریقای جنوبی در هر کشور می‌تواند آثار گوناگونی داشته باشد و به طور

مستقیم یا غیرمستقیم منافع اقتصادی و اجتماعی عاید کشور میزبان کند، البته این در صورتی عملی می‌شود که در کشور سرمایه پذیر شرایط اولیه فراهم باشد که این شرایط می‌تواند ایجاد بستر قانونی مناسب باشد یا پایداری قوانین و سیاست‌های دولت، اطلاعات معدنی معتبر و قابل دسترس، شفافیت در حق مالکیت و بهره‌مالکانه و قوانین حمایت از سرمایه گذاری خارجی با ضمانت اجرایی. البته نیروی انسانی ماهر و زیرساخت‌های مناسب سرمایه گذاری معدنی در ایران نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد که از جمله آن می‌توان به اثرات زیست محیطی، حجیم بودن سرمایه گذاری و وجود تعداد قابل توجهی شاخص‌های پیش‌بینی شده که هر یک می‌توانند ریسک را بالا ببرند، اشاره کرد. بدین ترتیب جلب سرمایه گذار بین‌المللی در این حوزه به شفافیت، ثبات در فضای سرمایه گذاری، برنامه‌ریزی و بستر سازی پایه‌ای و استراتژی مشخص نیاز دارد. ورود سرمایه خارجی به بخش معدن کشورهای در حال توسعه باعث انتقال دانش فنی جدید، مدیریت و نوآوری در تولید می‌شود و درآمد دولت‌ها را به طور نسبی افزایش می‌دهد. به دلیل فقدان منابع مالی داخلی یا عدم کارآمدی آن در کشورهای در حال توسعه، سرمایه گذاری خارجی یکی از مولفه‌های توسعه اقتصادی این جوامع به شمار می‌آید.

شرایط کنونی اقتصاد ایران نیز جذب منابع مالی خارجی را ضروری ساخته است. الزام اول ایران در جذب این منابع ناشی از کمبود منابع مالی داخلی برای سرمایه گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی است زیرا این صنعت نیاز به حجم بالایی سرمایه گذاری دارد و جزء صنایع «سرمایه‌بر» محسوب می‌شود. ضمن اینکه بر اساس برآوردهای انجام شده در مورد اهداف برنامه پنجم، پیش‌بینی شده که باید ۱/۳ تانیمی از منابع سرمایه گذاری از خارج تامین شود و این بخش نیز باید استعداد پذیرش سرمایه گذاری خارجی را در خود ایجاد کند. جذب درصد بیشتری از سرمایه‌های خارجی نشان از بهبود اعتبار اقتصادی ایران و در نتیجه ارتقای جایگاه و منزلت ایران در اقتصاد و تجارت جهانی دارد. عدم علاقه به سرمایه گذاری در بخش معدن ایران، تابع عواملی غیر از عوامل طبیعی و زمین‌شناختی است و بیشتر مربوط به علل سیاسی، مدیریتی، حقوقی و تکنولوژیکی است.

چالش‌های سرمایه گذاری خارجی در معدن

از چالش‌های عمده بخش معدن در سرمایه گذاری خارجی می‌توان به استنباط‌های ناصحیح از قوانین به ویژه قانون اساسی، ابهام در نقش برخی نهادها، تنگناها و نارسایی‌های موجود در برخی از قوانین و مقررات ذی‌ربط



قانون معادن و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، قانون کار، قانون تجارت، قانون مالیات‌ها و بیمه، سیستم بانکی و غیره) و کمبود جذابیت سرمایه گذاری در بخش معدن اشاره کرد. برای توجیه کارایی شرکت‌های خارجی سرمایه گذار معدنی در ایران می‌توان به یکی از شاخص‌ها توجه کرد و آن هم میزان کارایی حفاری‌ها توسط این شرکت‌هاست. مجموع حفاری شرکت‌های سرمایه گذاری بین‌المللی در طول ۱۶ سال در ایران برابر با حدود ۱۵۰ هزار متر بوده که معادل میزان حفاری یک سال در بخش اکتشافات دولتی است. یافته‌های اندک اکتشاف در بخش دولتی به هیچ وجه قابل مقایسه با یافته‌ها و کشفیات شرکت‌های بین‌المللی که در ایران حضور داشتند، نیست. این مساله خود دلیلی است بر استفاده از تکنولوژی بالا، مدیریت کارآمد و تجارت گسترده در شرکت‌های بین‌المللی. (البته باید این موضوع را در نظر گرفت که سرمایه گذاران خارجی در معادنی که تا حدودی وجود ذخایر اولیه در آن مشخص شده به اکتشاف می‌پردازند.)

اما دلیل عدم پیشرفت مناسب شرکت‌های بین‌المللی و سرمایه گذاری خارجی در بخش معدن ایران با توجه به تمایل بالای شرکت‌های خارجی برای حضور در ایران، متأسفانه به دلایل مختلف از جمله تبعیت برخی از آنان از اهداف سیاسی دولت‌های متبوع از یک سو و از سوی دیگر ناهماهنگی و ابهامات در تصمیم‌گیری‌های اولیه هنگام امضای قرارداد و موافقتنامه‌های آغازین و بر خورددهای سلیقه‌ای در ادامه کار، عدم ارتباط مناسب بین سازمان‌های ذی‌ربط، عدم ثبات مدیریت بالا و میانی در متولی بخش معدن کشور و ناتوانی سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در حل و فصل و رفع موانع و مشکلات پیش آمده برای تثبیت حضور و ادامه فعالیت سرمایه گذاران خارجی در بخش معدن ایران است.

رقابت پذیر کردن معادن و صنایع معدنی ایران

رقابت پذیر کردن معادن و صنایع معدنی ایران در بازارهای داخلی و جهانی از جمله اهداف استراتژیک کشور در بخش معدن و صنایع معدنی به شمار می‌آید. اما فرصت‌هایی که سرمایه گذاری خارجی در کشور ایجاد می‌کند شامل تامین منابع مالی، بازارهای خارجی و محدودیت صادرات محصولات معدنی، اشتغال‌زایی و توسعه منابع انسانی و انتقال دانش فنی می‌شود. از جمله ضعف‌ها و مشکلات عمومی سرمایه گذاری در بخش معدن کشور نیز می‌توان به عدم توجه کافی به بخش معدن در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی کشور، حجم بالای سرمایه گذاری و طولانی بودن دوره سرمایه گذاری و برگشت سرمایه، ریسک بالای سرمایه گذاری، ناکافی بودن اطلاعات پایه معدنی کشور، نبود زیرساخت‌های مناسب در مناطق مستعد معدنی، تنوع مراکز مجوزدهی و تصمیم‌گیری در حوزه معدن و عدم شفافیت لازم در قانون و آیین‌نامه اجرایی قانون اشاره کرد. و البته اغلب این مشکلات در فقدان استراتژی و برنامه مشخص جهت جذب سرمایه گذار خارجی در حوزه معدن، فرصت‌ها و محدودیت‌های قانونی بر سر راه سرمایه گذاری خارجی در بخش معدن و تمایل به مدیریت و کنترل روی سهم مالکیت ریشه دارد.

مضرات دولت دیوانسالار

در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹، ایران در بین ۶۰ کشور پذیرنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رتبه پنجاه و نهم و در میان هشت کشور منطقه رتبه هفتم را کسب کرده است



■ نادر فریدونی
نایب رئیس
فراکسیون
«حمایت از جذب
سرمایه‌گذاری»
مجلس

فراکسیون «حمایت از جذب سرمایه‌گذاری» با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در بخش‌های مختلف صنعتی و اقتصادی در مناطق مختلف کشور در مجلس شورای اسلامی ایجاد شده و برنامه‌ریزی به منظور جذب بیشتر سرمایه‌گذاری برای صنعت نفت در زمره برنامه‌ریزی‌های آتی این فراکسیون قرار دارد. توسعه اقتصادی بدون شک خواسته هر کشوری است اما در مسیر توسعه وجود منابع مالی لازم می‌تواند مسیر را هموارتر سازد. دسترسی به رشد اقتصادی با وجود مشکلات مالی پیش روی ایران، بدون در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری خارجی امکان پذیر نیست و خوشبختانه حالا هم شرایطی به وجود آمده که می‌توان به لغو تحریم‌ها و رشد اقتصادی در پرتو توسعه روابط تجاری ایران خوش بین بود. همواره در شرایطی که منابع مالی داخلی ناتوان از تغذیه برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است، استفاده از منابع مالی خارجی که اغلب در قوانین توسعه‌ای بالادستی هم پیش‌بینی شده، ضروری و الزامی است. الزام دیگر ایران در جذب منابع مالی خارجی، نیاز شدید به ورود فن‌آوری‌ها و سیستم‌های مدیریتی پیشرفته است. جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به طور طبیعی زمینه انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته رزرو فنون مدیریتی کارآمد به کشور را فراهم می‌سازد. بدون تردید حضور موفق و فعال ایران در عرصه اقتصاد و تجارت جهانی مستلزم هماهنگی ساختارهای اقتصادی و صنعتی با فن‌آوری‌های روز و فنون مدیریتی جدید است. علاوه بر موارد فوق، جذب درصد بیشتری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی نشان از بهبود اعتبار اقتصادی ایران و در نتیجه ارتقای جایگاه و منزلت ایران در اقتصاد و تجارت جهانی است. خوشبختانه منابع خدادادی و امنیت موجود در کشور و به ویژه موقعیت ژئواستراتژیک ایران همه‌گونه امکانات برای ایجاد بستر مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به وجود می‌آورد. توجه رئیس‌جمهوری به جذب سرمایه‌گذاری خارجی بدون شک از همین منظر انجام می‌شود. روند طی شده در بحث‌های اقتصادی تا به اینجای کار، به ویژه مواضع آقای رئیس‌جمهوری و عملکرد دولت در جهت تنش‌زدایی و معرفی چهره واقعی ایران به عنوان یک منطقه امن و کم‌ریسک برای سرمایه‌گذاری اقدام خردمندانه‌ای است. علاوه بر حوزه سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس آمارهای چیزی حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی و حدود ۲۰ میلیارد دلار به صورت ذخیره دست مردم داریم که با اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌تواند در حوزه تولید سرمایه‌گذاری شود. وقتی از جذب سرمایه‌گذاری صحبت می‌کنیم بدون شک می‌شود برای جذب سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور هم برنامه‌ریزی کرد. علاوه بر این، ایرانیان خارج از کشور می‌توانند پل واسطی بین داخل و خارج باشند تا از طریق روابط آن‌ها، جذب سرمایه‌های خارجی تسهیل شود. البته در این مسیر پیچ و خم‌هایی وجود دارد و موانع حقوقی یا سیاسی سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور مطرح است که خوشبختانه این‌ها مسائل پیچیده و لاینحلی نبوده و امیدواریم به سرعت در مراجع ذی‌ربط حل و فصل شود. در همین زمینه در قوه قضائیه ستادی تشکیل شده و اراده‌ای برای حل این قبیل مشکلات وجود دارد. متأسفانه مادر سال‌های گذشته آمار خوبی در جذب سرمایه‌های خارجی نداشتیم. کشورهای اطراف ما از این حیث با فاصله از ما پیش افتاده‌اند و گوی سبقت را از ما ربوده‌اند. سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل فقدان منابع مالی داخلی با عدم کارآمدی آن در کشورهای در حال توسعه موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی این جوامع به شمار می‌آید. شرایط کنونی اقتصاد ایران نیز جذب منابع مالی خارجی را ضروری ساخته است. الزام اول ایران در جذب این منابع ناشی از کمبود منابع مالی داخلی است. ایران با وجود شرایط سخت اقتصادی و نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، در جذب این منابع مالی موفق نبوده است. براساس گزارش‌های منتشره در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹، ایران در بین ۶۰ کشور پذیرنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رتبه پنجاه و نهم و در میان هشت کشور منطقه رتبه هفتم را کسب کرده است. اگر بخواهیم محور ناکامی ایران در جذب سرمایه‌گذاری را مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم، باید به مواردی چون ضعف اقتصادی، اعطای امتیازات و تسهیلات نادرست به سرمایه‌گذاران، دیوانسالاری گسترده و مشکلات نهادی و قانونی اشاره کرد. در موضوع «ضعف اقتصادی» باید گفت که سرمایه‌گذاری به طور اعم چه داخلی و چه خارجی در مکانی صورت می‌گیرد که امنیت وجود داشته باشد. امنیت اقتصادی اصولاً ناظر بر حقوق مالکیت افراد و تضمین اجرای قراردادها است. منظور از حقوق مالکیت فردی، حقوق مالکیت خصوصی است. از سوی دیگر یکی از اشتباهات رایج در ایران تلقی اعطای امتیازات و تسهیلات به سرمایه‌گذاران به جای تضمین قراردادها در چارچوب ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری است. این مساله نه تنها به سرمایه‌گذاری در کشور کمک نکرده بلکه باعث ایجاد فساد و خارج شدن سرمایه‌گذاری از مسیر اصلی شده است. یعنی کسانی وارد میدان سرمایه‌گذاری شده‌اند که سرمایه‌گذار نبوده و صرفاً با بهره‌گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوءاستفاده از امتیازات و تسهیلات اعطایی، اقدام به فعالیت کرده‌اند. ارائه تسهیلات بانکی و معافیت‌های مختلف زمینه‌ساز ایجاد رانت است. این مساله، روند سرمایه‌گذاری و تولید را دچار اختلال کرده است.

همچنین بزرگ‌ترین عامل نامانی در اقتصاد ایران به طور عام و سرمایه‌گذاری به طور خاص، دیوانسالاری دولت است. علت عمده این مساله، مقررات دست و پاگیر و وجود نهاد‌های مشابه و موازی است. حکومت قانون با اجرای مقررات زیاد و آئین‌نامه‌های متعدد همخوانی ندارد. در حقیقت مقررات وقتی زیاد می‌شود، اجرائی نمی‌شود. به هر شکل ایران برای توسعه و رشد اقتصادی به دلایلی که پیش‌تر به تفصیل گفتیم نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و نمی‌تواند بدون منابع مالی ناشی از جذب سرمایه به آسانی رکود تورمی کنونی را کاهش داده و شرایط را به وضعیت رشد اقتصادی برساند.

بزنگاه تاریخی

سرمایه‌گذاری در انرژی
مشکلات و راهکارها



■ حسین دهدشتی
نایب رئیس
کمیسیون انرژی
مجلس

طی ماه‌های اخیر بنا بر رویکرد دولت و وضعیت بین‌المللی شرایط کشور بیش از هر زمان دیگری برای سرمایه‌گذاری خارجی مهیا است و چه دولتمردان و چه اهل تولید و اقتصاد در کشور نباید به این سادگی‌ها این فرصت را از دست بدهند. به همین خاطر سازمان‌ها و نهاد‌های مرتبط با جذب سرمایه خارجی باید با حداقل‌سازی بروکراسی اداری، از اثرهای تشویقی برای جذب سرمایه خارجی بهره بگیرند. هر چند موج سرمایه‌گذاری‌ها در همین مدت کوتاه نشان از رغبت برخی کشورهای اروپا و به عرصه‌های اقتصادی ایران دارد.

۲ «برنامه‌ریزی مشخص» برای بهره‌گیری مناسب از سرمایه‌گذاری خارجی باید مورد تأکید مسوولان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد آنچنانکه قبل از پذیرش سرمایه‌گذاری‌های خارجی برنامه‌های مشخص برای نحوه استفاده از این منابع ارائه شود. این برنامه باید بر تعیین اولویت بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی یعنی جبران منابع مالی، جذب تکنولوژی‌های روز یا سیستم‌های کارآمد مدیریتی - یا به طور همزمان هر سه مورد - مبتنی باشد. ضمن اینکه لازم است تا بخش‌های اقتصادی با صناعی که بازدهی بیشتری برای کشور دارند در اولویت جذب سرمایه‌گذاری خارجی قرار بگیرند. به ویژه بخش‌هایی که به لحاظ ایجاد درآمد آری، افزایش اشتغال و کمک به حضور موفق بازارهای جهانی کارگشا هستند.

۳ پیوند سرمایه‌گذاری‌های خارجی با بخش خصوصی از دیگر مسائلی است که این روزها در موضوع جذب سرمایه‌گذاری خارجی باید مورد تأکید قرار گیرد. سرمایه‌گذاران خارجی به مفهوم واقعی کلمه زمانی جذب می‌شوند که با بخش خصوصی کشور میزان پیوند بخورند و فعالیت مشترک داشته باشند. بنابراین لازمه سرمایه‌گذاری خارجی، وجود یک بخش خصوصی قدرتمند است و نباید فراموش شود که در سال‌های اخیر بخش خصوصی ما به دنبال تحریم‌های گسترده آسیب دیده و جذب سرمایه‌گذاری خارجی باید با در نظر گرفتن شرایط ویژه بخش خصوصی لحاظ شده و به نوعی کمک‌حال بخش خصوصی آسیب دیده ما شود.

۴ شرط مقدماتی برای ایجاد «امنیت اقتصادی»، تقویت و فعال ساختن بخش خصوصی از یک طرف و از طرف دیگر تضمین اجرای قراردادها از طریق کاهش دیوانسالاری و ایجاد حکومت قانون است. به همین خاطر باید هر گونه فضای ارائه رانت و رانت‌خواری در فرآیند سرمایه‌گذاری از بین رفته و اعتماد میان سرمایه‌گذار و بخش مرجع به وجود آید. یکی از راه‌حل‌های اصلی در این مسیر مقررات‌دایی و ایجاد حکومت قانون و احترام به مالکیت خصوصی و تضمین اجرای قراردادها است.

شرط مقدماتی
برای ایجاد
«امنیت
اقتصادی»،
تقویت و فعال
ساختن بخش
خصوصی است.
باید هر گونه
فضای ارائه رانت
و رانت‌خواری
در فرآیند
سرمایه‌گذاری از
بین رفته و اعتماد
میان سرمایه‌گذار
و بخش مرجع به
وجود آید.

۱۴۰۰ فرصت سرمایه گذاری در ایران شناسایی شده است

گفت و گوی آینده نگر با ابوالفضل کوده‌ای مدیر کل دفتر سرمایه گذاری های خارجی ایران



آمنه شیرافکن: هنوز تحریم‌های دامن گستر علی‌ه ایران برداشته نشده، هیات‌های اقتصادی مختلف سفر به ایران را در دستور کار قرار داده‌اند. اگر روند لغو تحریم‌ها حسب تفاهم صورت گرفته انجام شود، ایران به یک فرصت اقتصادی قدرتمند برای جذب سرمایه خارجی در منطقه تبدیل خواهد شد. اما در آستانه این اتفاق برخی موانع قانونی و ساختاری کماکان پیش روی جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران قرار دارد و سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران زیر مجموعه وزارت امور اقتصاد و دارایی بنا دارد در زمینه رفع آن‌ها فعالیت‌هایی انجام دهد. فعالیت‌هایی که بدون ایجاد شبکه ارتباطی میان نهادهای مختلف شریک در جذب سرمایه خارجی به نتیجه نخواهد رسید. از سوی دیگر تغییر برخی قوانین و قانونگذاری‌های جدید به منظور تسهیل جذب سرمایه از دیگر برنامه‌های این سازمان است. در همین مسیر طرح پیشنهادی برای توسعه سطح سرمایه گذاری خارجی در بخش زیربنایی در حال تدوین است و تا چندی دیگر روانه مجلس خواهد شد. با این حال سازمان سرمایه گذاری در سال‌های گذشته به دلیل تحریم‌های گسترده علیه ایران و برخی ناکارآمدی‌های داخلی کم‌کارتر بوده و حالا نیازمند تجدید قوا است. ابوالفضل کوده‌ای، مدیر کل دفتر سرمایه گذاری های خارجی ایران در گفت و گو با «آینده نگر» ضمن ترسیم چشم‌اندازی از وضعیت جذب سرمایه در ایران نسبت به برخی چالش‌های پیش رو هشدار می‌دهد. او با ابراز امیدواری نسبت به این که برطرف شدن تحریم‌ها با ورود موجی از سرمایه خارجی به کشور به ویژه در بخش زیربنایی همراه شود، می‌گوید ایران پتانسیل بالایی برای جذب سرمایه خارجی دارد و با تسهیل روند امور و قانون‌زایی‌ها می‌توان نسبت به تسهیل امور اقدام کرد. کوده‌ای به آینده جذب سرمایه خارجی در ایران خوش بین است و تاکید دارد که سازمان سرمایه در سال‌های گذشته نیز با وجود تحریم‌ها بیکار ننشسته و در حوزه آموزش نیروی انسانی و قانونگذاری‌های متناسب اقدام لازم را انجام داده است.



عکس: امید ایران‌شهر

بین‌المللی چیست و چگونه می‌تواند بر اقتصاد ایران اثرگذار شود؟

در شرایط کنونی اگر امنیت سرمایه گذاری و رفع موانع ورود سرمایه به داخل کشور به سمتی برود که موضوع واهی «ایران هراسی» جای خودش را به نگاه توأم با اطمینان و معرفی پتانسیل‌ها و واقعیت‌های ایران بدهد، بدون تردید به سمت جذب سرمایه خارجی و توسعه زیرساخت‌ها و تکنولوژی و در عین حال جذب سرمایه در پروژه‌های اقتصادی پیش خواهیم رفت. از سوی دیگر برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی می‌تواند فرصت مناسبی برای تسهیل فرآیند جذب سرمایه خارجی در ایران باشد؛ تحریم‌هایی که در سال‌های گذشته به دلایل واهی علیه ایران وضع شده و حالا دیپلماسی و سیاست خارجی به کمک برداشتن آنها آمده است. مجموعه این چند عامل در

سرمایه گذار خارجی باید چه سیاست‌های راهبردی تازه‌ای را در پیش گیرد؟

شناسایی موانع، نیازها و دغدغه‌های اصلی سرمایه گذار خارجی و تلاش برای رفع موانع مهم‌ترین گام برای ایجاد فرصت سرمایه گذاری خارجی است. مهم‌ترین دغدغه سرمایه گذار خارجی بحث امنیت و سودآوری بودن پروژه در کشور میزبان است و حالا این بحث مطرح است که در این زمینه کشور میزبان باید چه برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشد. بدون شک تامین بحث «امنیت» یک وظیفه حاکمیتی است و رفع دغدغه نسبت به سودآوری هم از طریق مشاوره مالی و فنی با کارشناسان شرکت مورد نظر و هم بازاریابی و مطالعه و امکان‌سنجی انجام پذیرفته و مشخص خواهد شد که یک پروژه سودآور است یا نه.

باید‌ها و نبایدهای تحول در حوزه معاملات

با توجه به تحولات پیش آمده در حوزه دیپلماسی و روابط خارجی ایران با جهان چه سطحی از تغییر در عرصه اقتصادی و توسعه روابط تجاری ایران و جهان به وجود آمده است؟

در جذب سرمایه گذاری در دو بعد می‌توانیم فاکتورها را دسته‌بندی کنیم؛ یکی بعد داخلی و آمادگی کشور سرمایه‌پذیری مثل ایران برای ایجاد بسترهای قانونی، حمایتی و معرفی فرصت‌های سرمایه گذاری است و دیگری هم آمادگی دستگاه‌های ذی‌ربط برای جذب سرمایه دستگاه‌های خارجی. البته فکر می‌کنم سوال شما بیشتر به بعد بین‌المللی و ایجاد امکان سرمایه گذاری برای حضور بخش سرمایه خارجی در ایران مرتبط می‌شود.

بله، و اینکه کشور ایران برای جذب هرچه بهتر

ورود سرمایه‌گذار خارجی برای بررسی بازار سرمایه‌گذاری ایران و گفت و گو با طرف ایرانی، انعقاد قرارداد و ورود سرمایه موثر خواهد بود. شاهد این که در همین مراحل ابتدایی کار و پیش‌بینی بهبود حداقلی، هیات‌های متنوعی از کشورهای مختلف به ایران آمده‌اند.

II خیلی‌ها معتقدند که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی صرفاً خوش‌بین شده‌ایم، اما گویا هنوز به شکل عملیاتی وارد فاز تغییر نشده‌ایم، آیا صرفاً ورود هیات‌ها می‌تواند ما را به سمت تغییر اساسی در حوزه جذب سرمایه خارجی سوق دهد؟

سرمایه‌گذار خارجی حرفه‌ای فرصت و زمان را معتدّم می‌شمرد. به همین خاطر حضور این‌ها با هزینه خودشان و تمایل برای شناسایی بازار ایران - با توجه به ریسک‌های موجود - نشان می‌دهد که طرف خارجی پیام تغییر را دریافت کرده است. ماه‌ها می‌دانیم که این‌ها تازه گام‌های نخستین است اما سرمایه‌گذار خارجی تیزهوش است و از همین حالا - حتی پیش از لغو رسمی تحریم - به دنبال شناسایی بازار ایران و آینده‌سنجی برای هر نوع سرمایه‌گذاری احتمالی است. سرمایه‌گذار خارجی بدون شک نمی‌خواهد در رقابت جهانی فرصت سرمایه‌گذاری در بازارهای ایران را از دست بدهد. آنها دارای هوش و درایت هستند و برنامه‌ریزی لازم برای تغییرات آتی را از همین حالا انجام خواهند داد. سرمایه‌گذاری برای آنها یک گام به جلو است، آنها در حال حاضر در پی شناسایی‌اند، گاهی هم با طرف ایرانی به تفاهم‌نامه اولیه می‌رسند و در مقایسه با رقبای تجاری خود که بعدتر وارد ایران می‌شوند، چند گام جلوتر هستند.

III با توجه به وضع مداوم تحریم‌ها علیه ایران طی سال‌های گذشته وضعیت تعامل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی با صاحبان سرمایه چگونه بود؟

نه تنها در سال ۱۳۹۲ بلکه در این سال‌ها، حتی در محدودیت سال‌های گذشته ما هیچگاه خالی از تعامل و توافق اقتصادی با سرمایه‌گذار خارجی نبودیم، چنانکه در سال‌های گذشته نیز خیلی از سرمایه‌گذاران خارجی تلاش کردند تا رابطه‌شان را با ما قطع نکنند. حالا که بر اساس توافق‌ها فضا را بهتر می‌بینند، بدون تردید هم سطح درخواست‌ها و هم مکاتبات با سازمان بیشتر شده و هم سفارتخانه‌ها نیز به عنوان حلقه‌های میانی تلاش می‌کنند تا بتوانند کانال ارتباطی میان ایران و جهان باشند. شرکت‌های پروموتور (Promoter) و توسعه‌گر که نقش ارتباط‌دهنده میان ایران و فرصت‌های خارجی را برعهده دارند نیز در همین زمینه فعال شده‌اند. به همین خاطر دور نیست زمانی که به سمت عملیاتی شدن جذب سرمایه خارجی در ایران برویم.

IV در سال‌های گذشته با توجه به جهت‌گیری سیاسی دولت قبل، جذب سرمایه خارجی در ایران با چه مشکلاتی مواجه بود؟

به نظر من در جذب سرمایه‌گذاری در بعد بین‌المللی نمی‌توان از هجمه بین‌المللی غافل ماند، حتی در موارد انسان‌دوستانه که خودشان ادعا می‌کنند به رعایت آن پایبند هستند، اما پای عمل که می‌رسد چیز دیگری می‌شود. در عمل می‌توانیم ببینیم که محدودیت‌ها را بر ما تحمیل کردند، وقتی تاین حد پیش می‌رویم، بدون شک این مسائل در خیلی از تلاش‌های ما تاثیرگذار است و امکان انتقال سرمایه هم وجود ندارد.

خوشبختانه این روزها شاهد حضور و درخواست بیشتر سرمایه‌گذار خارجی هستیم اما عملیاتی شدن درخواست‌ها و مکاتبات‌ها نیازمند لغو تحریم‌ها و تسهیل در امر ورود سرمایه به داخل کشور است.

II تجربه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در برخی موارد چندان امیدوارکننده نیست؛ از عسلویه گرفته تا پروژه فرودگاه امام خمینی و اپراتور تلفن همراه. فکر می‌کنید دلیل ناموفق بودن این پروژه‌ها چه بوده؟

ما در کشورمان قانون حمایت از جذب سرمایه‌گذاری خارجی داریم. تعهدات دولت و حاکمیت در برابر سرمایه‌گذار خارجی مشخص شده و فرآیند صدور مجوز سرمایه‌گذاری نیز تعیین شده است. همچنین ماده ۱۵ قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی تصریح کرده که طرف خارجی با طرف

داخلی وارد قرارداد شود و تمام شیوه‌های فنی را در قرارداد ببیند و موافقت اصولی دستگاه‌های ذی‌ربط را بگیرد. بعد از گذراندن این مرحله می‌تواند موافقت سرمایه‌گذاری را از مادر یافت کرده و وارد فاز دوم کار شود. در این مواردی که شما گفتید، هیچ‌کدام به این مرحله صدور مجوز نرسید. مورد فرودگاه امام خمینی (ره) که اصلاً به جذب سرمایه‌گذاری خارجی هم نرسید و به عقد قرارداد ابتدایی هم منجر نشد چه برسد به اینکه سرمایه‌ای وارد کشور شود. بنابراین فرآیند نخست منوط به دریافت مجوز و در مراحل بعدی وارد شدن منابع مالی به داخل کشور است. وقتی این امر محقق شد آن وقت حتی برای پوشش ریسک‌های طرف سرمایه‌گذار هم تعهد داریم و در این نمونه‌هایی که شما گفتید قصور و کاستی از طرف دولت ایران به وجود نیامده بود.

III اما کارشناسان به برخی موانع حقوقی اشاره

زدودن ذهنیت‌های منفی

در باب رشد منفی اقتصاد و امنیت سرمایه‌گذار خارجی

دولت به‌رغم آنکه بزرگترین کارفرما و قدرتمندترین نهاد سیاسی و اقتصادی ایران است، توان مالی محدودی برای سرمایه‌گذاری دارد، به همین خاطر اکنون که شرایط اقتصادی کشور به دنبال تحولات سال‌های اخیر، شرایط رکود تورمی را طی می‌کند، ضرورت ورود سرمایه‌گذاران خارجی برای فعال کردن ظرفیت‌های اقتصادی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی وزارت نفت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، چنانکه از همان ابتدای آغاز به کار دولت یازدهم و انتخاب آقای زنگنه به‌عنوان وزیر نفت، در این وزارتخانه شتاب جدی در جذب سرمایه خارجی به چشم می‌خورد. نه تنها زنگنه که مدیران او اغلب در سفرهای خارجی هستند و تا به حال به خوبی توانسته‌اند پتانسیل سرمایه‌گذاری خارجی را شناسایی کنند. اما بهتر است که وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها در نفت که در حوزه‌های مختلف دیگر نیز به وجود آید و پیگیری شود. در همین زمینه مجلس آماده است با اصلاح برخی از قوانین برای ارتقای سرمایه‌گذاری خارجی اقدام لازم را انجام دهد. تفاوت مزیت‌ها و مشوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای مختلف باید در مجلس و دولت مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت در راستای تسهیل کردن سرمایه‌گذاری خارجی، تصمیم‌های اصولی اتخاذ شود. اما در شیوه تامین منابع مالی به روش فاینانس، دولت مجبور است بازپرداخت تسهیلات را نیز تضمین کند، در حالی که در پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی ریسک پروژه به عهده سرمایه‌گذار است.

کشورهای مختلف دنیا همواره تلاش می‌کنند با ارائه مزیت‌ها و بسته‌های تشویقی متعدد، از جمله معافیت‌های مالیاتی، وام‌های ترجیحی و بلاعوض جذب سرمایه‌گذار خارجی را افزایش دهند؛ در ایران نیز دولت و مجلس باید با همکاری اصولی زمینه جذب سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیربنایی از راه‌آهن گرفته تا نیروگاه‌ها و دیگر عرصه‌ها را برای حضور حداکثری سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کنند.

نبود حمایت‌های لازم از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی یکی از موانع پیش روی جذب سرمایه است. وقتی فرآیند صدور یک مجوز برای سرمایه‌گذاری طولانی شده و حمایت قانونی لازم صورت نمی‌گیرد، ریسک سرمایه‌گذار در کشور بالا می‌رود. یکی از موانع سرمایه‌گذاری در ایران، ذهنیت غلطی است که بین کشورهای دیگر و فعالان بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی نسبت به ایران ایجاد شده است. اما روندی که دولت روحانی در پیش گرفته از جهت مختلفی توانسته تصویر ایران در جهان را تغییر دهد. وقتی بالاترین مقام اجرایی کشور در یک جمع بین‌المللی و رسمی نظرات و علاقه خود را برای جذب سرمایه‌گذاری اعلام می‌کند، مطمئناً به زدودن ذهنیت‌های منفی نسبت به کشور، کمک شایان توجهی می‌کند. این یکی از وظایف دولت است که آقای روحانی هم به خوبی در اجلاس داووس از فرصتی که کشورهای صنعتی و توسعه یافته در آن حضور داشتند، استفاده کرد و آن را به نواحسن به انجام رساند. باید احساس امنیت را در سرمایه‌گذار خارجی ایجاد کنیم تا سرمایه‌گذاران بدون هیچ دغدغه‌ای در کشورمان حضور پیدا کنند. در ایران پروژه‌های عظیمی وجود دارد و پتانسیل‌های خوبی در زمینه‌های صنعت حمل‌ونقل و عمرانی داریم که سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کرده و سود خوبی را کسب کند.

البته باید توجه داشت، کشوری که رشد اقتصادی منفی داشته باشد نمی‌تواند امنیت اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران خارجی تامین کند. بنابراین در کنار تلاش برای جذب سرمایه خارجی باید نخست وضعیت کسب و کار داخلی را سر و سامان داد و مجلس و دولت و دیگر نهادها در کنار هم در کنترل تورم و نقدینگی و ایجاد فضای ایمن برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تلاش کنند.



خوشبختانه

این روزها

شاهد حضور و

درخواست بیشتر

سرمایه‌گذار

خارجی هستیم

اما عملیاتی شدن

درخواست‌ها و

مکاتبات‌ها نیازمند

لغو تحریم‌ها و

تسهیل در امر

ورود سرمایه

به داخل کشور

است.



■ اسماعیل جبلی

عضو کمیسیون

برنامه و بودجه

مجلس



فرم‌های یونیدو (با شاخص‌های سازمان ملل) را خلاصه و متناسب با ایران طراحی کردیم و در اختیار بخش دولتی قرار دادیم و با جمع‌آوری داده‌های مختلف با روش‌های استاندارد در نهایت ۱۴۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری در ایران شناسایی شده و باز هم در میان این فرصت‌ها در حال غربالگری هستیم.



پرویز حسینی
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

دارند...

به لحاظ قانونی «قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» به شکل تطبیقی نوشته شده و اکثر کشورهایی که قانون با الهام از قوانین آنها نوشته شده بر این صحنه می‌گذارند. اما به لحاظ گفت‌وگوی داخلی با دستگاه‌های ذی‌ربط، نحوه داوری و مشاوره حقوقی باید به درستی انجام شود. مورد به مورد این‌ها جای بحث دارد، اینکه طرف‌های داخلی ما چگونه وارد قرارداد شده‌اند و جزئیات دیگر، به هر حال ما صدها مجوز سرمایه‌گذاری خارجی را صادر کردیم، مانند سرمایه‌گذاری در حوزه مخابرات، صنعت، معدن، صنایع غذایی و ساختمان و حتی خدمات. امروز در خدمات و فروشگاه‌های زنجیره‌ای یکی از شرکت‌هایی که توانسته به خوبی اقدام کند، اتفاقاً سرمایه‌گذار خارجی است. در مخابرات هم نمونه ایرانسل و سطح اشتغال ایجاد شده قابل توجه است. مزیت‌های نسبی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بالا است و نرخ متوسط سودآوری طرح‌ها بالا است. به همین خاطر در جذب سرمایه‌گذار انتقال دانش مدیریتی و فنی و تکنولوژیک شکل گرفته و در مواردی نیز با سرمایه‌گذاری مشترک امکان خلق برندهای ایرانی با همکاری طرف خارجی و صادرات آن از ایران وجود دارد.

آیا پیشنهادها عملیاتی از جانب سرمایه‌گذاران خارجی برای بهبود شرایط تولید و صنعت ارائه شده است؟ منظوم شرکت‌های خارجی است که در ایران فعالیت داشته و با فضای بومی ایران آشنایی دارند.

از آنجا که در پی بهبود ساختار سازمانی هستیم، مطالعه میدانی در این زمینه صورت گرفته و به همین خاطر تلاش شده تا نتایج همکاری مشترک با شرکت‌های خارجی در قالب اسناد و گزارش‌های مکتوب و مدون منتشر شود. یکی از مراجع

ما تجربه سرمایه‌گذاران خارجی در ایران است. جلسه‌های مرتبی با آنها در بخش‌های مختلف معدن، نفت، توریسم و کشاورزی برگزار و سوال‌های مشخصی در قالب پرسشنامه به آنها ارائه شد. باز خورد و نقد و پیشنهادشان را گرفتیم و همه این‌ها به مجموعه‌ای علمی و دانشگاهی تبدیل و در نهایت به تدوین «استراتژی جذب سرمایه‌گذاری خارجی» منجر شد. این استراتژی یک سند تکمیلی است تا ما بتوانیم با بهره‌گیری از آن ساختار سازمانی مان را ارتقا دهیم.

تاثیر حضور سرمایه‌گذار خارجی در تجربه‌هایی

که شما از نزدیک با آن درگیر بوده‌اید، چیست؟

تاثیری که سرمایه‌گذاری خارجی روی برخی شاخص‌های ما داشت برای من جالب توجه بود. به عنوان مثال تاثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر میزان اشتغال و تاثیر آن بر انتقال دانش فنی جزو مواردی است که در مدیریت پروژه «مدیریت مستمر» آن را تجربه کردیم. همه این‌ها ریشه در جذب سرمایه خارجی داشت و به تبع رقابت سالم در نهایت به بهبود خدمات داخلی منجر شده و به نفع مصرف‌کننده بود.

کدام کشورها و مناطق اقتصادی در این سال‌ها

روابط تجاری و اقتصادی بهتری با ایران داشتند؟

اگر بخواهم از سال ۷۹ به این سمت قضاوت کنم به نظر طرف‌های اروپایی و آسیایی سهم برابری داشته‌اند. در میان کشورهای اروپایی آلمان بیشتر تاثیرگذار بوده و البته برخی کشورهای خاورمیانه‌ای.

آیا در سه دهه اخیر تغییری در رویکرد جذب

سرمایه خارجی در ایران به وجود آمده است؟

سازمان سرمایه‌گذاری سعی کرده تا در این سال‌ها با انجام مطالعات لازم رفتار حرفه‌ای با سرمایه‌گذار خارجی در

دوق زده شویم

چرا جذب سرمایه‌گذار خارجی اولویت اول ما نمی‌تواند باشد

چه جای انکار است که در نگاه به سرمایه‌گذاری خارجی دچار خوش بینی زایدالوصفی شده‌ایم و از برخی واقعیت‌های روز اقتصادی جامعه فاصله گرفته‌ایم. گویی همین که چند هیات اروپایی به ایران بیایند و بروند، در سرمایه‌گذاری خارجی مافتح بابی صورت گرفته است. حال آنکه تا به امروز اتفاق خارق‌العاده‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی ما نیفتاده و برخی هیات‌های خارجی هم که به ایران آمده‌اند به خرج دولت ایران بوده نه از سر سرمایه‌گذاری و اشتیاق به حضور اقتصادی در کشور. و به راستی که در شرایط فعلی که ما حتی امکان سوئیفت و انتقال پول نداریم، چطور می‌توان به جذب سرمایه‌گذاری خارجی خوش بین بود؟ همه می‌دانند که جذب سرمایه‌گذاری خارجی یعنی توسعه بازار و اشتغال‌زایی. بارش منفی اقتصادی، رکود تورمی و وضعیت نابسامان اشتغال منطقی نیست که انتظار تازه در افکار عمومی به وجود آوریم. نباید مردم را بی‌بهره خوش بین کنیم. چرا که باورهای اینچنینی در نهایت می‌تواند به ضرر مردم باشد. عبور از سد تحریم‌ها و رسیدن به شرایط چند سال پیش به هفت خوان رستم می‌ماند و تحریم‌های بین‌المللی یک شبه وضع نشده و لغو آن فرآیند زمانی مشخصی را می‌طلبد. در فرصت پیش رو تا لغو تحریم‌ها به جای خوش بینی‌های سطحی باید معطوف تولید و تدوین نگاه استراتژیک بلندمدت در حوزه تولید و جذب سرمایه داخلی و خارجی برای پیشبرد صنعت و تولید ملی باشیم. مسوولان باید از کانال‌های اطلاع‌رسانی از واقعیت‌ها برای مردم بگویند و اینکه شرایط جذب سرمایه‌گذاری چه بسترهایی می‌خواهد و چه میزان زمان می‌برد. جامعه امروز که در ابعاد مختلف خسته و فرسوده شده، در کنار امیدها و شعارها به برخی برنامه‌های عملیاتی نیاز دارد. بدون شک جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی پیش روی جامعه از مساله اشتغال گرفته تا وارد شدن سرمایه و پول به کشور را حل کند. اما تا رسیدن آن روز و تحقق این وعده‌ها، باید به فکر بهینه‌سازی فرصت‌ها برای بهره‌وری حداکثری بود. اجازه بدهید کمتر دوق زده شویم و مسائل را بیشتر منطقی ببینیم.

پیش بگیرد. شرح وضعیت و پتانسیل‌های مختلف ایران برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران، با جزئیات کامل انجام می‌شود. سرمایه‌گذار خارجی باید بداند که شاخص ریسک سیاسی و تضمین دولت در برابر سرمایه‌گذار چه میزان است. در همین زمینه بر و شورها و کتابچه «نقشه سرمایه‌گذاری کشور» به ۱۱ زبان ترجمه شده و از طریق سایت در اختیار افراد و شرکت‌های علاقه‌مند قرار گرفته است. در حوزه بستر سازی و فرهنگ سازی برای جذب سرمایه خارجی نیز آموزش جدی ارائه شده و در مراکز مخصوص دوره آموزشی مجازی برگزار شد تا با بهره‌گیری از توان آموزشی جهت تبیین سرمایه‌گذاری خارجی به کارکنان و مسوولان ارائه شود. «مرکز خدمات سرمایه‌گذاری» به منظور توسعه هر چه بیشتر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در همین سازمان ایجاد شده و ۱۱ نماینده از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط در این نشست‌ها و جلس‌ها حاضر می‌شوند.

مزایای ایجاد «مرکز خدمات سرمایه‌گذاری» برای

سرمایه‌گذار خارجی چیست؟

این مراکز در بعد ساختار سازی به کمک ما آمده و اطلاعات فنی و حرفه‌ای، قوانین و مقررات و تلاش برای دریافت مجوز اولیه سرمایه‌گذاری خارجی همگی در همین مراکز و از سوی کارشناسان آموزش دیده انجام می‌شود. همچنین تلاش کردیم تا پروکراسی اداری به کمترین میزان کاهش یابد. بدون شک تمرکز تمام نهادها و بخش‌های مرتبط در یک مکان به سرعت عمل فعالیت سرمایه‌گذار خارجی منجر می‌شود.

آیا اولویت پتانسیل‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری

در ایران شناسایی شده و اینکه سازمان سرمایه‌گذاری برای جذب بیشتر سرمایه خارجی پیشنهاد مدونی در دستور کار دارد؟

فرم‌های یونیدو (با شاخص‌های سازمان ملل) را خلاصه و متناسب با ایران طراحی کردیم و در اختیار بخش دولتی قرار دادیم و با جمع‌آوری داده‌های مختلف با روش‌های استاندارد در نهایت ۱۴۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری در ایران شناسایی شده و باز هم در میان این فرصت‌ها در حال غربالگری و در عین حال شناسایی فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری خارجی هستیم. همچنین سایت ویژه‌ای طراحی شده تا همه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بتوانند از سراسر دنیا به آن دسترسی داشته باشند. «پنجره» مرکز خدمات سرمایه‌گذاری را به شکل آنلاین طراحی کردیم تا افراد و نهادهای علاقه‌مند بتوانند از سراسر جهان درخواست‌شان را به ما ارائه دهند و پروکراسی معمول اداری کمتر شود.

نقطه ضعف سازمان سرمایه‌گذاری در سال‌های

گذشته چه بوده؟

ضعف ما در تهیه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های «زیربنایی» از جمله نیروگاه‌ها، جاده‌ها، راه‌ها و فرودگاه‌ها است. ما در این زمینه به قانون مشخص نیاز داریم. قانونی برای توسعه مشارکت بخش خصوصی - عمومی. با تلاش بخش حقوقی سازمان، لایحه «بخش خصوصی - عمومی» تدوین شده و مراحل نهایی را پشت سر می‌گذارد. تصویب این لایحه در مجلس بدون شک تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد و خلاء جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش زیربنای پایان می‌دهد.

در ایران کدام حوزه‌ها بیشتر از سوی سرمایه‌گذار

خارجی با استقبال مواجه می‌شود و باید روی کدام بخش‌ها جذب سرمایه خارجی کرد؟

برای پاسخ به این سوال باید دید از طرف چه کسی نگاه می‌کنیم، از نگاه سرمایه‌گذار خارجی هر جایی که نرخ بازده و سودآوری بالایی داشته باشد، برای سرمایه‌گذاری مناسب است. برای ما هم فرقی ندارد که در کدام حوزه وارد می‌شوند بلکه ما وظیفه داریم در چارچوب قانونی مسائل را بررسی کنیم و اگر شرایط اولیه را طبق ضوابط داشت، به سرمایه‌گذار کمک کنیم. اما نکته در دست این است که دولت و بخش‌های ذی‌ربط اولویت‌شان را شناسایی کنند. وقتی اولویت‌ها شناسایی شد، می‌توان مشوق‌هایی برای جذب هر چه بیشتر سرمایه در آن بخش‌های مورد نظر در نظر گرفت. دستگاه متولی باید فرصت‌ها را شناسایی کرده و در کنار آن مشوق‌ها را به وجود بیاورد.

۱۱) کدام دوره از دوره‌های سیاسی-اقتصادی تاریخ ایران دوره بهتری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده؟

اگر حسب آمار باشد از سال ۱۳۸۱ و با تصویب «قانون تشویق حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» ما شاهد شروع این حرکت بودیم. با توجه به فضای بین‌المللی ایجاد شده، روندی آغاز شد که پس از آن با توجه به ساختارها و هدف‌گذاری‌ها به سمت برنامه‌ریزی بیشتر در این زمینه رفتیم. خوشبختانه از سال ۷۹ و در برنامه‌های برنامه توسعه سوم، چهارم و پنجم به اهمیت جذب سرمایه خارجی به خوبی اشاره شده و تمهیدات لازم نیز در نظر گرفته شده است.

۱۲) در شرایطی بر جذب سرمایه خارجی تأکید می‌کنیم که بخش تولید به دنبال تحریم‌ها و برخی سیاست‌های دولت پیشین تقویت شده است. چطور می‌شود در موضوع جذب سرمایه خارجی به بخش تولید ملی نیز نگاه ویژه داشت؟

باید دید چرا تولید صدمه دیده و باید ابتدا به آن بپردازیم. اتفاقاً یکی از موانع تأمین منابع مالی پروژه‌های مامی‌تواند همین جذب سرمایه خارجی باشد. تا پیش از این بر رفتارهای تأمین منابع مالی، رویکردی سنتی حاکم بوده به این شکل که اغلب صاحبان پروژه‌های ما تلاش کرده‌اند از منابع قرضی، بانک‌ها و وام‌ها استفاده کنند. اغلب هم در بازپرداخت وام دچار مشکل شده‌اند. بررسی این فرآیند نشان از ناکارآمدی این روش دارد. در طرف مقابل نظر ما این است که برای گسترش ابعاد تولید باید به سمت جذب سرمایه خارجی برویم. جذب سرمایه خارجی در بخش تولید ملی هم ضرورت دارد و هم پیشنهاد ما به بخش خصوصی اجتناب از نگاه صرف به بانک‌ها است. آنها باید بیش از هر زمان دیگری به فکر جذب سرمایه خارجی باشند. البته فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به دریافت وام دشوارتر است اما کشورهای جهان امروز در رقابت شدید برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند. در این مسیر دولت باید هماهنگ کند و بخش خصوصی رویکردش را تصحیح نماید تا بتواند از سهم سرمایه خارجی به عنوان تأمین منابع مورد نیاز بهره‌مند شود.

۱۳) در ایران تا چه میزان زبان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را می‌دانیم و زیرساخت‌های مورد نیاز برای این جذب در کشور مان فراهم است؟

پتانسیل سوددهی، بازدهی مالی سرمایه‌گذاری در ایران، مزیت‌های رقابتی و مشوق‌های مالی و قانونی همگی از ویژگی‌هایی به شمار می‌آید که می‌توان برای جذب سرمایه

خارجی روی آن حساب کرد. برای تأمین رضایت و جذب سرمایه‌گذار خارجی دستگاه‌های مختلفی درگیر این موضوع هستند. به طور خلاصه فضای کسب‌وکار کشور عامل مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و نهادهای بین‌المللی این شاخص‌ها را ارزیابی کرده و هر سال رتبه‌بندی کشورها در موضوع جذب سرمایه خارجی بر اساس عملیاتی شدن این شاخص‌ها انجام می‌شود. در این شاخص‌ها دستگاه‌های مختلف سهم دارند. از ثبت شرکت گرفته تا صادرات، واردات، انحلال شرکت، قرار دادها و مالیات همگی بخشی از شاخص‌های محیط کسب‌وکار کشور هستند. این که ما چقدر آمادگی داریم تا به پیشواز جذب سرمایه برویم باید بگوییم که ما رتبه خوبی در کسب‌وکار کشور نداریم. در حوزه قانون هم گاهی قوانین خوبی داریم و گاهی قوانین بسیار دست‌وپاگیری بر فضای کسب‌وکار ماحاکم می‌شود. تلاش ما باید به گونه‌ای باشد که به سمت حذف مقررات دست و پاگیر حرکت کنیم و «بهبود فضای کسب‌وکار» در اولویت برنامه‌های دولت باشد. حذف مجوزهای بی‌ضرورت، می‌تواند یکی از این برنامه‌ها باشد.

۱۴) آیا شبکه ارتباطی میان دستگاه‌های ذی‌ربط به منظور هماهنگی‌های بیشتر وجود دارد؟ در صورت موفقیت مذاکرات دیر یا زود تحریم‌ها برداشته شده و روند ورود سرمایه‌گذاری خارجی به داخل کشور افزایش خواهد یافت. برای استقبال از این روند احتمالی چه برنامه‌ای دارید؟

شبکه در قالب برخی روابط نهادی درگیر در ماجرای جذب سرمایه وجود دارد. برای نمونه برای کاهش قوانین دست و پاگیر در این بخش «هیات مقررات‌دایی» شکل گرفته و از سال ۸۸ یکی از معاونت‌های وزارت اقتصاد و دارایی متولی این امر شده است. تا حالا حدود ۴۰ جلسه برگزار شده و برخی مقررات دست و پاگیر حذف شده و ده‌ها مصوبه کمک‌کننده نیز به تصویب رسیده است. یکی از این گام‌ها برای هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌ها همین هیات بوده است. خوشبختانه محور توجه دولت یازدهم و وزارتخانه‌ها نیز بر اهمیت جذب سرمایه خارجی متمرکز است. در مصوبه ۱۳ بندی دولت در شهریورماه ۹۲ به سازمان سرمایه‌گذاری اشاره شده و در برنامه‌ریزی برخی وزارتخانه‌ها نیز اختصاص اعتبار و پیش‌بینی برای جذب سرمایه خارجی به چشم می‌خورد. خوشبختانه در این دولت رفتار سلیقه‌ای کمتر شده و نگاه به سمت تسهیل امور و جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی پیش رفته است.

۱۵) روابط سازمان با مجلس چگونه است؟ به ویژه قانون‌گذاری‌های خاص برای جذب سرمایه که می‌تواند با همکاری مجلس تسهیل شود.

در همین زمینه با «فراکسیون سرمایه‌گذاری» تعامل نزدیکی داریم و در سازمان سرمایه‌گذاری اتاق ویژه‌ای برای گفت‌وگوی مستقیم نمایندگان و بخش خصوصی تعبیه شده است. در قانون‌گذاری‌ها پیش قدم شدیم و قانون مشارکت بخش خصوصی-عمومی را انجام دادیم و برای تدوین قوانین سرمایه‌گذاری خارجی در بورس همکاری‌هایی صورت گرفته است. جلسه‌های مختلفی داشتیم و استقبال خوبی وجود دارد اما این فرآیند باید اذیتا یافته و قوانین دست و پاگیر حذف شود.

۱۶) در این سال‌ها همواره ابراز نگرانی از ظهور «شبه دولتی»‌ها و رانت‌ها وجود داشته، این آسیب را در دولت

جدید در بخش سرمایه‌گذاری خارجی چطور می‌بینید؟
تعامل ما در این زمینه با سازمان خصوصی سازی است و جلسه‌های مختلفی در این زمینه برگزار شده و تا انعقاد تفاهم‌نامه پیش رفتیم. انتظار ما این است که «سازمان خصوصی سازی» اسامی سازمان‌ها و فرصت سرمایه‌گذاری مزایده و مناقصه را به طور کامل به ما ارائه دهند و ارزیابی و آسیب‌شناسی این‌ها از طریق کمیته‌های ویژه هم در مجلس و هم در سازمان خصوصی و دیگر نهادها انجام شود. فراموش نکنید که ما صرفاً پذیرای شرکت‌هایی هستیم که مایل به سرمایه‌گذاری هستند و رصد بیشتر باید از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط انجام شود. ما در این بخش فهرست و داده‌های مورد نظر از شناسایی فضای سرمایه‌گذاری و قابلیت‌ها را در اختیار سرمایه‌گذار خارجی قرار می‌دهیم. هر چه شفافیت و رعایت قوانین و استانداردهای بین‌المللی در ارائه فرصت‌ها بیشتر باشد، بدون شک زمینه‌های شکل‌گیری فساد و رانت هم کمتر خواهد شد.

۱۷) اگر روند تصویب بودجه را دنبال کرده باشید، بودجه ۹۳ بودجه امیدوارکننده‌ای برای جذب سرمایه خارجی به نظر می‌رسد. چه در بخش نفت و چه دیگر حوزه‌ها. سازمان سرمایه‌گذاری برای این بودجه چه برنامه عملیاتی دارد؟

برنامه سازمان سرمایه‌گذاری حتی در سال‌های گذشته این بود که با بستر سازی قانونی حتی در محدودترین شرایط هم فضا را بهبود ببخشد تا برای آینده منفعَل نباشیم. در سال‌های گذشته نیز تلاش ما این بوده که ساختارهای اجرایی مورد نیاز را به وجود آورده و به نیروی انسانی آموزش مناسبی ارائه کنیم. آموزش استاندارد نیروی انسانی نه تنها در تهران که در استان‌ها نیز انجام شد. حالا که فضا بازتر شده می‌توان از شرایط زیربنایی مهیا شده در دوره‌های قبل بهره‌مند شد. اگر گفت‌وگوی دستگاه‌های ذی‌ربط خوب جلو رفته و موافقت‌نامه‌ها منعقد شده باشد دیگر هیچ محدودیتی برای پذیرش کار نداریم. فرآیند جذب سرمایه در ایران به سمتی رفته که می‌توان با افتخار گفت که در مدت ۱۰ روز تا دو هفته مجوز سرمایه‌گذاری خارج می‌دهیم. همین فرآیند و کمک‌ها برای تسهیل در روند ارائه مجوز سرمایه‌گذاری موجب شده تا ما برای جذب سرمایه در رقم‌های بالا-خصوصی و دولتی - بتوانیم سرمایه‌گذاری خارجی را انجام دهیم. بنابراین بودجه ۹۳ با نگاه مثبتی که به بحث فاینانس و جذب سرمایه خارجی داشته، می‌تواند بر پایه پتانسیل‌های سازمان به سمت و سوی مثبتی حرکت کند.

۱۸) با توجه به همه آنچه در این گفت‌وگو از آن بحث شد، چشم‌انداز پیش‌روی «جذب سرمایه خارجی» در ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

چشم‌انداز پیش‌رو را به دو دلیل مثبت می‌بینم. نخست به این دلیل که ظرفیت و پتانسیل و زمینه‌های داخلی جذب سرمایه ایران در منطقه یگانه و قابل توجه است و در مقایسه با خیلی از کشورها پتانسیل‌های خوبی داریم. به لحاظ بازار، جمعیت و دسترسی به بازار کشورهای منطقه از طریق ایران، دسترسی به منابع، نیروهای کار در وضعیت مناسبی قرار داریم و نکته دیگر دسترسی به ۳۰۰ میلیون بازار کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق ایران است که به همین خاطر می‌تواند انگیزه بالایی برای سرمایه‌گذاری خارجی باشد.



فضای کسب‌وکار کشور عامل مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و نهادهای بین‌المللی این شاخص‌ها را ارزیابی کرده و هر سال رتبه‌بندی کشورها در موضوع جذب سرمایه خارجی بر اساس عملیاتی شدن این شاخص‌ها انجام می‌شود. این که ما چقدر آمادگی داریم تا به پیشواز جذب سرمایه برویم باید بگوییم که ما رتبه خوبی در کسب‌وکار کشور نداریم.

استعداد داریم، امکانات نداریم

فضای نامساعد کسب و کار؛ بلندترین دیوار در برابر سرمایه گذاران خارجی



■ حمیدرضا صالحی
عضو هیات
نمایندگان اتاق ایران

اقتصاد ایران سال‌های دشواری را پشت سر گذاشته و با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه بوده است. در طول این سال‌ها هم‌صدا با کودی که اقتصاد جهان را گرفتار کرده بود، ایران هم در کودی بی‌سابقه را در سطوح مختلف اقتصاد و صنعت خود تجربه کرد. از این گذشته نباید فراموش کنیم که ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت‌ها هم در این سال‌ها نمک به زخم اقتصاد پاشید و اعمال تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی صنعت و بازرگانی هم کشورمان را چنان در تنگنا قرار داده بود که عبور از آن بسیار دشوار به نظر می‌رسید.

در هر حال در طول این سال‌ها علاوه بر افت میزان تولید، کاهش صادرات غیرنفتی و افزایش چشمگیر واردات، ما از سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمتری نیز برخوردار بودیم و این معنایی جز نامساعد بودن فضای کسب و کار کشور در طول سال‌های اخیر ندارد.

میزان توفیق ما در جذب سرمایه‌های خارجی در شرایطی در طول این سال‌ها کاهش یافت که در همسایگی ما کشوری مانند ترکیه چنان عملکرد موفقی در این حوزه داشت که معلوم نیست ما برای رسیدن به موقعیت کنونی این کشور به چند سال زمان نیاز داریم.

مسأله‌ای که باید در نظر بگیریم این است که اصلی‌ترین مشکلی که راه را بر سرمایه‌گذاران خارجی سد کرده، محیط کسب و کاری است که بر اقتصاد و صنعت ما حاکم است. در حقیقت یک سرمایه‌گذار خارجی پیش از هر چیز باید نسبت به شرایط اقتصاد کشور هدف خود آسوده‌خاطر باشد.

بی‌شک هیچ‌کس برای سرمایه‌گذاری در کشوری که نرخ ارز در آن غیرقابل پیش‌بینی است، ترغیب نخواهد شد. تورم بالای ۴۰ درصد هم انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی باقی نمی‌گذارد. اینکه قیمت نهاده‌های تولید و حتی در بعضی موارد قوانین و مقررات هم از ثبات لازم برخوردار نیستند، کافی است تا کمتر پای سرمایه‌گذاران خارجی به کشورمان باز شود. اینکه امنیت فضای کسب و کار ایران در بین ۱۸۵ کشور در رتبه ۱۴۵ قرار گرفته است، ناشی از همین بی‌ثباتی‌ها و البته بوروکراسی‌های بی‌دلیل در حوزه اقتصاد است. ما علی‌رغم دسترسی به منابع غنی زیرزمینی و معدنی، توان بالای نیروی انسانی، دسترسی به دانش تخصصی و فنی و البته زمینه‌های تولید کالا و خدمات در حوزه‌های مختلف، هنوز هم رتبه قابل قبولی در هیچ یک از ۱۰ شاخص فضای کسب و کار کسب نکرده‌ایم. درست در همین شرایط کشور کوچک گرجستان در این زمینه در رده نهم قرار گرفته است. طرفین این معادله کاملاً روشن است. در این کشور، افراد می‌توانند در طول یک روز علاوه بر ثبت شرکت خود، فعالیت‌های مربوط به گشایش حساب بانکی را نیز انجام دهند.

در ایران اما در همین گام اول با مشکل مواجهیم، چنانکه ثبت شرکت‌هایمان در روند کند و بوروکراتیک به فعلیتی زمان‌بر تبدیل می‌شود. رابطه صنایع و بانک‌ها که خود فضایی جداگانه از زنجیره مشکلات کشور در حوزه کسب و کار است.

بانک مرکزی در دولت یازدهم کنترل نرخ ارز و تک‌نرخ کردن آن را به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف

خود مطرح کرده است. واقعیت هم همین است که تنها ایجاد ثبات در نرخ ارز است که می‌تواند زمینه را برای انجام برنامه‌ریزی‌ها و محاسبات لازم توسط سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کند و آن‌ها را مجاب کند که سرمایه‌های خود را به سمت بازارهای ایران سرازیر کنند.

به هر حال نباید فراموش کنیم که کشور ما شایستگی و پتانسیل جذب سرمایه‌های خارجی را در حوزه‌های مختلفی مانند نفت، گاز، معدن و ... دارد و می‌تواند در این حوزه‌ها فرصت‌های بسیار خوبی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم آورد. ما امروز می‌توانیم با تکیه بر نگاه مثبت دولت یازدهم نسبت به تولید و صنعت و نیز کاهش فشار ناشی از تحریم‌ها و گسترش روابط بین‌المللی با سایر کشورهای زمینه‌ای را فراهم کنیم که دوباره ایران به کشوری سودآور و مطمئن برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی بدل شود.

لذا پیش از هر چیز باید مزیت‌های کشور را شناسایی کرده و در راستای توسعه آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. گام بعدی، بهبود فضای کسب و کار است که قطعا در سایه تثبیت نرخ ارز و افزایش رشد ناخالص داخلی امکان‌پذیر خواهد بود.

ایران با مدیریت کارآمد دولت، تلاش هدفمند بخش خصوصی و هم‌افزایی توان این دو بخش می‌تواند در فرصتی کوتاه به بهشتی برای سرمایه‌گذاران خارجی بدل شود. کشور ما با توجه به داشتن منابعی عظیم از نعمت‌های خدادادی و تقویت توان فنی و مهندسی می‌تواند عملکردی موفق برای جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشد.

دعوت از سرمایه

بستر مناسب بودجه ۹۳ برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی



■ غلامرضا تاجگردون
نایب‌رییس
کمیسیون برنامه و
بودجه مجلس

سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی این روزها به یکی از عناصر عمده در پیوند دادن اقتصاد داخلی کشورها و به‌ویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده است. این شکل از سرمایه‌گذاری به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تخصص و مدیریت در تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش به‌سزایی یافته است. این واقعیت موجب شده تا رقابت‌های اقتصادی برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به منظور ارتقای جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی تشدید شود. به همین خاطر کشورها باید به سمت و سویی بروند که بسترسازی لازم برای ورود این شکل از سرمایه‌گذاری به داخل کشور مهیا شود. البته کشور مادر سال‌های اخیر نتوانسته در حوزه سیاست‌گذاری خارجی دستاورد خاصی داشته‌باشد و در توضیح علل این شرایط علاوه بر مسأله تحریم برخی ناکارآمدی‌های داخلی نیز قابل انکار نیست. فقدان سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در میدان‌های نفتی مشترک، ما را از برخی کشورها از جمله قطر عقب انداخته که توانست با جذب حداکثری سرمایه‌گذاری خارجی در استخراج سفره‌های نفتی مشترک از ایران پیشی بگیرد.

جریان سرمایه‌گذاری خارجی امروزه از شاخص‌های مهم فرآیند جهانی شدن اقتصاد است. جدا از اهمیت این پدیده در پویایی نظام سرمایه‌داری جهانی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که از فقدان منابع مالی داخلی رنج می‌برند به فکر جذب سرمایه خارجی افتاده‌اند و بهره‌گیری از این منابع خارجی را برای تداوم برنامه‌های توسعه اقتصادی خود ضروری می‌بینند.

در ایران البته باید برخی مسائلی نیز به عنوان نواقص کار در نظر گرفته شود. مطالعه روندهای تاریخی سرمایه‌گذاری خارجی بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ نشان می‌دهد در این دوره روند سرمایه‌گذاری خارجی در کشور رو به رشد بوده است، به شکلی که ۹۷۲ شرکت خارجی در آن برهه در داخل کشور ثبت رسمی شده‌اند. بر اساس آمار و مستندات موجود در آن برهه ۳۷۱ شرکت در زمینه واسطه‌گری مالی و بیمه‌ای، ۲۵۱ شرکت در زمینه بازرگانی و هتل‌داری و ۲۰۰ شرکت در زمینه ساختمان در کشور اقدام به سرمایه‌گذاری کرده بودند که در مجموع ۸۲۴ شرکت خارجی به صورت غیرمولد به اقتصاد کشور وارد شدند اما تحلیل‌های صورت گرفته نشان از آن دارد که حضور تمامی این شرکت‌ها در آن مقطع

پوست‌اندازی دولت به نام خصوصی سازی

قوانین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیشرو است



■ **هوشنگ امینی**
دبیرکل اتاق ایران و
تکلیس

هیچ نقطه‌ای از
منطقه خاورمیانه به
اندازه ایران برای
سرمایه‌گذاری
مناسب نیست.
با وجود همه
شاخص‌های
اقتصادی موجود
در ایران،
شاخص امنیت
سرمایه‌گذاری
چندان قابل دفاع
نیست

در حال حاضر علاوه بر معضل اقتصاد دولتی و عدم شفاف بودن برخی حیطه‌های سرمایه‌گذاری، بالا بودن هزینه نیروی انسانی نسبت به هند و چین و تورم موجود در بازار ایران به عنوان دو عامل بازدارنده دیگر در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی تاثیر گذار است.

تورم یکی دیگر از موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. تورم افسار گسیخته‌ای که طی سال‌های اخیر بر اقتصاد کشور سایه افکنده است، نه تنها تولید ملی و داخلی را با بحران مواجه کرده بلکه مانع بزرگی پیش روی سرمایه‌گذار خارجی نیز قرار داده است. معضلی که رفع آن تنها با تصحیح ساختار تولید داخلی و حاکمیت نگاه حمایت‌گرایانه از تولید ملی امکان‌پذیر خواهد شد.

خوشبختانه در بخش قوانین مربوط به جذب سرمایه خارجی، مقررات مرتبط در ایران جزو پیشروترین قوانین جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و در این زمینه گام‌های مثبتی از سوی قانونگذار برداشته شده است، اما چندگانگی کانون‌های تصمیم‌گیری درباره جذب سرمایه‌گذاری خارجی از مشکلات پیش روی ماست که نیاز است سازمان جذب سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به مدیریت آن اقدام کرده و مسیر جذب سرمایه را هرچه بیشتر تسهیل کند. خلاصه کلام اینکه، مساله اصلی اقتصاد «دولت محور» ما است که حتی با اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی هم راه به جایی نبرده است. خصوصاً آنکه سیاست‌های اصل ۴۴ به اشکال غیر کارآمدی اجرائی شده است و مدام شاهد رشد بخش‌های شبه‌دولتی در کشور هستیم. گویی بخش‌های دولتی در پوششی تازه پوست‌اندازی کرده‌اند.

زمینه تبلیغ کنیم آن‌ها خودشان مناطق مناسب ایران جهت سرمایه‌گذاری را شناسایی کرده و می‌کنند اما نکته آن است که با وجود همه شاخص‌های اقتصادی موجود در ایران، شاخص امنیت سرمایه‌گذاری چندان قابل دفاع نیست و همین مساله در قالب یک عامل بازدارنده ایفای نقش می‌کند.

سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از به کارگیری سرمایه غیربومی در فعالیت‌هایی که ریسک برگشت سرمایه و منافع آن به عهده سرمایه‌گذار باشد. به همین خاطر سرمایه‌گذار خارجی باید از تمام شاخص‌های امنیت موجود در کشور میزبان اطمینان یابد و سپس نسبت به وارد کردن سرمایه خود به کشور مورد نظر اقدام کند.

برای بررسی زمینه‌های موجود سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نخست باید به چرایی خروج سرمایه داخلی از کشور و عدم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پرداخت. یکی از مهم‌ترین عوامل، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور است. دولت نباید در مقام مجری به طور مستقیم در اقتصاد کشور فعال باشد بلکه باید این اختیارات اقتصادی را به بخش خصوصی و تعاونی انتقال دهد. دولت در اقتصاد ایران هم قانون‌گذار است، هم داور و هم بازیگر. طبیعی است که شرکت‌های خارجی در مواجهه با چنین تعریفی دچار ابهام شوند. از طرف دیگر فقدان ساختار مناسب اقتصادی عامل عمده هرز رفتن منابع در ایران است. اکثر قوانین و مقررات اقتصادی و مالی، پیچیده و فاقد صراحت لازم است و به همین خاطر سرمایه‌گذاری خارجی کمتر توانسته در پروژه‌های اقتصادی تاثیر گذار مشارکت فعال داشته باشد.

سرمایه‌گذاری خارجی چگونه افزایش می‌یابد؟ این پرسشی است که برای پاسخ دادن به آن باید الزامات و ملزومات امروز ایران را مد نظر قرار داد. مسلم است که ایجاد زمینه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی صرفاً در کلام محقق نمی‌شود. تحریم‌ها علیه ایران هنوز ادامه دارد و در چنین شرایطی نباید با بیان برخی حرف‌ها، به رویکرد خوش‌بینانه آن هم خوش‌بینی کاذب در افراد پر و بال داد. این کار صرفاً در مردم خوش‌بینی کاذبی نسبت به تغییر در شرایط پدید می‌آورد که مابازای بیرونی هم ندارد. رویکرد دولت یازدهم در مسیر تغییر است اما لازم است برای تحقق اهداف دولت، شرایط جذب سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل شود چرا که در کوتاه‌مدت نمی‌توان به تغییر ساختارهای اقتصادی آنچنان خوش‌بین بود.

تحریم یک فعل سیاسی است و مادامی که این عمل سیاسی از سوی سیاستمداران تصحیح نشود، نمی‌توان به تغییر در عرصه اقتصادی خوش‌بین بود. با نگاه به وقایع سال‌های اخیر درمی‌یابیم که تقلیل سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و انگلیس آسیبی جدی به روابط تجاری و اقتصادی دو کشور وارد آورده است. همین شواهدی است برای آنکه بگوییم همپوشانی حوزه‌های سیاسی و اقتصاد گاهی آنقدر پررنگ می‌شود که اقتصاد به‌سختی می‌تواند خود را از زیر سایه سیاست برهاند.

بدیهی است که هیچ نقطه‌ای از منطقه خاورمیانه به اندازه ایران برای سرمایه‌گذاری مناسب نیست و این موضوعی است که سرمایه‌گذاران خارجی نیز بر آن اتفاق نظر دارند، چنان که پیش از آنکه ما بخواهیم در این

مختلف زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در بخش نفت بتواند تکاپویی به حوزه توسعه اقتصادی کشور ببخشد.

دولت و بخش‌های مختلف دخیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی باید به چهار عامل: نرخ بالای بازگشت سرمایه، ثبات سیاسی، تنظیم مقررات و فضای رقابتی دقت کنند. در ایران در زمینه عامل‌های تنظیم مقررات و ایجاد فضای رقابتی و رفع انحصارگری مشکلاتی وجود دارد که در سال‌های اخیر برای رفع آنها گام‌هایی برداشته شده است و امیدواریم در افق پیش‌رو انحصار دولتی در بسیاری از موارد رفع شود.

در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ در رتبه‌بندی کشورهای در حال توسعه، ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری، رتبه ۱۲۶ را داشت اما در سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ به رتبه ۱۳۱ سقوط کرد. به هر شکل مساله اصلی این است که مردم و فعالان اقتصادی از دکتر روحانی توقع دارند، در گسترش تعاملات بین‌المللی بکوشد. صنعت نفت در این سال‌ها بیشترین محدودیت‌ها را در حوزه توسعه سرمایه‌گذاری خارجی تجربه کرده و اگر تعاملات گسترش یابد به تبع آن از محدودیت‌های صنعت نفت در بخش‌های سرمایه‌گذاری، خرید و فروش نفت و بازگشت منابع کاسته خواهد شد. بدون شک سرمایه‌گذاری در صنعت نفت مهم‌ترین چالش پیش‌رو است زیرا منابع مالی باید به خوبی تزریق شود تا علاوه بر نگاهداشت تولید، برنامه‌های افزایش تولید و صنایع از میدان‌های مشترک که از برنامه‌های اصلی وزیر بنایی صنعت نفت است، در سطح مورد انتظار اجرا شود. در نهایت اینکه جذب سرمایه‌گذاری یک اصل مهم و حیاتی برای اقتصاد ایران است و باید شرایط مناسب و عامل‌های لازم برای این جذب ایجاد شود.

نتوانست به رشد و توسعه ایران منجر شود چرا که سازماندهی مناسبی برای مدیریت جذب سرمایه در لایه‌های درونی کشور وجود نداشت و گویی الفبای ابتدایی کار را فراموش کرده، وارد فازهای اجرائی بعدی شده بودیم. به همین خاطر با وجود اینکه خوشبختانه به نظر می‌رسد سال‌های پیش رو سال‌های خوبی برای فعال شدن ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، ایجاد زمینه‌های استاندارد داخلی و بی‌سازمانی مناسب برای تسهیل امور در این زمینه از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است.

بودجه ۹۳ که در جریان تدوین و تصویب آن هم دولت و هم مجلس نشان دادند به نقش سرمایه‌گذاری خارجی و اهمیت آن در توسعه کشور واقفانند، نگاه خوب و جامعی به جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته است. به جد می‌توانم مدعی باشم که در ۱۵ سالگی که در مجلس و دولت حضور داشتم هیچ مجلسی به این اندازه در بحث بودجه‌ریزی به دولت اعتماد نداشته است. بیشترین اعتماد در استفاده از روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی به دولت یازدهم دیده می‌شود. کمیسیون تلفیق مجلس در بودجه ۹۳ تصویب کرده تا وزارت نفت در حد صدمیلیارد دلار از قرار دادهای بیع متقابل، «هی‌اوتی» (سرمایه‌گذاری خارجی با امکان انتقال در آمد آن به خارج برای سرمایه‌گذار) و همچنین خرید محصولات استفاده کند. در واقع اگر دولت بتواند فضای سیاست خارجی را به خوبی مدیریت کند، می‌تواند از این نوع جذب سرمایه استفاده کافی ببرد. همچنین بر اساس مندرجات بودجه ۹۳ دولت در بخش وزارت نیرو می‌تواند از ۱۲۰ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه نیروگاه‌ها بهره‌مند شود. مجلس به این نقطه رسیده که با کمک به دولت، خلاص سرمایه‌گذاری چندسال گذشته را رفع کند و پس از مدت‌ها فقدان سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های

اول بازسازی داخلی، بعد جذب سرمایه خارجی

حمایت و تشویق سرمایه گذاری خارجی می تواند یکی از راه های موثر آزادسازی اقتصادی باشد



■ محمد رضا پور ابراهیمی
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس



مجلس نگاه مثبتی به طرح ها و لوایح تسهیل کننده دارد و به شکل جدی حمایت می کند. اما با رویکردی واقع گرایانه جذب سرمایه خارجی را نیز در دل بودجه ۹۳ کشور گنجانده است.

امروزه سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یکی از عناصر عمده در پیوند دادن اقتصاد داخلی کشورها و به ویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده و به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تخصص و مدیریت در تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش مهمی ایفا می کند. این واقعیت موجب شده که رقابت های اقتصادی برای بهره گیری از فرصت های موجود در جذب سرمایه گذاری خارجی به منظور ارتقای جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی تشدید شود. تصحیح رویکرد «ایران هراسی» نیز توانسته شرایط ما را به سمت بهبود پیش برده و تصویر تازه و واقعی از ایران پیش روی جهانیان ترسیم کند.

ایران در روند جهانی تلاش دارد تا مانند بسیاری دیگر از کشورهای امکان جذب سرمایه خارجی به منظور توسعه پایه های ملی تولید و اقتصاد خود بهره مند شود. به همین خاطر موضوع سرمایه گذاری خارجی به عنوان یکی از ابزارهای موثر مورد توجه مسوولان است و خوشبختانه تا به اینجای کار تلاش های دولت یازدهم نیز در تغییر نگاه جهانی به بازارهای اقتصادی ایران تاثیر گذار بوده است. با این وجود، نمی توان این واقعیت را نادیده گرفت که ایران در سال های اخیر نتوانسته در این مهم توفیقی به دست آورد.

با وجود اهمیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی در فرآیند حرکت به سمت اقتصاد جهانی، متأسفانه سهم ایران از سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان بسیار ناچیز بوده و تحلیل همین مساله ما را به شاخص های متنوعی می رساند که عوامل خارجی و رویکرد جهانی نسبت به سیاست گذاری های ایران در این میان نقش کلیدی ایفا می کند.

در عرصه بین المللی، یکی از موانع اصلی برای سرمایه گذاری های خارجی نقش مسلط آمریکا در اقتصاد جهانی است. پیش از آنکه اتحادیه اروپا بخواهد ایده تحریم ایران را روی میز قرار دهد در سال های پس از پیروزی انقلاب این کشور آمریکا بود که به جد بر مساله تحریم اقتصادی ایران تاکید داشت. البته جنس سرمایه گذاری های مورد نظر آمریکا در ایران

و کشورهای اروپایی بسیار متفاوت است. اروپایی ها بیش از نفت به سرمایه گذاری در حیطه های دیگر فکر می کنند و آمریکا بیشتر مایل به سرمایه گذاری در بازارهای نفتی است.

مجموعه ای از عوامل همواره باعث ایجاد نگرش منفی در مورد ایران در سطح بین المللی و در نتیجه، تحت الشعاع قرار گرفتن مسئله جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی شده که از جمله می توان به بهانه جویی های غرب در مورد مسائلی چون حقوق بشر، سلاح های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم، حمایت از فلسطین در درگیری های موجود میان اعراب و اسرائیل و موارد دیگر اشاره کرد.

نکته مهم اینکه آمریکایی ها در سه دهه گذشته به صراحت شرکت ها را از سرمایه گذاری در ایران منع کرده اند. در این میان اگر بخواهیم بازخوانی حقوقی داشته باشیم می شود به قانون «پلسا» (لوت ۱۹۹۶) اشاره کرد که بر اساس آن شرکت های خارجی که در ایران در زمینه نفت و گاز بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال سرمایه گذاری کنند، مشمول تحریم های آمریکا خواهند شد. اگر چه در این سال ها شکل و رویکرد تحریم ایران دستخوش تغییرات فراوان شده اما هر تحریم فی نفسه عامل بازدارنده حقوقی در نظام بین الملل برای سرمایه گذاری در ایران است.

بهبود روابط دیپلماتیک ایران با اتحادیه اروپا می تواند به طور غیرمستقیم فضای سیاسی جهان را به نفع ایران تغییر دهد، چرا که جذب سرمایه خارجی از کشورهای اروپایی می تواند با وارد شدن رویکردهای به روز علمی، فن آوری و تکنولوژی همراه باشد.

نکته دیگر اینکه انتظار داریم دولت یازدهم با قطع رانت ها و ویژه خوارهای متداول در گذشته به سمت اجرای اصولی و استاندارد اصل ۴۴ قانون اساسی رفته و تمرکز دولت در حوزه های اقتصادی رو به کاهش بگذارد، چنانکه این مساله در قالب یک اصل جهانی در سودآوری اقتصادی مطرح است. در عصری که جهانی سازی اقتصاد به سمت آزادسازی هر چه بیشتر ساختار اقتصادی پیش می رود، اصل حمایت گرایی دولت نه تنها باعث

عقب ماندگی اقتصادی می شود، بلکه به حاشیه نشینی اقتصادی-سیاسی منجر خواهد شد. همچنین حمایت و تشویق سرمایه گذاری خارجی می تواند یکی از راه های مؤثر آزادسازی اقتصادی باشد.

البته هنوز هم افرادی با جذب سرمایه خارجی مخالفانند به این دلیل که سرمایه خارجی و تلاش برای جذب آن می تواند شرایط فعالیت سرمایه گذار داخلی را تهدید کرده و به او اجازه ورود به حوزه های اقتصادی را ندهد.

اما آنچه امروز از سوی مجلس مورد تاکید نمایندگان قرار گرفته، ایجاد کمیته ها و کمیسیون های ویژه برای دفاع از حقوق تولید کننده و بهبود فضای کسب و کار است. در همین زمینه مجلس نگاه مثبتی به طرح ها و لوایح تسهیل کننده دارد و به شکل جدی از تولید داخلی حمایت می کند. اما با رویکردی واقع گرایانه جذب سرمایه خارجی را نیز در دل بودجه ۹۳ کشور گنجانده و با توجه به پتانسیل برخی وزارتخانه ها و مدیران کارآمد و اتاق فکر اقتصادی دولت امیدواریم که با حفظ تولید داخلی و توسعه صنعتی کشور بتوانیم در راستای تقویت بنیه های اقتصادی از سرمایه خارجی در کشور بهره مند شویم.

سخن آخر آنکه در چند دهه گذشته آن گونه که شایسته بود ساختارهای داخلی برای جذب سرمایه خارجی تدارک دیده نشده و به همین خاطر یکی از گام های اصلی ما در جذب سرمایه خارجی - تا بر داشته شدن تحریم ها و اجرای کامل تفاهم نامه - باید معطوف به بازسازی شرایط داخلی باشد. این بازسازی شامل محورهای مختلفی می شود: از تغییر و بازنگری در مسائل حقوقی جذب سرمایه خارجی تا کاهش بوروکراسی اداری و دست و پاگیر معمول در کشور.

سرمایه گذار خارجی به شاخص های استاندارد ی برای سرمایه گذاری توجه دارد و به همین خاطر فرصت پیش رو باید صرف تلاش همه جانبه برای بهبود شرایط داخلی در جذب سرمایه شود.

مجلس شورای اسلامی در همین زمینه اعلام آمادگی می کند و از هر گونه همکاری دریغ نخواهد داشت.

توسعه کشاورزی و دخالت دولتی

بررسی سیاست‌های حمایتی از کشاورزان ایرانی به کمک شاخص‌های بین‌المللی



سید صفدر حسینی
رئیس صندوق
توسعه ملی

همه ساله سهم زیادی از بودجه دولت به حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این محصولات و همچنین زیرساخت‌های بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد. هدف‌ها و اولویت‌های سیاست‌های کشاورزی در همه کشورهای توسعه‌یافته به شرایط عمومی اقتصاد و جهت‌گیری‌های کلی آن، در طول زمان تغییر می‌کند. پژوهش‌های علمی به منظور تحلیل روند تغییرات و عملکرد این سیاست‌ها، با توجه به هدف‌ها، مصوبات و عملکرد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مسئله اساسی و مهمی‌اند که از بعد برنامه‌ریزی برای تدوین راهبرد توسعه کشاورزی و مساعدت به تدوین برنامه‌های توسعه، اهمیت ویژه‌ای دارند.

روش سازمان OECD در بررسی بخش کشاورزی

به منظور برآورد و تحلیل حمایت‌ها، در ادبیات اقتصادی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. روش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) که از سال ۱۹۸۷ ارائه شده است، مبتنی بر برآورد چند شاخص حمایت است. در این روش تلاش می‌شود این سیاست‌ها و حمایت‌ها را در قالب یک یا چند عدد خلاصه کرد، به طوری که این اعداد هم بین کشورهای مختلف و هم در طول زمان مقایسه‌پذیر باشند. روش سازمان OECD هر ساله توسط کشورهای عضو این سازمان و بسیاری از کشورهای غیر عضو محاسبه می‌شود. به دلیل همین رویکرد عمومی و استفاده زیاد از این روش، تلاش‌های بسیاری برای بهبود و تکامل آن شده است و می‌توان آن را تکامل‌یافته‌ترین روش ارزیابی سیاست‌های حمایتی دانست.

به کارگیری روش سازمان OECD در ارزیابی سیاست‌های حمایتی دارای چند مزیت است. نخست آن که شاخص‌های حمایتی را می‌توان - با وجود تنوع در ابزارهای سیاستی کشورهای مختلف و تفاوت در رویکردها و هدف‌های هر کشور در طول زمان - به منظور نظارت و ارزیابی سیاست‌های کشاورزی مورد استفاده قرار داد. به ویژه آن که شرکت در معاهدات و الحاق به سازمان‌های بین‌المللی به‌طور معمول متضمن پذیرش تعهداتی است که باید ارزیابی شوند. از سوی دیگر، شاخص‌های پیش‌گفته با استفاده از روشی سازگار و مقایسه‌پذیر برای ارزیابی سیاست‌های کشاورزی، مبنایی مشترک برای گفت‌وگوهای بین‌المللی فراهم می‌کند. در واقع، امکان مقایسه بین‌کشوری، و گسترش روزافزون محاسبه این شاخص‌ها در کشورهای مختلف، آنها را نه تنها در کشورهای عضو OECD، بلکه در بسیاری از سازمان‌های بین‌دولتی، بین‌المللی غیردولتی، و حتی نهادهای تحقیقاتی، به عنوان ابزاری سودمند مطرح کرده است. از سوی دیگر، بانک اطلاعاتی ایجادشده از شاخص‌ها در طول زمان، یک ورودی بارز در ساخت الگوهای ارزیابی اثربخشی و کارایی سیاست‌ها است. در واقع، هر چند این شاخص‌ها خود نمی‌توانند آثار و پیامدهای سیاست‌ها بر تولید، تجارت، درآمد، محیط‌زیست و غیره را به صورت مستقیم اندازه‌گیری کنند، اطلاعات اقتصادی حاصل از آنها را می‌توان پایه‌ای مهم برای پژوهش‌های بعدی دانست.

در روش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی که از سال ۱۹۸۶ مورد استفاده قرار گرفت، ارزش پولی پرداخت‌های انتقالی توسط همه ابزارهای سیاستی مؤثر بر کشاورزی لحاظ می‌شود. این پرداخت‌ها به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند: الف) حمایت از قیمت‌بازاری (ب) پرداخت‌های مستقیم (ج) کاهش هزینه‌های نهاده (د) خدمات عمومی. در آن زمان، هر یک از آنها، سیاست‌های اندکی را شامل می‌شد و دیگر پرداخت‌های انتقالی که در این تقسیم‌بندی

بسیاری از کارشناسان، حمایت از بخش کشاورزی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که تحقق آن منافع همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیاست‌های حمایتی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی در بخش کشاورزی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به‌شمار می‌روند. امروزه دامنه حمایت از بخش کشاورزی - حتی در کشورهای توسعه‌یافته - نه تنها کاهش نیافته است، بلکه همواره بر تداوم، تقویت و تنوع حمایت‌ها تأکید می‌شود، به طوری که اهمیت و جایگاه منحصر به فرد بخش کشاورزی در قالب کارکردهای متداول آن همچون تأمین

مواد غذایی و مواد خام صنایع، صادرات، ارزآوری و اشتغال نه تنها کاهش نیافته است، بلکه در روند توسعه کشورهای پیشرفته بیش از پیش، بر اهمیت آن افزوده شده است. این موضوع در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. در بیشتر کشورهای جهان بدون حمایت از بخش کشاورزی، تعداد زیادی از کشاورزان و روستاییان با درآمد کم با مشکلات جدی روبه‌رو خواهند شد. به ویژه آن که این کشورها به منظور تأمین امنیت غذایی، با استفاده از واردات و دخالت مستقیم در قیمت محصولات اساسی کشاورزی و غذایی، تلاش می‌کنند برای حمایت از مصرف‌کنندگان شهری سطح قیمت محصولات کشاورزی را کاهش دهند.

سیاست‌های کشاورزی به‌طور معمول در بازار کالاها و نهادهای کشاورزی اجرا می‌شوند. دو هدف اساسی برای اجرای سیاست‌های کشاورزی ذکر می‌شود: نخست ناکارایی یا شکست بازار و دیگری ماهیت نپذیرفتنی تخصیص طبیعی بازار از دید جامعه. به بیان دیگر، برای اجرای هر سیاست کشاورزی ابتدا به یک محرک نیاز است. این محرک ممکن است ناکارایی یا شکست در بازار محصول یا نهاده باشد. سیاست‌گذاران پس از تعریف مسئله یا همان محرک، هدف‌های کیفی را به‌منظور پاسخ به محرک یا رفع ناکارایی مشخص می‌کنند. از جمله این هدف‌ها می‌توان به رشد و توسعه بخش کشاورزی، توزیع درآمد، کارایی اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها و درآمد‌ها اشاره کرد. در مرحله دوم، برای رسیدن به هدف‌های کیفی، برنامه‌ریزی می‌شود و این هدف‌ها از حالت کیفی به صورت کمی، قابل اندازه‌گیری، مشخص و متقن درمی‌آید. در نهایت با توجه به هدف‌های کمی، ابزارهای سیاستی لازم طراحی و به کار گرفته می‌شوند. پس از اجرای هر سیاست، درجه اثربخشی آن در رسیدن به هدف‌های از پیش تعیین‌شده، اندازه‌گیری می‌شود تا در سیاست‌گذاری‌های آینده بر نامهربانان مورد استفاده قرار گیرد.

در ایران نیز همچون دیگر کشورهای جهان، سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - در چارچوب مشابه آنچه در بند بالا تشریح شد - صورت می‌گیرد. پیشینه چنین سیاست‌هایی در زیر بخش دام و طیور به سال ۱۳۲۶ بازمی‌گردد. در بخش‌های دیگر همچون زراعت نیز این گونه سیاست‌ها از اواسط سال ۱۳۴۰ آغاز و در سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات اساسی زراعی قانونمند شد. به‌طور کلی، در طول برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب به‌طور روزافزونی بر حمایت از بخش کشاورزی تأکید شده است. همچنین در قانون برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی نیز بر تداوم پرداخت یارانه به برخی نهادهای تأکید شد.



وجود نداشت، برای محاسبه «کل» پرداخت‌های انتقالی افزوده می‌شد. به تدریج به دلیل افزایش تنوع در سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو، و نیز گسترش روزافزون محاسبه این شاخص‌ها در کشورهای غیر عضو، تقسیم‌بندی اولیه برای تحلیل‌های سیاستی تاحدودی نامتناسب و ناکارآمد شد. از این رو، OECD دسته‌بندی جدیدی را معرفی کرد. بر این اساس، به منظور اینکه عنوان شاخص تا حد امکان منعکس‌کننده تعریف‌ها باشد و آنها را با یکدیگر همسان کند، کشورهای OECD توافق کردند به جای «معادل یارانه» از «برآورد حمایت» استفاده کنند و مجموعه اصطلاحات زیر را به کار گیرند: برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) کل در بافت‌های ناخالص کشاورزان، شامل ارزش محصول بر حسب قیمت‌های سر مزرعه، به علاوه پرداخت‌های دولت به کشاورزان؛ برآورد حمایت از مصرف‌کننده (CSE) شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌ها از تولیدکنندگان و مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان در زمانی معین که بر اثر اجرای سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی منتقل شده است؛ برآورد حمایت از خدمات عمومی (GSSE) ارزش پولی ناخالص سالانه اختصاص یافته به خدمات عمومی در بخش کشاورزی و برآورد حمایت کل (TSE) مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی. این کار با هدف همسان‌سازی هر چه بیشتر شاخص‌ها (بین کشورها، سیاست‌ها، و در طول زمان)، شفاف‌سازی (ارابه هر چه بیشتر اطلاعات)، مفید و به‌هنگام ساختن (برای هدف‌های سیاستی)، و عملی کردن آنها (سهولت فهم و محاسبه) انجام پذیرفت.

در روش‌شناسی OECD، حمایت به مفهوم پرداخت‌های ناخالصی است که به دلیل اعمال سیاست‌های حمایتی از کشاورزی، انجام شده است. این پرداخت‌ها، هم مخارج بودجه‌ای و هم دیگر پرداخت‌هایی که نیازمند مخارج پولی واقعی نیست را نیز شامل می‌شود. به این ترتیب، شاخص‌های محاسبه‌شده منعکس‌کننده حمایت‌هاست.

بررسی روند تغییرات سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌های تولید و مصرف محصولات مهم در بخش‌های مختلف زراعت و باغبانی در دو شاخص حمایت از تولیدکنندگان (PSE) و حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE) نتایج جالب توجهی را به دست داده است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم. این نتایج در بررسی بخش‌های کشاورزی زیر صورت گرفته است: بخش زراعت (گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، کلزا، چغندر قند، نیسکر) که در مجموع ۷۶ درصد از سطح داشت‌شده محصولات زراعی سالانه طی سال‌های (۸۸-۱۳۸۵) را به خود اختصاص داده‌اند (آمارنامه کشاورزی، سال‌های (۸۸-۱۳۸۵)، محصولات مهم زیر بخش باغبانی (پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات) که مهم‌ترین محصولات صادراتی بخش کشاورزی بوده‌اند و ۵۴ درصد از سطح زیر کشت محصولات باغی کشور را در سال ۱۳۸۷ در بر داشته‌اند (طرح آمارگیری محصولات باغی، ۱۳۸۷) و همچنین مهم‌ترین محصولات زیر بخش دام و طیور (گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم‌مرغ) که نزدیک به ۹۵ درصد از ارزش تولید محصولات این بخش را شامل می‌شوند.

برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE)

حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی، شامل دو بخش حمایت بازاری و حمایت بودجه‌ای از کشاورزان است که در ایران بخش مهمی از حمایت‌های بودجه‌ای را حمایت قیمتی از نهاده‌های تولید (انواع کود و سموم شیمیایی، انرژی و نهاده‌های خوراک دام) در برمی‌گیرد. اثر مستقیم که با نرخ ارز حقیقی محاسبه می‌شود در زیر بخش زراعت تا پایان برنامه دوم توسعه منفی بوده و در این سال‌ها نیز نوسان زیادی داشته است. در برنامه سوم توسعه به بهبود قیمت‌گذاری محصولات زراعی در شورای اقتصاد و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، تولیدکنندگان زیر بخش زراعت حمایت شده‌اند و با ادامه ادامه اجرای این سیاست‌ها در برنامه چهارم توسعه به‌طور میانگین ۴۰ درصد بیشتر از درآمد خود بدون اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی به دست آورده‌اند. اثر کل که حمایت از کشاورزان را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد، در پی بیش برآورد ارزش ریال در بعضی سال‌ها مثبت بوده است و پس از آن از سال ۱۳۷۸ کشاورزان داخلی در مقایسه با رقبای جهانی حمایت شده‌اند. بیشترین حمایت از تولیدکنندگان در برنامه سوم توسعه و در سال ۱۳۸۱ در پی اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بوده است و در این سال آنان ۵۵/۸ درصد بیشتر از درآمد خود در بازار جهانی دریافت کرده‌اند. براساس پیش‌بینی باروش بیان‌شده در فصل سوم، در برنامه پنجم نیز کشاورزان با نرخ ارز حقیقی و تعادلی با وجود کم‌برآورد ارزش ریال، حمایت خواهند شد؛ تاووم این روند که از برنامه سوم آغاز شده است در افزایش رقابت‌پذیری، خودکفایی، تأمین امنیت غذایی و رشد صادرات مؤثر است. شاخص اثر غیرمستقیم نشان‌دهنده اثر سیاست‌های ارزی

بر حمایت از تولیدکنندگان است که در برنامه چهارم توسعه اثرگذاری آن بر تولیدکنندگان زیر بخش کشاورزی افزایش پیدا کرده است. این موضوع را می‌توان نشانه آزادی نسبی بازار محصولات کشاورزی به‌شمار آورد.

تولیدکنندگان زیر بخش باغبانی با وجود افزایش قیمت‌های داخلی و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای برآمده از تفاوت قیمت داخلی و جهانی انرژی، تنها در سال ۱۳۸۸ حمایت دریافت کرده‌اند و با وجود روند بهبود حمایت‌ها در چهار برنامه توسعه، در برنامه پنجم توسعه نیز تولیدکنندگان این زیر بخش حمایت نمی‌شوند. اثر کل در مقایسه با اثر مستقیم در دوره جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه، تحمیل مالیات پنهان کمتری را به تولیدکنندگان نشان می‌دهد؛ یعنی در این دوره‌ها برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد و اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد برای تولیدکنندگان سودمند بوده است. براساس نتایج اثر غیرمستقیم، سیاست‌های ارزی در برنامه دوم توسعه تنها ۰/۸ درصد بر درآمد کشاورزان افزوده است که اثرگذاری اندک اجرای سیاست‌های ارزی را در این برنامه آشکار می‌کند. کاهش رقابت‌پذیری باغداران با تحمیل مالیات به آنان، کاهش درآمد صادراتی کشور را که یکی از مهم‌ترین منابع صادرات غیرنفتی است، در پی دارد. در زیر بخش دامپروری با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های تولید و اجرای سیاست شناسایی نرخ ارز مالیات تحمیل شده به کشاورزان کاهش یافته و در برنامه چهارم توسعه روند حمایت از آنان براساس شاخص در صد اثر مستقیم افزایشی و به‌طور میانگین ۸/۵ درصد به درآمد آنان افزوده شد. شاخص اثر کل نیز در بعضی سال‌های دوره جنگ و برنامه سوم در پی بیش برآورد ارزش ریال و در دو سال پایانی برنامه چهارم توسعه به دلیل افزایش قیمت داخلی و حمایت‌های بودجه‌ای مثبت بوده است. در برنامه‌های اول و دوم توسعه به ترتیب ۳۶ و ۲۳ درصد از درآمد دامپروران در شرایط بدون اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی کاسته شد. بیش‌بینی می‌شود در برنامه پنجم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در بخش انرژی، دامپروران ایرانی ۱۰/۷ درصد بیشتر از رقبای جهانی دریافت کنند.

شاخص ارزشی حمایت کل از بخش کشاورزی که با نرخ ارز حقیقی محاسبه شده است در همه برنامه‌های توسعه نوسان داشته و تنها در دهه ۱۳۸۰ با اجرای سیاست شناسایی مدیریت‌شده نرخ ارز، بهبود سیاست‌های قیمت‌گذاری، از جمله قیمت تضمینی و قیمت سقف و کف و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای برآمده از شکاف قیمتی انرژی هم‌زمان با افزایش مصرف سوخت در پی توسعه مکانیزاسیون و استحصال آب‌های زیرزمینی تولیدکنندگان حمایت شده‌اند. در برنامه چهارم توسعه به‌طور میانگین ۲۱/۴ هزار میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان انتقال پیدا کرده است. در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی، حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به ترتیب ۹ و ۱/۷ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است که بیانگر سودمندی بیشتر شرایط تعادلی اقتصاد برای تولیدکنندگان بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه در مقایسه با شرایط اجرای سیاست‌های ارزی است. براساس نتایج اثر کل در برنامه پنجم توسعه کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان خواهند بود، در حالی که در شرایط برقراری نرخ ارز حقیقی ۳۸/۵ هزار میلیارد ریال به درآمد تولیدکنندگان این بخش افزوده خواهد شد. شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی نیز روند مشابهی با شاخص‌های ارزشی داشته است. براساس شاخص اثر مستقیم، در دوره جنگ به دلیل ثبات قیمت‌های داخلی تولیدکنندگان ۲۶ درصد از درآمد خود را به شکل مالیات از دست داده‌اند. اما با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۷۱ مالیات تحمیل شده بر تولیدکنندگان کاهش پیدا کرده و در برنامه سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازارهای نهاده و محصول و توجه بیشتر به منافع تولیدکنندگان در تعیین قیمت تضمینی و اجرای سیاست شناسایی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ از کشاورزان حمایت شده است. در برنامه اول توسعه بیشتر کاهش منافع تولیدکنندگان را نشان داده و در برنامه سوم توسعه بایش برآورد ارزش ریال و اجرای سیاست‌های بخشی، تولیدکنندگان ۵/۱ درصد حمایت شده‌اند. شاخص اثر غیرمستقیم که علامت آن مشابه انحراف نرخ ارز است در دوره جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه حمایت‌کننده تولیدکنندگان و تنها در برنامه چهارم توسعه اثر آن بیشتر از انحراف نرخ ارز بوده است که اثرگذاری نرخ ارز بر بخش کشاورزی و لزوم توجه بیشتر به سیاست‌های ارزی را در سیاست‌گذاری بخشی آشکار می‌کند. همچنین اهمیت سیاست‌های ارزی با مشاهده بیشتر بودن شاخص اثر غیرمستقیم در مقایسه با اثر مستقیم، یعنی اثرگذاری بیشتر سیاست‌های ارزی نسبت به سیاست‌های



در مقایسه با اثر گذاری مثبت بیش بر آورد ارزش ریال بر حمایت بازاری از تولیدکننده محصول، اثر بیشتری بر افزایش TSE دارد.

از آنجا که شاخص TSE تنها برای زیربخش باغبانی در بیشتر سال ها منفی بوده است این شاخص برای کل بخش کشاورزی در همه سال ها نشان دهنده دریافت بارانه است. در برنامه های اول و دوم توسعه با نوسان شکاف قیمت های داخلی و خارجی، تولید و مصرف، حمایت از بخش کشاورزی با نوسان مداوم همراه بوده، اما در برنامه سوم توسعه با حمایت همزمان از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان اغلب محصولات و افزایش حمایت های بودجه ای، حمایت از بخش کشاورزی رشد چشمگیری داشت و در سال ۱۳۸۴ به ۹۸/۵ هزار میلیارد ریال رسید. اما روند نوسانی آن در برنامه چهارم توسعه از سر گرفته شد. در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی اقتصاد نیز حمایت کل از بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه افزایشی بود و در برنامه چهارم توسعه با وجود نوسان به طور میانگین، بیشترین حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان صورت پذیرفت. حمایت ۷۸/۴ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از بخش کشاورزی در این برنامه به دلیل افزایش تولید و مصرف و بارانه های بودجه ای در پی شکاف قیمتی سوخت داخلی و خارجی است. با توجه به دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان در پی کم بر آورد ارزش ریال در برنامه چهارم توسعه، پرداخت بارانه به کل این بخش به دلیل حمایت از مصرف کنندگان بود که در بلندمدت تضعیف تولید، نیاز به واردات و کاهش منافع مصرف کنندگان را به دنبال دارد. در برنامه سوم نیز که به دلیل بیش بر آورد ارزش ریال تولیدکنندگان حمایت شدند بیشتر سهم حمایت کل را حمایت از مصرف کنندگان در بر گرفته بود.

سهم حمایت بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشور در سال های پس از جنگ کمتر از ۱۰ درصد و نوسانی بوده و در سال ۱۳۶۶ به دلیل کاهش تولید ناخالص داخلی کشور ۱۵/۸ درصد بود. نسبت شاخص TSE محاسبه شده با نرخ ارز تعادلی به تولید ناخالص داخلی کشور در بیشتر سال ها، به جز برنامه اول توسعه کمتر از اثر مستقیم است که بیانگر تأثیر بیشتر اثر منفی سیاست های ارزی بر حمایت از بخش کشاورزی است. تفاوت اثر مستقیم و اثر کل شاخص حمایت از بخش کشاورزی در برنامه های سوم و چهارم توسعه با کاهش انحراف نرخ ارز کمتر شده است که این واکنش به سیاست های ارزی لزوم توجه به این سیاست ها را در بخش کشاورزی آشکار می کند.

بخش کشاورزی به دلیل نقش آن در تأمین امنیت غذایی از جایگاه راهبردی برخوردار است. بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران، بخش کشاورزی به طور میانگین ۱۶ و ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی و اشتغال کشور را در بر می گیرد. همچنین سبک زندگی ویژه ای که اغلب همراه این فعالیت اقتصادی است، موجب می شود همواره سیاست های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف کشاورزی انجام پذیرد.

نتایج پژوهش ها وجود روند افزایشی در حمایت های قیمتی و حمایت از تولیدکنندگان در برنامه های توسعه را نشان می دهند. کاهش دخالت دولت در بازار نهاده ها و محصولات کشاورزی در کنار اجرای سیاست های ارزی موجب بهبود حمایت از کشاورزان شده است. در بین حمایت های بودجه ای سهم بارانه سوخت و بارانه های نهاده های تولید (خوراک دام و انواع کود و سموم شیمیایی) برای همه محصولات بیش از ۹۰ درصد از کل حمایت های بودجه ای از تولیدکنندگان بوده است. در برنامه سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده ها و محصول و اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، از تولیدکنندگان زیربخش های کشاورزی و کل بخش حمایت شده است. مقادیر اثر مستقیم حمایت از مصرف کنندگان بخش کشاورزی از میانگین ۴۲ درصد در دوره جنگ به ۱۷ درصد در برنامه چهارم توسعه رسیده است که تغییر چشمگیری را بین دوره های مختلف اجرای سیاست ها بیان می کند. افزون بر این، بررسی اثر سیاست های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف کنندگان بخش کشاورزی نشان می دهد این سیاست ها در دوره جنگ و همچنین برنامه های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص های حمایت از مصرف کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه های توسعه، این سیاست ها موجب افزایش حمایت از مصرف کنندگان بخش کشاورزی شده است، یعنی اثر غیر مستقیم تقویت کننده اثر مستقیم بوده است.

در پیش بینی برنامه پنجم همانند برنامه چهارم درباره تولیدکنندگان، سیاست های ارزی تقویت کننده سیاست های بخش کشاورزی نیست، یعنی سیاست های بخشی و ارزی در این برنامه ها همسو نبوده اند. شاخص حمایت بازاری نیز حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان نمی دهد، به طوری که سیاست های بخشی و ارزی، تضعیف کننده تولیدکنندگان بخش کشاورزی خواهد بود. این در حالی است که سیاست های ارزی و بخشی از مصرف کنندگان محصولات بخش کشاورزی حمایت می کنند.

بخشی، بیشتر می شود. ترکیب سیاست های ارزی و بخشی به گونه ای که حمایت کننده تولیدکنندگان باشد با افزایش رقابت پذیری موجب توسعه تولید، خود کفایی و افزایش صادرات می شود.

بر آورد حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)

مجموع حمایت از تولیدکنندگان، مصرف کنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی بیانگر شاخص حمایت کل (TSE) از بخش کشاورزی است. شاخص حمایت TSE حمایت از بخش کشاورزی را در مقایسه با بخش های دیگر ارزیابی می کند و قضاوت درباره بهره مندی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، نیازمند بررسی شاخص های PSE و CSE است.

شاخص اثر مستقیم TSE زیربخش زراعت با وجود نوسان، نشان دهنده روند افزایشی حمایت از این زیربخش است. این شاخص در برنامه سوم توسعه در پی افزایش حمایت از تولیدکنندگان رشد چشمگیری داشته است. پیش بینی می شود با افزایش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در برنامه پنجم توسعه حمایت کل از زیربخش زراعت به ۷۷/۵ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند. اثر کل نیز روند مشابهی داشته و با افزایش تولید محصولات زراعی ارزش حمایت کل از این زیربخش افزایش پیدا کرده و در برنامه چهارم توسعه با اثر گذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران ۶۰/۵ هزار میلیارد ریال به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۴ با روش های مختلف بارانه به زیربخش زراعت پرداخت شده است که شیوه بهره مندی و سهم تولیدکنندگان و مصرف کنندگان هر محصول از آن متفاوت است.

شاخص حمایت کل از زیربخش باغبانی با استفاده از نرخ ارز حقیقی برای تبدیل قیمت های جهانی با نوسان زیادی در برنامه های توسعه همراه بوده است. در دوره جنگ و برنامه های اول و دوم توسعه با وجود حمایت زیاد از مصرف کنندگان و حمایت های بودجه ای در بخش تولید از کنشگران زیربخش باغبانی (تولیدکنندگان و مصرف کنندگان) مالیات پنهان دریافت شده است، یعنی اجرای سیاست های بخشی و ارزی به زیان این زیربخش بوده است. در برنامه سوم توسعه در پی کاهش شدید قیمت نفت و لزوم توجه به صادرات غیر نفتی که محصولات باغی سهم زیادی از آن را در بر می گیرد، حمایت از زیربخش باغبانی افزایش پیدا کرد و تنها در سال ۱۳۸۲ مالیات پنهان این بخش بیشتر از بارانه آن بود. در برنامه چهارم توسعه با افزایش قیمت های جهانی، حمایت از این زیربخش کاهش پیدا کرد و به طور میانگین ۷۷/۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ به این زیربخش بارانه پرداخت شد. پرداخت بارانه به یک زیربخش در پی اجرای سیاست های ارزی و بخشی، توسعه تولید و صادرات را در پی دارد. اما توجه به سهم تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در توزیع منافع سیاست ها اهمیت دارد، زیرا تداوم حمایت یک سو به از یک گروه، تضعیف طرف عرضه یا تقاضا را در پی دارد که به کاهش منافع گروه دیگر می انجامد. از یک سو، تضعیف تولیدکنندگان با کاهش انگیزه تولید، کاهش عرضه، افزایش قیمت و کاهش حمایت از مصرف کنندگان یا افزایش هزینه های دولت را در پی دارد و از سوی دیگر تضعیف مصرف کنندگان، کاهش تقاضا، مازاد عرضه، کاهش قیمت و کاهش منافع تولیدکنندگان را به دنبال دارد. میانگین اثر کل نیز تنها در برنامه سوم توسعه همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار محصول و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، حمایت کننده زیربخش باغبانی بود. پیش بینی می شود، بر خلاف اثر مستقیم و اثر غیر مستقیم، به نظر به دلیل کم بر آورد ارزش ریال، منفی باشد. بر اساس نتایج اثر مستقیم و اثر غیر مستقیم، به نظر می رسد اثر منفی سیاست های ارزی بر تولید و مصرف زیربخش باغبانی بیشتر است، زیرا اثر کل در چهار برنامه توسعه کمتر از اثر مستقیم است. اثر منفی سیاست های ارزی در شرایط بیش بر آورد ارزش ریال بر حمایت از نهاده ها و مصرف کنندگان و در شرایط کم بر آورد ارزش ریال بر حمایت از تولیدکنندگان زیربخش باغبانی است.

شاخص اثر مستقیم حمایت کل از زیربخش دامپروری در برنامه های توسعه روند کاهشی داشته است. این روند نشان می دهد با کاهش دخالت دولت در بازارهای نهاده و محصولات دامی، بارانه دریافتی تولیدکنندگان افزایش یافته و مصرف کنندگان ناگزیر از پرداخت مالیات شده اند که مازاد منافع به دست آمده توسط کشاورزان در این شرایط در مقایسه با مازاد منافع مصرف کنندگان پیش از اجرای این سیاست ها کمتر بوده است. اثر کل حمایت کل از زیربخش دامپروری در برنامه اول توسعه به دلیل افزایش بیشتر حمایت از مصرف کنندگان در مقایسه با افزایش مالیات تولیدکنندگان در پی کم بر آورد ارزش ریال، بیشترین مقدار را داشته است. یعنی در این برنامه با اثر گذاری متغیرهای تعادلی اقتصاد ایران، بر ایند منافع در زیربخش دامپروری موجب دریافت مالیات پنهان از کنشگران این بازار شده است. شایان ذکر است، کم بر آورد ارزش ریال به دلیل اثر گذاری مثبت بر حمایت از مصرف کنندگان و نهاده های تولید

فقر اقتصاد

شیوه‌ای که می‌توانست پیش از اجرای برنامه‌های رفاهی کلانی مانند هدفمندی یارانه‌ها و ارائه سبد کالا یا پیاده‌سازی سیاست‌های اصلاحی مانند افزایش قیمت حامل‌های انرژی در پیش گرفته شود

■ مهدی فیضی

مترجم کتاب اقتصاد فقیر

و عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

روشنفکران عمومی و متفکران جهانی و افراد تاثیر گذار جهان از سوی نشریه فارن پالیسی و نشریه تایم قرار گرفته است.

بنر جی و دوفلو در این سال‌ها برای مطالعه کارایی سیاست‌های مداخله گرایانه در گستره‌ای از مسائل بهداشتی، آموزشی و کشاورزی با تحلیل دقیق مجموعه‌ای از شواهد قوی، از آزمون‌های میدانی (Field Experiments) و به‌طور خاص سنجش‌های کنترلی تصادفی شده (Randomized Controlled Trials) استفاده کرده‌اند. اساس آزمون (Experiment)، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین روش‌ها برای به‌دست آوردن تبیین علی از یک پدیده در علوم اجتماعی، عبارت است از اعمال تغییر در یک متغیر مستقل با ثابت نگه‌داشتن سایر متغیرها و اندازه‌گیری اثر آن بر متغیر وابسته. یک نمونه به‌لحاظ آماری تصادفی انتخاب شده به دو گروه، شاهد و آزمایش، تقسیم می‌شود و تنها گروه آزمایش در مان (مداخله) مورد نظر در دریافت می‌کند. به این ترتیب می‌توان با کنترل سایر عوامل احتمالی مؤثر، تغییر معنادار متغیر وابسته را در مقایسه با این متغیر در گروه شاهد تنها به اثر متغیر مستقل نسبت داد.

اگر آمار تپاسن نشان داد که فقر، ناشی از نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها است که اجازه رشد توانایی‌های کارکردی را به افراد نمی‌دهد، بنر جی و دوفلو در کتاب «اقتصاد فقیر» از این فراتر می‌روند و با سنجش‌های کنترلی تصادفی شده نشان می‌دهند که اساساً چرا فقرا حتی وقتی می‌توانند گاه از فرصت‌های برابر استفاده نمی‌کنند (چرا گاه حتی با وجود دسترسی به خدمات رایگان بهداشتی از آنها استفاده نمی‌کنند یا با وجود دسترسی به اعتبار خرد برای توسعه کسب و کار خود وام نمی‌گیرند؟) و برای افزایش استفاده آنها از فرصت‌ها چه می‌توان کرد (چگونه می‌توان استفاده از خدمات بهداشتی یا استفاده از وام‌های خرد را افزایش داد؟). پیش از این سازوکار دقیقی برای سنجش تاثیر سیاست‌ها و ارزیابی موفقیت برنامه‌های توسعه وجود نداشت و به این منظور تنها می‌شد به شهودهای گاه گمراه کننده بسنده کرد. اقتصاد توسعه جدید با داشتن جعبه ابزار

فهم حقیقت مساله توسعه نیافتگی داشته باشد. تجربه سال‌های اخیر این رویکرد تازه، اتفاقاً نشان داده است که به این ترتیب نه تنها می‌توان تغییرات معناداری در زندگی فقرا ایجاد کرد و آن‌ها را ناشی از مداخلات صورت گرفته دانست، بلکه چگونگی این تغییرات بینش‌ها و شهودهای خوبی نیز برای تبیین دلایل توسعه نیافتگی در مقیاس کلان به دست می‌دهد بی‌آنکه این رویکرد خرد-آزمونی در وهله اول پروایی برای آن داشته باشد.

«عنوان اصلی کتاب ابهامی ضمنی دارد. از سویی، شاید به کنایه، به ضعف رشته اقتصاد در تمامی دهه‌های گذشته در برخوردی کارا با مساله توسعه نیافتگی به‌طور کلی و فقر به‌طور ویژه اشاره دارد و از سوی دیگر از رویکردی تازه در این حوزه سخن می‌گوید که بر مبنای زیر عنوان آن به یک بازاندیشی بنیادین در مورد فهم اقتصاد فقرا و ماهیت پدیده فقر منجر می‌شود. مخاطبین این کتاب نه تنها دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بلکه همچنین همه افرادی هستند که دغدغه بهبود وضع اجتماعی فقرا را دارند، تنها به نیت خوب در انجام عمل خیر خواهانه بسنده نمی‌کنند و تاثیر گذاری و معناداری کوشش در بهبود زندگی دیگران برای آن‌ها مهم است.» (مقدمه مترجمان، ص ۲۸ و ۲۹) خوانندگان با خواندن کتاب به خوبی درمی‌یابند برای ایجاد تغییرات مثبت معنادار در زندگی فردستان، فراتر از داشتن نیت خیر نیازمند شواهد قوی از میزان تاثیر گذاری سیاست‌ها و برنامه‌های ضد فقر نیز هستیم که بدون آزمون در میدان عمل ممکن نیست.

کتاب «اقتصاد فقیر» حاصل سال‌ها پژوهش میدانی نویسندگان آن، ابهیجیت بنر جی (Abhijit Banerjee) و استر دوفلو (Esther Duflo) و سایر پژوهشگران در مناطق فقیر نشین کشورهای در حال توسعه، از هند و اندونزی گرفته تا مراکش و کنیا، است که به زبانی غیر فنی و قابل فهم برای عموم ارائه شده است. نویسندگان کتاب هر دو پروفیسور اقتصاد در مؤسسه فناوری ماساچوست (ام‌آی‌تی) هستند و دوفلو، دارنده عنوان برترین اقتصاددان زیر چهل سال آمریکادر سال ۲۰۱۰، بارها در سال‌های اخیر در فهرست برترین



مساله اساسی اقتصاد توسعه مرسوم را شاید بتوان در این پرسش کلیدی خلاصه کرد که چرا برخی کشورها ثروتمند و در رفاه هستند و برخی فقیر و در فلاکت؟ کتاب «اقتصاد فقیر» (Poor Economics)، بی‌آنکه به این چرایی بی‌توجه باشد، بر چگونگی کاهش این فاصله و کاستن از فقر تمرکز کرده است. پیش از این تصور می‌شد کسی که یک چرای بزرگ دارد به چگونگی‌های بسیاری دست می‌یابد. اما تجربه دهه‌های گذشته کمک جهانی برای کاهش فقر در کشورهای کمتر توسعه یافته و به‌خصوص کشورهای فقیر آفریقای سیاه نشان داد که این گفته دست کم در اقتصاد توسعه چندان درست و اساساً در سطح کلان قابل ارزیابی نیست. گویی که بزرگی و پیچیدگی مساله توسعه نیافتگی، ارتباط چپستی و چگونگی آن را مختل می‌کند و در جوامع پیچیده امروزی به سختی می‌توان چگونگی یک تغییر معنادار در پدیده‌های اجتماعی را تنها به دلیل یک چرایی بزرگ فروکاست.

چرخش ساده در شکل طرح پرسش، از چرایی به چگونگی، رویکرد کلان نگر اقتصاد توسعه مرسوم را به رهیافتی خرد و از پایین به بالا تبدیل می‌کند که به دنبال کاستن از درد و رنج فردستان است بی‌آنکه ادعایی برای ریشه کنی فقر جهانی، تبیین دلیل فاصله درآمدی یا



بنر جی و دوفلو با سنجش‌های کنترلی تصادفی شده نشان می‌دهند که اساساً چرا فقرا حتی وقتی می‌توانند گاه از فرصت‌های برابر استفاده نمی‌کنند، چرا گاه حتی با وجود دسترسی به خدمات رایگان بهداشتی از آنها استفاده نمی‌کنند.

آزمون‌های کنترل شده و نگاه به‌بالا به مسائل خرد از زندگی فقرا، پس از دهه‌های عسرت، اکنون تولدی دوباره یافته و به یکی از جذاب‌ترین شاخه‌های اقتصاد تبدیل شده است.

«سنجش‌های کنترل‌شده تصادفی به فهم دلایل فقر و راه‌حل‌های آن کمک می‌کنند. اینکه چرا فقرا، با وجود داشتن خواسته‌ها و توانایی‌هایی مشابه با هر کس دیگری از سایر طبقات درآمدی، زندگی به کلی متفاوتی دارند؛ چرا آنها گاه برای این که پس‌انداز کنند، به دریافت وام نیاز دارند؛ چرا بچه‌های آنها به مدرسه می‌روند ولی اغلب چیزی نمی‌آموزند؛ چرا از خدمات رایگان بهداشتی استفاده نمی‌کنند اما پول به داروهای می‌دهند که نیاز چندانی به آنها ندارند؛ چرا کسب کارهای بسیاری را شروع می‌کنند ولی عموماً در هیچ یک از آنها رشدی نمی‌کنند و چرا با وجود فقر تعداد زیادی بچه می‌آورند.» (مقدمه مترجمان، ص ۲۲)

پیام کتاب «اقتصاد فقیر» این است که یک راه‌حل طلایی کلان‌نگر برای حل مساله توسعه‌نیافتگی وجود ندارد و برای درمان این درد در هر جامعه و فرهنگی باید ابتدا خاستگاه و زمینه شکل‌گیری فقر را در آنجا شناخت و سپس متناسب با این فهم بومی از ماهیت فقر، برنامه‌هایی خلاقانه برای کاستن از آن طراحی نمود. نویسندگان کتاب به خوبی نشان دادند وقتی که سیاست‌های به‌دقت طراحی شده، زمینه فرهنگی-اجتماعی خاص زندگی در یافت‌کنندگان خود را لحاظ کنند، حتی تغییراتی کوچک در ساز کار ارائه کمک نیز می‌تواند به‌طور چشم‌گیری کارایی آن را متحول کند.

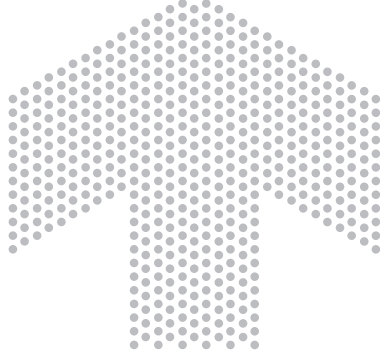
اگر قرار است علم از غرب آمده اقتصاد برای درمان دردهای تن زخمی این دیار اصطلاحاً بومی شود، به نظر می‌رسد شیوه به کار رفته در این کتاب نه تنها بهترین شیوه که تنها راه عملی آن باشد، بی‌آنکه در این فرایند بومی‌سازی علم از معنا و کاربرد تهی شود و در تکرار خطابه‌های کلی و آزمون‌نشدنی در باب چرایی توسعه نیافتگی یا امتناع آن گرفتار آید. به این ترتیب روش‌شناسی علم و ابزارهای تحلیل آن هم‌چنان همان است که بود و باید اگر چه در نهایت سیاست پیشنهادی که از دل این شکل بررسی‌ها و پژوهش‌ها برمی‌آید بسته به زمینه و بستر میدان آزمون می‌تواند بسیار متفاوت با نمونه‌های آن در اقتصادهای توسعه‌یافته باشد.

این شیوه‌ای بود که می‌توانست پیش از اجرای برنامه‌های رفاهی کلانی مانند هدفمندی بارانه‌ها و ارائه سبد کالا یا پیاده‌سازی سیاست‌های اصلاحی مانند افزایش قیمت حامل‌های انرژی در پیش گرفته شود تا از مقایسه شیوه‌های مختلف اجرای سناریوهای مختلف هم بهترین شکل ممکن اجرای کلان آنها به‌دست آید و هم امکان ارزیابی تأثیرات آنها فراهم شود. در شیوه فعلی کجا می‌توان تأثیر افزایش قیمت بنزین را در میزان مصرف آن مشخص کرد یا کمی می‌توان تأثیر هدفمندی بارانه‌ها را بر بودجه خانوار سنجید. حتی اگر به هر دلیلی امکان یا توان علمی اجرای سنجش‌های کنترلی تصادفی شده به این منظور در ایران نبود، می‌شد از تجربیات سیاست‌های رفاهی-اصلاحی مشابه در

سایر کشورها درس گرفت و تن به تکرار خطاهای از پیش معلوم نداد.

به‌عنوان نمونه مطالعات بسیاری در کشورهای در حال توسعه آمریکای جنوبی نشان داده‌اند که اگر قرار است کمک نقدی به خانوارها شود به‌طور معناداری بهتر است که این مبالغ به مادر خانوار داده شود تا به پدر. گو این که مادر به‌طور میانگین در دراز مدت بیشتر از پدر به فکر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی خانوار است در حالی که افق برنامه‌ریزی پدر خانواده، در مقایسه، کوتاه‌مدت‌تر است. مساله هدفمندی بارانه‌ها اکنون بیش از آن که در چگونگی شناسایی طبقات فرودست باشد، در چگونگی اصل کمک کردن به افزایش رفاه آن‌ها است. در شیوه فعلی حتی اگر دهک‌های کم‌درآمد به بهترین شیوه ممکن نیز شناسایی شوند، کمک نقدی-اگر مانند برخی مناطق حاشیه‌نشین خرج تفریح سرپرست خانوار نشود- دست‌بالا تنها معیشت چندروزه آن خانوارها را تامین خواهد کرد.

همچنین با استفاده از تجربه جهانی و با نگاهی عمیق‌تر و بنیادی‌تر، می‌توان به اثرگذاری ماندگارتر در رفاه خانوارهای فرودست اندیشید و جریان دائمی و درون‌زای درآمدی برای آنها ایجاد کند. «برنامه‌ای که براک (BRAC)، یک مؤسسه تأمین مالی خرد، در بنگلادش طراحی کرد و اکنون در شماری از کشورهای در حال توسعه الگوبرداری شده است، نشان می‌دهد هنگامی که کمک به‌درستی صورت گیرد، حتی فقیرترین فقرا قادر به اداره موفق کسب‌وکارهای کوچک هستند و این کسب‌وکارهای کوچک می‌تواند زندگی آن‌ها را تغییر دهد. برنامه به‌گونه‌ای طراحی شده بود که به کمک هم‌ولایتی‌ها، فقیرترین افراد در میان آن‌ها را شناسایی می‌کرد و هدف قرار می‌داد؛ افرادی که زندگی بسیاری از آن‌ها به سخاوت دیگران وابسته بود. براک برای این که آن‌ها شروع به کار کنند، برنامه‌ای طراحی کرد تا به آن‌ها یک دارایی (جفتی گاو، تعدادی بز، یک چرخ خیاطی و غیره)، و یک کمک هزینه مالی کوچک برای چند ماه (به‌عنوان سرمایه در گردش و برای اطمینان از این که به فروختن دارایی وسوسه نمی‌شوند) و بسیاری پشتیبانی‌های دیگر داده شود؛ جلسات منظم، کلاس‌های سوادآموزی و تشویق به اندکی پس‌انداز در هر هفته. در حال حاضر انواع متفاوتی از این برنامه‌ها در شش کشور، با استفاده از سنجش‌های کنترل‌شده تصادفی انجام



می‌گیرد.» (ص ۲۹۱)

اگر فقرا به دریافت و استفاده از برنامه‌های یاری‌کننده مانند خدمات درمانی رایگان یا یارانه‌ای تمایلی ندارند، شاید به این دلیل است که آن‌ها به مفید بودن استفاده از این سیاست‌های حمایتی باور ندارند. در این صورت راه ترغیب به استفاده از این خدمات، نه الزاماً کاهش قیمت آن‌ها که آگاه‌سازی ساده فقرا در باب منافع استفاده از آن‌ها است. کتاب «اقتصاد فقیر» به ما یادآوری می‌کند که برای تغییر رفتار افراد جامعه، همواره سیاست‌های قیمتی بهترین راه‌حل نیستند و گاه تنها آگاه‌سازی آن‌ها از پیامدهای رفتارشان، انگیزه لازم را برای تغییر در آن‌ها ایجاد می‌کند. برای نمونه تنها با آگاه‌ساختن فقرا از فواید تحصیل فرزندانشان، بدون این که کمک خاص دیگری به آنها شود، نرخ مدرسه‌روی فرزندان آن‌ها را می‌توان به‌طور معناداری افزایش داد.

طرفه آن که این سیاست اطلاعاتی، در برابر سیاست پیش فرض قیمتی، تنها برای تغییر رفتار فقرا کار نمی‌کند. به‌عنوان نمونه مطالعات صورت‌گرفته در مورد مصرف برق در گوشه‌ای از آمریکای شمالی می‌دهد که تنها دانستن این که مصرف برق هر خانوار چه نسبتی با مصرف برق همسایگان او دارد، تأثیر شگرفی در مصرف انرژی ایجاد می‌کند بی‌آنکه قیمت آن تغییر کرده باشد. این درس مفیدی است که به خوبی می‌تواند برای کشور ما که اجرای سیاست‌های اصلاح حامل‌های انرژی همواره با ترس دیدهای اجتماعی-امنیتی همراه بوده است به کار آید؛ اگر که باز با اصطلاحات دست‌مالی‌شده‌ای مانند فرهنگ‌سازی به اشتباه گرفته نشود.



شاید مسئولیت اخلاقی روشنفکری گاه این گونه اقتضا کند که از میان تقریر حقیقت با تقلیل مرارت یکی را، و عموماً اولی را، به ناچار برگزید؛ که رنج آگاهی را بپذیرد حتی اگر به افزایش درد و وجودی‌اش بیانجامد. اما در نسبت با دیگری، شاید خوشبختانه، ناچار به چنین انتخاب ناگزیری نیستیم. دست‌کم برای پژوهشگر اقتصاد توسعه با تقلیل مرارت دیگری است که حقیقت شکل می‌گیرد، اگر اساساً پروایی برای آن وجود داشته باشد. برای او مساله نه چرایی انتخاب بین این دو گانه با حقیقت مساله فقر که واقعیت ملال‌آور تهی‌دستی و چگونگی تقلیل بهتر آن است. با این همه دانشمند توسعه‌نی‌تواند از آداب کار روشنفکری در دل‌بستگی به عقلانیت نظری (متناسب ساختن میزان پایبندی به یک باور با قدرت شواهد تأییدکننده آن) و عقلانیت عملی (متناسب ساختن ابزارها با اهداف)، شک‌ورزی، نقادی، استفاده از گفتار عاری از ابهام و ایهام، تمیز مسائل از مسأله‌نماها، انصاف در مقام نقد و داوری و ناسازی یا ایدئولوژی، تعصب، پیشداوری و خودشیفتگی دوری کند. فضای اقتصادی نیز پیش از بحث‌های انتزاعی در باب مکتب‌های اقتصادی و بیش از جدال بی‌پایان روشنفکری برای تقریر حقیقت در باب تقدم و تاخر نقش نهاد و جایگاه بازار، نیازمند جریان علمی عمل‌گرایی است که در دعوی بی‌پایان آزادی و عدالت به کاستن از ملال فرودستانی می‌اندیشد که فقیر بی‌رمق‌ترین واژه برای توصیف آنها است.



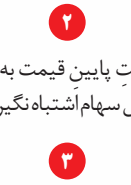
مطالعات بسیاری در کشورهای در حال توسعه آمریکای جنوبی نشان داده‌اند که اگر قرار است کمک نقدی به خانوارها شود به‌طور معناداری بهتر است که این مبالغ به مادر خانوار داده شود تا به پدر. گو این که مادر به‌طور میانگین دراز مدت بیشتر از پدر به فکر سرمایه‌گذاری در رفاه خانوارها را می‌تواند به‌طور معناداری افزایش دهد.

توصیه برای مدیران کار آفرین

راهنمای سرمایه‌گذاری برای بهبود کسب و کارتان در سال آینده



۱
سِر جان تِمپِلْتِن: «روی مواردی که میان سرمایه‌گذاران از محبوبیت کمتری برخوردار هستند سرمایه‌گذاری کنید.»



۲
نسبتِ پایینِ قیمت به درآمد را جای ارزش سهام اشتباه نگیرید.



۳
بنیامین گراهام: «صبر و حوصله، تنها یار و یاور نیرومند سرمایه‌گذار است.»



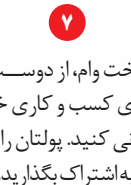
۴
اجازه دهید وکلای شما، همچون تفنگداران قافله، محافظ کسب و کارتان باشند. اما افسار را به دستشان ندهید.



۵
وارن بافت: «قانون شماره یک: هرگز ولخرجی نکنید. قانون شماره دو: هیچ‌گاه قانون شماره یک را فراموش نکنید.»



۶
بری اشتِر نلیخت: «به موضوعات مهم توجه کنید، زیرا به کمک آن‌ها سرمایه‌تان ده برابر خواهد شد.»



۷
با پرداخت وام، از دوست خود یا از راه‌اندازی کسب و کاری خانوادگی پشتیبانی کنید. پولتان را در مسیر پیشرفت به اشتراک بگذارید.

سال گذشته برای بزرگان بازار سهام، سال سودآوری بود، اما به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی و بازده کم در سال پیش‌رو به نظر می‌رسد که ساخت ثروت با چالش مواجه خواهد شد. به این منظور مجله فوربس، برای راهنمایی سرمایه‌گذاری در سال جدید، مجموعه‌ای از توصیه‌های کارآمد سرمایه‌گذاران موفق را گردآوری کرده است که چکیده آن توصیه‌ها را ما نیز برای شما انتخاب کردیم و در ادامه می‌توانید مطالعه‌شان کنید.



۸

از محصولات و کالاها به عنوان سدی در برابر تورم استفاده کنید.

۹

معافیت‌های بیمه خودرو و خانه را افزایش دهید.

۱۰

تشکیل شراکت محدود خانوادگی به منظور انتقال دارایی‌ها با احتساب تخفیف مالیاتی.

۱۱

پیش از طرح دعوی در دادگاه، حتماً مشاوره مالیاتی بگیرید.

۱۲



پیتر لینچ: «هرگز در چیزی که از آن سردر نمی‌آورد سرمایه‌گذاری نکنید»

۱۳

برای مقابله با تورم و کاهش ارزش پول، زمین کشاورزی بخرید.

۱۴

آستانه تحمل ریسک خود را بشناسید. دارایی‌تان را به گونه‌ای تخصیص دهید که شب‌ها راحت بخوابید. به این ترتیب دچار هراس و شکستگی نخواهید شد و اصلاً سهام خود را نخواهید فروخت.

۱۵

بیش از اندازه پول نقد نگهداری نکنید. این سرمایه‌گذاری ایمن، با گذشت زمان، به سختی در برابر تورم دوام خواهد آورد.

۱۶

بنیامین گراهام: «وضع قوانین ساده و پیروی کردن از آن‌ها»

۱۷

هرگز در یک صندوق سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری نکنید

مگر آن که نتایج حسابرسی آن مطابق با استانداردهای سرمایه‌گذاری جهانی گزارش شده باشد.

۱۸

بارتون مالکیل: «عملکرد خوب است، اما معیار حائز اهمیت بازده کلی است.»

۱۹

درباره خرید طلا به منظور مقابله با تورم مبالغه شده است. در واقع نوسانات قیمت طلا به تورم ربطی ندارد.

۲۰

برای مقابله با تورم، اوراق قرضه شرکتی با نرخ شناور بخرید.

۲۱

نگذارید تا نوسانات خلقی بازار، شما را به سفته بازی و خرید و فروش سهام وادار کند.

۲۲

مراقب باشید تا کلاهبرداران از اعتماد، عواطف ملی، و احساسات مذهبی شما سوءاستفاده نکنند.

۲۳

سرجان تمپلتون: «چهار واژه خطرناک در سرمایه‌گذاری: «این بار فرق می‌کند.»

۲۴

اهمیت نقدینگی را دست کم نگیرید.

۲۵

برای پیگیری امور مالی خود از اینترنت کمک بگیرید و شاهد تأثیر آن در درازمدت باشید.

۲۶

برای هر یک از حساب‌های مالی آنلاین خود از کلمه عبور جداگانه استفاده کنید. به منظور حفظ امنیت بیشتر، پرسش محرمانه‌ای را برگزینید که یافتن پاسخ‌اش برای دیگران ساده نباشد.

۲۷

کلمه‌های عبور خود را بنویسید و

در جایی پنهان کنید. البته برای روز مبادا محل نگهداری‌اش را با فرد قابل اعتمادی در میان بگذارید.

۲۸

بخشی از سبد سهام و اوراق بهادار خود را به سهام خدمات بهداشتی - درمانی و بیوتکنولوژی اختصاص دهید.

۲۹

به منظور کاهش ریسک در سرمایه‌گذاری، دامنه تنوع سهام و اوراق بهادار خود را در سطح جهانی گسترش دهید.

۳۰

بنیامین گراهام: «در شرکت‌هایی با سود سهام پنهان سرمایه‌گذاری کنید. یعنی شرکت‌هایی که برای بهبود بخشیدن به ارزش سهام خود، به خرید مجدد سهام‌شان اقدام می‌کنند.»

۳۱

در گسترش تنوع محصولات زیاده روی نکنید.

۳۲

به منظور پیش‌گیری از تصمیمات عجولانه، برای خود قوانینی وضع کنید.

۳۳

به منظور پیگیری تخصیص بودجه از نرم‌افزارهای کامپیوتری استفاده کنید.

۳۴

خرید اوراق قرضه مختلف خوب است، اما تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها نیز اهمیت دارد.

۳۵



جان بوگل: «زمان دوست شما و عجله دشمن شماست.»

۳۶

معافیت‌های مالیاتی را درو کنید.

۳۷

برای سود بردن از سهام‌های کوچک به دنبال اکسیر موفقیت نگریدید. بلکه در جستجوی موقعیت‌های مناسب و شیوه‌های نوین کسب و کار باشید.

۳۸

تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری را به همسرتان واگذار نکنید!

۳۹

به شرکتی که یک‌باره دست به تغییر حساب‌ها می‌زند شک کنید

۴۰

وارن بافت: «وقتی که دیگران حریص هستند بترسید و مراقب باشید و هنگامی که دیگران نگران و هراسان هستند حریص باشید.»

۴۱

به منظور دستیابی به هدف‌ها سرمایه‌گذاری کنید، نه برای شکستن شاخص‌ها.

۴۲

برای شفاف‌سازی اهداف خود سیاست‌های کلی سرمایه‌گذاری را تعیین کنید.

۴۳

دن آر بلی: «اگر نمی‌توانید پس‌انداز کنید، واقعاً برای فرزندان خود دست‌ودل باز باشید.»

۴۴

پیتر لینچ: «به دنبال کسب‌وکاری بروید که هر کس با کم‌ترین بهره هوشی می‌تواند از پس آن برآید، چرا که احتمالاً بالاخره کسی این کار را خواهد کرد.»

۴۵

هیچ‌گاه بیشتر از ۲۵۰,۰۰۰ دلار در یک بانک سپرده‌گذاری نکنید.

۴۶

هیچ مسیر میانبری در کار نیست. موفق‌ترین سرمایه‌گذاران ساعات

بسیاری را صرف سرمایه گذاری می کنند و مشتاق و صبور هستند.

۴۷

از بازاریاب‌های خبره‌ای که محصولات خود را غالب می کنند بر حذر باشید.

۴۸

وارن بافت: «تنوع بخشیدن سدی در برابر بی توجهی است.»

۴۹

از مشاورین متعدد و مختلفی بهره‌مند شوید.

۵۰

به هنگام خرید آپارتمان لوکس از امکانات رفاهی زائد چشم‌پوشی کنید، زیرا در موقع فروش به افزایش قیمت آپارتمان کمکی نمی کند.

۵۱

به خرید املاک تجاری اقدام کنید.

۵۲



هاوارد مارکس: «قانون شماره یک: اکثر مسائل دوره‌ای هستند. قانون شماره دو: برخی از بزرگ‌ترین فرصت‌ها در زمانی پیش می آیند که مردم قانون شماره یک را به یاد ندارند.»

۵۳

تخلفات مالیاتی خود را با وکیل تان در میان بگذارید نه با حسابدار رسمی دولت.

۵۴

وقتی برای حفظ دارایی‌های خود یک شراکت محدود خانوادگی یا شراکتی با افراد قابل اعتماد ایجاد کرده‌اید، نام خود یا نزدیکان خود را بر روی این شراکت نگذارید.

۵۵

مراقب دام سود سهام باشید؛ سودهای هنگفت با کاهش نقدینگی



تنوع دوعیدی

تنوع و تفاوت در نیروی کار، چگونه می تواند نوآوری بیاورد

اکثر مدیران می پذیرند که کارفرمایان از نیروی کار متنوع و متفاوتی بهره ببرند، اما این عقیده کلی به سادگی اثبات پذیر یا قابل اندازه گیری نیست، به ویژه وقتی بخواهیم میزان اثرگذاری تنوع در نیروی کار را بر توانایی نوآوری شرکت اندازه گیری کنیم. اما پژوهشی جدید که ما انجام دادیم شواهد و قرائن انکارناپذیری در اختیار ما می گذارد که بگوییم تنوع و تفاوت‌ها سبب نوآوری و رشد در بازار می شود. در این پژوهش، که بر پایه نظرسنجی از ۱۸۰۰ مدیر حرفه‌ای، ۴۰ مطالعه موردی، جامعه‌های آماری متعدد و مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها انجام شده، با دقت به بررسی دو گونه تفاوت کلیدی پرداختیم: تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی. تفاوت‌های ذاتی شامل ویژگی‌هایی است که با آن‌ها به دنیا می آیم، از جمله قومیت و جنسیت. تفاوت‌های اکتسابی در بردارنده ویژگی‌هایی است که از دل تجربه‌ها کسب می کنیم. مثل این که کار و فعالیت در کشوری دیگر ممکن است به شما کمک کند تا به تفاوت‌های فرهنگی علاقه‌مند شوید. یا هنگام فروش به مشتریان خانم، تجربه‌های تازه‌ای در زمینه تأثیر جنسیت مشتری بر فروش کسب خواهید کرد. شرکت‌هایی که مدیران شان تنوع در ویژگی‌های ذاتی و تنوع در ویژگی‌های اکتسابی را به عنوان «تنوع دوعیدی» در نظر می گیرند مطابق بررسی‌های ما از لحاظ نوآوری و عملکرد از شرکت‌های دیگر جلو هستند.



■ سیلویا آن هیولت
ملیندا مارشال
لورا شربین

۴۵ درصد بیشتر احتمال دارد کارکنان چنین شرکت‌هایی گزارش دهند که سهم شرکتشان نسبت به سال گذشته در بازار رشد کرده و احتمال این که شرکت آن‌ها ابزارهای جدیدی را در توسعه کسب و کار خود به دست آورد ۷۰ درصد بیشتر است. «تنوع دوعیدی»، با خلق فضایی که در آن ایده‌های خارج از حد انتظار مطرح می شود، نوآوری ایجاد می کند. با این حال اکثر مدیران یعنی ۷۸ درصد، در شرکت‌هایی کار می کنند که فاقد تنوع دوعیدی در شیوه مدیریت است. در غیاب این روش مدیریتی، ایده‌های زنان ۲۰ درصد کمتر از مردان سفید پوست تایید می شود. این میزان برای افراد رنگین پوست ۲۴ درصد است. حال آن که این مسئله سبب سلب فرصت‌های مهمی در بازار می شود، چرا که افراد ذاتاً متفاوت، نیازهای سطوح پایین بازار را بهتر درک می کنند. ما در یافته‌ایم که وقتی دست کم یکی از اعضای تیم ویژگی‌های مشتری‌کمی به مصرف‌کننده نهایی دارد، نتایج بسیار خوبی گرفته می شود. مثلاً تیمی که یکی از افرادش با مشتری اشتراک قومیتی دارد، به میزان ۱۵۲ درصد بهتر از یک تیم دیگر انتظارات آن مشتری را درک می کند.

اما چنان که گفته شد تفاوت‌های ذاتی نیمی از این معادله را تشکیل می دهد. علاوه بر این مدیران باید فرهنگی را شکل دهند تا در آن همه افراد ایده‌های خود را آزادانه در میان بگذارند. ما در یافته‌ایم که شش نکته سبب پیدایش نوآوری در شرکت می شود: اطمینان از اینکه حرف همه شنیده می شود، ایجاد امنیت برای طرح ایده‌های نوظهور، اختیار دادن به اعضای تیم در تصمیم‌گیری، قدردانی از همه به دنبال کسب موفقیت، ارائه بازخوردهای قابل اجرا و اجرای بازخوردهای اعضای تیم. مدیرانی که به شنیده شدن تمام صداها فرصت برابر می دهند، دو برابر بیش تر از مدیران دیگر به ایده‌های سودآور دست می یابند و کارکنانی که فرهنگ «سخن گفتن آزادانه» دارند ۲/۵ برابر بیشتر از بقیه پتانسیل نوآوری در ایده‌ها و دیدگاه‌های خود داشته‌اند. پس فراموش نکنید اولین اصل کسب و کار را که ما دریافتیم: ضرورت تنوع.

پشتیبانی می شوند.

۵۶



گری شیلینگ: «ممکن است بازار بیشتر از آن چه فکر می کنید نامعقول و غیر منطقی باشد.»

۵۷

از هر خطا در خرید سهام درس بگیرید.

۵۸

سهام شرکت‌هایی را بخرید که هنوز مؤسسين میلیاردرشان بر آن‌ها نظارت می کنند.

۵۹

لوئیس باکن: «به عنوان کسی که در زمینه خرید و فروش سهام فعالیت می کند باید پذیرای نابسامانی و هرج و مرج باشید.»

۶۰

تقریباً همه سرمایه‌گذاران کلان

منتظر بهره‌برداری از نابسامانی‌ها و نارسایی‌های بازار هستند.

۶۱

میزان سرمایه‌گذاری‌ها را در مقایسه با خطرات آن‌ها تقسیم‌بندی کنید.

۶۲

پیش از انجام یک خرید هنگفت، مخارج آینده را محاسبه کنید. ممکن است با سرمایه‌گذاری این پول در طی ۲۰ یا ۳۰ سال به سود قابل توجهی دست یابید.



ما رئیس نداریم!

ایجاد سیاست در صورت هزینه‌ها به گونه‌ای که از آن‌ها سوء استفاده نشود



داووسیدمن
مؤسس و مدیرعامل
شرکت مشاوره
اخلاق کاری ال.آر.ان

پیش از آن که درباره کارکرد این فرایند توضیحاتی دهیم، باید به چند نکته درباره شرکتان اشاره کنیم. چرا که این روش همیشه و همه‌جا موفق نمی‌شود. شرکت مادر تلاش است تا تبدیل به شرکتی شود که خودش، خودش را اداره می‌کند. بدین معنی که مادر این شرکت رئیس نداریم. در عوض، همه به هیئت نمایندگان گزارش می‌دهند. مادو گونه آزادی در اختیار داریم. نخست، «آزادی از...» نام دارد: کارکنان ما از مدیریت خرد، قوانین، و سیاست‌ها آزاد هستند. مشکل اینجاست که وقتی شما آزادی از چیزی را به افراد می‌دهید، این عمل نوعی خلاء بجای می‌گذارد، مگر این که به آنان «آزادی به خاطر...» را نیز بدهید. «آزادی به خاطر...» به این معنی است که افراد اطلاعات و عادات فکر کردن به منظور اتخاذ یک تصمیم خوب را دارند. (در ضمن، «آزادی به خاطر...» با قدرت دادن فرق دارد. قدرت بخشیدن یعنی این که قدرت در دست من است، و آدم خوبی هستم. بنابراین به شما اجازه خواهد داد تا در این چارچوب، اندکی قدرت داشته باشید. با قدرت دادن، بیش تر از آن که افراد به کسی توجه کنند که حق با اوست، به کسی توجه می‌کنند که قدرت از آن اوست.)

مخارج یک شرکت به خوبی نشان دهنده ارزش‌های آن شرکت است. کارکنان ما قادرند تا هر آن چه مناسب می‌بینند خرج کنند. ولی ما می‌خواهیم تا کارکنان بر پایه شناخت دقیق و روشن از ارزش‌های شرکت‌مان و آن چه در شرکت برای همه خوب است تصمیم‌گیری کنند.

صورت هزینه‌ها را در نظر بگیرید. در طول سال‌های گذشته، تمام کارکنان ما مواردی از قبیل سفرهای کاری، محل اقامت، و هزینه خورد و خوراک سفر را، بدون هیچ گونه دخالت و نظارت، خودشان برنامهریزی کرده‌اند. این یعنی «آزادی از...» و می‌دانیم کارآمد است. در طول آن دوره، هزینه‌های سفر ما کاهش یافته‌اند. اکنون، در جهت کمک به کارکنان با «آزادی به خاطر...»، در حال انتشار عمومی گزارش مخارج تمام کارکنان در اینترنت هستیم. دلایلی برای این کار وجود دارد. یک دلیل واضح این است که وقتی قرار باشد همه همکاران از مخارج یکدیگر آگاه شوند، دیگر کسی تمایل چندانی برای ایجاد هزینه‌های متفرقه نخواهد داشت. اما مهم تر از آن، می‌خواهیم افراد را تشویق کنیم تا مخارج شرکت را به گونه‌ای تنظیم کنند که برای همه کارکنان سودمند باشد. می‌خواهیم پیش از مسافرت با یکدیگر مشورت کنند: کدام هتل به صرفه تر است و با این هزینه سوخت، آیا باید به حمل و نقل عمومی نیز فکر کنیم؟ همچنین می‌خواهیم تا نمونه‌های خرج و مخارج عاقلانه را ببینند و تحسین کنند. نه تنها به خاطر کسانی که حتی یک پنی هم از دستشان در نمی‌رود، بلکه به خاطر کسانی که بدون لطمه زدن به خزانه شرکت موفقیت‌های بزرگی بدست می‌آورند. انتظار داریم افرادی که تصمیم‌های ضعیفی می‌گیرند نتایج خود را با همکارانشان مقایسه کنند و از یکدیگر درس بگیرند. قواعد کلی بهتر از نظارت‌ها و قوانین هستند. شفافیت، بهترین راه برای پیشگیری از کجی است. هنگامی که داده‌ها، هزینه‌های سفر و تمامی اسناد مخارج را پیش روی کارکنان می‌گذاریم، ایمان داریم که همگی تصمیمات بهتری خواهند گرفت.

وارد امور مالی یا زمینه‌های مرتبط شوید. امور مالی، فن آوری ایجاد وضعیت مطلوب است که بر حسب اتفاق روی می‌دهد.»

۷۱



رون بارون: «وقت خود را با فروش استقراری تلف نکنید.»

۷۲

بری ریتولرز: «هرگز تجارت و سرمایه‌گذاری را با هم اشتباه نگیرید.»

۷۳

از تغییر ناگهانی شیوه زندگی خود در بی بدست آوردن ثروتی بادآورده بپرهیزید.

۷۴

هرگز نگذارید ثروت خانوادگی مایه بدبختی و رنج فرزندانان شود.

۷۵

تشخیص دهید که در چه زمانی مشاور خود را اخراج کنید.

۷۶

بیشتر از توان مالی خود خانه نخرید.

۷۷

وارن بافت: «زمان، دوست کسب و کارهای عالی و دشمن کسب و کارهای معمولی است.»

۷۸

پیرو افراد موفق گذشته نباشید، مگر اینکه موفقیت آن‌ها هنوز هم ادامه داشته باشد.

۷۹

هزینه‌های شخصی و کسب و کار خود را به‌طور جداگانه یادداشت کنید

۸۰

پیتر لینچ: «بدانید مالک چه هستید و چرا مالکش هستید.»

۶۹



بار تون مالکیل: «برنامه‌های تلویزیونی مالی را رها کنید. اگر دنبال توصیه‌های کارآمد هستید برنامه‌های آشپزی یا باغبانی را تماشا کنید.»

۷۰

رابرت شیلر: «برای ثروتمند شدن

از هر چیز دیگری به من کمک کرد.»

۶۶

بار تون مالکیل: «در بازار سهام، گذشته سرآغاز نیست.»

۶۷

به خرید شرکت‌هایی بانسبت بالای سود درآمد به کل دارایی اقدام کنید.

۶۸

جان نف: «آغاز جنگ بهترین زمان خرید سهام و پایان جنگ بهترین زمان فروش آن است.»

۶۳

بار تون مالکیل: «از همین حالا شروع به پس‌انداز کنید؛ وقت طلاست.»

۶۴

به اندازه توان ریسک خود، خرید کنید

۶۵

«به فرزندان پیشنهاد کنید در یک دوره حسابداری شرکت کنند. شرکت در کلاس حسابداری بیش



آیا در اوراق تان همیشه باز است؟

شاید اینچنین باشد، اما راه حل مشکلات شما باز بودن اوراق تان نیست

تقریباً همه روسا این سخن را گفته‌اند و کم و بیش هر کارمندی این جمله را شنیده است. با این وجود، هنوز هم یکی از بی‌معنی‌ترین جملاتی است که در اکثر شرکت‌ها بر زبان می‌آید: «در اوراق من همیشه باز است.» این گفته به طور معمول پشت این جمله می‌آید: «اگر هر مسئله‌ای درباره هر چیزی داشتید، لطفاً با من در میان بگذارید». مشکل این سخن کجاست؟ مگر نه این که مهم است تا کارمندان شما بدانند همیشه پیشنهادها، نگرانی‌ها و انتقادهای آن‌ها را می‌شنوید؟ البته که این طور است! اما بیایید واقع‌بین باشیم. «در اوراق من همیشه باز است»، در بیشتر موارد به معنای دعوتی برای گفت‌وگو نیست، شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است. انداختن همه تقصیرها بر گردن کارکنان حس خوبی به رئیس می‌دهد.



■ **جانسون فرد**
مؤسس شرکت
نرم‌افزار کامپیوتری
۳۷ سیگنالز

کارمندان شما پیشنهادهای بسیاری در مورد همه چیز دارند. درباره استراتژی و دیدگاه شما، وضعیت رقابت، کیفیت محصولات و فضای محل کار. مسائل بسیاری برای یاد گرفتن از آن‌ها وجود دارد. اما چند بار و به چه تعداد از این ایده‌ها و پیشنهادهای واقعا گوش داده‌اید؟ شرط می‌بندم بسیار کم. دلم می‌خواهد تا خودم را رهبری در نظر بگیرم که در اوراقش همیشه باز است. اما این اواخر یاد گرفته‌ام که یک در باز همیشه کافی نیست. شرکت ما در زمینه تولید برنامه‌های کاربردی تحت‌ب‌فعالیت می‌کند و اخیراً محصولی ارائه داد تحت عنوان «شرکت خود را بشناس». این محصول به منظور جلب باز خورد دقیق کارکنان به طور ناشناس طراحی شده است. برنامه این است که افراد اطلاعات داوطلبانه نمی‌دهند. بلکه این اطلاعات را منتشر می‌کنند و تنها در زمانی دست به این کار می‌زنند که از آن‌ها خواسته شود. به عبارت دیگر، اگر در پی پاسخ هستید باید بپرسید. در نتیجه، در ماه‌های اخیر، مشغول پرسیدن پرسش‌هایی از کارکنانم در این باره بودم که استراتژی‌ها، رقابت، کیفیت، رهبری و چیزهایی از این دست را در شرکت چگونه ارزیابی می‌کنند. به نظر می‌رسد مسائل بسیاری وجود دارد که نمی‌دانستم. برای مثال، از آن‌ها پرسیدم آیا موردی را مشاهده کرده‌اند که در طول سال گذشته بدتر شده باشد. جواب‌ها مشخص بودند: «خلاقیت مان کمتر شده است». افراد متعددی به من گفتند وقتی افراد در میان وظایفی که باید انجام دهند دغدغه دارند، دیگر جایی برای آزمون و خطا باقی نمی‌ماند. باید این مسئله مرتفع شود. پرسش دیگر این بود که: «آیا چیزی وجود دارد که اخیراً انجام داده باشید و بخواهید دوباره انجامش دهید؟» آشکار شد که برای برخی از افراد، پروژه‌های بزرگ به معنای موفقیت نبودند. چرا که آن‌ها در دسته‌ای که کارشان مهم بود قرار نداشتند. این مهم‌ترین تلنگری بود که در طول مدت‌ها به من زده شد. کم‌ترین کار این است که: به جای آن که با غرور اعلام کنید در اوراقتان نیمه‌باز است، از اوراق خود بیرون رفته و در اوراق کارمندان را بنویسید. توجه داشته باشید که بی‌میلی به گفت‌وگو کاملاً قابل درک است. چه کسی می‌داند؟ شاید افرادی که اکنون برای شما کار می‌کنند در کار پیشین خود بابت حرف زدن و اظهار نظر توبیخ یا حتی اخراج شده‌اند. باید حرف زدن را برای کارمندانتان بی‌خطر کنید. سپس از آنچه می‌شنوید شگفت زده خواهید شد. مشغوف خواهید شد و در برخی موارد، شرم‌منده و حتی خجالت‌زده خواهید شد. به یاد داشته باشید بدون شناخت کارکنانتان هرگز نمی‌توانید شرکت خود را بشناسید.

۸۱ هیچ‌گاه سهامی را که نرخ آن در حال افزایش است نفروشید.

۸۲ سرمایه‌گذاری در علم سودآوری بسیار خوبی دارد.

۸۳ بری‌اشتر نلیخت: «باید اندیشه پویا داشته باشید و بتوانید طرز فکر خود را تغییر دهید. وگرنه شکست خواهید خورد»

۸۴ قبل از خرید، قوانین فروش را به خوبی بشناسید.

۸۵ وضعیت سهام را به صورت آنلاین بررسی کنید.

۸۶ مراقب کلاهبرداری از طریق حفاظت از دارایی باشید.

۸۷ وارن بافت: «فقط وقتی که امواج آرام شود متوجه می‌شوید شخصی در حال برهنه شنا کردن است.»

۸۸ در کسب‌وکارهایی با مزیت‌های رقابتی کافی سرمایه‌گذاری کنید.

۸۹ به یاد داشته باشید که از هر چهار سهم، سه سهم دنبال‌کننده روند کلی بازار هستند.

۹۰ ۲۵ درصد کمتر از آنچه را که بدست می‌آورید خرج کنید. با این عمل، انعطاف‌پذیری لازم برای پیگیری فرصت‌های بزرگ را بدست می‌آورید.

۹۱ پیش از آن که ادعایی در برابر شما شود از دارایی‌های خود به خوبی محافظت کنید. ممکن است اقدامات بعدی شما به ضررتان تمام شود.



انجام یک معامله معمولی با قیمت فوق‌العاده است.

۹۸

بر تون مالکیل: «از وسوسه دنبال‌بقیه راه افتادن بپرهیزید.»

۹۹

استیو جابز: «زمان محدود است، پس با زندگی در نقش فرد دیگر وقت خود را تلف نکنید.»

۱۰۰

برنامه‌ریزی کنید.

مجدد چرخ هدر ندهید.

۹۵

وارن بافت: «مجبور نیستید همان طور که پول در آورید خرجش کنید!»

۹۶

۵ درصد از دارایی خود را به صورت پلان نگهداری کنید.

۹۷

وارن بافت: «انجام یک معامله فوق‌العاده با قیمت معمولی بهتر از

۹۲

از نحوه درآمد کسب‌وکاری که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنید آگاه باشید.

۹۳

وارن بافت: «هیجان و بدهی، دشمنان قسم‌خورده شما هستند.»

۹۴

گری شیلینگ: «از امکانات موجود به طور هوشمندانه و موثر بهره‌مند شوید و نیروی خود را برای اختراع

ثروت جهان در اوج است

گزارش ثروت ۲۰۱۳ بنیاد کردیت سوئیس چه آمار و اطلاعاتی به ما می‌دهد؟

ترجمه بابک واحدی

علی‌رغم یک دهه بازده منفی دارایی‌ها، آفت قیمت در بازارهای مختلف دارایی، و شکست و فروریختن حساب‌های مسکن، گزارش ثروت ۲۰۱۳ بنیاد کردیت سوئیس پی برده‌است که ثروت جهانی از سال ۲۰۰۰ تاکنون بیش از دو برابر شده است و به رکوردی جدید در تاریخ اقتصاد جهان، یعنی ۲۴۱ تریلیون دلار، رسیده‌است. رشد قدرتمند اقتصادی و افزایش سطوح جمعیتی در کشورهای نوظهور محرک‌های مهمی در این روند بوده‌اند. ثروت متوسط سرانه هم در ۵۱۶۰۰ دلار به اوج جدیدی رسیده‌است، اما نابرابری توزیع ثروت هم چنان بسیار شدید است.

با وجود تداوم چالش‌هایی که در فضای اقتصاد جهان رخ نموده‌اند، در سال جاری فاکتورهای زیرساختی عمدتاً در زمینه ثروت جهانی خانوارها مثبت بوده‌اند. تخمین ما برای کل جهان این است که ثروت جهانی در طول نیمه سال جاری ۴٫۹ درصد افزایش یافته‌است و در حال حاضر در کل ۲۴۱ تریلیون دلار آمریکا است. مجموع ثروت کل جهان هم از اوج پیشین قبل از بحران در سال ۲۰۱۰ گذشته است و از آن زمان تا کنون هر سال رکورد تازه‌ای بر جای گذاشته. ثروت متوسط سرانه هم در ۵۱۶۰۰ دلار رکورد جدیدی محسوب می‌شود، و نخستین بار از سال ۲۰۰۷ است که ثروت متوسط جهان از ۵۰ هزار دلار آمریکا فراتر می‌رود.

بانگهای دقیق‌تر به الگوی ثروت جهان، ماجرای امسال داستان دو کشور بوده است. ایالات متحد برای پنجمین سال متوالی از افزایش ثروت شخصی گزارش داده‌است. این کشور، به پشتوانه احیای قیمت‌های مسکن و بازار سهامی قدرتمند که شاهد افزایش قیمت‌ها بوده‌است شاخص داو جونز را به رکوردی جدید رسانده، ۸٫۱ تریلیون دلار به انباری ثروت جهانی افزوده است و میزان ثروت در اختیارش را ۱۲٫۷۱ درصد یا ۷۲٫۱ تریلیون دلار افزایش داده است. این میزان از اوج پیشین ثروت آمریکا پیش از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۶ بیست درصد بیش تر است و ۵۷ درصد بیش تر از فرود اخیرش در سال ۲۰۰۸. سیاست‌های مالی تهاجمی بانک مرکزی ژاپن قیمت دارایی‌ها را بیش از پیش بالا برده‌است؛ افزایشی ۵۲ درصدی در نیمه‌سال ۲۰۱۳. اما دارایی‌ها در ژاپن طبق معیارهای بین‌المللی بسیار اندک هستند و کم‌تر از ۱۰ درصد ثروت مالی خانوارها را تشکیل می‌دهند و همین سیاست‌های تهاجمی بانک مرکزی ژاپن نرخ مبادله‌ی ارزی ین به دلار آمریکا را ۲۲ درصد کاهش داده‌است. در نتیجه، کل ثروت خانوارها در ژاپن در سال جاری ۵٫۸ تریلیون دلار کاهش یافته، که برابر با ۲۰ درصد ثروت خالص ژاپن بوده‌است. ژاپن در جریان بحران مالی جهان آسیب اندکی به خود دید؛ در واقع ثروت شخصی در این کشور در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ بیست و یک درصد افزایش یافته بود. با این حال، در تقابل و تضادی آشکار

با عملکرد اخیر ایالات متحده، ثروت کل این کشور حالا فقط ۱ درصد بالاتر از سطح سال ۲۰۰۸ است. در بیش‌تر دیگر بخش‌های جهان، فضای اقتصاد عموماً مساعد کسب ثروت بوده‌است.

میزان تأثیر و غلبه ایالات متحده و ژاپن، در دو سوی طیف، بر تصویر کلی ثروت جهان در سال جاری رامی‌توان در نمودار زیر دید، که بزرگ‌ترین برنده‌ها یا سودبران از افزایش ثروت جهانی و بزرگ‌ترین بازنده‌ها یا زیان‌دگان را نشان می‌دهد. چین (۱٫۴ تریلیون دلار)، آلمان (۱٫۲ تریلیون دلار) و فرانسه (۱٫۱ تریلیون دلار) پس از آمریکا تنها کشورهایی هستند که بهره‌مندی‌شان از اوج گرفتن ثروت جهانی از یک تریلیون دلار آمریکا فراتر رفته است. ثروت کل در هشت کشور دیگر هم از ۲۰۰ میلیارد دلار بیش‌تر بوده است؛ ایتالیا، بریتانیا، اسپانیا، مکزیک، سوئد، هند، کره، و کانادا. افزایش قیمت دارایی و تحرک نسبتاً مطلوب یورو-دلار کشورهای حوزه‌ی اروپا را قادر ساخته‌است که بیش از نیمی از زیان هنگفت ثروت‌شان در ۱۲ ماه پیش از آن را باز یابند. بریتانیا، هند، و سوئیس هم توانسته‌اند بخش عمده‌ای از زیان‌های اخیر را جبران کنند.

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، ثروت خانوارهای جهان به ۵۱۶۰۰ دلار به‌ازای هر بزرگ‌سال رسیده است، که رکورد جدیدی محسوب می‌شود. این ارزش متوسط جهانی تفاوت‌های بسیار زیاد میان کشورها و مناطق جهان را از نظر پنهان می‌سازد؛ تفاوت‌هایی که در نقشه پیداست. ثروت‌مندترین کشورها، که ثروت سرانه‌ی بزرگ‌سال‌شان از ۱۰۰ هزار دلار بیش‌تر است، در امریکای شمالی، غرب اروپا و میان کشورهای ثروت‌مند آسیا و اقیانوسیه و خاورمیانه قرار گرفته‌اند. در صدر این کشورها هم سوئیس ایستاده‌است، که در سال ۲۰۱۱ نخستین کشوری لقب

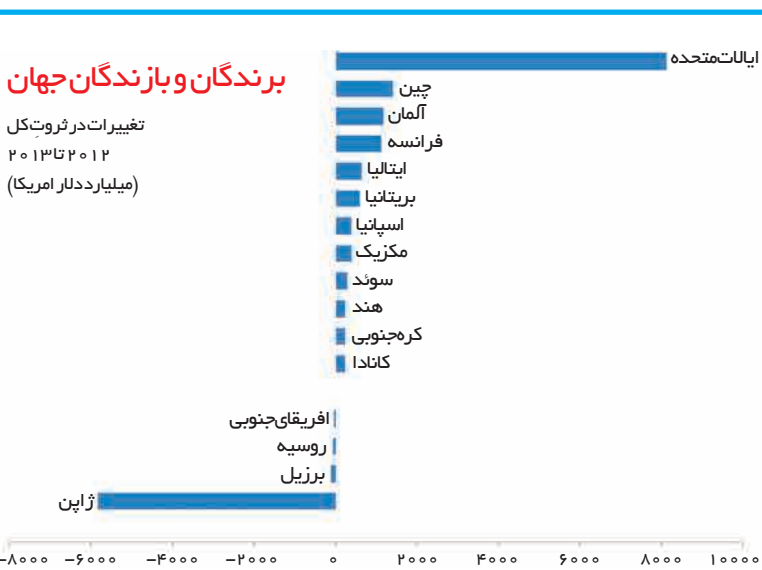
گرفت که ثروت متوسطش از ۵۰۰ هزار دلار آمریکا فراتر رفت اما در سال ۲۰۱۲ از این سطح پایین افتاد؛ لیکن افزایش در قیمت دارایی‌ها در سال جاری موجب شد که ثروت متوسط سوئیس بار دیگر به رکورد تازه‌ای در ۵۱۳ هزار دلار به‌ازای هر بزرگ‌سال برسد. استرالیا (۴۰۳ هزار دلار)، نروژ (۳۸۰ هزار دلار)، و لوکزامبورگ (۳۱۵ هزار دلار) همگی از افزایش در ثروت متوسط سرانه بزرگ‌سالان سود برده‌اند و جایگاه‌های به‌ترتیب دوم، سوم و چهارم خود در سال ۲۰۱۲ را بار دیگر به‌دست آوردند. ایالات متحده، سوئد، فرانسه، سنگاپور، بلژیک، و دانمارک هم با فاصله‌ای اندک در تعقیب این کشورها هستند، با ثروت متوسط سرانه‌ای از ۲۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار دلار. یک سال پیش، ژاپن در جدول به جایگاه چهارم صعود کرد، اما حالا تنزل رتبه یافته و دیگر در جمع ده کشور برتر نیست.

برای این که در بایم ثروت جهانی در میان خانوارها و مردم جهان توزیع شده‌است و نه در میان مناطق یا کشورها، داده‌های مان از سطح ثروت خانوارها در کشورهای جهان را با اطلاعات مربوط به الگوی توزیع ثروت در داخل کشورها ترکیب کرده‌ایم. تخمین ما برای نیمه ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که وقتی بدهی‌ها را از ثروت بکاهیم، یک بزرگ‌سال ۴۰۰۰ دلار دارایی لازم دارد تا وارد نیمه‌ی ثروت‌مند مردمان جهان شود. با این حال، همین بزرگ‌سال دست‌کم ۷۵ هزار دلار نیاز دارد که به جمع ۱۰ درصد بالای هر ثروت‌مندترین‌ها بپیوندد، و ۷۵۳ هزار دلار برای این که در جمع یک‌درصد بالایی بایستد. در مجموع، نیمه تحتانی جمعیت جهان کم‌تر از یک‌درصد از ثروت کل را در اختیار دارد. در تناقضی آشکار، ۱۰ درصد ثروت‌مند جهان ۸۶ درصد از ثروت جهان را در اختیار دارند، و یک‌درصد بالای هر م به‌تنهایی ۴۶ درصد از دارایی‌های جهان را صاحب هستند.



با وجود تداوم چالش‌هایی که در فضای اقتصاد جهان رخ نموده‌اند، در سال جاری فاکتورهای

زیرساختی عمدتاً در زمینه ثروت جهانی خانوارها مثبت بوده‌اند. تخمین ما برای کل جهان این است که ثروت جهانی در طول نیمه سال جاری ۴٫۹ درصد افزایش یافته است.



سبقت چین و هند

دو کشوری که می‌روند تا در آینده نزدیک از امریکا پیشی بگیرند

فولاد، که هر دو هندی هستند. چین و هند دو مورد از بزرگ‌ترین و پویاترین اقتصادها در جهان را تشکیل می‌دهند، که پیش‌بینی می‌شود هر دو با مجموع تولید ناخالص ملی در دهه‌های آینده امریکا را پشت سر بگذارند. در اینجا، نگاهی می‌اندازیم به این ثروتمندان چینی و هندی.

بسیار و شش در صد، یاد راست حدود یک سوم از بیشترین تعداد افراد قدرتمند جهان میلیارد در هستند. اکثر این اشخاص اهل امریکا هستند، هشت نفر از این فهرست اهل سرزمین هند و چین هستند، از جمله رابین لی، رئیس شرکت چینی جستجوی اینترنت بیدو، موکش آمبانی تاجر عمده نفت و لاکشمی میتال سلطان

۵ نفر برتر چین

۱. وانگ جیانلین

ثروت خالص: ۱۴/۱ میلیارد دلار

غول املاک و مستغلات، با ۷۱ مرکز خرید و ۴۰ هتل باب‌میل افراد سرشناس و نامدار از جمله لئوناردو دی کاپریو. او در سال ۲۰۱۲ به منظور کمک به راه‌اندازی هالیوود کوچک ۸ میلیارد دلاری در شهر ساحلی چینگدائو، مجموعه سینمای زنجیره‌ای ای.ام.سی. را به قیمت ۲/۶ میلیارد دلار خرید.

۲. زونگ چینگهو

۱۱/۲ میلیارد دلار

پادشاه نوشابه چین. شرکت او با نام واهاطی سال گذشته بیش از ۱۰ میلیارد دلار بطری آب، چای و ترکیبات دیگر به فروش رساند. این شرکت در ماه ژانویه قراردادی سه‌ساله امضاء کرد تا منجستریونایتد نخستین شریک رسمی نوشابه در چین شود.

۳. رابین لی

۱۱/۱ میلیارد دلار

مدیر عامل بزرگ‌ترین شرکت جستجوی آنلاین چین به نام بیدو، که در فهرست بورس نیویورک نیز حضور دارد. پس از امضاء قراردادهایی به هدف گسترش وسعت کسب‌وکار، سهام این شرکت به تازگی رو به افزایش رفته است. شرکت بیدو در ماه می مبلغ ۳۷۰ میلیون دلار بابت یک تجارت ویدئویی آنلاین پرداخت. شرکت مذکور در ماه آگوست فروشگاه اپلیکیشن «۹۱ وایپرس» را به قیمت ۱/۹ میلیارد دلار خرید.

۴. لی هجان

۱۰/۹ میلیارد دلار

پیشگام انرژی پاک چین، در زیر عنوان هانرچی هولدینگ، شرکت مذکور مالک بزرگ‌ترین ایستگاه خصوصی انرژی آبی به منظور تولید برق در جهان و بزرگ‌ترین سازنده صفحات نازک خورشیدی است. او پیش‌بینی می‌کند که در آینده بیش از نصف انرژی جهان از منابع تجدیدپذیر فراهم خواهد شد.

۵. ماهو ناتنگ

۱۰/۲ میلیارد دلار

او با نام «پونی» شناخته می‌شود و «تسننت» هولدینگ را رهبری می‌کند، یعنی یکی از سه شرکت عظیم اینترنت چین. بیشترین مقدار درآمد این شرکت از طریق بازی‌های آنلاین به دست می‌آید. مادر ماه سپتامبر با پرداخت ۴۴۸ میلیون دلار از ۳۶ درصد مبلغ سرمایه‌گذاری شده در سوگو، بخشی از ساهودات کام، وارد کسب‌وکار جستجوی آنلاین هم شد.

۵ نفر برتر هند

۱. موکش آمبانی

درآمد خالص: ۲۱ میلیارد دلار

ثروتمندترین فرد هند به مدت شش سال پیاپی بدون هیچ تغییری در طی سال گذشته. او طرح سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیارد دلاری در کسب‌وکار خود را در سه سال آینده برنامه‌ریزی می‌کند. در ماه آوریل سال ۲۰۱۴ برنامه این شرکت برای افزایش بهای گاز آغاز می‌شود اما این حرکت باعث جرقه اتهاماتی شد و گفتند که آن‌ها به این منظور عمداً قیمت‌ها را بالا بردند و تولید را کاهش دادند. شرکت، این اتهام را رد می‌کند اما طرح دعوا در دادگاه ادامه دارد.

۲. لاکشمی میتال

۱۶ میلیارد دلار

شرکت آرسلور میتال که به او تعلق دارد هنوز بزرگ‌ترین شرکت فولاد جهان است، اما کمر این شرکت زیر بار عرضه بیش از تقاضا و بدهی‌های سنگین خم شده است. (۱۶/۲ میلیارد دلار).

۳. دیلیپ شانگوی

۱۳/۹ میلیارد دلار

او با ارزش‌ترین شرکت دارویی هند به نام سان فارماستیکال را اداره می‌کند و تولیدکننده نسخه‌های تجاری داروهایی از جمله داروی درمانگر سرطان دوکسین جانسون است. کسب‌وکار صادرات او بیشتر از هر هندی دیگر از کاهش ارزش روپیه سود می‌برد که به افزایش ثروتش تا ۴/۷ میلیارد دلار در سال کمک می‌کند.

۴. عظیم پرماجی

۱۳/۸ میلیارد دلار

تایکون (غول بازرگانی) ثروتمندترین فن‌آوری هندی، هم‌زمان با بهبود اقتصاد ایالات متحده، رشد دو رقمی را برای شرکت بیرون سپاری کننده‌اش، پیش‌بینی می‌کند. او دولت را بابت لغزش اقتصادی هند مقصر می‌داند اما از طرحی برای افزایش مالیات ثروتمندان پشتیبانی کرد.

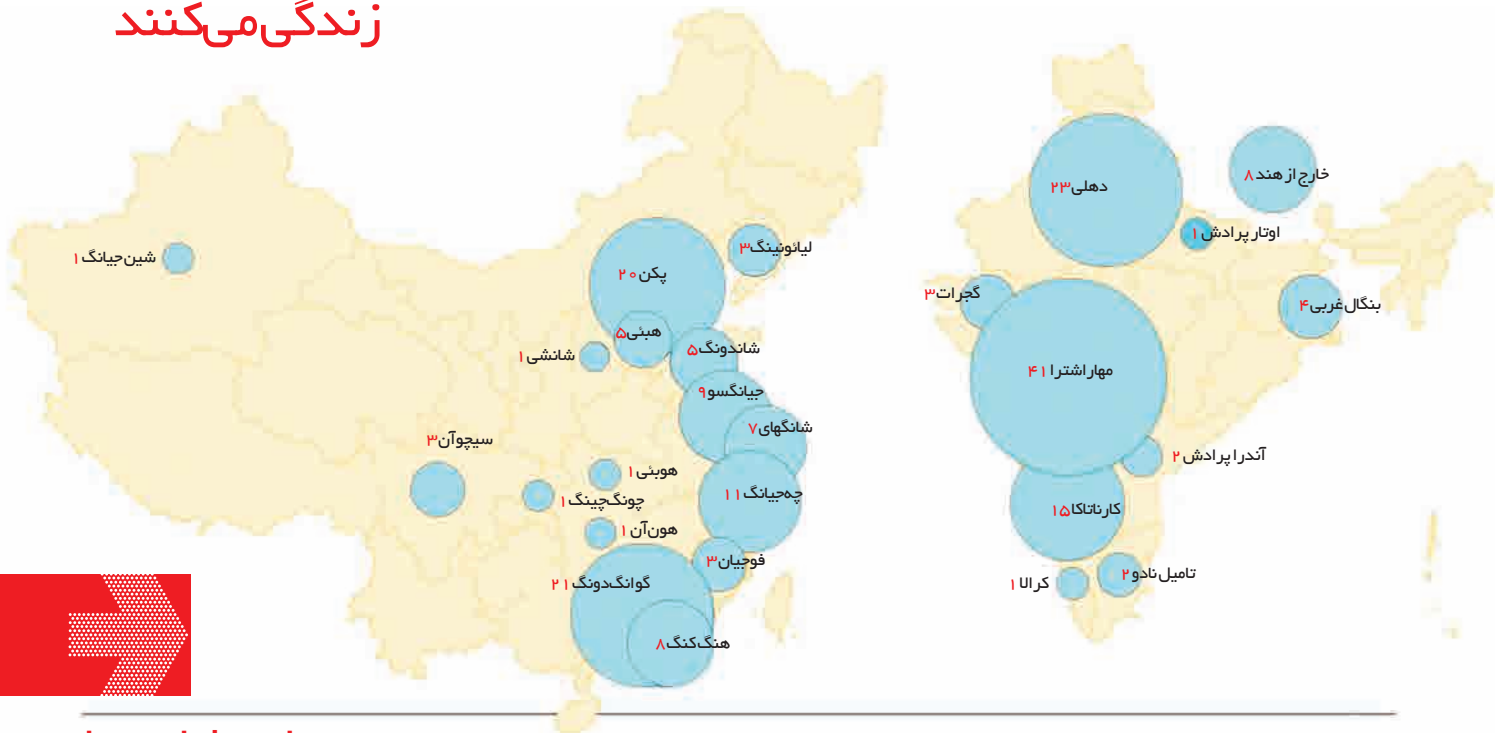
۵. بالونجی میستری

۱۲/۵ میلیارد دلار

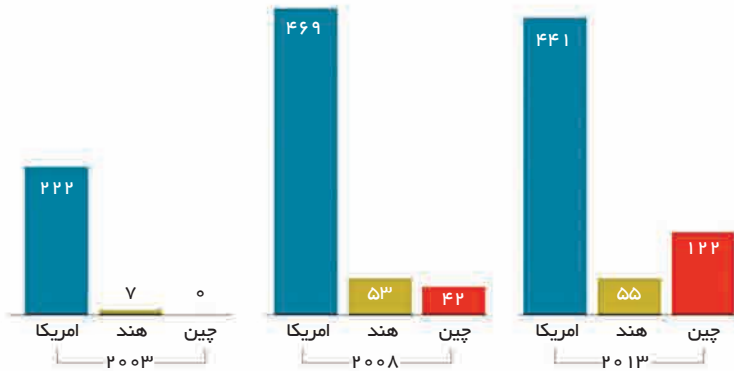
بیشترین مقدار ثروتش برآمده از ۱۸/۴ درصد سهامش است در شرکت صاحب سهم تاتا سونز. خدمات مشاوره تاتا با بهره‌گیری از رویه‌روبه‌افت و قراردادهای تازه، پس از IBM دومین شرکت ارزشمند خدمات IT در جهان شمرده می‌شود.



جایی که ثروت مندترین ها زندگی می کنند

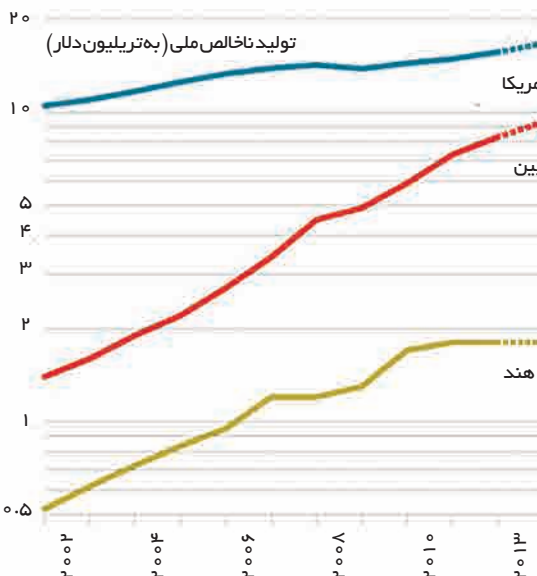


تمام میلیاردرها



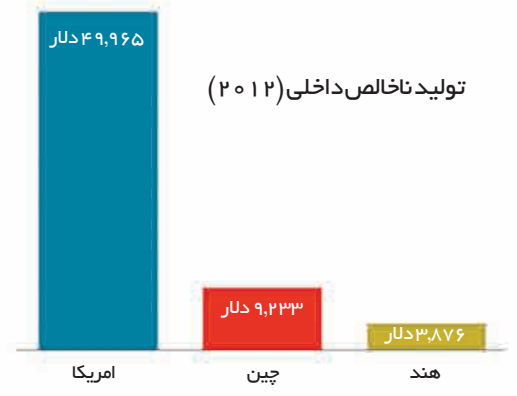
آسیا سبقت می گیرد

تسلط ایالات متحده آمریکا بر اقتصاد جهان و جایگاه ثروتش به گونه ای پایدار و دست نخورده باقی مانده است. اما چشم های بلند چین و به میزان کم تر، هند در همه چیز از نرخ تولید ناخالص داخلی گرفته تا شمار میلیاردرها اشاره به چشم اندازی رقابتی تر در سال های آینده دارد.



۱۰۰ مورد برتر

صنایع برتر	خودساخته
چین	چین
املاک و مستغلات	۹۹
تولید	هند
هند	۴۴
بهداشت و درمان	میانگین سنی
تولید	چین
۱۱	۵۲
کل ثروت خالص	هند
چین	۶۲
۳۱۶ میلیارد دلار	زیر ۵۰ سال
از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ درصد افزایش	چین
هند	۴۵
۲۵۹ میلیارد دلار	هند
از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ درصد افزایش	۱۲



به نوشتن ظاهر بر خیزید

توصیه‌هایی برای ظاهر مدیران

سر جیو مار کیونه: مدیر عامل فیات و کرایسلر



جوزف ابود: این طراح برند و کار آفرین، پیش از انجام فعالیت به عنوان مدیر طراحی پوشاک مردانه در شرکت «رالف لارن» کار خود را در فروشگاه لباس «لوییستون» آغاز کرد. او در سال ۱۹۸۷ تولیداتش را با نام تجاری هم نام خود وارد بازار کرد و هم اکنون مدیر ارشد هنری فروشگاه لباس مردانه Men's Wearhouse در آمریکا است.



کتی ایرلند: این بانوی سرشناس مدیر اجرایی و طراح ارشد شرکت پر آوازه طراحی و تجاری «کتی ایرلند» است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. نام وی در میان ۵۰ نفر مهم و تأثیرگذار در صنعت مد و لباس ثبت شده است.

نظر نهایی:

جوزف ابود: نکته جالب توجه این است که ما برای شخصیتی ایتالیایی، ظاهری واقعاً ایتالیایی ساخته ایم، که هم امروزی و هم برآزنده است. کتی ایرلند: یک دست لباس خوب برای مدیر برجسته‌ای که مشخصاً آرام، با اعتماد به نفس، و پرکار است.

قبل



بعد



عینک

کتی ایرلند: عینک زیبایی که برای چهره‌اش مناسب است و باموی براق و نقره‌ای رنگ او تضاد جذابی ایجاد می‌کند.

جوزف ابود: عینک جدید کمی شبکتر است.

کت

جوزف ابود: این کت اسپورت یا شانه افتاده زیبایی که در دگران قیمت به نظر می‌رسد و من رنگ مات دکمه‌های فلزی‌اش را دوست دارم.

بلوز

کتی ایرلند: این بلوز نازک و هماهنگ با زمینه خاکستری کت و شلوار و پیراهن، ظاهری خوش‌مشرب و کارگرفته به او می‌دهد.

پلیور

جوزف ابود: او با این پلیور شلخته به نظر می‌رسد. لباس‌های بیش از حد تنگ ظاهر خوبی ندارند، اما به هر حال لباس‌های کیپ و کمی تنگ‌شمارا بهتر به عنوان یک مدیر محکم و با استقامت نشان می‌دهد.

کتی ایرلند: آن پلیور بدقواره به چته او نمی‌آید.

شلوار

جوزف ابود: این شلوار بیش از اندازه گشاد است و رنگ سرهای آن به لباسی که بر تن دارد نمی‌خورد.

اریک لکوفسکی: مدیر عامل واز بنیانگذاران گروپ آن

نظر نهایی:

جوزف ابود: به جای ظاهری شلخته، با این لباس غیر رسمی جمع و جور، شخصیتی بین‌المللی به نظر می‌آید. کتی ایرلند: حالا شاهد یک تاجر موفق و با اعتماد به نفس هستیم.

قبل



بعد



لباس‌ها

جوزف ابود: او دریافته است که لباس غیر رسمی نباید خیلی نامرتب باشد.

کتی ایرلند: ترکیب کاپشن و شلوار مشکلی با بلوز آبی رنگ، دارد می‌گوید: «برای کار آماده‌ام».

پیراهن

جوزف ابود: بقیه پیراهن، او را قد بلندتر و با جاذبه نشان می‌دهد. به این ترتیب زیباتر و کمی سنگین‌تر به نظر می‌رسد. افتاده‌زیبایی که در دگران قیمت به نظر می‌رسد و من رنگ مات دکمه‌های فلزی‌اش را دوست دارم.

کیف

کتی ایرلند: کیف سفری مدیر عامل ما را فعال و آسوده و شیک نشان می‌دهد.

عینک

کتی ایرلند: این عینک، با فریم کوچک و شیشه آبی رنگ، از مد افتاده است و در کل جذابیتی ندارد.

کوله پشتی

جوزف ابود: با کیف کوله‌ای که بر دوش دارد اینگونه به نظر می‌رسد که دنبال خوابگاه دانشجویی می‌گردد.

پلیور و شلوار

جوزف ابود: اگر می‌خواهید چنین ته‌ریشی داشته باشید باید دقت کنید که با پوشیدن لباس‌های نامرتب شبیه‌ور شکسته‌ها نشوید.

کتی ایرلند: این پلیور و شلوار نه تنها غیر رسمی است بلکه شلخته هم هست.





بِسْمِ تَعَالَى

يَا مُجْمَلُ الْمُجْمَلِ مِنَ الْأَنْوَاعِ حَوْلَ حَالِنَا ابْنِ الْحَسَنِ الْمُحَالِ

با صمیمانه‌ترین تبریکات، فرارسیدن نوروز و سال نو را همراه با شادباش‌های نوروزی و آرزوی
بهر روزی و سالی سرشار از برکت و معنویت و نشاط برایتان آرزو مندیم.

یحیی آل‌اسحق

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

www.tccim.ir

